

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## فصلنامه مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس

سال سوم، شماره ۸، تیر - شهریور ۱۳۹۵

شماره شاپا: ۲۴۲۳-۲۵۸۷ / شماره مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۹۳-۵۹۴۸

- صاحب امتیاز: جهاد دانشگاهی
- مدیر مسئول: رحیم یعقوبزاده
- سردبیر: دکتر سعید پورعلی
- مدیر داخلی: محمدحسین جان بابانژاد
- ویراستار علمی: صدرا عمومی
- ویراستار انگلیسی: زهره ذولفقاری کندی
- طراح جلد: زینب یوسفی

### هیأت تحریریه:

- دکتر حمید احمدی (استاد دانشگاه تهران)
- دکتر محمدرضا رضوانی (استاد دانشگاه تهران)
- دکتر سیدسعید هاشمی (دانشیار دانشگاه علم و فرهنگ)
- دکتر سیدرضا صالحی امیری (دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات)
- دکتر ابراهیم حاجیان (دانشیار دانشگاه شاهد)
- دکتر حمید ضرغام بروجنی (دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی)
- دکتر غلامحیدر ابراهیم‌بای‌سلامی (دانشیار دانشگاه تهران)
- دکتر محمدحسین ایمانی خوشخو (دانشیار دانشگاه علم و فرهنگ)
- دکتر نصرالله پورمحمدی املشی (دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره))
- دکتر سعید پورعلی (استادیار جهاد دانشگاهی)
- دکتر علی اکبر هاشمی‌راد (استادیار دانشگاه علم و فرهنگ)
- دکتر منوچهر جهانیان (استادیار دانشگاه علم و فرهنگ)
- رحیم یعقوبزاده (مدرس دانشگاه علم و فرهنگ)
- دکتر محمدرضا پورعابدی (عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی)
- دکتر حیدر جانعلی زاده چوبستی (استادیار دانشگاه مازندران)
- دکتر شهرود امیرانتخابی (مدرس موسسه آموزش عالی علمی کاربردی میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری)

نشانی فصلنامه: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۲،

طبقه دوم، مرکز گردشگری علمی - فرهنگی دانشجویان ایران

شماره تماس: ۶۶ ۴۹ ۱۲ ۲۲ و ۶۶ ۴۹ ۱۱ ۳۶ - نمابر: ۶۶ ۴۹ ۱۵ ۸۶

نشانی سایت: [www.istta.ir](http://www.istta.ir) پست الکترونیک: [persiangulf-journal@istta.ir](mailto:persiangulf-journal@istta.ir)

### داوران این شماره:

- دکتړ سعید پورعلی
- دکتړ علی اشرف نظری
- دکتړ یوسف اشرفی
- دکتړ وحید کیانی
- دکتړ حسن علی احمدی فشارکی
- دکتړ شهروډ امیرانتخابی
- دکتړ اسماعیل شیرعلی
- رحیم یعقوبزاده
- دکتړ حمید صابر فرزام
- صدرا عمویی
- محمدحسین جان بابانژاد

## شرایط پذیرش مقاله و شیوه‌نامه تهیه مقالات

فصلنامه "مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس" مباحث نظری و کاربردی و نیز پژوهش‌های اصیل در حوزه مباحث مربوط به فرهنگ و سیاست در گستره خلیج فارس را به چاپ می‌رساند. خواهشمند است حتماً پیش از تهیه و ارسال مقاله، مطالب مربوط به "راهنمای نویسندگان" و "راهنمای تدوین مقاله" را به صورت دقیق مطالعه کرده و موارد ذکر شده را رعایت نمایید.

### راهنمای نویسندگان:

- مقاله باید حاوی موضوع تازه و حاصل مطالعات پژوهشی نویسنده یا نویسندگان بوده و در نشریه دیگری منتشر نشده باشد و مادامی که داور آن در این مجله به پایان نرسیده است به مجله دیگری ارسال نشود.
- نویسنده یا نویسندگان مقالات حتماً باید فرم تعهدنامه فصلنامه را امضاء نمایند.
- در صورت عدم رعایت شیوه‌نامه فصلنامه، مقاله مورد "بازبینی اولیه" قرار نمی‌گیرد.
- یادداشت یا مقاله کوتاه علمی پذیرفته نمی‌شود.
- در مقالاتی که بیش از یک نویسنده دارند، نویسندگان باید یک نفر را به عنوان نویسنده عهده‌دار مکاتبات مشخص نمایند.
- ویراستار مجله در ویرایش ادبی و فنی مقاله بدون تغییر محتوای آن آزاد است.
- دفتر فصلنامه در ویراستاری، چاپ یا عدم چاپ مقالات آزاد است و چاپ مقاله منوط به تأیید نهایی هیئت داوران است.

### راهنمای تدوین مقاله:

#### الف) کلیت

- مقاله باید به ترتیب شامل "عنوان"، "نام کامل نویسنده یا نویسندگان همراه با وابستگی سازمانی به فارسی و انگلیسی، نشانی کامل، شماره تلفن، نمابر و نشانی پست الکترونیکی"، "چکیده"، "واژه‌های کلیدی"، "مقدمه"، "پیکره اصلی مقاله (شامل مبانی نظری، روش تحقیق، بحث و یافته‌ها)", "نتیجه‌گیری" و "فهرست منابع" باشد.
- عنوان مقاله باید کوتاه و از محتوای مقاله برگرفته شده و به سهولت برای خواننده قابل درک باشد. در عنوان مقاله و چکیده به‌جز در موارد مقیاس‌های استاندارد از کلمات اختصاری استفاده نشود.

- چکیده فارسی در یک پاراگراف و باید تصویری کلی از مقاله را در ۱۵۰ تا ۲۵۰ واژه در اختیار خواننده قرار دهد. چکیده باید بیان‌گر مسئله، هدف، روش و نتایج تحقیق باشد. در پایین چکیده، واژه‌های کلیدی ذکر گردد. در این بخش، حداقل سه و حداکثر هفت کلمه کلیدی نوشته شود.
- چکیده فارسی و انگلیسی در دو برگه جداگانه به ترتیب در ابتدا و انتهای مقاله ارائه گردد.
- مقدمه مقاله ترجیحاً باید شامل موضوع مقاله، پیشینه تحقیق و نماینده تصویری کلی از ساختار مقاله باشد.
- زیر بخش‌های هر مقاله نباید از سه لایه که بیان‌گر زیر بخشی از بخش اصلی مقاله است، تجاوز کند.
- چنانچه نویسنده یا نویسندگان در تهیه مقاله از منابع مالی سازمان و یا نهادهای خاصی استفاده کرده‌اند و یا قصد تشکر و قدردانی از کسانی را دارند که در نگارش مقاله از آنان یاری گرفته‌اند، باید در اولین پانوشت بدون شماره به این مطلب اشاره نمایند.
- در آخرین صفحه هر مقاله باید عنوان، چکیده و کلمات کلیدی به زبان انگلیسی ارائه شود و چکیده حداکثر ۲۵۰ کلمه باشد. چکیده انگلیسی ترجمه کامل و صحیح چکیده فارسی باشد و در صورت تغییر و بازنگری چکیده فارسی، تغییرات در چکیده انگلیسی نیز اعمال شود. تاریخ‌های مورد اشاره در چکیده انگلیسی باید به میلادی تبدیل شوند. کلمات کلیدی انگلیسی عیناً ترجمه کلمات کلیدی فارسی و حرف اول کلمات با حرف بزرگ باشد.
- حجم مقاله با احتساب تمام اجزاء آن نباید بیشتر از ۲۰ صفحه باشد.

### (ب) نگارش

- در نگارش مقاله تا حد امکان از به کار بردن واژه‌های بیگانه پرهیز شود و استفاده از واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی توصیه می‌شود.
- معادل لاتین واژه‌های تخصصی مهم و نام افراد کمتر شناخته شده به صورت پانوشت درج شود. به جز اسامی خاص، سایر پانوشت‌های لاتین با حرف کوچک آغاز شود.
- کلیه مثال‌ها، نمودارها و تصاویر باید دارای شماره پیاپی باشد.
- در متن مقاله، اعداد صفر تا نه به "حروف" و اعداد ۱۰ به بالا به "عدد" نوشته شود (به استثنای اعداد داخل جدول‌ها، شکل‌ها و شماره ارجاعات ارائه شده در پایان جمله و شماره گذاری فرمول‌ها).

- پانوشتها زمانی در مقاله نگاشته شود که نویسنده می‌خواهد مطلبی را توضیح دهد. شماره پانوشتها در هر صفحه با یک شماره شروع می‌شود. لازم به ذکر است از افراط در ارائه پانوشت اجتناب شود.
- فرمت جدولها از نوع راست به چپ باشد.
- کادر اطراف نمودارها حذف شود.
- میان کلمه و نقطه (.) کاما (،)، علامت سوال (؟) و پرانتز ( ) فاصله نباشد و بعد از این علامتها یک فاصله (Space) درج گردد.
- ابتدای هر پاراگراف به صورت تورفته (Indent) به میزان ۰/۵ سانتی‌متر باشد.
- عنوان هر بخش اصلی و زیربخشها باید با یک سطر سفید از یکدیگر، جدا و سیاه (بولد) نوشته شوند. سطر اول ذیل هر زیر بخش، باید تورفتگی داشته باشد.
- "تاریخها" در چکیده فارسی، متن مقاله، جدولها و شکلها به شمسی و فقط در چکیده انگلیسی به میلادی ارائه شود.
- در صورت استفاده از اختصارات ناآشنا، فهرست آنها قبل از اولین کاربرد در پانوشت ذکر شود.
- در تهیه نمودارهای درختی و امثال آن از ابزارهای Draw، Table و Equation در محیط Word استفاده شود تا تنظیم آنها در نسخه نهایی مشکلی به وجود نیاید.
- کلیه بخشهای مقاله به ابعاد ۲۱ × ۲۹/۷ سانتی‌متر (A4) و با فاصله خطوط یک (Single) با نرم‌افزار Microsoft Word 2007 تهیه گردد.
- برای توضیح موارد مبهم یا ذکر عبارات مکمل از پرانتز باز و بسته ( ) استفاده می‌شود.
- نمودارها و تصاویر مقاله باید واضح باشند و دارای انسجام و وحدت بصری بوده و اعداد و ارقام جداول و نمودارها به زبان فارسی باشد.

#### ج) فونت‌ها:

- فونت قلم عنوان: BTitr 12
- فونت قلم کلمه "چکیده": B Nazanin Bold 11
- فونت قلم عبارت "کلمات کلیدی": B Nazanin Bold 11
- فونت قلم متن چکیده فارسی: B Nazanin 11
- فونت قلم متن فارسی: B Nazanin 12 و متن انگلیسی: Times New Roman 11

- فونت قلم عنوان بخشهای مختلف مقاله (نظیر "مقدمه"، "نتایج و بحث" و "منابع"): B Nazanin Bold 12
- فونت قلم عناوین جدولها و شکلها: B Nazanin 11 (وسط چین)
- فونت قلم مطالب داخل جدولها و شکلها: B Nazanin 10
- فونت قلم منابع فارسی: B Nazanin 11
- فونت قلم منابع انگلیسی: Times New Roman 10
- فونت قلم "عنوان" در چکیده انگلیسی: Times New Roman Bold 11 (وسط چین)
- فونت قلم کلمه Abstract در چکیده انگلیسی: Times New Roman Bold 10
- فونت قلم متن چکیده انگلیسی: Times New Roman 10
- فونت قلم زیرنویس فارسی: B Nazanin 10 و انگلیسی: Times New Roman 9

#### د) ارجاعات

- منابع انتهای مقاله به تفکیک منابع فارسی و غیرفارسی به صورت الفبایی آورده می‌شود.
- نحوه ارجاع باید به صورت درون‌متنی بوده و در انتهای نقل‌قول‌های مستقیم و غیرمستقیم برای ارجاع، نام مؤلف و سال انتشار اثر در داخل پرانتز و صفحه‌ خاصی از اثر مورد اشاره، پس از علامت دو نقطه (: ) می‌آید. برای نمونه: (زرین کوب، ۱۳۸۵: ۳۲).
- برای ارجاع "کتاب" در پایان:
- به ترتیب نام خانوادگی نویسنده یا ویراستار، نام نویسنده یا ویراستار، (سال انتشار کتاب)، عنوان کامل کتاب (به صورت ایرانیک)، (نام و نام خانوادگی مترجم یا مصحح در صورت وجود)، محل نشر: نام ناشر. جلد.
- مانند: سعیدی‌نیا، حبیب‌الله، (۱۳۸۹)، گمرک بوشهر و نقش آن در تجارت خلیج فارس در دوره قاجار، بوشهر: دانشگاه خلیج فارس.

نمونه برای اثر ترجمه شده:

- ویلسون، آرنولد تالبوت، (۱۳۱۰)، خلیج فارس: مجموعه وقایع تاریخی و گزارش نظامی خلیج از قدیمترین ازمه تا اوایل قرن بیستم، ترجمه محمد سعیدی، تهران: فرهومند.

نمونه برای اثر تصحیح شده:

- سدیدالسلطنه، محمدعلی، (۱۳۶۳)، بندرعباس و خلیج فارس (اعلام الناس فی احوال بندرعباس)، به تصحیح احمد اقتداری، تهران: دنیای کتاب.



نمونه برای اثری که توسط یک مرکز یا نهاد چاپ شده است:  
مرکز تحقیقات و توسعه ماهیگیری خلیج فارس، (۱۳۸۰)، طرح یک نطقه‌ای بررسی و توسعه ماهیگیری خلیج فارس، بوشهر: موسسه تحقیقات علمی و فنی ماهیگیری دریائی، مرکز تحقیقات و توسعه ماهیگیری خلیج فارس.  
نمونه برای اثر به زبان انگلیسی:

Somovar, Lary & Richard E. Porter, (1995), Communication Between Cultures, Usa, Wadsworth.

- برای ارجاع "مقاله" در پایان مقاله به ترتیب نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، (سال چاپ نشریه)، «عنوان مقاله»، نام نشریه (به صورت ایرانیک)، سال (س)، شماره (ش)، فصل (در صورت وجود می‌توان فصل پاییز، زمستان و... را آورد)، صفحه (ص) یا صفحات (صص).  
مانند: پیشگاهی‌فرد، زهرا و زارع گاریزی، افسر، (۱۳۸۲)، «ژئوپلی نومی خلیج فارس و استراتژی‌های اقتصادی چین و ژاپن»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، س ۶، ش ۴۶، صص ۳۹-۴۸.

نمونه برای شرح مقاله‌ای از دایره‌المعارف: احمدی، محسن، (۱۳۷۰)، «بندر عباس»، در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، تهران: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.

- نمونه برای شرح مآخذ پایانی منابعی که از پایان نامه گرفته شده است به ترتیب نام خانوادگی، نام، (سال تحصیلی که رساله دفاع شده است)، عنوان کامل رساله، نام استاد راهنما و مشاور یا مشاوران، شهر محل استقرار دانشکده یا دانشگاه: نام دانشگاه، (منتشر نشده).

مانند: نوریان، ترانه، (۱۳۸۶)، نقش امریکا در امنیت منطقه خلیج فارس در دهه ۱۹۷۰، استاد راهنما مهدی اشرافی، استاد مشاور علیرضا ازغندی، تهران: دانشگاه شهیدبهشتی (دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی)، (منتشر نشده).

- شیوه شرح مآخذ پایانی برای مطالبی که از سایت‌های اینترنتی نقل شده است: به صورت: نام خانوادگی، نام، (سال نگارش)، نام سایت، (تاریخ آخرین بازنگری در سایت)، آدرس سایت در میان نشانه مقابل < > قرار می‌گیرد.

نمونه: نادری، احمد، (۱۳۸۴)، «ملی‌گرایی عربی و موانع فرهنگی تحقق اتحادیه خلیج فارس»، انسان‌شناسی و فرهنگ، (آخرین بازنگری ۲۴ خرداد ۱۳۹۳)، < www. Anthropology. ir >

## «فهرست مقالات»

- تأثیر مناطق نمونه گردشگری در محرومیت‌زدایی از دیدگاه اجتماعات محلی (مطالعه موردی: جزیره میرمهنّا در خلیج فارس) / شروین مستغاثی، حمید نظری سرمازه، مریم عاجی ..... ۹
- نقش گردشگری در توسعه اقتصادی، اشتغال و محرومیت‌زدایی در سواحل و جزایر خلیج فارس (مطالعه موردی: منطقه آزاد قشم) / نرگس شالچیان رابع ..... ۳۳
- بررسی و تعیین تورها و مسیرهای گردشگری دریایی در جزایر خلیج فارس / حسن اروجی، دکتر کرامت‌الله زیاری، فهمیه طوافی، نگین شکروی، محمد علیزاده، شبنم بدیعی ..... ۶۵
- بررسی تأثیر جهانی‌شدن بر فرهنگ سیاسی زنان کشورهای حوزه خلیج فارس (مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی) / الهام پهلوانی، محمود گلستانی ..... ۸۷
- نگاهی نو به مطالعات آب و هواشناسی گردشگری (مطالعه موردی: نواحی ساحلی جنوب ایران) / محمد سعید نجفی، پریسا شعبانی ..... ۱۳۹
- پیامدهای انباشتگی پلاستیکی در دریاها و اقیانوس‌ها بر روی موجودات دریایی - اقیانوسی و در سطح سلولی / دکتر مهران صفایی ..... ۱۵۹
- مناطق آزاد تجاری و صنعتی و تأثیر آن بر توسعه منطقه خلیج فارس / سید علی‌اکبر هاشمی‌راد ..... ۱۶۹

## تأثیر مناطق نمونه گردشگری در محرومیت‌زدایی از دیدگاه اجتماعات محلی (مطالعه موردی: جزیره میرمُهنّا در خلیج فارس)

شروین مستغانی<sup>۱</sup>، حمید نظری سرمازه<sup>۲</sup>، مریم عاجی<sup>۳</sup>

### چکیده

گردشگری به عنوان بزرگترین و پیچیده‌ترین صنعت دنیا به شمار می‌رود. تنوع ابعاد و پیچیدگی‌های صنعت گردشگری متناسب با مناطق جغرافیایی، زمینه‌های ویژه‌ای برای برنامه‌ریزی و مدیریت گردشگری می‌طلبد. در مناطقی که پتانسیل‌های بالقوه فراوانی برای توسعه صنعت گردشگری دارند، اما روند مطلوبی را طی ننموده اند، باید به دنبال عوامل و عناصری گشت که سبب سرعت بخشیدن به حرکت کُند جریان گردشگری هستند. هر چند توسعه گردشگری در مناطق مختلف راه حل کلی برای همه مسائل نیست، راهبردهای نوینی پیش روی برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران مرتبط می‌گذارد که برای توسعه پایدار و کاهش محرومیت مناطق می‌تواند مؤثر باشد. براین اساس هدف مقاله، بررسی وضعیت مناطق نمونه گردشگری در جهت محرومیت‌زدایی از دیدگاه اجتماعات محلی است؛ به گونه‌ای که سبب توسعه گردشگری و افزایش اشتغال محلی با شیوه‌های مشارکتی گردد. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر اطلاعات اسنادی و کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی است. مطالعه موردی شامل منطقه نمونه گردشگری جزیره میرمُهنّا است. داده‌ها و اطلاعات به طرق مختلف مراجعه به سازمان‌ها و مراکز مرتبط و بررسی‌های پیمایشی و پرسشنامه جمع‌آوری شدند، با استفاده از شیوه ارزیابی مشارکتی (PRA) قابلیت‌ها و توانمندی‌های جزیره میرمُهنّا در زمینه ایجاد اشتغال و به تبع آن محرومیت‌زدایی مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفت. آثار مؤلفه‌های قابل انتظار در هفت گروه عمده و ۴۸ زیرگروه براساس جاذبه‌های گردشگری جزیره میرمُهنّا در جهت محرومیت‌زدایی از منطقه بندر ریگ بر اساس میانگین نمره (اهمیت)، وضعیت CPM مؤلفه‌ها، ظرفیت ایجاد شده در منطقه و میانگین کل ارزشیابی شدند. نتایج نشان می‌دهد، با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی و ظرفیت تحمل منطقه، ارزیابی CPM حکایت از غلبه همزمان فعالیت‌های بخش گردشگری در منطقه مبتنی بر الگوی زنجیره‌ای و منبع‌گرا بودن دارد.

کلیدواژگان: منطقه گردشگری، محرومیت‌زدایی، جزیره میرمُهنّا، PRA.

۱- نویسنده مسئول: کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی توریسم دانشگاه اصفهان، urbanplanning87@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان، hamidns67@yahoo.com

۳- کارشناس جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه یزد، aji556@yahoo.com

## ۱- مقدمه

## ۱-۱- طرح مسئله

گردشگری به عنوان بزرگترین صنعت خدماتی دنیا، نقش و جایگاه ویژه‌ای در توسعه مناطق جغرافیایی دارد. هنگامی که ابعاد و زمینه‌های مرتبط با گردشگری به خوبی شناخته گردد، به طور یقین در جهت توسعه واقعی مناطق جغرافیایی گام‌های علمی و اجرایی مطلوبتر برداشته خواهد شد. این وضعیت زمانی نمود بیشتر و عینی‌تری پیدا خواهد کرد که منطقه‌ای دارای پتانسیل‌های گردشگری متنوع و منحصر به فرد باشد و از طرفی، این وضعیت بتواند در محوریت‌زدایی منطقه مؤثر واقع گردد. امروزه، تجربیات نظری و اجرایی متعددی در سطح دنیا برای مطالعه، بررسی، برنامه‌ریزی و مدیریت مناطق گردشگری وجود دارد، که همگام با پیشرفت‌های فناوری روند صعودی دارند.

این رود صعودی و مسائل جهانمربط با پیچیدگی‌های صنعت گردشگری، سبب شده است که تکنیک‌ها و مدل‌های ترکیبی و جامع در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گیرند (Jerry Ho & al., 2010). با وجود تجربیات ارزشمند جهانی و شرایط جغرافیایی منطقه مورد مطالعه، تلاش شده است، متناسب با منابع و وضعیت‌ها، طرح تحقیق حاضر انجام و ارائه شود.

منطقه مورد مطالعه تحقیق حاضر، داری پتانسیل‌های بالقوه فراوارن گردشگری در ابعاد مختلف است. آنچه مهم به نظر می‌رسد، طرح موضوع با ویژگی‌ها و شرایط خاص منطقه است. بسیاری از مردم و مسوولان به نقش توسعه گردشگری در توانمندسازی اقتصادی اذعان دارند. اما به طور علمی ارزشیابی اثرات منطقه گردشگری جزیره میرمهنا با روش تکنیک علمی مناسب مورد نیاز است، که تحقیق حاضر نیز درصدد بررسی و تبیین این وضعیت با توجه نظریات مطرح، تکنیک‌ها و روش‌های موجود و وضعیت این منطقه است.

## ۱-۲- اهمیت و ضرورت

با توجه به این که تفکر ایجاد مناطق نمونه گردشگری شکل گرفته و یکی از راهکارهای رشد صنعت مذکور است، شناخت تأثیرات این گونه مناطق بر محوریت‌زدایی اجتماعات محلی، دارای اهمیت و ارزش ویژه‌ای است. علاوه بر آنکه تأثیر این گونه اقدامات تبعات مختلفی دارد، باید از طریق انتخاب الگوهای مناسب آثار آن را متناسب نمود؛ به طوری که منجر به توسعه پایدار منطقه و افزایش میزان اشتغال به واسطه تعاملات علمی و اجرایی در بخش گردشگری جزیره میرمهنا گردد.

## ۱-۳- اهداف

هدف تحقیق حاضر، شناخت ظرفیت‌های گردشگری جزیره میرمهنا و همچنین، تبیین ظرفیت تحمل و تأثیر مؤلفه‌های حاصل از اقدامات توسعه‌ای گردشگری بر محوریت‌زدایی در منطقه کمتر توسعه

یافته بندر ریگ است. همچنین به طور جزئی شناخت شیوه‌های مشارکتی در تعیین راهبردهای گردشگری، با توجه به مولفه‌های تاثیر گذار بر صنعت گردشگری جزیره میرمُهتّا مد نظر داشت.

#### ۱-۴- پیشینه پژوهش

##### ۱-۴-۱- سوابق ارزشیابی مشارکتی روستایی (pra)

خاستگاه pra (رابرت چمبرز) شیوه‌ای برای برنامه‌ریزی توسعه و روش بررسی و استنتاج مطابق با منابع متفاوت است (adebo 2000: 6)، که به سبب ویژگی شیوه مذکور، سوابق متعددی در زمینه کاربردی pra وجود دارد. نوری ضمن معرفی ویژگی‌های pra (نوری، ۱۳۸۰: ۱۲۳-۱۰۴)، از قابلیت‌های تکنیک یاد شده، در پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «ارزبایی عملکرد مجتمع‌های خدمات بهزیستی روستایی در رفاه اجتماعی روستاییان، مطالعه موردی: روستاهای کورده، امام تقی و دهشک شهرستان مشهد»، استفاده نمود. وی از نقشه کروکی در جهت افزایش میزان مشارکت و کسب اطلاعات لازم و همچنین اخذ ایده‌ها استفاده نمودند (نوری، ۱۳۸۰: ۳۲۹). همچنین، هدایتی از تکنیک مذکور در «طرح توسعه کالبدی روستای اورامان با استفاده از روش pra»، استفاده نمود. در پایان نامه هدایتی به طور جزئی‌تر از روش pra در جهت انجام مطلوب تحقیق استفاده گردید، شایان ذکر است، که تحقیق مذکور، جزو اولین فعالیت‌هایی است که به طور جامع بر مسائل توسعه کالبدی روستای اورامان با تاکید بر ابعاد مشارکتی پرداخته است (هدایتی، ۱۳۸۷: ۲۱۴).

این روش، همچنین در مناطق مرتفع مرکزی ویتنام برای ارزیابی وضعیت معیشتی کشاورزان فقیر، متوسط و خوب به کار رفته است و به این طریق، تفاوت بین خانواده‌ها، بویژه از نظر منابع انسانی، مالکیت زمین و دام شناسایی شده است. بر این اساس، در برنامه‌های توسعه، می‌توان، نیازهای گروه‌های فقیر بهتر تاکید نمود (cramb 2004).

صلیب سرخ جهانی در سپتامبر ۲۰۰۶ برای شناسایی بچه‌های معلول در روستای کیلیفی در کشور کنیا با استفاده از روش pra مطالعاتی انجام داده است. در این مطالعات بر روی شناسایی کمبودها، تشویق مردم محلی و همچنین مالکیت جامعه روستایی تاکید شده است. نتایج نشان داد، که علت ناتوانی در عدم فعالیت و محدودیت مشارکت، وابستگی روستاییان به اعتقادات سنتی و خرافاتی، ارواح خبیثه و مجازات‌هایی بود که از طرف خداوند نازل می‌شد، (gona 2006:12). شایان ذکر است که در دهه اخیر، مطابق منابع و محتوای تحقیقات انجام شده pra سیر تکاملی پیدا نموده است.

##### ۱-۴-۲- سوابق گردشگری

اولین قدم برای تدوین طرح جامع گردشگری در ایران، مربوط به سال‌های پیش از انقلاب در دهه ۱۳۵۰ش. برمی‌گردد (سینایی، ۱۳۸۲: ۵۶). پور کاظمی و رضایی در پی بررسی کارایی صنعت گردشگری با استفاده از روش‌های ناپارامتری (ایران و کشورهای منطقه) نشان دادند، که صنعت

گردشگری در کشورهای بحرین، ترکیه و سوریه، از بیشترین کارایی برخوردار بوده، متوسط کارایی تحت این فرض ۷۴ درصد است. صنعت گردشگری در کشورهای امارات متحده عربی و آذربایجان نیز به جمع کشورهای کارا می‌پیوندد، که متوسط کارایی تحت این فرض ۸۳/۳ درصد می‌گردد. در نهایت، با توجه به الگو بودن کشور ترکیه بر اساس یافته‌های تحقیق مذکور، می‌توان گفت کشورهای ناکارا به منظور افزایش کارایی باید صنعت گردشگری ترکیه را الگوی خود قرار دهند (پور کاظمی و رضایی، ۱۳۸۵: ۲۸۲).

کاستلانی و سال، در سال ۲۰۰۹، تحقیقی درباره «شاخص‌های پایداری» به منظور ارائه راهبردهای توسعه گردشگری انجام دادند. در این تحقیق نکته بارز، توجه به «شاخص‌های رفاهی در مقیاس‌های محلی» است (castellani and sala, 2009: 2).

از گردشگری به عنوان کاتالیزوری کارآمد برای بازسازی و توسعه اقتصادی و اجتماعی نواحی توسعه نیافته یاد شده است؛ به طوری که طی سال‌های اخیر در سراسر اروپا برای رفع چالش‌های اقتصادی و اجتماعی نواحی مختلف، گردشگری در کانون توجه قرار گرفته است. تفریح، تفرج و گشت و گذار، بدون شک یکی از راه‌های فرار از زندگی خسته کننده روزمره تلقی می‌شود. به دلایل فراوان، به نظر می‌رسد، که توسعه گشت و گذار در آینده همچنان ادامه خواهد داشت. در این میان، صنعت گردشگری به عنوان گسترده‌ترین صنعت خدماتی دنیا، جایگاه ویژه‌ای در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی و سیاسی به خود اختصاص داده است (ap & Crompton, 1998: 137) و بسیاری از کشورها از این رهیافت توانسته‌اند وضعیت خویش را تا حد قابل توجهی بهبود بخشیده، بر مشکلات اقتصادی خویش، از قبیل پایین بودن سطح درآمد سرانه، بیکاری و کمبود درآمدهای ارزی فایق آیند؛ بطوری که در حال حاضر سهم درآمدی حاصل از صنعت گردشگری حدود ۶ درصد از صادرات را تشکیل می‌دهد (صباغ کرمانی، ۱۳۷۵: ۲۲). درآمد ارزی حاصل از صنعت گردشگری روز به روز در حال افزایش است، به طوری که درآمدهای حاصل از این صنعت نسبت به دهه ۶۰ میلادی بیش از چهار برابر شده است (موسایی، ۱۳۷۸: ۴) و در دهه گذشته به ۱۰ درصد درآمد جهانی رسیده و نزدیک به ۲۰۴ میلیون شغل ایجاد نموده است (brunt and hambly, 1990: 25). سوابق نشان می‌دهد، توجه به صنعت گردشگری و روند رشد و توسعه مطالعات و به کارگیری تکنیک‌های جدید سیر صعودی دارند.

#### ۱-۵- سوال و فرضیه تحقیق

با توجه به مسائل مطرح شده و اهداف تحقیق، سوال تحقیق به صورت زیر مطرح می‌شود:

- منطقه گردشگری جزیره میر مهنّا دارای چه ظرفیت‌هایی است و مؤلفه‌های قابل انتظار مؤثر بر محرومیت‌زدایی با روش PRA در منطقه مذکور در چه وضعیتی هستند؟

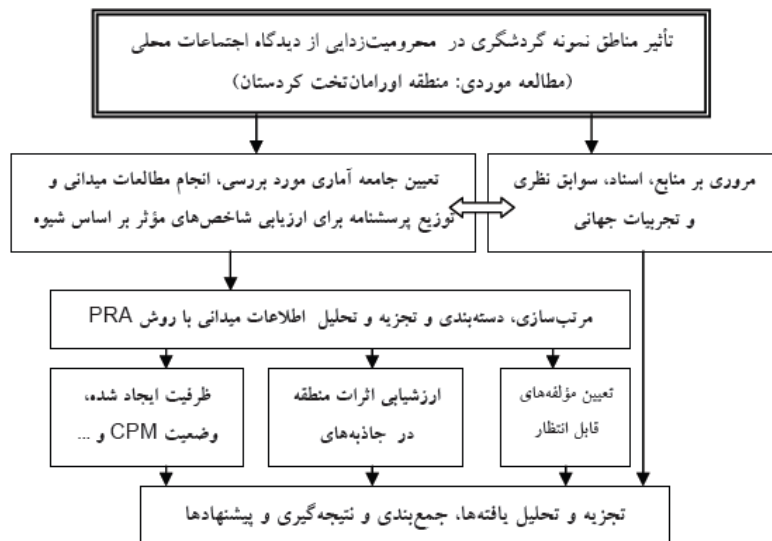
در راستای سؤال تحقیق، فرضیه به صورت زیر مطرح می‌شود:

- با توجه به این که منطقه نمونه گردشگری جزیره میر مهنّا دارای ظرفیت‌های مناسبی از نظر گردشگری است، با این وضعیت، بر اساس شاخص‌های قابل انتظار مؤثر بر محرومیت‌زدایی، اقدامات چشمگیری صورت نگرفته است.

### ۱-۶- روش تحقیق و مراحل آن

روش تحقیق توصیفی تحلیلی و مبتنی بر مطالعات اسنادی، کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی است، که با استفاده از ابزار پرسشنامه، داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شدند و بر اساس روش PRA مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در این راستا، جامعه آماری تحقیق، شامل همه مشوولان، ریش سفیدان، نخبگان و افراد مؤثر بر توسعه منطقه هستند، تعداد ۳۰۰ نفر هستند. شیوه به کار رفته در این پژوهش مبتنی بر PRA است. PRA تحقیق حاضر بر اساس تحلیل ماتریس ارزشیابی آثار منطقه جزیره میر مهنّا و با توجه به مولفه‌های قابل انتظار تجزیه و تحلیل شده و متغیرهای آن شامل طیف بندی با مقیاس ۱۰۰، بر اساس بهره‌گیری از نظرات مردم مبتنی بر روش PRA بوده است، که در رابطه با تعیین CPM (critical path method) استفاده شده است؛ شکل شماره (۱) مدل مفهومی مراحل تحقیق را نشان می‌دهد.

شکل شماره (۱): مدل مفهومی مراحل تحقیق



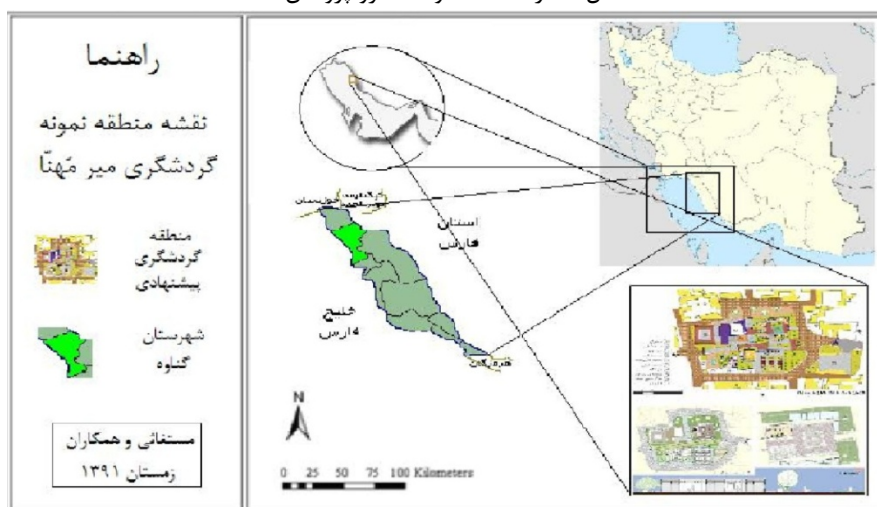
منبع: نگارندگان

متغیرهای پژوهش، شامل ابعاد قابل شناسایی در سه زمینه محیطی، اقتصادی و اجتماعی مرتبط با محرومیت‌زدایی است، که به طور تفصیلی‌تر در جدول (۵) آمده‌اند. آثار مؤلفه‌های قابل انتظار در هفت گروه عمده و ۴۸ زیر گروه بر اساس جاذبه‌های گردشگری منطقه جزیره میر مهنّا در جهت محرومیت‌زایی بر اساس مسانگین نمره (اهمیت)، وضعیت cpm مؤلفه‌ها، ظرفیت ایجاد شده در منطقه و میانگین کل ارزشیابی شدند.

### ۷-۱- محدوده و قلمرو پژوهش

منطقه نمونه گردشگری جزیره میر مهنّا از جزیره‌های غیرمسکونی ایراندر خلیج فارس می‌باشد که در برابر کرانه‌های جنوبی بندر ریگوبا عرض ۲۹٫۵ درجه شمالی و طول ۵۰٫۶ درجه شرقی واقع شده است. بندر ریگ حدود ۱۵۵ کیلومتری شمال بندربوشهر، حدود پانزده کیلومتری جنوب شرقی بندرگناوه و حدود سی کیلومتری جزیره خارک، در کنار یکی از خورهای خلیج فارس واقع است. این بندر مرکز بخش ریگ، از بخشهای شهرستان گناوه در استان بوشهر است. ارتفاع آن از سطح دریا یک تا دو متر است. بر اساس آخرین سرشماری جمعیت شهرستان گناوه معادل ۹۰۴۹۳ نفر بوده که از میان کمی بیش از ۱۱ هزار نفر ساکن بخش ریگ هستند.

شکل شماره (۱): محدوده قلمرو پژوهش



منبع: نگارندگان

منطقه نمونه گردشگری جزیره میر مهنّا دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است، که تا به حال کمتر شناسایی و بهره‌گیری شده است. با اهمّ آن‌ها در زیر ذکر می‌شود: چشم انداز طبیعت، سواحل زیبای ماسه‌ای، کنار و مجسمه میر مهنّا، آثار به جا مانده از هلندیان، قدمگاه امیرالمؤمنین و ...



## ۲- مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری

### ۲-۱- تعاریف و مفاهیم

#### ۲-۱-۱- ارزیابی مشارکتی روستایی (PRA)

«ارزشیابی مشارکتی روستایی» یا به عبارتی PRA تکنیکی است که برای جمع‌آوری اطلاعات بر مبنای اطلاعات جامعه و نیازهایشان برای استفاده در برنامه‌های توسعه جامعه و سوادآموزی به کار می‌رود. روش PRA می‌تواند فهم روستاییان را در درک مشکلات و فرصت‌های خود افزایش دهد و کنترل آنها را بر انتخاب‌ها و برنامه‌هایشان افزایش داده، فرآیندی را آغاز کند که می‌تواند از طریق اجرای برنامه یا مدیریت ابتکارات محلی و حداقل نظارت اجتماع بر طرح‌های دولتی ادامه یابد (Heaver, 1992: 65).

روش ارزیابی مشارکتی روستایی منابع بسیاری دارد. سهل‌الوصول‌ترین منبع آن ارزیابی سریع روستایی است، که از آن نشأت گرفته است. ارزیابی سریع روستایی نیز خود در دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ به عنوان پاسخی به مشاهدات مغرضانه از توسعه گردشگری روستایی (بازدید کوتاه از مناطق روستایی توسط متخصصان شهری) و بسیاری از نواقص و هزینه‌های کلان روش‌های آمارگیری پرسشنامه‌ای مطرح شد (Caruthers & Chambers, 1989: 407).

#### • مفاهیم اصلی PRA

توانمندسازی: دانش قدرت است. دانش از فرآیندها و نیایج تحقیقات برمی‌خیزد و باید در اختیار مردم محلی قرار گیرد. پس انحصار اطلاعات که برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی ضروری است، باید شکسته شود و اطمینان در مردم محلی ایجاد شود تا بتوانند تجدید قوا کنند.

تغییر جهت: فرآیند PRA جهت محققان را به آموزشگر و شنوندگان را به تفکر و مقدمات محلی تغییر می‌دهد. محققان باید روش جدیدی بیاموزند. محققان باید از نگرش مبتکرانه‌ای که مردم محلی را ناتوان می‌داند، دور شوند.

محلی کردن: استفاده وسیع از امکانات محلی، مشارکت فعال، تشویق مردم بومی در سهیم شدن در ارزیابی و احساس لذت و شادمانی از ارزشیابی PRA که باید جذاب باشد. تأکید در این رهیافت بر فرآیند است، نه سرعت.

جامعیت: افزایش حساسیت با توجه به فرآیند، شامل گروه‌های حاشیه‌ای و بومیان پیشرو، زنان، بچه‌ها، پیران و بینوایان (www.sil.org).

#### • اصول PRA

اصول روش ارزیابی مشارکتی بیشتر استنتاجی است، تا استخراجی. این اصول با آزمودن شیوه‌ها، یافتن شیوه‌های کارآمد و ناکارآمد و طرح‌چرایی آن به دست آمده‌اند. متخصصان، اصول متفاوتی را

برای PRA بر خواهند شمرد، که در طول زمان تکامل یافته اند و مهم‌ترین آنها عبارتند از (Conway, 1988):

- یادگیری به همراه جامعه و در جامعه؛
- مشارکت از طریق مشاهده؛
- انعطاف پذیری و عدم تشریفات؛
- توالی (چیت سازان، ۱۳۷۹: ۸)؛
- تعادل بهینه
- تنوع جویی در جمع آوری اطلاعات (وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۸: ۲۱).

#### • ابزار و تکنیک‌های PRA

- مصاحبه نیمه سازمان یافته؛
  - مصاحبه با افراد آگاه و مطلع کلیدی؛
  - مشاهده مستقیم و سازمان یافته؛
  - ترسیم نقشه اجتماعی منطقه (هدایتی، ۱۳۸۷: ۶۱).
- ۲-۱-۱- منطقه یا مناطق نمونه گردشگری
- بر اساس تعریف، «منطقه یا مناطق نمونه گردشگری»، به محدوده‌هایی گفته می‌شود که در جوار جاذبه‌های تاریخی، فرهنگی، مذهبی، طبیعی و گردشگری کشور ایجاد می‌شود و بر اساس ظرفیت در چهار سطح بین المللی، ملی، استانی و محلی تعیین می‌گردند. هر منطقه دارای مراکز خدماتی، رفاهی، فرهنگی، گردشگری، از جمله واحدهای اقامتی، پذیرایی، خرید، تولید و عرضه صنایع دستی و فرهنگی، هنری، تفریحی، ورزشی، پارک‌ها و سایر خدمات گردشگری خواهد بود (سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، قوانین و مقررات مربوط به مناطق نمونه گردشگری، ۱۳۸۸: ماده ۱ و ماده ۲).

#### ۲-۲- دیدگاه‌ها و مبانی نظری

##### PRA-۱-۲-۲

دیدگاه‌ها و نظریات مشارکتی، اساساً در مباحث برنامه‌ریزی و مدیریتی به طور گسترده در سطح دنیا کمتر از نیم قرن است که به طور قابل ملاحظه‌ای مطرح شده است. همچنان که در قسمت‌های گذشته اشاره گردید، PRA شیوه‌ای مشارکتی است که نظریات برنامه‌ریزی از پایین به بالا را پوشش می‌دهد. چنانچه این شیوه متناسب با ویژگی‌های مناطق جغرافیایی به خوبی استفاده شود، احتمال خطا و لغزش در برنامه‌ها چه در سطح علمی و چه در سطح اجرایی کاهش

می‌یابد. گذر از نظریات و حصول موفقیت‌های اجرایی در کشورهای مختلف و به ویژه در مناطق در حال توسعه، نشانه تطابق دیدگاه‌ها و نظریات توسعه مشارکتی در پیش برد اهداف توسعه پایدار مناطق جغرافیایی است.

کاربرد PRA در مطالعات علمی و اجرایی، در بسیاری از کشورهای جهان به ویژه هند، بنگلادش، پاکستان، کانادا، نپال، نیجریه، بنگال، آفریقای جنوبی، سریلانکا، زیمبابوه و چین مرسوم و معمول شده است، به ویژه در عرصه روستایی به کارگیری رهیافت PRA در مطالعات، شیوه غالب و مورد استفاده کارگزاران و مصلحان توسعه روستایی شده است. متأسفانه در ایران، تعداد مطالعاتی که با استفاده از PRA انجام گرفته است، در مقایسه با پژوهش‌هایی که با روش پیمایشی صورت گرفته، بسیار اندک است. روش مذکور بر پایه مصاحبه و درگیر کردن مردم در فرآیند تولید راه حل‌هاست (رفعیان، توکلی و هودسنی، ۱۳۸۵: ۴۸).

#### ۲-۲-۲- چارچوب نظری توسعه گردشگری

گردشگری ماهیتاً پدیده‌ای فضایی (جغرافیایی) است و گروهی از مردم را شامل می‌شود که به منظور تفریح و گذران اوقات فراغت از وطن خود به مناطق و مکان‌های دیگر می‌روند. گردشگری نیز همانند بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، معادله‌ای دو سویه است. در یک سوی آن عرضه و در سوی دیگر آن تقاضا قرار دارد. تفاوت آن با فعالیت‌های دیگر اقتصادی در این است که در فعالیت‌های تولیدی معمولاً محصول عرضه را برای ارائه به مصرف کننده به محل تقاضا حمل می‌کنند، در حالی که برای توسعه گردشگری باید تقاضا را جابه‌جا نمود؛ به عبارت دیگر، در عرضه و تقاضای گردشگری، این بازار یا تقاضاست که از حوزه جغرافیایی خود باید جابه‌جا شود، چراکه منابع عرضه عموماً ثابت است (سعیدی، ۱۳۷۷: ۱۷).

در تدوین چارچوب نظری برنامه توسعه گردشگری، می‌توان به این موارد اشاره نمود: هدف گذاری‌ها، تدوین استراتژی یا تاکتیک‌های اجرایی و تدوین و تعریف عملیات اجرایی. در قالب این مراحل که با قیودات کمی و کیفی همراه است، می‌توان آنها را به صورت عددی نیز تعریف نمود (رهنمایی، ۱۳۸۲: ۱۴).

در زمینه توسعه منطقه‌ای، رویکردها و راهبردهای مختلفی نظیر رویکردهای اقتصادی، اجتماعی، کالبدی- فضایی و جامع مطرح است. راهبرد توسعه روستایی و راهبرد توسعه پایدار، از جمله راهبردهایی هستند که رویکردی جامع نسبت به برنامه‌ریزی توسعه روستایی دارند (رضوانی، ۱۳۸۳: ۹۲). علاوه بر این، گردشگری روستایی و منطقه‌ای، به عنوان ابزاری برای تولید و اشتغال و توسعه اقتصادی در سطح منطقه می‌تواند امیدهایی برای کاهش فقر فراهم آورد (Slee, 1997: 81). در

نگرشی دیگر، گردشگری به عنوان موتور محرکه توسعه روستایی معرفی شده و در این زمینه دلایلی نیز مطرح نموده است (Grefe, 1993: 23):

- هر فعالیت صادراتی، سازماندهی شده و توسعه یافته است؛ گردشگری نیز منبع شغل و درآمد به شمار می‌رود.

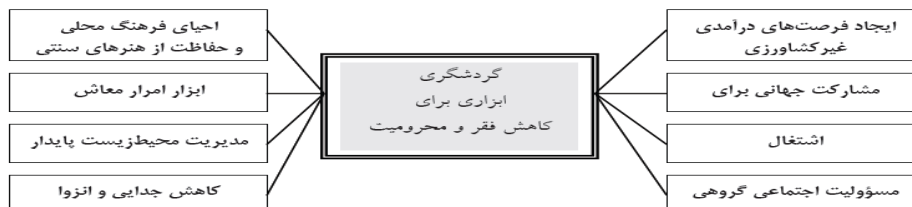
- گردشگری برخلاف سایر کالاها، خدمات و فرآورده‌های کشاورزی، کارهای عمومی، بیمه و...، همانند مولدی برای تعداد زیادی از فعالیت‌های اقتصادی عمل می‌کند.

- گردشگری، تقاضا را برای صنایع دستی، هنرهای سنتی و فعالیت‌هایی که نیاز به نیروی کار بیشتری دارند، بالا می‌برد.

صنعت گردشگری در نواحی مختلف می‌تواند سهمی در متنوع سازی اقتصادی و توسعه پایدار داشته باشد و با ایجاد اشتغال و درآمد موجب توسعه نواحی روستایی و محلی گردد. اگرچه مشاغل مربوط به این صنعت خیلی تخصصی و پر درآمد نیستند، با این حال، منافع زیادی را نصیب مردم محلی و بومی می‌کنند. گردشگران برای اقامت، خرید کالاها محلی و سایر نیازمندیهای خود، پول پرداخت می‌نمایند. این پول‌ها در فعالیت‌های محلی جریان پیدا می‌کند و موجب تحرک مردم بومی در برآوردن نیازهای بازدیدکنندگان می‌شوند (Gregory, 1992: 6). از دیگر آثار توسعه گردشگری، مربوط به اکولوژی است، که روش آن از تخریب به سوی حفاظت است و نیز ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی که به حفظ یا تغییر وضع موجود منجر می‌شود (Aronsson, 1994: 77).

محرومیت، پدیده‌ای است چند بُعدی و به تبع آن از راه‌های مختلف بر زندگی مردم تأثیر می‌گذارد و فقرا مستعد بالاترین درجه آسیب پذیری در عرصه‌های فقدان سلامت، آشفتگی اقتصادی بیماری‌های طبیعی هستند. محرومیت به رشد انسانی لطمه می‌زند، توسعه انسانی را محدود کرده و مانع سرمایه گذاری انسانی مورد نیاز برای دستیابی به رفاه خانواده می‌گردد. گردشگری حامی فقرا و رفع محرومیت، می‌تواند در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به کارگرفته شود. «گردشگری محرومیت‌زدایی» نوعی از گردشگری است که در پی فراهم نمودن مزایایی ویژه برای فقراست، که ممکن است اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و یا فرهنگی باشد و تا زمانی که نیازمندان مزایایی از گردشگری به دست می‌آورند، می‌توان آن را «گردشگری حامی فقرا یا محرومیت‌زدایی» نامید. حتی اگر سهم افراد دیگر بیش از فقرا باشد (صادقی، ۱۳۸۴). کاکوانی و پرنیا آن را پروژه‌ای تعریف می‌کنند، که تهی‌دستان را قادر می‌نماید تا به گونه‌ای فعال در فعالیت‌های اقتصادی شرکت کرده و از آن بهره‌مند گردند (Wearing, 2008). متناسب با مبانی نظری تحقیقی حاضر، شکل (۳) مدل آثار گردشگری بر کاهش فقر و محرومیت را نشان می‌دهد.

شکل شماره (۳): مدل آثار گردشگری بر کاهش فقر و محرومیت (توکلی و همکاران؛ ۱۳۸۸)



در رابطه با نظریه‌های مرتبط با گردشگری، موارد بسیار زیادی مطرح شده است، که در منابع علمی متعددی بررسی گردیده است. اما آنچه در این پژوهش به عنوان پایه نظری موضوع می‌توان به آن اشاره نمود، همانا اندیشه‌ای است که مؤید توجه ویژه به مناطق نمونه گردشگری است. بنیان این اندیشه بر تئوری مرکز و قطب رشد در علوم جغرافیایی تبیین شده است، که به عنوان تأثیر این گونه مناطق در تراوش توسعه در سطح منطقه قلمداد می‌گردد. آثاری که همراه با رشد اقتصادی، محرومیت‌زدایی، خروج از انزوا، پیوند به اقتصاد ملی و همچنین، تحرک بخشیدن به منابع باشد. در عین حال، اندیشه‌های مرتبط با تأثیر گردشگری بر توسعه اقتصادی و کاهش محرومیت، اصلی‌ترین مباحث قابل طرح است.

مطرح شدن اندیشه گردشگری پایدار در محیط و ارتباط تنگاتنگ آن با توسعه پایدار، به عنوان یک گرایش نظری منسجم کننده پایداری زیست محیطی، فرهنگی، اقتصادی، دربرگیرنده تمامی وجوه قابل انتظار در گسترش و توسعه گردشگری است. در این پژوهش، سعی شده است از طریق بررسی مؤلفه‌های قابل انتظار در سه وجه مذکور، با استفاده از تکنیک PRA (روش گروه‌های بحث)، نسبت به میزان محرومیت‌زدایی از دیدگاه مردم پرداخته شود. قطعاً یک مکان یا منطقه گردشگری زمانی منجر به توسعه پایدار خواهد شد که به افزایش درآمد، ایجاد اشتغال، ایجاد زیرساخت‌ها و همچنین سایر مؤلفه‌های محرومیت‌زدایی منجر گردد.

### ۳- یافته‌های پژوهش

تجربیات نگارندگان در طی انجام تحقیق با طرح مشارکتی (PRA) منطقه نمونه گردشگری جزیره میرمهنا و مهم‌تر از آن، مشارکت مطلوب گروه‌های هدف در تحقیق حاضر، منتج به یافته‌هایی گردید که با اطمینان و قابلیت بالا به تحلیل وضعیت‌ها، متناسب با اهداف مورد نظر تحقیق هستند. آثار گردشگری در رفع محرومیت‌زدایی و فقر می‌تواند متفاوت باشد. با این وجود، می‌توان آن را به سه دسته آثار مستقیم، غیرمستقیم و القایی تقسیم نمود. آثار مستقیم گردشگری بر کاهش محرومیت، با توجه به ویژگی‌های جزیره میرمهنا عبارتند از:

- درآمد کارگران از مشاغل یا مؤسسات کوچک گردشگری؛
- درآمد و عایدات غیرکارگری: این درآمد به طور معمول به جای فرد به جامعه تعلق می‌گیرد و از منابع مختلفی به دست می‌آید؛ گردشگری اجتماعی، هدایای گردشگران یا شرکت‌های گردشگری، عایدات حاصل از مجوزهای پارک و سایر منابع مرتبط. سهم قابل توجهی از این درآمدها می‌تواند نصیب افرادی گردد که از درآمد و مشارکت اقتصادی مستقیم محروم هستند؛
- آثار بر خانوارها: گردشگری می‌تواند بر خانوارهای فقیر به شیوه‌های مختلفی، به غیر از جریان‌های نقدی اثر گذارد، که شامل آثار مثبت همچون دسترسی به اطلاعات، بازارها و زیرساخت‌ها و آثار منفی، مانند رقابت برای زمین و آب می‌شود.

### ۳-۱- درآمد و اشتغال

خودکفایی کامل اهالی بومی جزیره میر مهنّا و بندر ریگ در گذشته‌ای نه چندان دور، نشان از آن دارد که مردم این منطقه اعم از زن و مرد هرگز از کار و تلاش به ستوه نیامده و از تمام قدرت فکری و بدنی خویش در جهت تأمین مایحتاج خود بهره گرفته اند. به طور کلی، منابع درآمدی در بندر ریگ و جزیره میر مهنّا شامل فعالیت‌های ماهیگیری، تجاری، صنعتی، کشاورزی، صنایع دستی بومی، فعالیت‌های خدماتی و سایر شیوه‌های معیشتی هستند.

در بخش کشاورزی باید عنوان نمود که با توجه به نبود زمین زراعی مطلوب و شرایط ن مساعد آب و هوایی در منطقه از لحاظ بارش و دیگر فاکتورهای جوی، فعالیت‌های کشاورزی بیشتر در قالب شرکت‌های تعاونی کشت و صنعت به فعالیت پرداخته‌اند و محصولات این بخش نیز اغلب مصرف روستاییان و افراد بومی را کفایت می‌دهد. همچنین قابل ذکر است که جزیره میر مهنّا از جزیره‌های تقریباً غیرمسکونی ایراندر خلیج فارساست. این جزیره در برابر کرانه‌های جنوبی بندر ریگواقع شده است. انگور و انجیر این جزیره از قدیم معروف بوده‌است. در بخش ماهیگیری نیز اگر به صید و صیادی در این شهرستان نگاهی بیندازیم می‌بینیم که هنوز فعالیت‌های این حوزه به شکل سنتی یعنی با استفاده از وسایل عمدتاً "نور و گرگور" به صید پرداخته می‌شود. در بخش خدماتی، شامل مواردی همچون فعالیت در امور حمل و نقل و خدمات دولتی است. کار در این بخش بیشتر جنبه تجاری دارد و حمل بار و کالا را به نقاط مختلف سراسر کشور شامل می‌شود. از لحاظ امکانات اقتصادی می‌توان از شهرک صنعتی بندر ریگ که در ابتدای سه راهی بندر ریگ واقع شده نام برد. در این شهرک کارخانجاتی چون شرکت تعاونی تولید ظروف یک بار مصرف، تولید جداره‌های کاذب که در صنعت ساختمان سازی و همچنین تولید ظروف نشا برای کاشت و تولید نشا یا نهال در زمینه کشاورزی کاربرد دارد، نام برد. و نیز شرکت تولید و شیره خرما، شرکت تعاونی تولیدی فخرآوران برلی تولید انواع بستنی و ژلهای خوراکی، تعاونی تولیدی سیم و کابل از جمله

فالیتهای تولید در این شهرک می‌باشند. در بخش دولتی نیز می‌توان به اشتغال در آموزش و پرورش، مرکز کشتیرانی بندر ریگ، مرکز بهداشت و درمان، جایگاه‌های سوخت و کمیته امداد اشاره نمود. جدول (۱) میزان و منابع درآمد اهالی منطقه بندر ریگ را نشان می‌دهد. بر همین اساس، مشاهده می‌گردد که حدود ۵۰ درصد مردم منطقه، درآمدی زیر ۳۰۰ هزار تومان دارند، که قشر عمده جمعیت منطقه را شامل شده و در بخش‌های کارگری، ماهیگیری، کشاورزی و صنعتی مشغول به کار هستند. در یک جمع بندی می‌توان گفت حدود ۷۰ درصد از اهالی منطقه، درآمدی زیر ۴۰۰ هزار تومان در ماه دارند. شایان ذکر است، درآمدهای حاصله از بخش‌های ماهیگیری و کشاورزی تقریباً فصلی هستند و به شرایط آب و هوایی بستگی دارند

جدول شماره (۱): میزان و منابع درآمد مردم منطقه بندر ریگ

میزان درآمد	درصد میزان درآمد	منابع درآمدی	درصد منابع درآمد
زیر ۱۰۰ هزار تومان	۱۰	کشاورزی - ماهیگیری	۲۵
۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان	۴۰	کارگری - کشاورزی	۲۵
۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان	۲۰	کارگری - ماهیگیری	۳۵
۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان	۲۰	کارگری - خدماتی	۵
بیشتر از ۵۰۰ هزار تومان	۱۰	سایر	۱۰

علاوه بر موارد بالا، جدول (۲)، وضعیت اقتصادی مردم را با توجه به شرایط و مفهوم دارا و ندار در منطقه بندر ریگ نشان می‌دهد. همانطور که از جدول (۲) استنباط می‌گردد، ۷۰ درصد از مردم منطقه در وضعیت متوسط و ضعیف قرار دارند. شایان ذکر است که درآمد این درصد از مردم کمتر از ۴۰۰ هزار تومان است.

جدول شماره (۲): وضعیت اقتصادی مردم با توجه به شرایط و مفهوم دارا و ندار در منطقه بندر ریگ

وضعیت درآمد	بسیار خوب	خوب	متوسط	ضعیف	بسیار ضعیف
درصد	۵	۲۰	۴۰	۳۰	۵

### ۲-۳- تعیین و محاسبه ظرفیت تحمل منطقه

در این روش، ظرفیت نهایی با توجه به شرایط فیزیکی، زیست محیطی، اجتماعی- فرهنگی و تسهیلاتی برآورد گردیده است؛ به طوری که در صورت مراجعه بیش از حد ظرفیت مشخص شده، محیط‌های فیزیکی و زیست محیطی منطقه جوابگو نبوده، دچار خسارت می‌گردند. بنابراین، با تعیین ظرفیتهای تحمل منطقه، حد نهایی استفاده از منطقه مشخص می‌شود، تا از وارد آمدن

خسارت جلوگیری شود. برای تحلیل این وضعیت که تا چه میزان روند جذب گردشگر به ظرفیت تحمل منطقه نزدیک است، به تحلیل موضوع پرداخته‌ایم. این روش شامل سه مرحله محاسبه ظرفیت تحمل فیزیکی، ظرفیت تحمل واقعی و ظرفیت بُرد تحمل واقعی و ظرفیت بُرد مؤثر است:

$$۱-۲-۳ \text{ - محاسبه ظرفیت تحمل فیزیکی منطقه}$$

در این مرحله بر اساس رابطه (۱)، ظرفیت ابتدایی منطقه برای جذب گردشگر محاسبه می‌گردد.

$$\text{رابطه (۱): } Pcc = A * V / A * RF$$

$$Pcc = \text{ظرفیت تحمل فیزیکی}$$

$A =$  مساحت پهنه مناسب برای استفاده گردشگری

$$A = 645000$$

$V =$  مقدار فضایی که هر بازدیدکننده نیاز دارد، تا به حد راحتی جابه جا شود.

$$V / A = 1/4$$

$RF =$  مدت زمان قابل استفاده بودن محل / میانگین طول زمان یک بازدید

$$RF = 10/12$$

$$Pcc = 90000 \text{ نفر در طول ماه}$$

$$۲-۲-۳ \text{ - محاسبه ظرفیت تحمل واقعی منطقه}$$

در این مرحله، بر اساس فاکتورهای زیست محیطی، اجتماعی - فرهنگی و تسهیلاتی، زیرساختی، خدماتی، ظرفیت تحمل واقعی منطقه محاسبه می‌گردد:

$$Cf1 = \text{محدودیت زیست محیطی منطقه که شامل سه فاکتور است:}$$

- محدودیت پوشش اراضی؛ در صورتی که منطقه دارای پوشش‌های با اهمیتی مانند مراتع باشد، از کل فضای منطقه کسر و محاسبه می‌گردد.

- محدودیت شیب؛ شیب‌های بالای ۵۰ درصد برای کاربری گردشگری مناسب نیستند.

- محدودیت حریم آب‌های سطحی؛ در صورتی که در منطقه آب‌های سطحی موجود باشد، باید حریم آن‌ها را در نظر داشت.

$Cf2 =$  مقدار فضایی که برای استفاده مردم بومی برای گذران اوقات فراغت فعالیت‌های روزمره در منطقه مصرف می‌گردد. از آنجا که منطقه مورد مطالعه، با فعالیت‌های روزمره مردم بومی تداخلی ندارد، بنابراین، با در نظر گرفتن حدود ۱۰ درصد از فضای کل منطقه برای استفاده مردم بومی، مقدار  $Cf2$  برابر ۶۴۵۰۰ متر مربع برآورد می‌گردد.

$Cf3 =$  مقدار فضایی از منطقه است که برای ایجاد زیرساخت‌ها، تسهیلات و خدمات مناسب در نظر گرفته شده است. بنابراین، با فرض احداث ۱۵ درصد از سطح منطقه برای موارد مذکور،  $Cf3$  برابر ۹۶۷۵۰ متر مربع خواهد بود. جمع محدودیت‌های منطقه مساوی ۱۶۱۲۵۰ متر مربع است.



بنابراین، با جاگذاری این مقدار در رابطه ظرفیت تحمل فیزیکی و جاگذاری تعداد به دست آمده در رابطه (۲) ظرفیت واقعی منطقه به دست می‌آید:

$$R_{cc} = (A - \sum C_f) * V / (A - \sum C_f) * R_F$$

Rcc= ۶۷۵۰۰ نفر در طول ماه

بر اساس محاسبات مذکور، ظرفیت تحمل واقعی روزانه منطقه تعداد ۶۷۵۰۰ نفر در کل منطقه نمونه گردشگری میر مهنّا است.

### ۳-۳- برون یابی تمایل منطقه

بر اساس تکنیک برون یابی، تقاضاهای آینده منطقه در افق‌های کوتاه مدت (۱۴۰۰)، میان مدت (۱۴۰۵) و بلند مدت (۱۴۱۰) با فرض بهره برداری از سال ۱۳۹۵ به شرح زیر در مورد گردشگران داخلی و خارجی منطقه میر مهنّا برآورد می‌گردد:

### ۳-۳-۱- برآورد گردشگران منطقه

با توجه به مراحل این تکنیک و موقعیت‌های مختلف، سه سناریو برای تعیین نرخ رشد و تعداد گردشگران به دست آمد. این سناریوها، برای برآورد تعداد گردشگران در سال‌های ۱۴۰۰، ۱۴۰۵ و ۱۴۱۰ بر اساس سه فرض ادامه روند گذشته، خوشبینانه (افزایش نرخ متوسط رشد سالانه) و بدبینانه (کاهش متوسط نرخ رشد سالانه) نسبت به دوره گذشته است.

جدول شماره (۳): برآورد تعداد گردشگران طی سال‌های ۱۴۰۰ - ۱۴۱۰

شماره سناریو	مفروضات	متوسط نرخ رشد سالانه (درصد)	تعداد گردشگران سال (نفر)	تعداد گردشگران سال (نفر)	تعداد گردشگران سال (نفر)
۱	خوشبینانه	۱۲	۳۵۰۰۰۰	۶۰۰۰۰۰	۱۰۵۰۰۰۰
۲	ادامه روند	۸	۲۴۰۰۰۰	۳۸۰۰۰۰	۷۲۰۰۰۰
۳	بدبینانه	۴	۲۲۰۰۰۰	۲۸۰۰۰۰	۵۰۰۰۰۰

پیش بینی انجام گرفته با استفاده از مدل نمایی، بیانگر آن است که تقاضای گردشگری در منطقه مورد مطالعه با نرخ ۸ درصد در حال افزایش است. اما از آنجا که نمی‌توان پویایی حاکم بر محیط داخلی و خارجی منطقه را نادیده گرفت، باید این عوامل را نیز بررسی و تحلیل نمود، تا پیش بینی‌های صورت گرفته مبنای بهتری برای تصمیم‌گیری و تعیین اهداف آینده فراهم آورند. افزایش قابل توجه رفاه اقتصادی مردم و افزایش وسایل نقلیه شخصی، توسعه زندگی شهرنشینی و احساس نیاز مردم به مسافرت، موجب شده است تا گردشگری، رشدی بیش از گذشته داشته باشد. از

طرفی، برنامه‌های در دست اقدام و پیش بینی شده، از جمله؛ احداث هتل و آسفالت نمودن مسیرهای ارتباطی، نویدبخش توسعه سریع امکانات و خدمات گردشگری در منطقه است، که در نهایت، رشد درخور توجهی را در میزان تقاضای گردشگری به دنبال خواهد داشت. با توجه به موارد بالا، نرخ تقاضای آتی فراتر از روند گذشته و با نرخ رشد ۸ درصدی (خوشبینانه) در نظر گرفته و به صورت جدول (۴) پیش بینی شده است.

جدول شماره (۴): پیش بینی روند تقاضای گردشگران داخلی و خارجی ورودی به منطقه میر مهنّا

سال	حجم تقاضای گردشگری
۱۴۰۰	۳۵۰۰۰۰
۱۴۰۵	۵۲۰۰۰۰
۱۴۱۰	۷۰۰۰۰۰

### ۳-۴- ماتریس ارزشیابی آثار گردشگری منطقه میر مهنّا

روش‌های بکار گرفته شده در ماتریس:

- شبکه سی پی ام: این نام از حروف اول اصطلاح "CPM= Critical Path Method" برگرفته شده و به زبان فارسی «روش مسیر بحرانی» ترجمه شده است (شیرزاد، ۱۳۸۷: ۶۷).
- زنجیر (Chain= Ch): توالی چند رویداد و فعالیت در یک خط را زنجیر گویند. زنجیر نشانه تعدادی فعالیت وابسته به یکدیگر است.
- منبع (Source= So): هنگامی که از یک رویداد، چند فعالیت خارج می‌شود.
- جام (Sink= Si): وقتی که چندین فعالیت به یک رویداد ختم شود.
- مسیر (Path= Pa): قسمتی از یک شبکه که انشعاب ندارد. تفاوت مسیر با زنجیر این است که زنجیر در یک جهت است در حالی که مسر در یک جهت نمی‌باشد.

جدول شماره (۵): ماتریس آثار منطقه نمونه گردشگری جزیره میر مهنّا در محرومیت‌زدایی با روش PRA

میانگین کل	ظرفیت ایجاد شده در منطقه	CPM	میانگین نمرات	جاذبه‌های گردشگری					مؤلفه‌های قابل انتظار	منابع
				قدمگاه امیرالمؤمنین	آثار هلندیان	کُنار میرمهنا	سواحل ماسه‌ای	چشم انداز طبیعت		
۵,۵	۱۰	So	۵۰	۵۵	۴۰	۴۵	۶۰	۵۰	ضمانت‌های سازمانی	

تأثیر مناطق نمونه گردشگری در محرومیت‌زدایی از دیدگاه اجتماعات محلی... ۲۵

۲۵,۵	۲۰	So	۳۱	۳۵	۲۵	۲۵	۴۰	۳۰	اعتبارات	
۱۶,۳	۱۵	So	۱۷	۱۰	۱۵	۱۰	۳۵	۱۵	تسهیلات	
۱۶,۶	۱۵	Ch	۱۸	۱۵	۱۰	۱۵	۳۵	۱۵	امور زیربنایی	
۱۵,۸	۱۵	Ch	۱۵	۱۵	۱۰	۱۰	۳۰	۱۰	تجهیزات	
۲۵,۵	۲۰	Si	۲۶	۲۰	۱۵	۲۰	۴۰	۳۵	اهداف سازگار	
۲۹,۷	۱۵	Si	۲۳	۱۰	۱۵	۱۰	۳۰	۵۰	ایجاد تنوع و تعدد	
۱۴,۴	۱۵	So	۱۵	۱۰	۱۰	۱۵	۲۰	۲۰	دانش و تحصیلات	
۳۱,۶	۲۰	So	۱۵	۱۰	۲۰	۱۰	۲۵	۱۰	همخوانی فرهنگی	
۲۷,۲	۱۵	So	۳۳	۲۰	۲۰	۳۰	۴۵	۵۰	دانش بومی	
۲۴,۷	۱۵	Ch	۲۸	۲۰	۱۰	۳۰	۴۰	۴۰	آموزش	
۱۴,۱	۱۰	Ch	۱۲	۲۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	نمایشگاه	
۲۱,۱	۲۰	Ch	۲۰	۱۵	۱۵	۲۰	۳۰	۲۰	جهت گیری اقدامات	
۱۲,۲	۵	Ch	۱۲	۱۰	۱۰	۱۰	۲۰	۱۰	کارگاه	
۲۹,۷	۲۰	Si	۳۰	۲۵	۲۰	۱۰	۴۵	۵۰	تجارب سنتی و نوین	مشارکت
۲۵,۸	۱۵	Ch	۳۱	۲۰	۲۰	۲۵	۵۰	۴۰	ترویج و گسترده‌گی	
۲۱,۹	۲۰	So	۱۷	۱۵	۱۵	۱۰	۲۵	۲۰	مشارکت نژادی	
۱۷,۵	۱۰	Si	۱۴	۱۰	۱۵	۱۰	۲۰	۱۵	انتخاب	
۲۲,۷	۱۵	Si	۲۳	۲۵	۲۵	۱۵	۲۰	۳۰	شاخص‌های تعهد	
۱۰,۵	۵	Si	۱۹	۱۵	۲۰	۱۵	۲۰	۲۵	ملازمت	

۲۶,۹	۱۵	Ch	۳۳	۲۵	۲۵	۳۰	۴۵	۴۰	تسلسل اقدامات
۲۳,۳	۱۵	Ch	۲۶	۱۵	۲۰	۳۰	۲۵	۴۰	مدیریت مشارکتی
۲۱,۳	۱۵	Si	۱۹	۱۵	۱۵	۱۰	۲۵	۳۰	استمرار

ادامه جدول شماره (۵): ماتریس آثار منطقه نمونه گردشگری جزیره میر مهنّا در محرومیت‌زدایی با

روش PRA

میانگین کل	ظرفیت ایجاد شده در منطقه	CPM	میانگین نمرات	جاذبه‌های گردشگری					مؤلفه‌های قابل انتظار	نهاده‌ها
				قدمگاه امیرالمؤمنین	آثار هلندیان	کُنار میرمهنّا	سواحل ماسه‌ای	چشم انداز طبیعت		
۲۵,۵	۲۰	Si	۲۶	۲۰	۱۵	۲۰	۴۰	۳۵	ملاک‌ها	واکنش‌ها
۱۶,۶	۱۵	Ch	۱۸	۱۵	۱۰	۱۵	۳۵	۱۵	امکانات مناسب	
۱۶,۳	۱۵	Ch	۱۷	۱۰	۱۵	۱۰	۳۵	۱۵	مفید بودن امکانات	
۲۹,۷	۱۵	Ch	۲۳	۱۰	۱۵	۱۰	۳۰	۵۰	اقدامات اصلاحی	
۱۵,۸	۱۵	So	۱۵	۱۵	۱۰	۱۰	۳۰	۱۰	نوآوری محلی	
۵,۵	۱۰	Si	۵۰	۵۵	۴۰	۴۵	۶۰	۵۰	سازگاری با آمال	تغییرات ساختاری
۲۱,۱	۲۰	Si	۲۰	۱۵	۱۵	۲۰	۳۰	۲۰	چشم اندازها	
۲۷,۲	۱۵	So	۳۳	۲۰	۲۰	۳۰	۴۵	۵۰	روش یابی صحیح	
۳۱,۶	۲۰	Ch	۱۵	۱۰	۲۰	۱۰	۲۵	۱۰	پذیرش اجتماعی	
۲۵,۸	۱۵	Ch	۳۱	۲۰	۲۰	۲۵	۵۰	۴۰	فعالیت	

									گروهی	
۲۴,۷	۱۵	Si	۲۸	۲۰	۱۰	۳۰	۴۰	۴۰	مدیریت جمعی	تغییرات کارکردی
۱۴,۱	۱۰	Si	۱۲	۲۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	نهادی شدن	
۱۴,۴	۱۵	So	۱۵	۱۰	۱۰	۱۵	۲۰	۲۰	خودانکایی	
۱۲,۲	۵	So	۱۲	۱۰	۱۰	۱۰	۲۰	۱۰	فرهنگ سازی	
۲۹,۷	۲۰	So	۳۰	۲۵	۲۰	۱۰	۴۵	۵۰	فعالیت‌های خصوصی	
۱۷,۵	۱۰	Si	۱۴	۱۰	۱۵	۱۰	۲۰	۱۵	سلامتی	
۲۱,۹	۲۰	Si	۱۷	۱۵	۱۵	۱۰	۲۵	۲۰	رفاه	
۲۶,۹	۱۵	Si	۳۳	۲۵	۲۵	۳۰	۴۵	۴۰	کیفیت زندگی	تغییرات اجتماعی
۲۲,۷	۱۵	Si	۲۳	۲۵	۲۵	۱۵	۲۰	۳۰	توزیع منصفانه	
۱۰,۵	۵	So	۱۹	۱۵	۲۰	۱۵	۲۰	۲۵	فرهنگ سازی	
۲۳,۳	۱۵	So	۲۶	۱۵	۲۰	۳۰	۲۵	۴۰	مفید بودن برنامه	
۲۱,۳	۱۵	Si	۱۹	۱۵	۱۵	۱۰	۲۵	۳۰	منزلت زنان	
۲۵,۵	۲۰	Si	۳۱	۳۵	۲۵	۲۵	۴۰	۳۰	فعالیت‌های هنری	

۳-۵- نتایج ماتریس ارزشیابی اثرات منطقه نمونه گردشگری جزیره میر مهنّا در محرومیت‌زدایی  
با روش PRA

همانطور که از ماتریس تحلیلی مشخص است (جدول شماره ۵)، در قسمت نهاده‌ها، منابع؛ همخوانی فرهنگی با میانگین کل ۳۱,۶ امتیاز حاصل نمره اهمیت و ظرفیت ایجاد شده در منطقه است که در رتبه اول جای گرفته است. این درحالی است که ضمانت‌های سازمانی با میانگین ۵,۵ امتیاز، کمترین مقدار را به خود اختصاص داده است. در قسمت فعالیت‌ها، تجارب سنتی و نوین با میانگین

۲۹,۷ امتیاز بیشترین و کارگاه با میانگین ۱۲,۲ امتیاز کمترین مقدار را به خود تخصیص داده اند. همچنین در قسمت مشارکت، تسلسل اقدامات با میانگین ۲۶,۹ امتیاز در جایگاه اول و ملازمت با میانگین کل ۱۰,۵ امتیاز در جایگاه آخر قرار گرفته است.

در قسمت واکنش‌ها، اقدامات اصلاحی با میانگین ۲۹,۷ امتیاز در جایگاه اول و نوآوری محلی با ۱۵,۸ امتیاز در جایگاه آخر قرار گرفته است. همچنین در قسمت تغییرات ساختاری، پذیرش اجتماعی با ۳۱,۶ امتیاز در مقام اول و سازگاری با آمال با ۵,۵ امتیاز در جایگاه آخر واقع شده است. در این میان فعالیت‌های خصوصی در قسمت تغییرات کارکردی با ۲۹,۷ امتیاز در جایگاه نخست و فرهنگ سازی با دارا بودن تنها ۱۲,۲ امتیاز در رتبه آخر جای گرفته است. در عین حال، کیفیت زندگی، که جزو تغییرات اجتماعی محسوب می‌شود با میانگین کل ۲۶,۹ امتیاز در مقام اول قرار گرفته که در همین قسمت، فرهنگ سازی با ۱۰,۵ امتیاز کمترین نمره را کسب نموده و در جایگاه آخر واقع شده است. با توجه به یافته‌های به دست آمده بر اساس ارزشیابی اثرات منطقه گردشگری بر محرومیت، اولویت بندی اقدامات برای مسؤولان محلی برای دستیابی به نتایج مفید و قابل پذیرش اجتماعی در راستای محرومیت‌زدایی دارای اهمیت زیادتری است.

بنابراین، در نظر گرفتن اولویت زمانی، مکانی و موضوعی پروژه‌های مرتبط با هر یک از جاذبه‌ها، به عنوان راهبرد سیاست گذاری در زمینه گردشگری منطقه و جزیره میر مهنّا باید مورد توجه قرار گیرد، چراکه توجه نمودن به این گونه فرآیندها، در عرصه محرومیت‌زدایی شکل جدیدتر و عملیاتی‌تری را با توجه به اثرات گردشگری به خود خواهد گرفت.

#### ۴- نتیجه گیری

گردشگری به عنوان ابزاری توانمند، امروزه نقش غیرقابل انکاری در تغییر و شکل دهی محیط پیرامون دارد و تواند جریان کار و فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی سیاسی را هدایت و در این اثنا، با برنامه‌ریزی و مدیریت عقلایی، سود سرشاری را عاید مناطق (اعم از شهرها و روستاها) و دولت نماید. جزیره میر مهنّا از مناطق مستعد و مناسب جهت بهره برداری در زمینه‌های مختلف سیاحتی، گردشگری و تفرج به شمار می‌آید. علی رغم این توانمندی‌های بالقوه، منطقه مورد مطالعه به تهبایی نمی‌تواند به عنوان کانون گردشگری قابل توجهی در گستره استان بوشهر مطرح گردد. هرچند در حال حاضر، با توجه به وجود جاذبه‌های منحصر به فرد، همچون جاذبه‌های چشم اندازهای طبیعی و سواحل ماسه‌ای، آثار معماری هلندیان و سایر جاذبه‌های موجود در منطقه، مورد توجه گردشگران علاقه مند است، اما در راستای توسعه پایدار و واقعی منطقه و محرومیت‌زدایی توجه به موارد مطرح

شده در برنامه‌ریزی و مدیریت گردشگری جزیره میر مهنّا قابل تأمل است. نتایج حاصل از تحقیق، مؤید چند نکته اساسی است که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

۴-۱- ظرفیت‌های گردشگری منطقه نمونه میر مهنّا، واجد ارزش گذاری اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی ویژه در راستای محرومیت‌زدایی است؛

۴-۲- ظرفیت تحمل‌پذیری منطقه در بخش گردشگری بسیار بالاست و فاصله زیادی با میزان بهره‌گیری در شرایط فعلی دارد؛

۴-۳- غلبه در «روش مسیر بحرانی» (cpm) با فعالیت‌هایی است که به رشد و توسعه فرهنگی منجر می‌گردد و در عین حال مؤید ضعف در اقدامات اقتصادی محرومیت‌زدایی است؛

۴-۴- به طور کلی، مؤلفه‌های مشهود و تأثیرگذار بر محرومیت‌زدایی در منطقه بر پایداری اقدامات تأکید دارد، همانند افزایش مشارکت بخش خصوصی، تقویت پیوندهای اقتصادی در رشد منابع درآمدی؛

۴-۵- زنجیره‌های پسین و پیشین بخش گردشگری بر اساس پایداری در حیطه تغییرات کارکردی، قوی‌تر از حیطه فعالیت‌هاست و در عین حال، در حیطه مشارکت ضعیف‌تر از تغییرات اجتماعی است، که این موضوع به پایداری منجر خواهد شد؛

۴-۶- جهت‌گیری نهادها و منابع بر عناصر محیطی و عمومی استوار است، که در نهایت به گردشگری محلی و منطقه‌ای منجر می‌گردد و در عین حال، کمتر می‌تواند به رشد گردشگری ملی و منطقه‌ای بینجامد؛

## ۵- پیشنهادها

با توجه به ارزیابی انجام شده و نتایج تحقیق، در راستای بهبود وضعیت‌ها و افزایش سطح منطقه نمونه گردشگری جزیره میر مهنّا در جهت محرومیت‌زدایی موارد پیشنهادی تحقیق عبارتند از:

۵-۱- الزام همه دستگاه‌های اجرایی در انجام اقدامات لازم بر اساس نیازهای گردشگری منطقه میر مهنّا؛

۵-۲- حمایت و تشویق هرچه بیشتر بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در تأسیس امکانات رفاهی؛

۵-۳- اصلاح و تقویت نظارت بهداشتی بر اماکن و واحدهای تولیدی و ارائه دهنده محصولات گردشگری؛

۵-۴- ارتقای سطح دانش و بینش عمومی متصدیان و کارکنان دستگاه‌های اجرایی در خصوص فرهنگ گردشگری و گردشگرپذیری؛

۵-۵- فعال نمودن گروه‌ها و نهادهای مردمی داوطلب برای شناسایی جاذبه‌های گردشگری؛

۵-۶- واگذاری کلیه امور تصدی‌گری و اجرایی گردشگری به بخش خصوصی؛

- ۷-۵- تمرکز امور برنامه‌ریزی و راهبردی توسعه گردشگری در منطقه جزیره میرمهتا؛
- ۸-۵- تأکید بر ارزیابی‌های اقتصادی و زیست محیطی؛
- ۹-۵- فراهم نمودن بسترهای لازم برای حفظ امنیت و سلامت گردشگران، نظیر توسعه بیمه‌های مرتبط و روشهای مختلف حفاظتی و امنیتی؛
- ۱۰-۵- تهیه و اجرای طرح‌های راهبردی و توسعه‌ای برای توسعه پایدار گردشگری در این منطقه، با هماهنگی دستگاه‌ها و نهادهای مربوط و به ویژه مشارکت مردم؛
- ۱۱-۵- هماهنگی بین نهادها و دستگاه‌های اجرایی مسؤول در بهتر شناساندن منطقه و تبلیغات مؤثر از طریق رسانه‌های خبری همانند تلویزیون، رادیو، مطبوعات و سایت‌های اینترنتی؛
- ۱۲-۵- احداث امکانات رفاهی بهداشتی مناسب در نقاط بین راهی منطقه؛
- ۱۳-۵- توسعه آموزش نیروی انسانی در فعالیتهای گردشگری به ویژه از میان اهالی شهرستان گناوه و بندر ریگ به دلیل ارائه خدمات کارآمد در این بخش و افزایش محرومیت‌زدایی از منطقه.



## منابع

- ۱- کاظمی، مهدی، ۱۳۸۵، مدیریت گردشگری، تهران، انتشارات سمت.
- ۲- معزّی نژاد، احمد و محمد غریب، ۱۳۸۳، جغرافیای اورامان، انتشارات احسان.
- ۳- موسایی، میثم، ۱۳۷۸، اثرات گردشگری اقتصادی و فرهنگی در ایران، تهران، مرکز آمار و تحقیقات برنامه‌ریزی فرهنگی.
- ۴- نوری، مرضیه، ۱۳۸۰، بررسی خدمات رفاهی روستاییان (مطالعه موردی رفاه اجتماعی)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۵- رهنمایی، محمد تقی، ۱۳۸۲، ارزیابی و نقد عملکرد و چشم انداز بخش مدیریت و سیاست در بخش گردشگری، مجموعه مقالات سمینار سیاست در برنامه‌ریزی گردشگری و تفریحی جمهوری اسلامی ایران، سازمان علامه طباطبایی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- رضوانی، محمدرضا، ۱۳۸۳، بررسی توسعه روستایی در ایران، تهران، انتشارات قم.
- ۷- سعیدی، علی، ۱۳۷۷، توسعه پایدار و بی ثباتی توسعه روستایی، تهران، مجله مسکن و انقلاب، شماره ۷۷.
- ۸- شیرزاد، حسین، ۱۳۷۸، برنامه‌ریزی و کنترل پروژه‌های مناطق روستایی، مؤسسه فرهنگی رسانه‌ای شهرداری کشور.
- ۹- سینایی، وحید، ۱۳۸۲، گردشگری در ایران (عملکرد و چالش‌ها در تهران)، مرکز تحقیقات مجلس شورای اسلامی.
- ۱۰- صادقی، سینا، ۱۳۸۴، بررسی رابطه بین توسعه گردشگری و کاهش فقر (مطالعه موردی: آذربایجان شرقی)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- 11-Adebo, Simon,(2000), Participatory Rural Appraisal, Addis Ababa. Vol. 34, PP. 1-34.
- 12-AP, John and Crompton, John, (1998), Development and Testing a Tourism Impact Scale, Journal of Travel Pesearch, Vol. 37, November pp. 137.
- 13- Aronsson, Lars, (1994),Sustainable Tourism System, Example of Sustainable Rural Tourism in Sweden, Cleve don, Channel View Publication, P. 77.
- 14-Brunt, P. and Hambly, Z., (1999), Tourism and Crime, a Research Agenda, Crime Prevention and Community Softy: An International, Journal, Vol. 1, No 2, PP. 25.
- 15-Caruthers, LAN & Chambers, Robert, (1981), Rapid Appraisal for Rural Development, Agricultural Administration, Vol. 8, No. 6, PP 407- 442.
- 16-Chambers, Robert, (1989), Rapid Rural Appraisal: Rational &Repertorire, IDS Discussion Paper, No. 155, Brighton: IDS, University of Success, September.

- 17-Conway, G., (1988), Rainbow Over Wallow, New Scientist.
- 18- Cramb, R.A., (2004), Participatory Assessment of Rural Livelihoods in Central Highlands of Vietnam, Journal of Agricultural System, N. 81.
- 19- Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism, (2006), Governor of Kurdistan.
- 20- Cultural Heritage Handicrafts and Tourism,(2010), set guidelines, rules and regulations samples Regions Tourism, vice Investment Projects.
- 21- Greffe, X., (1993), Rural Tourism a lever for Economic and Social Development, Clevedon, Channel View Publication, P.23.
- 22- Gregory, Sho, (1992), Sustainable Development, P.6.
- 23- Swanson, E. Burton et al., (2001), Improving Agricultural Extension, translateSaleheNasab and others. Tehran, publisher of Agriculture.
- 24- Wearing, S., (2008), Pro-Poor Tourism: Who Benefits? Perspective on tourism and poverty Reduction, Publication in reviews Annals of tourism research 35.
- 25- www.sil.org, (1999).

## نقش گردشگری در توسعه اقتصادی، اشتغال و محرومیت‌زدایی در سواحل و جزایر خلیج فارس (مطالعه موردی: منطقه آزاد قشم)

نرگس شالچیان رابع<sup>۱</sup>

### چکیده

در ماده یک قانون چگونگی اداره مناطق آزاد ذکر شده است که اهداف مورد نظر از تشکیل این مناطق عبارتند از تسریع در انجام امور زیربنایی، عمران و آبادانی و رشد و توسعه اقتصادی، انجام سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، افزایش درآمدهای عمومی، ایجاد اشتغال سالم و مولد، تنظیم بازار کالا و نیروی انسانی، حضور فعال در بازارهای جهانی و منطقه‌ای، تولید و صادرات کالا. بر این اساس، افزایش درآمدهای عمومی و اشتغال‌زایی از عمده اهداف تأسیس این گونه مناطق ذکر شده است.

اهداف تحقیق عبارتند از: شناخت ابعاد گوناگون جغرافیای طبیعی، اقتصادی، فرهنگی، تاریخی منطقه آزاد قشم، شناسایی نقاط مثبت و منفی صنعت گردشگری، مشخص نمودن این رابطه فرضی که میان گسترش صنعت گردشگری و ایجاد اشتغال، شناساندن اهمیت منابع و امکانات گردشگری در جهت افزایش انگیزه‌های کارآفرینی در صنعت گردشگری و از بالقوه در آوردن این منابع و بالفعل رسانیدن آن‌ها.

روش این تحقیق، عمدتاً بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای با تکیه مقالات، اسناد، برنامه‌های توسعه‌ای، اظهار نظر مسئولان ذیربط و مشاهده اطلاعات و منابع آماری مرتبط با موضوع تحقیق می‌باشد.

منطقه آزاد قشم با برخورداری از منابع سرشار طبیعی، جاذبه‌های گردشگری، موقعیت راهبردی و سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی به خوبی از ظرفیت‌های لازم جهت رسیدن به توسعه پایدار و توسعه گردشگری برخوردار می‌باشد. این ظرفیت‌ها عمدتاً در استفاده از موقعیت ویژه این جزیره در اکوسیستم‌ها و توان‌های اکولوژیکی جذاب و کم‌نظیر، قابلیت‌های چشمگیر و مستعد توسعه انسانی، امکانات معافیت گمرکی، توسعه ترانزیت و حمل و نقل کالا، بهبود رفاه اجتماعی همه جانبه، افزایش توان حمل و نقل و ظرفیت ترانزیتی، توسعه صنایع دستی و مدرن، وجود ظرفیت‌های خدماتی و رفاهی، وجود مجتمع‌های تجاری-تفریحی، توسعه مراکز درمانی توسعه زیرساخت و طرح‌های اقتصادی، برخورداری از فرصت‌هایی چون امکانات بندر عظیم و مجهز شهید رجایی، وجود ذخایر عظیم زیرزمینی (نفت و گاز) و معادن مختلف، قرار گرفتن در تنگه استراتژیک هرمز، برخورداری از کریدور ترانزیت شمال-جنوب.

کلیدواژگان: منطقه آزاد قشم، اشتغال‌زایی، رفع محرومیت.

---

۱- نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تهران، shalchia2000n@yahoo.com

## مقدمه

مناطق آزاد تجاری- صنعتی ایران در سال ۱۳۶۸، براساس قانون برنامه اول توسعه مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱، شکل گرفتند. در تبصره ۱۹ این قانون، به دولت اجازه داده شد تا سه منطقه آزاد کیش، چابهار و قشم را در نقاط مرکزی کشور تأسیس کند.

در سال ۱۳۷۲، قانون چگونگی اداره مناطق آزاد با هدف تسریع در انجام امور زیربنایی، عمران و آبادانی، رشد و توسعه اقتصادی سرمایه‌گذاری و افزایش درآمد عمومی، ایجاد اشتغال سالم و مولد، تنظیم بازار کار و کالا، حضور فعال در بازارهای جهانی و منطقه‌ای، تولید و صادرات کالاهای صنعتی، تبدیلی و ارائه خدمات عمومی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

در سال ۱۳۸۲ نیز، براساس تبصره ۳ ماده قانون یادشده، تأسیس سه منطقه آزاد دیگر در محدوده‌هایی از شهرستان‌های آبادان و خرمشهر (اروند)، جلفا (ارس) و بندر انزلی به تصویب رسید. مزیت‌های قانونی مناطق آزاد تجاری- صنعتی عبارتند از:

۱- برخورداری از معافیت از پرداخت مالیات بر درآمد و دارایی (موضوع قانون مالیات‌های مستقیم)، به مدت پانزده سال از تاریخ بهره‌برداری برای هر نوع فعالیت اقتصادی در منطقه که این مدت به ۲۰ سال افزایش یافته است.

۲- امکان مشارکت و سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در فعالیت‌های اقتصادی منطقه به هر نسبت.  
۳- برخورداری از مقررات خاص کار و تأمین اجتماعی در کارگاه‌های واقع در محدوده منطقه و همچنین مقررات استخدام و نحوه تردد خارجی در منطقه.

۴- امکان استفاده از کارگران و نیروی کار خارجی به میزان ۱۰ درصد کل نیروی انسانی شاغل در منطقه.  
۵- آزادی کامل ورود و خروج سرمایه و سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی در منطقه.

۶- امکان تأسیس شرکت‌های خارجی با هر میزان از درصد سهام.

۷- امکان تأسیس و فعالیت مؤسسات بیمه ایرانی با سرمایه داخلی و خارجی و شعب و نمایندگی آنها و مؤسسات کارگزاری بیمه، براساس مقررات مربوط.

۸- اجازه خروج سود ویژه و مبالغ مربوط به اصل و فرع حاصل از فعالیت‌های اقتصادی سرمایه‌های خارجی و سرمایه‌های ارزی ایرانیان و همچنین مبالغ ناشی از فروش یا واگذاری این‌گونه سرمایه‌ها.

۹- تضمین کامل سرمایه‌های خارجی و سود حاصل از آنها، طبق قانون حمایت از سرمایه‌های خارجی مناطق آزاد.

۱۰- حمایت از حقوق قانونی سرمایه‌گذاران خارجی و جبران عادلانه خسارت در صورت ملی‌شدن یا سلب مالکیت از سوی سازمان منطقه یا دولت.

- ۱۱- عدم نیاز اتباع خارجی به تحصیل روادید برای ورود مستقیم به منطقه از طریق مبادی ورودی و خروجی مجاز منطقه، براساس مقررات مربوط.
- ۱۲- امکان تأسیس بانک و مؤسسه اعتباری ایرانی با سرمایه داخلی و خارجی.
- ۱۳- امکان ثبت شرکت‌ها و مؤسسات برای اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی و خارجی، براساس مقررات مربوط.
- ۱۴- خرید و فروش تمامی ارزها در مقابل ریال یا سایر ارزها.
- ۱۵- انجام کلیه معاملات و نقل و انتقالات ارزی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی.
- ۱۶- تعیین نرخ و فروش ارز و تبدیل آنها به ریال براساس نظام عرضه و تقاضا در بازار آزاد.
- ۱۷- امکان ورود هر نوع کالا، به استثنای کالاهای ممنوعه شرعی و قانونی، با کمترین تشریفات و رعایت مقررات و ضوابط بهداشتی، امنیتی، فرهنگی.
- ۱۸- امکان ورود و تخلیه کالا به منظور ترانس شپمنت و ترانزیت خارجی با پرداخت هزینه خدماتی انجام تشریفات مقرر.
- ۱۹- اجرانشدن مقررات گمرکی و معافیت گمرکی برای ورود کالاهای ساخته‌شده در منطقه به داخل کشور به میزان ارزش افزوده و مواد داخلی به‌کاررفته در آن.
- ۲۰- امکان صدور کالا به خارج از کشور با کمترین تشریفات اداری.
- ۲۱- امکان ترانزیت و صدور مجدد کالا بدون محدودیت.
- ۲۲- صدور گواهی مبداء برای کالاهایی که از منطقه خارج می‌شوند.
- ۲۳- امکان عمده‌فروشی کالا برای اتباع داخلی و خارجی.
- ۲۴- امکان خرید و فروش کالاهای خارجی به‌صورت تجاری.
- تولید و صادرات کالاهای صنعتی و تبدیلی و ارائه خدمات گوناگون به متقاضیان سرمایه‌گذاری از مهم‌ترین برنامه‌ها در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی به‌منظور دستیابی به مقاصد گوناگون ملی و منطقه‌ای است. تولید کالای ساخته‌شده ابزار مناسبی برای توسعه صادرات و گسترش فرهنگ صادراتی و کمک به رشد و توسعه اقتصادی در این مناطق است. شاخصی که در سنجش تولید این کالا در نظر گرفته می‌شود، ارزش افزوده است. سرمایه‌گذاری‌هایی که در مناطق آزاد و ویژه صورت می‌گیرد در جهت ایجاد ارزش افزوده در بخش تولید و کسب سود بیشتر و ایجاد زمینه مناسب برای تنظیم بازار کالا از طریق حضور سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان در بازار جهانی و منطقه‌ای و کسب درآمدهای ارزی است.
- گفتنی است که تمامی اراضی صنعتی با قابلیت ایجاد صنایع کوچک، متوسط و بزرگ با کاربری‌های متفاوت و زمینه‌های مختلف تولیدی و صنعتی، با سرمایه‌گذاری مستقل ایرانی و نیز با

مشارکت خارجیان، در مناطق آزاد و ویژه فعال‌اند. در حال حاضر بیش از ۸۰۰ واحد تولیدی و صنعتی در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور فعالیت می‌کنند که کارنامه تولیدی شمار زیادی از آنها برای دریافت درصد ارزش افزوده به مثابه شاخص سنجش تولید، به تأیید کمیسیون ارزش افزوده کالاهای ساخته‌شده رسیده است.

همچنین، صنعت گردشگری به عنوان یکی از بزرگترین و متنوع‌ترین صنعت خدماتی در دنیا مطرح می‌باشد و نمی‌توان نقش آن را در توسعه پایدار مناطق نادیده گرفت.

### اهداف تحقیق

اهداف این تحقیق عبارتند از:

- شناخت ابعاد گوناگون جغرافیای طبیعی، اقتصادی، فرهنگی، تاریخی منطقه آزاد قشم، جهت آماده نمودن بستر مناسب به منظور برنامه‌ریزی گردشگری
- شناسایی نقاط مثبت و منفی صنعت گردشگری و همچنین شناسایی عوامل مهم ترغیب کارآفرینان جهت سرمایه‌گذاری در این بخش
- مشخص نمودن این رابطه فرضی که میان گسترش صنعت گردشگری و ایجاد اشتغال در این منطقه را بطه‌ای مستقیم وجود دارد. در صورت اثبات این رابطه می‌توان با استفاده از نظریات و دیدگاه‌های گردشگری برای افزایش کارآفرینی و اشتغال‌زایی در منطقه راهکارهای اساسی اندیشید.
- شناساندن اهمیت منابع و امکانات گردشگری در جهت افزایش انگیزه‌های کارآفرینی در صنعت گردشگری و از بالقوه در آوردن این منابع و بالفعل رسانیدن آن.

### بیان مسئله

در حال حاضر در اکثر مراکز تجاری و صنعتی بزرگ مناطق در حال توسعه استان هرمزگان، بوشهر و خوزستان، افراد بومی جایگاهی ندارند، آن هم با شرایطی که با گسترش آموزش عالی و آموزشهای فنی و حرفه‌ای در استان سطح سواد و مهارت افراد به خصوص جوانان جویای کار افزایش چشمگیری یافته است و مشکل تاریخی اشتغال جوانان بومی که همانا مهارت بود به کلی از بین رفته است که دلیل این مدعا فارغ التحصیل شدن جوانان زیادی در سال از مراکز دانشگاهی می‌باشد (کرمی، ۱۳۸۷).

یکی از راهکارهای مهم و عملی در این زمینه حل معضل اشتغال افراد بومی در بخش‌های مربوط به گردشگری می‌باشد. از طرفی، جوانان جویای کار این استان حق دارند در اولویت اول اشتغال قرار بگیرند و در صورت عدم تأمین این نیاز، آنگاه می‌توان به نیروهای خارج از استان تکیه کرد. در

صورت اجرای چنین امری و بدلیل توانمندشدن خانواده‌های هرمزگانی، بسیاری از معضلات اجتماعی و فرهنگی و حتی اقتصادی از بین خواهد رفت. هرچند که از دید اقتصادی نیز چرخش سرمایه در یک منطقه و جلوگیری از خروج آن، یکی از راههای توسعه اقتصادی مناطقی همچون هرمزگان می‌باشد (همان منبع).

گردشگری در حال حاضر، با پویایی خاص خود می‌تواند تأثیرات عمده‌ای بر تحولات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در سطوح مختلف بین‌المللی، ملی و محلی بر جای گذارد. امروزه یکی از شناخته شده‌ترین راهبردهای غیرسنتی برای توسعه، گردشگری و فرصتهای مربوط به آن در زمینه کارآفرینی است (داودی راد، ۱۳۹۱).

همچنین، تأسیس تعاونی‌های گردشگری به عنوان شکل‌های غیردولتی در بسیاری از کشورها نقش خود را به خوبی ایفا کرده‌اند. این تعاونی‌ها کلیه مراحل گردشگری مشتمل بر تبلیغات، پذیرش، راهنمایی، اسکان، مسافرت و... مرتبط با گردشگران را به خوبی ساماندهی و برگزار میکنند. امروز چه در کشورهای توسعه یافته و چه در کشورهای در حال رشد بزرگترین امتیاز برای هر صنعت هر سازمان و هر فرد داشتن تفکر و خلاقیت برای کارآفرینی است. تفکر کارآفرینی موجبات اشتغال‌زایی و در نهایت رفع بیکاری و کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی می‌گردد. تفکر کارآفرینی کلید رشد و توسعه اقتصادی هر کشوری شناخته شده است (آزادی، ۱۳۹۱).

### روش تحقیق

با توجه به ماهیت پژوهش، در این مطالعه عمدتاً از مطالعات کتابخانه‌ای با تکیه مقالات، اسناد، برنامه‌های توسعه‌ای، اظهار نظر مسئولان ذیربط و مشاهده اطلاعات و منابع آماری مرتبط با موضوع تحقیق، استفاده گردیده است.

### روش گردآوری اطلاعات

در این تحقیق ابتدا با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی سوابق تاریخی و دیگر جنبه‌های تحقیق خواهیم پرداخت و در ادامه با استفاده از روش مشاهده سعی بر این خواهیم داشت تا جاذبه‌های گردشگریو زیر ساخت‌های منطقه را مشخص سازیم. سپس، به بررسی سوال و فرضیات تحقیق خواهیم پرداخت.

## پیشینه تحقیق

احمد پوراحمد و همکاران در ششمین همایش ملی فرهنگی گردشگری خلیج همیشه فارس، طی مطالعه‌ای به "تبیین و تحلیل توان‌های اکولوژیکی خلیج فارس در راستای توسعه پایدار گردشگری (با تأکید بر جزایر کیش و قشم)" پرداخته و چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند: پهنه خلیج فارس دارای اکوسیستم‌ها و توانهای اکولوژیکی جذاب و کم نظیری است که کمتر سواحلی در دنیا از آن برخوردارند خلیج فارس با داشتن جاذبه‌های اکولوژیکی فراوان گردشگری از جمله جزایر زیبا خورها، جنگلهای مانگرو، چشمه‌های آب گرم و پوششهای جنگلی از جمله پوشش جنگلی حرا تنوع گسترده‌ای جانوران آبی و... به عنوان پتانسیل عظیمی در این زمینه محسوب می‌گردد در میان جزایر فراوان و بزرگ و کوچک ایرانی خلیج فارس جزایر کیش و قشم با داشتن جاذبه‌های اکولوژیکی بسیار سواحل کم نظیر و زیبا دارا بودن بزرگترین اسکله‌های گردشگری خلیج فارس برای نمایش ایزیان کوه نمکی، دره ستارگان، صخره‌های مرجانی و... از بعد گردشگری متمایز به نظر می‌رسند.

با توجه به رونق فعالیت گردشگری و تبدیل شدن آن به یکی از بزرگترین منابع درآمدزای دنیا با رسیدن به یک چارچوب شناختی از توانهای اکوسیستمی و اکولوژیکی این جزایر زیبا می‌توان الگوی و پلاتفرم بهینه و مناسب توسعه گردشگری به ویژه بوم‌گردی اکوتوریسم را طراحی و پیاده سازی نمود.

علی رنجبر نیز طی همایش گردشگری و توسعه پایدار، مقاله‌ای را تحت عنوان: "تأثیر صنعت توریسم و گردشگری در اشتغال‌زایی و کارآفرینی پایدار" ارائه نموده و چنین آورده‌اند: علاوه بر آموزش‌های عمومی ضرورت دارد جوانان علاقمند زیادی را تحت آموزش‌های تخصصی قرار داده و به دلیل ظرافت، نظم، گستردگی و فنون و روان‌شناختی و جامعه‌شناسی این رشته که قبلاً نیز اشاره گردیده باید کشور از یک استراتژی تعریف شده دقیق مبتنی بر یک مدیریت علمی به روز و پویا در این زمینه برخوردار باشد. به دلیل تعدد شاخه‌های این رشته افراد زیادی از اقشار جامعه علی‌الخصوص جوانان تحصیل کرده و علاقمند در سطح کشور جذب شده در حقیقت گام بزرگی جهت تحقق تفکرآفرینی و اشتغال‌زایی برداشته خواهد شد.

## مبانی نظری تحقیق

"درمجموع، پنج نوع اشتغال نیروی انسانی (نیروی کار و مدیریت) در مورد گردشگری قابل تفکیک است: ۱- اشتغال مربوط به زیرساختها، فرودگاه، جاده، امنیت، بهداشت



- ۲- اشتغال اولیه که عمدتاً شامل فعالیتهایی است که برای فراهم‌آوردن زمینه قبل از انجام سفر یا در حین مسافرت صورت می‌پذیرد فعالیت مؤسسات گردشگری و اطلاع‌رسانی حمل و نقل بین مبداء و مقصد از این نوع است.
- ۳- اشتغال در تأمین نیازها که سهم عمده‌ای از اشتغال در فعالیتهای گردشگری را شامل می‌شود و فعالیتهایی را دربر می‌گیرد که به طور مستقیم نیازهای روزمره گردشگر را تا زمانی که در مقصد است برطرف می‌سازد. این نوع اشتغال دامنه وسیعی از فعالیت‌ها را در زمینه حمل و نقل، هتل‌داری، رستورانها، ارائه خدمات تفریحی و ورزشی دربر می‌گیرد.
- ۴- اشتغال نرم‌افزاری که ممکن است گردشگر به طور مستقیم با آنها سروکار نداشته باشد مثل خدمات بیمه، خدمات بانکداری، اینترنت و ذخیره کردن.
- ۵- اشتغال غیرمستقیم که بیشتر با فعالیتهای تولیدی جنبی مرتبط است و هم‌زمان با سرمایه‌گذاری در گردشگری فراهم می‌آید (پاپلی یزدی، ۱۳۸۶: ۸۰).

### ویژگی‌های جغرافیایی منطقه آزاد قشم

قشم جزیره‌ای در خلیج فارس و در استان هرمزگان ایران است. این جزیره در دوران ساسانیان "ابراکوان" نام داشته است. در سال ۱۳۸۵ این شهرستان به سه بخش مرکزی و بخش شهاب و بخش هرمز ۷ دهستان تقسیم شده بود. طبق آخرین تقسیمات کشوری امروزه شهرستان قشم ۶۴ شهر و روستا دارد. از جمله اماکن دیدنی و جذاب قشم می‌توان به زیارتگاه شاه شهید و درخت انجیر معابد اشاره کرد و چاه‌های طلا که در لافت واقع است و خود لافت نیز جزء ۱۰ روستای نمونه کشور از نظر معماری است.

تپه‌های تاریخی کولاغان از دیدنی‌های جزیره است و کارگاه‌های لنج‌سازی و کشتی‌سازی زیبایی در قشم وجود دارد. مدرسه تاریخی کمالیه و کیلومترها ساحل بکر و دست نخورده، مسجد شیخ برخ، زیارتگاه پیرتم سنتی، سدهای مختلف تاریخی که بعضی از سدها به عصر ساسانیان باز می‌گردد جزء جاذبه‌های این منطقه می‌باشند. جزیره قشم از لحاظ طبیعت گردی جزء قطب‌های گردشگری کشور بوده و از نظر اکوتوریسم در نوع خود، یک قطب محسوب می‌شود (زنده‌دل، دستیاران، ۱۹۹۸).

### امکانات گردشگری و زیربنایی

ایران از نظر داشتن منابع طبیعی گردشگری جزو ۵ کشور اول جهان قلمداد می‌شود و با توجه به داشتن جاذبه‌های تاریخی، فرهنگی و طبیعی از جایگاه خاصی برای جذب گردشگر داخلی و خارجی برخوردار است که یکی از این جاذبه‌های طبیعی دریاست. دریای خزر، خلیج فارس و دریای

عمان سه نقطه آبی در سرزمین ما به شمار می‌آیند و کمتر کشوری از چنین امکانات طبیعی‌ای برخوردار است.

یکی از ظرفیت‌های بالقوه در گردشگری ایران؛ دریا و ساحل است که هم ابعاد گسترده‌ای برای سرمایه‌گذاری دارد و هم از جذابیت بالایی توریستی برخوردار است. به مجموعه فعالیت‌های تفریحی و سرگرمی که در محیط‌های دریایی دور از ساحل توسط گردشگران انجام می‌شود گردشگری دریایی می‌گویند. این نوع گردشگری از نظر ماهیت با گردشگری ساحلی متفاوت است هر چند ممکن است شباهت‌هایی میان این نوع گردشگری و گردشگری ساحلی وجود داشته باشد (همان منبع).

نوع فعالیت‌های تفریحی در گردشگری دریایی بیشتر در آب‌های عمیق و دور از خشکی انجام می‌شود که به تجهیزات و امکانات و آموزش‌های ویژه‌ای نیاز دارد و با خطرات ویژه‌ای نیز همراه است. فعالیت‌های تفریحی آبی مانند غواصی، سفرهای تفریحی، اسکی روی آب، جت‌اسکی، آکواریوم دریایی و ماهی‌گیری در آب‌های عمیق از مهم‌ترین جذابیت‌های گردشگری دریایی‌اند (رسول فلاحت، ۱۳۹۰). سواحل زیبای خلیج فارس با قرار گرفتن در منطقه حاره‌ای و منطقه گرم کره زمین و هم‌جواری با ۴ استان بوشهر، خوزستان، هرمزگان و سیستان و بلوچستان یکی از زیباترین پدیده‌های دریایی جهان را داراست. خلیج فارس به دلیل وجود جزایر زیبا که زیستگاه پرندگان مهاجر است، گونه‌های دریایی منحصر به فرد و مرجان‌های دریایی پتانسیل بسیار بالایی برای گردشگری دریایی دارد، اما به‌رغم این پتانسیل‌ها تنها در منطقه محدودی از جزیره کیش که به عنوان منطقه آزاد تجاری شناخته می‌شود از توانایی‌های دریایی برای گردشگری استفاده می‌شود.

جزیره قشم نیز ۲/۵ برابر بزرگ‌تر از سنگاپور و بحرین است و به عنوان بهشت مرجان‌های دریایی شناخته می‌شود. این جزیره از گذشته‌های دور همواره مرکز تجاری و کشتیرانی بسیار پر رونقی بوده است. از سال ۲۰۰۰ میلادی قشم به عنوان یک جزیره آزاد تجاری شناخته شد و به گفته مسئولان این جزیره توانایی پذیرش ۱/۵ میلیون مسافر در ایام تعطیلات را دارد. جنگل‌های وسیع دریایی حرا از زیباترین جاذبه‌های توریستی این جزیره به شمار می‌آیند و سالانه هزاران پرنده از جهان و پرندگان بومی ایران به این جزیره مهاجرت می‌کنند (همان منبع).

### زیرساخت و طرح‌های اقتصادی در قشم

هدف عمده از ایجاد منطقه آزاد قشم در سال ۱۳۶۹ استفاده بهینه از موقعیت ممتاز این جزیره، در واقع توسعه، عمران، آبادانی و محرومیت‌زدایی از جزیره و تبدیل شدن به یک قطب بزرگ اقتصادی صنعتی، تسهیل و توسعه جریان صادرات و واردات، جلب مدیریت علمی و روز جهان، جذب سرمایه و تکنولوژی پیشرفته بوده است. با اعلام محدوده‌ای به وسعت ۲۰۰ هکتار از بندر عظیم و مجهز

شهید رجایی به عنوان منطقه ویژه اقتصادی از سوی دولت و افزوده شدن آن به حریم اختیارات قانونی سازمان منطقه آزاد قشم، این سازمان قادر است فصل جدیدی از ارائه تسهیلات- با استفاده از تجهیزات پیشرفته اسکله شهید رجایی را در زمینه تخلیه و بارگیری انواع کالا برای کشتی‌های اقیانوس پیما آغاز کند و امکاناتی مطلوب در تبادل کالا و ترانزیت به بازرگانان عرضه بدارد(حیدری پور<sup>۱</sup>، ۱۳۹۱).

به دلیل وجود ذخایر عظیم زیرزمینی (نفت و گاز) و معادن مختلف، همچنین قرار گرفتن در تنگه استراتژیک هرمز، جزیره قشم از موقعیتی کاملاً استثنایی برای تبدیل شدن به یک کانون اقتصادی صنعتی موفق و پیشتاز در کشورهای خاورمیانه، آسیای میانه و حوزه اقیانوس هند به ویژه در خلیج فارس و دریای عمان برخوردار است.

قشم در میان مناطق آزاد کشور ایران از جهاتی دارای وضعیتی استثنایی است. اول آنکه تمثیلی تمام عیار از خود کشور است و از این لحاظ با بندر یا سرزمینی بکر و محدود که تنها مشمول یک اطلاق قانونی (معافیت‌های مناطق آزاد) است، قابل قیاس نیست.

جزیره‌ای است وسیع با فاصله اندکی از خاک اصلی، دارای تاریخ اجتماعی و فرهنگی پیوسته و مشابه سایر نقاط جمعیتی کشور. قابلیت‌های انسانی، طبیعی و معدنی آن چشمگیر و مستعد توسعه فراگیر به شمار می‌رود. این قابلیت‌ها منحصر به موقعیت جغرافیایی آن یا بخش توریسمیا بخش صنعت و معدن و... نیست بلکه مجموعه آن‌ها است.

به همین دلیل برنامه‌ریزی برای آن نیز با سایر مناطق آزاد متفاوت است. هر چند که جزیره محدوده یک شهرستان را دربر می‌گیرد یعنی سرزمین بکر نیست که همه ایده‌های مدرن مدیریت و توسعه کالبدی را بتوان برای آن تصور نمود.

هم اکنون جزیره قشم بالغ بر ۱۴۰ هزار جمعیت بومی دارد که در ۶۰ آبادی و پنج شهر بزرگ و کوچک (قشم، درگهان، طبل، رمچاه، لافت و رمکان) به سر می‌برند. عمده فعالیت مردم قشم در زمینه‌هایی چون صیادی (ماهی و میگو)، لنج‌سازی، نخل‌داری و داد و ستد متمرکز است.

سازمان از ابتدای تأسیس تاکنون در ابعاد مختلفی گام برداشته که حاصل این اقدامات توسعه و پیشرفت در زمینه‌های توسعه انسانی، حفاظت محیط زیست، توسعه اقتصادی به ویژه توسعه کسب و کار، ایجاد زیرساخت‌های لازم در جزیره، توسعه شهرک‌های صنعتی و ایجاد اشتغال، توسعه صنعت توریسم و خدمات و ایجاد فرصت‌های فراوان جهت کسب درآمد مردم جزیره از طریق

۱- مصاحبه مهندس اسفندیار حیدری پور رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل سازمان منطقه آزاد قشم، <http://news.freezones.ir>

توسعه گردشگری و ایجاد زیربناهای لازم برای تبدیل قشم به شهری مدرن با امکانات رفاهی مناسب بوده است (همان منبع).

در بعد توسعه انسانی، اختلاف نرخ سواد بین مردم قشم و ایران به طور کلی در مدت ده سال حذف و آموزش، تربیت و دیگر روابط مربوط به نیروی کار فراهم شد. یعنی از طریق تسهیل در استخدام و شرکت اهالی قشم در بخش مدرن اقتصادی، نرخ بیکاری و تعداد افراد آماده به کار به حداقل رسانده شد.

در بعد توسعه توریسم، با توجه به زیبایی‌های جزیره قشم و پتانسیل‌های جاذبی که با امکانات معافیت گمرکی ایجاد شده است، تسهیلاتی مانند هتل، رستوران، اماکن ورزشی و سایر وسایل تفریحی به منظور توسعه توریسم در قشم تأسیس و اشتغال پایدار به ویژه برای نسل جوان جزیره قشم ایجاد شد. توریسم می‌تواند منبع مهم در آمد و فرصتهای شغلی در جزیره به ویژه در کوتاه مدت و میان مدت باشد (بلوکباشی علی، ۱۳۸۰).

در بعد توسعه زیرساخت‌ها و زیربناهای جزیره نیز باید گفت که توسعه زیر بنایی تضمین‌کننده تهیه و ایجاد سرویس‌های با کیفیت بالا برای صنایع و ساکنان در سطوح همسان در نواحی قدیمی و جدید است.

سازمان منطقه آزاد قشم سالانه بخش عمده‌ای از بودجه و اعتبارات خود را در زمینه توسعه زیرساخت‌های جزیره هزینه می‌کند که تمامی این زیرساخت‌ها موجب محرومیت‌زدایی در قشم و تبدیل این جزیره به جزیره‌ای در مسیر رشد و پیشرفت شده است. در بخش زیرساخت‌های مخابراتی، راه‌اندازی شبکه کابل‌های نوری و اقدامات فنی لازم برای ایجاد شبکه ۵۰۰ شماره‌ای شهرک تولا و شبکه مخابراتی ۲۰۰۰ شماره‌ای شهرک‌های مسکونی و راه‌اندازی شبکه سراسری تلفن همراه در جزیره، ایجاد مرکز ۳۰۰ شماره‌ای فرودگاه قشم، ایجاد مرکز ۴۰۰ شماره‌ای مناطق مسکونی و تجاری شهر قشم، در دست اجرا است (همان منبع).

در بخش زیرساخت‌های برق، اتصال به شبکه برق سراسری کشور و اجرای طرح‌های زیر، برق‌رسانی به کلیه نقاط جزیره را تأمین می‌کند. در بخش زیرساخت‌های آب، آب مورد نیاز برای مصارف آشامیدنی، صنعتی، کشاورزی و غیره از طریق تأسیسات آب شیرین‌کن سازمان منطقه آزاد قشم تأمین می‌شود و همچنین چندین سد خاکی و بتنی برای استفاده از آب‌های جاری جزیره و نیز بهره‌برداری از آب‌های پشت سد برای مصارف کشاورزی و سایر مصارف احداث شده است (حیدری پور، ۱۳۹۱).

در بخش زیرساخت‌های حمل و نقل به ویژه فرودگاه، فرودگاه بین‌المللی قشم مجهز به باند ۵ کیلومتری، ساختمان برج مراقبت، ترمینال‌های مسافری، ساختمان آتش‌نشانی و ایمنی، احداث حدود ۲۰۰۰۰ مترمربع ساختمان اداری، ایجاد تأسیسات سوخت‌رسانی به هواپیماهای داخلی و

خارجی و جایگاه بنزین‌گیری خودرو، از جمله فرودگاه‌های مجهز کشور به شمار می‌رود همه روزه پروازهای داخلی و خارجی در این فرودگاه برقرار است. دربخش زیرساخت‌های جاده‌های ارتباطی، با احداث بیش از ۷۰۰ کیلومتر جاده ارتباطی و حدود ۲۵ کیلومتر بزرگراه پیرامون جزیره و اتصالات شمالی- جنوبی، راه‌های دسترسی به تمام نقاط جزیره امکان‌پذیر شده است.

دربخش ایجاد شبکه جامع ارتباطی خلیج فارس به‌ویژه طرح پل خلیج فارس، احداث پل خلیج فارس در کرانه شمالی جزیره بین دو نقطه- یکی بندر پهل در سمت استان هرمزگان و دیگری بندر لافت قدیم در سمت جزیره قشم (که خاک جزیره به خاک سرزمین اصلی نزدیک شده و به ۱۸۰۰ متر می‌رسد) در نظر گرفته شده است (همان منبع).

این پل، دارای خطوط ریلی و جاده‌ای خواهد بود. به خصوص خطوط ریلی آن از این نظر واجد اهمیت است که اسکله کاوه را به راه آهن سرتاسری بندرعباس- ترکمنستان وصل کرده و جریان عبور کالا به اتحادیه کشورهای مشترک المنافع (CIS) را تسهیل خواهد کرد.

در حال حاضر، بنادر جنوبی کشور تنها می‌توانند کشتی‌هایی با ظرفیت حداکثر ۱۰۰ هزارتن را پذیرش کنند. این در حالی است که در خطوط کشتیرانی جهان، بسیاری از کشتی‌ها، با ظرفیت‌های بسیار بیش از این که گاهی به ۲۵۰ هزار تن می‌رسند تردد می‌کنند و اتفاقاً بخش عمده‌ای از تجارت بین الملل نیز بر محور این نوع کشتی‌هاست.

توسعه نیافتگی بنادر ایران در پذیرش کشتی‌های غول پیکر، جشن مدام اماراتی‌هاست زیرا آن‌ها توانسته‌اند در سال‌های گذشته ظرفیت بنادر خود را گسترش دهند به گونه‌ای که کشتی‌های ۲۵۰ هزار تنی به راحتی در بنادر امارات مانند جبل علی و فجیره، پهلو می‌گیرند. این وضعیت باعث می‌شود بسیاری از کشتی‌های خارجی که کالاهایی به مقصد ایران حمل می‌کنند، به جای پهلو گرفتن در بنادر جنوبی ایران، راهی اسکله‌های اماراتی شوند تا در آنجا پس از تخلیه بار، محموله‌ها مجدداً با کشتی‌های کوچک‌تر به ایران ارسال گردد (علی زاده، ۱۳۹۱).

همچنین بسیاری از کالاهای صادراتی ایرانی هم برای بار شدن بر کشتی‌های بالای ۱۰۰ هزار تن، ابتدا به امارات می‌روند و از آن جا در قالب صادرات مجدد امارات، راهی نقاط مختلف جهان می‌شوند.

گذشته از آن، کشتی‌های عظیم‌الجثه باربری که در منطقه تنگه هرمز و خلیج فارس تردد می‌کنند برای خدمات بندری مانند سوخت‌گیری، به جای آن که به بنادر ایران مراجعه کنند (که از نظر مسافت نیز مقرون به صرفه‌تر است) ناچار به بندرهای عربی می‌روند (همان منبع).

شبکه جامع ارتباطی قشم با محوریت پل خلیج فارس طرح جامعی است که با تکیه بر احداث چهار پروژه پل خلیج فارس، توسعه بندر کاوه، جاده و اتوبان خلیج فارس و ریل راه‌آهن در مرحله اول مسیری را در جزیره قشم در کریدور ترانزیت شمال- جنوب ایجاد کرده است. در مرحله بعد با

احراز نقش انبار بزرگ تجاری منطقه قشم، مرکزیت و هاب توزیع و پخش کالا را به مثابه جانشین امارات متحده عربی برعهده خواهد داشت، به طوری که اماراتی‌ها را با تأمین ظرفیت پهلوگیری کشتی‌های ۲۵۰ هزار تنی در بنادر جبل عملی و فجیره، نگران ساخته است (خلیلی، ۱۳۹۱).

از این رو تمایل و استقبال کشورهای ذی‌نفع در استفاده از کریدور ترانزیت شمال- جنوب و بندر شهید رجایی در استان هرمزگان باعث کاهش هزینه‌های حمل و نقل حداقل به میزان ۳۰ درصد کاهش زمان سیر کالا به میزان ۴۰ درصد شده و باعث هماهنگی دو بندر کاوه در قشم و بندر شهید رجایی در بندرعباس با کارکردی مکمل می‌شود، به طوری که موجب آرامش خاطر کشورهای استفاده‌کننده از این شاهراه حیاتی راه فراهم کرده و ثبات هرچه بیشتر را در این مسیر فراهم خواهد کرد. با راه‌اندازی پل خلیج‌فارس در تنگه خوران که کمترین فاصله را بین جزیره قشم و سرزمین اصلی دارد، می‌توان امیدوار بود که قشم مرکز انبارداری و توزیع کالا برای کشورهای آسیای میانه و حوزه قفقاز باشد (همان منبع).

واقعیت این است که بسیاری از سواحل جنوبی ایران نه تنها اکنون توانایی پذیرش کشتی‌های بالای ۱۰۰ هزار تنی را ندارند بلکه در آینده نیز به دلیل مشکلات فنی، محدودیت‌های محیطی (مانند عمق آب در بنادر) و برخی مسائل مالی، این امکان را نخواهند داشت. طبیعتاً نمی‌توان تا درازمدت، به امارات پول‌های کلان تزریق کرد و به آن وابسته بود.

در چنین شرایطی، سواحل جزیره قشم، با عمق حدود ۴۰ متر در برخی نقاط، این امکان را می‌دهد که ایران نیز اسکله‌ای مطابق با استانداردهای روز دنیا برای پذیرش کشتی‌های فوق سنگین در آن احداث کند. با احداث این بندرگاه عظیم در قشم، کشتی‌های حامل کالاها به جای رفتن به بنادر دورتر جنوب خلیج فارس، در قشم پهلو می‌گیرند. این مسئله باعث خواهد شد مبالغی را که اماراتی‌ها بابت پذیرش کشتی‌ها و انبارداری و دیگر امور از ایرانی‌ها می‌گیرند، از پروسه تجارت خارجی ایران حذف شود. به گونه‌ای که برخی برآوردها حتی از صرفه جویی ۳۰ درصدی در هزینه ورود کالا به ایران خبر می‌دهند؛ معنای دیگر این سخن ارزان‌تر شدن قیمت کالاها در بازار ایران است. به علاوه کشتی‌های عبوری نیز ترجیح خواهند داد به جای رفتن به سواحل دور دست امارات، در جزیره قشم، سوخت‌گیری نموده و خدمات بندری دریافت کنند (راحت، ۱۳۸۹).

قشم در واقع یک جزیره است و اگر به سرزمین اصلی وصل نشود، همه کالاها تخلیه شده در آن، ناگزیر باید بر کشتی‌های کوچک‌تر بار و به بنادر جنوب ایران منتقل شود. پل خلیج فارس، که دارای مسیر رفت و برگشت قطار نیز خواهد بود، این امکان را فراهم می‌آورد که محموله‌های تخلیه شده در قشم، به سرعت وارد ناوگان حمل و نقل جاده‌ای و ریلی ایران شود و با سرعت فراوان به

مقصد نهایی در اقصی نقاط کشور برسد و متقابلاً محصولات صادراتی ایران نیز با سرعت و سهولت به ترمینال دریایی صادرات می‌رسد (تصویر شماره ۱).



تصویر شماره ۱

گفته می‌شود با راه‌اندازی این پل، سرعت انتقال کالا به ایران و از ایران، تا ۴۰ درصد بهبود می‌یابد. از اینها گذشته، چون احداث بندر در قشم نیاز به سرمایه‌گذاری کلان دارد، کمتر سرمایه‌گذاری حاضر می‌شود بدون وجود پل، در اسکله سرمایه‌گذاری کند زیرا این پل است که بندرگاه را رونق و سرعت می‌بخشد و با گردش سرمایه، بازگشت سرمایه و سود را تضمین می‌نماید.

سالیان سال در تکنولوژی ساخت، تأمین منابع و مسائل زیست‌محیطی و منطقه‌ای طرح احداث این پل که یکی از طرح‌های برجسته مهندسی جهان محسوب می‌شود، تردیدهایی وجود داشت، اما با به کارگیری تیم مذکور و طبق برنامه ریزی انجام شده در اول سال ۹۱، عملیات طراحی و اجرایی این پروژه به خوبی پیش می‌رود (همان منبع).

این پل دارای شش پایه اصلی (کیسون) متشکل از قطعاتی به وزنی افزون بر دو هزار و ۵۰۰ تن بوده و عملیات اجرایی ساخت این پایه‌ها با سرعت خوبی در حال پیشرفت است و ساخت ۱۰۰ شمع از ۶۰۰ شمع این پل نیز تاکنون (بهمن ماه ۹۱) به اتمام رسیده و بقیه هم به سرعت در حال ساخت است.

پل خلیج فارس به عنوان محور شاخص طرح شبکه جامع ارتباطی جزیره قشم با سرزمین اصلی بین بندر لافت در جزیره قشم و بندر پل در سرزمین اصلی به طول دو هزار و ۶۰۰ متر و عرض عرشه‌ای معادل ۳۱ متر و ۵۰ سانتی‌متر ساخته می‌شود.<sup>۱</sup>

### اهمیت پل خلیج فارس در توسعه اقتصادی قشم

بدون تردید، تحولی که با احداث پل خلیج فارس در ارتباط زمینی بین قشم و پهنه جغرافیای اصلی ایران ایجاد خواهد شد، این امر می‌تواند نقش بسیار مهمی در روند توسعه اقتصادی جزیره برعهده داشته باشد. چرا که اولاً احداث این پل موجب خواهد شد که قشم از جزیره بودن خارج شود که این موضوع می‌تواند به نحو قابل توجهی حمل و نقل زمینی را متأثر سازد. از سوی دیگر، احداث این پل موجب تردد و بازدید بیشتر گردشگران و مسافران داخلی با کمترین هزینه همراه با وسایل نقلیه شخصی به این جزیره خواهد شد (غلامی، ۱۳۹۱).

شایان ذکر است، با بهره‌برداری از این پروژه نه تنها می‌توان نسبت به تسریع و تقویت در روند ورود کالا و سرمایه از ایران و کشورهای حوزه شمالی ایران به جزیره قشم جهت صادرات به بازارهای منطقه امیدوار بود، بلکه انتظار می‌رود با بهره‌گیری از تمام امکانات و سیاست‌های کارا پل خلیج فارس نقش مهمی در مبادلات تجاری- اقتصادی کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس و حتی کشورهای فرامنطقه‌ای با منطقه آسیای مرکزی و قفقاز بر عهده بگیرد.

با راه‌اندازی پل خلیج فارس، قشم به عنوان مرکز انبارداری و توزیع کالا برای کشورهای آسیای مرکزی خواهد شد، هزینه‌های حمل و نقل و زمان ترانزیت کالا از قشم کاهش و قیمت تمام شده کالا و خدمات به دلیل وجود شبکه حمل و نقل ریلی و جاده‌ها کاهش خواهد یافت (همان منبع).

همچنین، با احداث این پروژه پل خلیج فارس می‌تواند به عنوان یک مسیر ارتباطی و انتقال کالا نقش بسیار مهمی در جهت دسترسی کشورهای محصور در خشکی به ویژه کشورهای حوزه آسیای مرکزی و قفقاز به گستره آب‌های گرم خلیج فارس ایفا نماید. بنابراین، پیش‌بینی می‌شود نقش پل خلیج فارس در حوزه‌های خدماتی، حمل و نقل، بارانداز، ترانزیت کالا و ورود و خروج جریان سرمایه خصوصاً به جزیره قشم پررنگ‌تر خواهد بود (تصویر شماره ۲).





تصویر شماره ۲

همچنین اجرای این پروژه باعث خواهد شد تا حضور سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در قشم افزایش یابد و این منطقه در مسیر ترانزیت کالا قرار بگیرد و با شناسایی ظرفیت‌های صادرات کالا درآمد سرانه ساکنان و فعالان اقتصادی در قشم افزایش یابد. پیش‌بینی می‌شود راه‌اندازی پل خلیج فارس باعث کاهش فقر و افزایش رفاه اقتصادی و اجتماعی و افزایش درآمد سازمان منطقه آزاد قشم به واسطه رشد فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مرتبط، افزایش تمایل مسافران برای سفر به قشم از نقاط مختلف ایران و حتی خارج از کشور خواهد شد.

آثار و نتایج مثبت و چشمگیر این طرح در زمینه‌های سیاسی و حتی نظامی نیز قابل پیش‌بینی است که از آن جمله می‌توان به افزایش درآمد ملی از طریق پذیرش نقش ترانزیتی و مبادلاتی (مرکزیت انبارداری و توزیع کالا) در منطقه، بهبود بخشیدن به شاخص‌های کلان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در قالب یک طرح ملی، ایجاد یک تحول تاریخی در منطقه خلیج فارس از حیث صنعتی و تجاری و مشارکت در طرح پایلوت پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی به عنوان گام نخست از طریق قشم اشاره کرد.

از این گذشته، با بهره‌برداری از پل خلیج فارس و برقراری ارتباط مستقیم و پایدار بین جزیره قشم و سرزمین اصلی ایران می‌توان زیرساخت‌های مجهزتر و گسترده‌ای در سواحل جنوبی قشم برای ارائه انواع خدمات رفاهی، حمل و نقل، صنعتی، بیمه‌ای، بانکی، تکنولوژیکی و حتی لجستیک به کشتی‌های در حال عبور از تنگه ایجاد نمود. لازم به یادآوری است که تحقق چنین موفقیتی در عرصه حمل و نقل و خدماتی در دروازه استراتژیک خلیج فارس می‌تواند باعث تحولی جدی در عرصه رقابت‌های سیاسی-اقتصادی ایران با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و به ویژه امارات متحده عربی باشد (غلامی، ۱۳۹۱).

در حال حاضر، بنادر جنوبی ایران تنها می‌توانند کشتی‌هایی با ظرفیت حداکثر ده هزار تن را پذیرش کنند. این در حالی است که در خطوط کشتیرانی جهان، بسیاری از کشتی‌ها، با ظرفیت‌های بسیار بیش از این که بعضاً به ۲۵۰ هزار تن می‌رسند تردد می‌کنند و اتفاقاً بخش عمده‌ای از تجارت بین‌الملل نیز بر محور این کشتی‌هاست.<sup>۱</sup>

اهمیت پروژه خلیج فارس از جنبه‌های گوناگونی قابل بررسی است، این پروژه عظیم ملی که در نزدیک‌ترین فاصله میان دو خشکی در تنگه خوران به عنوان محل احداث پروژه پل خلیج فارس در نظر گرفته شده است، با توجه به گسترش روزافزون تجارت در آسیا و مبادلات تجاری بین آسیا و اروپا شکل‌گیری امکان رشد اقتصادی کشورهای آسیای میانه و سایر کشورهای همجوار با ایران و منطقه کشورهای خلیج فارس، امکان فعالیت ترانزیت را از بندر بزرگ کاوه به سرزمین اصلی و در مسیر ترانزیت کالا اتصال به شبکه حمل‌ونقل عظیم دریایی به کشورهای همجوار و آسیای مرکزی را میسر خواهد کرد. همچنین با توجه به مزایای اقتصادی آن می‌تواند موجب اتصال بیش از ۱۵ کشور از طریق مرز طبیعی و هوایی باشد (خلیلی، ۱۳۹۱).

مزیت‌های عمده اجرای طرح شبکه ارتباطی خلیج فارس با محوریت پل خلیج فارس را می‌توان به شرح موارد زیر برشمرد:

- ۱- اتصال جزیره قشم به سرزمین اصلی با اجرای عملیات پل خلیج فارس، موجب می‌شود تا اسکله چندمنظوره کاوه که در مالکیت سازمان منطقه آزاد قشم قرار دارد، عملاً به بهره‌برداری کامل رسیده و اهداف کلان سازمان منطقه را در زمینه بازرگانی و توسعه تجارت کالا تأمین کند.
- ۲- با انجام عملیات اجرایی پل خلیج فارس در قشم، منطقه آزاد قشم می‌تواند از طریق پل هوایی و گذر از آب‌های خلیج فارس، به سرزمین اصلی متصل شود. در واقع انجام شبکه جامع ارتباطی

خلیج‌فارس با محوریت احداث پل خلیج‌فارس نقش مهمی در تبادلات اقتصادی کشور از طریق جزیره قشم خواهد داشت.

۳- با احداث پل خلیج‌فارس، آمد و شد و بازدید بیشتر گردشگران و مسافران داخلی با وسایل نقلیه شخصی با کمترین هزینه همراه خواهد بود. به عبارتی امکان ارتباط راه زمینی برای مسافران و گردشگران بین جزیره قشم و سرزمین اصلی به وجود می‌آید.

۴- با احداث پروژه پل خلیج‌فارس، جزیره قشم می‌تواند به عنوان یک مسیر ارتباطی و انتقال کالا نقش مهمی در جهت دسترسی کشورهای محصور در خشکی به ویژه کشورهای آسیای میانه و حوزه قفقاز به گستره آب‌های خلیج‌فارس داشته باشد، و کالاها با حجم بالا در داخل کشور قابل تخلیه و بارگیری شوند. به طوری که بهره‌برداری از این پروژه می‌تواند به تسریع و تقویت روند واردات کالا و ورود سرمایه از ایران و کشورهای حوزه شمالی ایران به منطقه آزاد قشم برای صادرات به بازارهای هدف منطقه‌ای بیانجامد.

بدیهی است با بهره‌گیری از امکانات موجود و اعمال سیاست‌های راهبردی و مدیریتی مناسب، می‌توان به نقش مهم شبکه جامع ارتباطی خلیج‌فارس در مبادلات اقتصادی و تجاری کشورهای حوزه جنوبی خلیج‌فارس و حتی کشورهای فرامنطقه‌ای با آسیای میانه و حوزه قفقاز امیدوار بود، و این عاملی برای درآمدزایی و توسعه سایر زمینه‌ها و ظرفیت‌های بالقوه اقتصادی جزیره قشم بوده و بسترهای مناسب را برای توسعه دیگر فعالیت‌های بازرگانی و تولیدی و به ویژه صنایع مکمل و ترانزیتی در منطقه آزاد قشم فراهم می‌آورد.

۵- مشاهده چشم‌انداز جنگل‌های دریایی حرا (مانگرو) از طریق منظره پل استراتژیک خلیج‌فارس، احداث شبکه ارتباطی جامع خلیج‌فارس به ویژه ساخت پل را از مزیت‌ها و موقعیت گردشگری برخوردار کرده و ورود گردشگر را برای دیدن این پدیده اعجاب‌انگیز طبیعی تقویت و تشویق می‌کند.

۶- اجرای پروژه بزرگ خلیج‌فارس باعث خواهد شد تا حضور سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در منطقه آزاد قشم افزایش یافته و این جزیره در مسیر تجارت و ترانزیت کالا و خدمات منطقه‌ای قرار گرفته، به علاوه با شناسایی اقلام گروه کالاهای وارداتی بازارهای هدف منطقه آزاد قشم، صادرات کالا در منطقه افزایش یافته و درآمد سرانه ساکنان و فعالان اقتصادی در جزیره قشم افزایش یابد.

پیش‌بینی می‌شود با توجه به مسئله کارآفرینی و ظرفیت بسیار بالای ایجاد شده برای مشاغل گوناگون تا ۲۰۰ هزار فرصت شغلی جدید، ظرفیت سال‌های اول بهره‌برداری پروژه خلیج‌فارس، جمعیت فعلی جزیره قشم را از ۱۱۰ هزار نفر به دو میلیون نفر افزایش دهد و از این رهگذر درصد قابل توجهی از بیکاری در کشور که حل آن از اهداف قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی کشور است، کاهش ملموسی پیدا کند. به واقع راه‌اندازی پل خلیج‌فارس باعث کاهش فقر

و افزایش رفاه اقتصادی و اجتماعی و افزایش درآمد سازمان منطقه آزاد قشم شده و با رشد اقتصادی فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مرتبط، تمایل سرمایه‌گذاران و مسافران برای بازدید از جزیره قشم افزون خواهد شد.

۷- ارتقا امنیت نظامی و اقتصادی منطقه آزاد و تثبیت یافتن جمعیتی بزرگ‌ترین جزیره غیرمستقل جهان با مساحت ۱۵۰۰ کیلومتر مربع که با ساخت و راه‌اندازی شبکه جامع ارتباطی خلیج فارس میسر خواهد شد. آثار و نتایج چشمگیر اجرای این طرح بزرگ ملی، در زمینه‌های سیاسی و حتی نظامی نیز حائز اهمیت بوده و می‌تواند درآمد ملی را از طریق پذیرش نقش ترانزیت و مبادلات تجاری از طریق هاب منطقه‌ای قشم افزایش دهد (همان منبع).

### قشم، اولین جزیره انرژی ایران

وجود بیش از ۴ میلیارد بشکه نفت خام درجا و ۱۰ تریلیون فوت مکعب ذخایر گاز طبیعی در بزرگترین جزیره خلیج فارس پتانسیل‌های جدیدی را پیش روی قشم به عنوان هاب جدید انرژی ایران در منطقه تنگه هرمز ایجاد کرده است. همزمان با آغاز توسعه ۱۶ میدان جدید نفت و گاز در منطقه تنگه هرمز، ساخت و راه‌اندازی پالایشگاه‌های جدید گاز و مجتمع‌های پتروشیمی برای تبدیل قشم به اولین جزیره انرژی خلیج فارس آغاز گردیده است (زیرکچیان‌زاده، ۱۳۹۱).<sup>۱</sup>

یکی از اهداف ایجاد هاب انرژی در جزیره قشم توسعه ۱۶ میدان جدید نفت و گاز در این منطقه است، به طوری که هم اکنون توسعه میدان مشترک هنگام با ظرفیت تولید روزانه بیش از ۲۳ هزار بشکه نفت در مدار بهره‌برداری قرار گرفته و به زودی تولید نفت از این میدان مشترک با عمان به حدود ۳۰ هزار بشکه در روز افزایش می‌یابد. علاوه بر این قرار است توسعه میدان جدید گازی فروز B، میدان نفتی تفتان، هرمز A، B، D و F، فارو، گورزین، سلخ و ساخت پالایشگاه جدید قشم با ظرفیت تولید روزانه ۸۰ میلیون فوت مکعب گاز در این کانون جدید انرژی در مدار بهره‌برداری قرار بگیرد (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۱).<sup>۲</sup>

براین اساس، امکان تولید روزانه ۱۰ میلیارد فوت مکعب گاز طبیعی از میادین اقماری هیدروکربوری اطراف قشم وجود دارد. همچنین، درکنار تولید گاز، اجرای پروژه تبدیل گاز به برق (GTW) هم در دستور کار قرار دارد. از این رو، نخستین قرارداد تبدیل گاز به برق با توسعه میدان

۱- مصاحبه مدیرعامل شرکت نفت فلات قاره، <http://www.mehrnews.com/detail/News>

2 - <http://www3.mehrnews.com/detail/News/1745007>

جدید فروز B امضا شده است که پیش‌بینی می‌شود با توسعه این میدان در ۲ فاز امکان تولید ۳ تا ۶ هزار مگاوات برق فراهم شود.

گاز درجای میدان فروز B حدود ۲۸ تریلیون فوت مکعب و ذخیره میعانات گازی این میدان ۱۸۰ میلیون بشکه برآورد شده که برآوردها نشان می‌دهد سقف تولید گاز در فاز اول توسعه این میدان به یک میلیارد فوت مکعب و تولید میعانات گازی به ۱۰ هزار بشکه در روز برسد. از طرفی، تولید سالانه یک میلیون و ۴۹۰ هزار تن تولید مایعات گازی، ۴۶۶ تن گوگرد در روز از دیگر اهداف این میدان جدید اکتشاف ایران در خلیج فارس است (همان منبع).

### ظرفیت‌های صنعتی، خدماتی و رفاهی

در بخش توسعه صنعتی، شهرک صنعتی طولا، شهرک صنعتی کاوه، شهرک صنعتی سوزا و شهرک صنعتی الوند با بیش از ۱۲۰ شرکت صنعتی بزرگ و کوچک فعال شده و اشتغال مناسبی برای جوانان قشمی فراهم آورده است.<sup>۱</sup>

در بخش‌های خدماتی و رفاهی، ایجاد و احداث مجتمع‌های تجاری- تفریحی توسعه مراکز درمانی به‌ویژه احداث بیمارستان بزرگ پیامبر اعظم (ص) توسط سازمان منطقه آزاد قشم، توسعه مراکز دانشگاهی و علمی- تحقیقاتی شامل فعالیت ۱۰ دانشگاه، مرکز بین‌المللی رشد قشم، پارک زیست فناوری خلیج فارس، باغ موزه گیاهشناسی، واحد نظارت بر ضوابط بهداشت انسانی و استاندارد قشم ایجاد و تحصیل بیش از ۱۵۰۰۰ دانشجو در جزیره قشم از جمله اقدامات سازمان منطقه آزاد قشم در بعد توسعه و محرومیت‌زدایی در قشم بوده است (حیدری‌پور، ۱۳۹۱).

علاوه بر استعداد های طبیعی و نیروی انسانی ارزان و موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد این جزیره، سرمایه‌گذاری در قشم دارای مزایای ویژه‌ای است که می‌توان به معافیت مالیاتی ۱۵ ساله، آزادی مشارکت سرمایه‌گذاری خارجی تا سقف ۱۰۰٪، معافیت از پرداخت هرگونه حقوق گمرکی و سود بازرگانی برای واردات مواد اولیه، ماشین‌آلات و قطعات یدکی جهت تولیدکنندگان، معافیت گمرکی برای ورود کالاهای ساخته شده در منطقه آزاد به داخل کشور به میزان ارزش افزوده، صدور ویزا برای خارجی‌ان در مبادی ورودی منطقه آزاد قشم، آزادی کامل ورود و خروج سرمایه، فروش و اجاره زمین به سرمایه‌گذاران داخلی و اجاره زمین به سرمایه‌گذاران خارجی، مقررات ساده و مناسب نیروی کار، تضمین کامل سرمایه خارجی و سود حاصل از آن، مکان ورود ماشین‌آلات خط

۱- سایت شهرک صنعتی طولا، <http://gyahdanqeshm.loxblog.com>

تولید و جایگزین کردن آن‌ها با تکنولوژی روز و سهولت تأمین مواد اولیه خارجی از جمله مزیت‌های حضور اقتصادی در این منطقه می‌باشد (همان منبع). آنچه که ضروری به نظر می‌رسد به آن توجه شود، این است که علی‌رغم تلاش‌های گسترده صورت گرفته در محرومیت‌زدایی همچنان در مناطق مختلف استان حتی در مرکز آن یعنی بندرعباس، محرومیت به عینه احساس می‌شود. حال آنکه می‌بینیم به برکت پتانسیل‌های اقتصادی استان بسیاری از استانهای کشور از این برکات بهره‌مند می‌شوند (کریمی، ۱۳۸۷).<sup>۱</sup>

شاید اگر بگوییم در بسیاری از زمینه‌ها بهره‌ای که سایر استانها از استان می‌برند بسیار بیشتر از بهره‌ای می‌باشد که استان هرمزگان می‌برد سخنی به‌گزارف نگفتیه‌ایم. باید اذعان کرد تا زمانی که محرومیت در استان وجود دارد، نمی‌توان کارنامه مثبتی را برای مدیران استان متصور شد. چرا که انتظار می‌رود با توجه به این ظرفیت‌هایی که ذکر شد و درآمدهای بسیاری که از طریق استان عاید کشور می‌شود، سرمایه‌گذاری‌های بیشتری صرف عمران و آبادانی استان شود تا دیگر شاهد این موضوع نباشیم که بعضاً به دلیل نبود اعتبار کافی، بسیاری از پروژه‌های تأثیرگذار در کاهش محرومیت، سالهاست از زمان اعلام شده برای بهره‌برداری می‌گذرد و اما هنوز عملیات احداث آن پروژه به پایان نرسیده است (همان منبع).

### نقش گردشگری در اشتغال‌زایی در قشم

این جزیره با توجه به تلفیق جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی، پتانسیلهای بسیار زیادی برای گردشگری و مخصوصاً اکوتوریسم دارد. جاذبه‌های طبیعی این جزیره از جمله شکل‌های زمین‌شناسی و ژئومورفولوژی، اشکال فرسایشی، منطقه ژئوپارک، حیات وحش و پرندگان جزیره، پوشش گیاهی و جنگلهای حرا، دره‌ها و تنگه‌های زیبا، غارهای دیدنی، آبهای نیلگون خلیج فارس و همه و همه در کنار جلوه‌های فرهنگی جزیره از جمله آداب و رسوم، صنایع دستی، موسیقی نواحی جنوب، معماری تپیک، آثار باستانی و نیز غذاهای محلی و طعم ماهی جنوب، همه جزیره قشم را به عنوان یک منطقه ویژه اکوتوریسم معرفی می‌نماید (کوهکن، ۱۳۹۱).<sup>۲</sup>

1- <http://shahrvandefarda.blogfa.com/post-5.aspx>

2- <http://www.qeshmonline.com/news/>

### ژئوپارک قشم

بخش غربی جزیره قشم حد فاصل روستای طبل، سلخ و کانی محدوده‌ایست که به دلیل وجود فرمهای فرسایشی و زمین‌شناسانه و جاذبه‌های فراوان ژئومورفولوژی به عنوان ژئوپارک به ثبت یونسکو رسیده است. ژئوپارک قشم تنها ژئوپارک خاورمیانه است و ارزشهای بسیار زیادی برای گردشگری دارد.

### دره ستاره‌ها

در حوالی روستای برکه خلف در جزیره قشم یکی از زیباترین جلوه‌های فرسایش در جزیره قابل مشاهده است. این دره فرسایشی به استار گفته یا استار اوتیده (ستاره افتاده) معروف است. مردم محلی معتقدند بر اثر فرو افتادن ستاره‌ای در این محل و ضربه‌ای سهمگین، چنین اشکال زیبایی به وجود آمده است. دره ستاره‌ها در واقع یک دره فرسایش یافته توسط آبهای سطحی و رگبارهای فصلی است. در بالای دره، فلات اولیه به صورت کم و بیش دست نخورده باقی مانده است (همان منبع).

### جنگل حرا

حرا نام گیاهی است که در مناطق حاره‌ای و نیمه حاره‌ای دنیا به صورت غرقابی در آبهای شور رشد می‌کند و به نام جنگلهای مانگرو مشهور می‌باشد. این مجموعه جنگلها در سرتاسر جنوب ایران در حاشیه خلیج فارس با فواصل مختلف از بوشهر تا چابهار رشد می‌کند. عمده‌ترین جنگلهای حرا و انبوه‌ترین آنها در شمال جزیره قشم و حد فاصل بین قشم تا بندر خمیر واقع است. جنگلهای حرا زیستگاه بسیار مناسب برای پرندگان می‌باشد.

### صنایع دستی قشم

صنایع دستی بانوان قشم، محصولات خاص و تیپیکی است که عمدتاً سوزن دوزیهایی است که در گذشته بر روی شلوارها و روسریهای زنان قشم انجام می‌شده و اکنون شکل و شمایل کاربردی به خود گرفته و به عنوان جا موبایلی و جا عینکی و روسریهای مدل جدید با طرحهای سنتی و ... عرضه می‌گردد. در روستای شیب دراز و برکه خلف به صورت کاربردی گروههایی سازمان یافته و آموزش دیده از بانوان برای تولید صنایع دستی وجود دارند.

**لافت**

روستای تاریخی لافت، با معماری تپییک خاص خود به عنوان شهر بادگیرهای قشم معروف است. این روستا در شمال مرکزی جزیره و در مجاورت جنگلهای حرا واقع است. معماری خاص این روستا با خانه‌های بادگیری، فرم ویژه معماری جنوب ایران را تداعی می‌نماید. قلعه نادری و چاههای طلا و خانه فرهنگ در لافت از جاذبه‌های این شهر تاریخی است.

**جزیره هنگام**

جزیره هنگام در جنوب مرکزی جزیره قشم و در حد فاصل ۲ کیلومتری این جزیره و در جلوی روستای شیب دراز واقع است. این جزیره از چند روستای مسکونی چون هنگام جدید، هنگام قدیم (عرب)، خماسی و غیل تشکیل یافته و محل بسیار مناسبی برای دیدن حیات وحش از جمله دسته‌های دلفینها، پرنده‌ها، جبیر (نوعی غزال) و... می‌باشد. ساحل نقره‌ای در حاشیه جزیره هنگام، ساحل بسیار دیدنی می‌باشد که شن آن حاوی ذرات ریز و نقره ماندنی است که جلوه بسیار زیبایی به آن داده است (خراسان، ۱۳۹۰).

**دسته‌های دلفینهای دور جزیره هنگام**

در اطراف جزیره هنگام، روستای شیب دراز دسته‌های چند ده‌تایی دلفینها دیده می‌شود که دیدن آنها و جست و خیزهای آنها در اطراف قایقهای مسافری، هیجان بسیار زیادی ایجاد می‌نماید.

**قلعه پرتغالی‌ها**

قلعه پرتغالی‌ها، در سال ۱۵۰۷ میلادی آلبوکرک دریاسالار پرتغالی جزایر دهانه خلیج فارس را تصرف کرده و از این طریق بر راه بازرگانی دریایی بین هند و اروپا تسلط یافت، چیرگی پرتغالیها بر این آبراه مهم دریایی ۱۱۰ سال طول کشید. در این مدت آنها به ساختن دژها و استحکاماتی پرداختند که از آن جمله دژهای هرمز، قشم و لارک است. قلعه قشم با مساحتی بیش از ۲ هزار متر مربع از سنگهای آهکی و گچی با ملاط ساروج محلی ساخته شده و طی یک قرن چندین بار استحکام بخشی یافته است. این دژ راست گوشه است. چهار برج در چهار گوشه و بازوهای بلند دارد که توپ و منجنیق‌ها بر روی پهنای آن مستقر می‌شده‌اند قلعه قشم کاربردی چون یک انبار بزرگ یا جای نگهداری مهمات و سلاح داشته که در مواقع اضطراری به دیگر دژها کمک می‌رسانده است.



سرانجام در سال ۱۶۲۳ میلادی این قلعه و دیگر پایگاهها در دهانه خلیج فارس را یکی از سرداران صفوی متصرف شد و ایرانیان تا امروز بر این پرارزش‌ترین آبراهه دنیا چیره هستند<sup>۱</sup>.

### غارهای خربس

غارهای خربس، به فاصله ۱۱ کیلومتری از شهر قشم (در جاده مجاور ساحل جنوبی) غارهای خربس برسینه کوهی مشرف به دریا و دشتی میانکاسه قرار گرفته است خربس از غارهای دریایی است که بر اثر گرداب و تخلیه ماسه‌ها از حفره سنگها به وجود آمده است. عمر غار بسیار طولانی است اما در دوره‌های پیش از اسلام با افزودن به وسعت غار و بخشهای تالار و دهلیزهای انشعابی به احتمال زیاد از آن برای پناهگاه کودکان، زنان و سالخوردگان به هنگام یورش دشمن استفاده می‌شده است.

### تنگه چاهکوه

تنگه چاهکوه در حوالی روستای چاهو در کناره شمالی بخش غربی جزیره واقع است و شامل دو دره عمود بر هم با دیواره‌های عمودی بلند می‌باشد که بر اساس شیارها و ایجاد خطوط و فرمهای فرسایشی و به مرور زمان به وجود آمده است. جنس دیواره‌ها ماسه سنگ آهکی سست است. حفره‌های متعدد کوچک و بزرگ در دیواره‌ها به وجود آمده است. بهره‌برداری گردشگری از سایت‌های چاه کوه، نمکدان و دره ستاره‌ها از سوی حفاظت محیط زیست سازمان منطقه آزاد قشم به دهیاری روستاهای مجاور این سایت‌ها واگذار می‌شود.

مهمترین اهداف ژئوپارک قشم حفاظت محیط زیست، توانمندی جامعه محلی و رونق ژئوتوریسم است. همچنین، در راستای توانمندی اقتصادی جامعه محلی و رونق ژئوتوریسم طرح‌هایی در دست می‌باشد تا سایت‌هایی از ژئوپارک که در روستاهای جزیره واقع شده‌اند را برای بهره‌برداری گردشگری در اختیار دهیاری روستاها قرار داده شود. به این ترتیب روستاییان می‌توانند با بهره‌برداری اولیه مثل اخذ ورودی از گردشگران و تشکیل صندوق تعاونی گردشگری در روستای خود، نسبت به فراهم کردن رستوران، مکان اقامتی و حمل و نقل آنها در این مناطق اقدام کنند (همان منبع). جدول شماره ۱، به طور خلاصه، تحلیل نقاط قوت و ضعف و تهدیدهای گردشگری قشم براساس مدل (SWOT) را ارائه می‌نماید:

جدول شماره ۱- تحلیل نقاط قوت و ضعف و تهدیدهای گردشگری قشم براساس مدل (SWOT)

تهدیدها	فرصتها	نقاط ضعف	نقاط قوت
			۱- برخورداری از تمامی امکانات و تسهیلات مرتبط با مناطق آزاد تجاری- صنعتی
	۱- ساخت پل خلیج فارس تسهیل در تجارت بین‌المللی فراهم شده و راهی برای پیوند با اقتصاد جهانی گشوده می‌شود.		۲- برخورداری از اکوسیستم‌ها و توانهای اکولوژیکی جذاب و کم نظیر
	۲- اتصال جزیره قشم به سرزمین اصلی با اجرای عملیات پل خلیج فارس		۳- برخورداری از قابلیت‌های چشمگیر و مستعد توسعه انسانی، طبیعی و معدنی
	۳- برخورداری از امکانات بندر عظیم و مجهز شهید رجایی	۱- توسعه نیافتگی بندر در پذیرش کشتی‌های غول پیکر	۴- حذف اختلاف نرخ سواد بین مردم قشم و ایران در مدت ده سال از طریق سرمایه‌گذاری در امر آموزش
	۴- وجود ذخایر عظیم زیرزمینی (نفث و گاز) و معادن مختلف	۲- قدمت هتل‌های سواحل خلیج فارس	۵- کاستن از نرخ بیکاری و افزایش تعداد افراد آماده به کار از طریق تسهیل در استخدام و شرکت اهالی قشم در بخش مدرن اقتصادی
۱- امکانات بندری بنادر امارات جهت تخلیه و بارگیری کشتی‌های بیش از ۱۰۰ هزار تن	۵- قرار گرفتن در تنگه استراتژیک هرمز، جزیره قشم از موقعیتی کاملاً استثنایی برای تبدیل شدن به یک کانون اقتصادی صنعتی موفق و پیش‌تاز در کشورهای خاورمیانه، آسیای میانه و حوزه اقیانوس هند به ویژه در خلیج فارس و دریای عمان	۳- نبود نیروهای آموزش دیده در کادر هتل، فاصله داشتن با استانداردهای جهانی، ارائه نشدن تسهیلات مناسب برای توسعه هتل‌داری	۶- ایجاد امکانات معافیت گمرکی
	۶- برخورداری از کریدور ترانزیت شمال - جنوب		۷- ایجاد تسهیلاتی مانند هتل، رستوران، ماکن ورزشی و سایر وسایل تفریحی
	۷- حضور سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در منطقه آزاد قشم و قرار گرفتن این جزیره در مسیر تجارت و ترانزیت کالا و خدمات منطقه‌ای		۸- توسعه زیرساخت‌های جزیره قشم در جهت محرومیت‌زدایی
	۸- ارتقا امنیت نظامی و اقتصادی منطقه آزاد و تثبیت یافت جمعیتی بزرگ‌ترین جزیره غیرمستقل جهان		۹- تقویت زیرساخت‌های مخابراتی
			۱۰- تقویت زیرساخت‌های برق و اتصال به شبکه برق سراسری کشور
			۱۱- تقویت زیرساخت‌های آب جهت مصارف آشامیدنی، صنعتی، کشاورزی و غیره از طریق تأسیسات آب شیرین‌کن سازمان منطقه آزاد قشم و همچنین چندین احداث سد خاکی و بتنی
			۱۲- تقویت زیرساخت‌های حمل و نقل به ویژه فرودگاه بین‌المللی قشم، ترمینال‌های مسافری، ساختمان آتش‌نشانی و ایمنی،
			۱۳- تقویت شبکه جامع ارتباطی

تهدیدها	فرصتها	نقاط ضعف	نقاط قوت
			<p>خلیج فارس به‌ویژه اجرای طرح پل خلیج فارسدر کرانه شمالی جزیره ۱۴- امکان بازدید گردشگران و مسافران داخلی با وسایل نقلیه شخصی با کمترین هزینه با احداث پل خلیج فارس</p> <p>۱۵- ایجاد مسیر ارتباطی و انتقال کالا در جهت دسترسی کشورهای محصور در خشکی به ویژه کشورهای آسیای میانه و حوزه قفقاز به گستره آب‌های خلیج‌فارس با احداث پروژه پل خلیج‌فارس</p> <p>۱۶- چشم‌انداز جنگل‌های دریایی حرا (مانگرو) از طریق منظره پل استراتژیک خلیج‌فارس</p> <p>۱۷- وجود بیش از ۴ میلیارد بشکه نفت خام درجا و ۱۰ تریلیون فوت مکعب ذخایر گاز طبیعی در بزرگترین جزیره خلیج فارس</p> <p>۱۸- وجود ظرفیت‌های صنعتی، خدماتی و رفاهی، شهرک صنعتی طولاً، شهرک صنعتی کاوه، شهرک صنعتی سوزا و شهرک صنعتی الوند با بیش از ۱۲۰ شرکت صنعتی بزرگ و کوچک فعال شده</p> <p>۱۹- وجود مجتمع‌های تجاری-تفریحی توسعه مراکز درمانی</p> <p>۲۰- برخورداری منطقه از ظرفیت‌های تولید صنایع دستی بومی به عنوان عامی فرهنگی و درآمدزا</p>

## اهداف کارآفرینی گردشگری روستائی در شهرستان قشم:

- افزایش سطح درآمد ساکنان جزیره قشم
- ایجاد انگیزه جهت سکونت در قشمو جلوگیری از مهاجرت مردم و سکنه بومی.
- ایجاد فرصت‌های شغلی جدید برای ساکنان قشم- این امر موجب ایجاد فرصت‌های شغلی زیادی برای ساکنان قشم خواهد شد از جمله تولید و فروش صنایع دستی، ایجاد فرصت‌های شغلی در هتل‌ها و رستوران‌ها.
- بهره‌برداری بهینه از منابع محلی‌قشم دارای منابع محلی بی‌نظیری است که در صورت شناخته شدن آن می‌تواند بستر بسیار مناسبی جهت توسعه کارآفرینی در منطقه گردد از جمله در زمینه گردشگری...
- آشنائی و ارتباط محققین و دانشمندان با فرهنگ غنی قشم و استفاده از پتانسیل‌های عظیم آن

## تأثیر کارآفرینی گردشگری روستائی در اشتغال جزیره قشم

با بستر سازی مناسب و ایجاد فرصت‌ها در امر گردشگری جزیره قشم، کارآفرینی در این جزیره در زمینه‌های کسب و کار کوچک خانوادگی و بنگاه‌های اقتصادی شکوفا خواهد شد و این مهم می‌تواند هم برای افراد بومی و هم افراد خارج از این جزیره نیز اتفاق بیافتد. جدول شماره ۲ به صورت موردی تعداد فرصت‌های شغلی ایجاد شده از طریق ایجاد رستوران و آشپزخانه در این مناطق نشان داده می‌شود.

جدول شماره ۲ به صورت موردی تعداد فرصت‌های اشتغال مستقیم و غیر مستقیم

اشتغال مستقیم	اشتغال غیر مستقیم
در مراکز اقامتی- مانند سویت‌ها- هتلها	ایجاد اشتغال با رونق بازارهای محلی و رونق صنایع دستی
در بخش ساخت و ساز و احداث مراکز اقامتی	ایجاد اشتغال در زمینه تولیدرها و راهنمایان توریست
در عرضه خدمات مغازه داری	اشتغال زنان روستا به خصوص در امر تولید صنایع دستی
حمل و نقل	
بخش‌های پذیرایی	

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

بزرگترین جزیره خلیج فارس این روزها شاهد رشد شتابان در مسیر توسعه و پیشرفت است. ایجاد منطقه آزاد در جزیره قشم از سال ۱۳۶۹ و پیشبرد اهداف نظام جمهوری اسلامی در توسعه و آبادانی جزیره قشم و جزایر اطراف آن موجب شده امروزه هرگاه نام و نشان قشم به زبان و بیان جاری می‌شود، تصویری از جزیره‌ای زیبا با ظرفیت‌های بالای توسعه و پیشرفت به ذهن متبادر می‌شود.

عمده هدف نظام از ایجاد منطقه آزاد قشم در سال ۱۳۶۹ استفاده بهینه از موقعیت ممتاز این جزیره، در واقع توسعه، عمران، آبادانی و محرومیت‌زدایی از جزیره و تبدیل شدن به یک قطب بزرگ اقتصادی صنعتی، تسهیل و توسعه جریان صادرات و واردات، جلب مدیریت علمی و روز جهان، جذب سرمایه و تکنولوژی پیشرفته بوده است. با اعلام محدوده‌ای به وسعت ۲۰۰ هکتار از بندر عظیم و مجهز شهید رجایی به عنوان منطقه ویژه اقتصادی از سوی دولت و افزوده شدن آن به حریم اختیارات قانونی سازمان منطقه آزاد قشم، این سازمان قادر است فصل جدیدی از ارائه تسهیلات - با استفاده از تجهیزات پیشرفته اسکله شهید رجایی - را در زمینه تخلیه و بارگیری انواع کالا برای کشتی‌های اقیانوس پیما آغاز کند و امکاناتی مطلوب در تبادل کالا و ترانزیت به بازرگانان عرضه بدارد.

به دلیل وجود ذخایر عظیم زیرزمینی (نفت و گاز) و معادن مختلف، همچنین قرار گرفتن در تنگه استراتژیک هرمز، جزیره قشم از موقعیتی کاملاً استثنایی برای تبدیل شدن به یک کانون اقتصادی صنعتی موفق و پیشتاز در کشورهای خاورمیانه، آسیای میانه و حوزه اقیانوس هند به ویژه در خلیج فارس و دریای عمان برخوردار است.

توسعه باید به دنبال تعادل اجتماعی در میان مردم قشم و با روشی باشد که حافظ میراث فرهنگی آنهاست. در دورنمای آینده ترکیب گروه‌های قومی و ملیت‌های مختلف پیش‌بینی شده است که آزادی برای فرهنگ‌های مختلف بایستی تسهیل شود.

هم اکنون جزیره قشم بالغ بر ۱۴۰ هزار جمعیت بومی دارد که در ۶۰ آبادی و پنج شهر بزرگ و کوچک (قشم، درگهان، طبل، رمچاه، لافت و رمکان) به سر می‌برند. عمده فعالیت مردم قشم در زمینه‌هایی چون صیادی (ماهی و میگو)، لنج‌سازی، نخل‌داری و داد و ستد متمرکز است.

در بعد توسعه توریسم، با توجه به زیبایی‌های جزیره قشم و پتانسیل‌های جاذبی که با امکانات معافیت گمرکی ایجاد شده است، تسهیلاتی مانند هتل، رستوران، اماکن ورزشی و سایر وسایل تفریحی به منظور توسعه توریسم در قشم تأسیس و اشتغال پایدار به ویژه برای نسل جوان جزیره قشم ایجاد شد. توریسم می‌تواند منبع مهم در آمد و فرصت‌های شغلی در جزیره به ویژه در کوتاه مدت و میان مدت باشد.

در بعد توسعه زیرساخت‌ها و زیربناهای جزیره (زیرساخت‌های مخابراتی، برق، آب، حمل و نقل به ویژه فرودگاه، جاده‌های ارتباطی و به‌ویژه طرح پل خلیج فارس) نیز باید گفت که توسعه زیربنایی تضمین‌کننده تهیه و ایجاد سرویس‌های با کیفیت بالابرای صنایع و ساکنان در سطوح همسان در نواحی قدیمی و جدید است.

همچنین، سازمان منطقه آزاد قشم سالانه بخش عمده‌ای از بودجه و اعتبارات خود را در زمینه توسعه زیرساخت‌های جزیره هزینه می‌کند که تمامی این زیرساخت‌ها موجب محرومیت‌زدایی در قشم و تبدیل این جزیره به جزیره‌ای در مسیر رشد و پیشرفت شده است. به نظر می‌رسد هم اکنون امکان اشتغال‌زایی و رفع محرومیت از چهره این استان به خوبی فراهم گشته و آینده خوبی در انتظار ساکنان بومی این منطقه قرار گرفته است.

### پیشنهادات

#### ۱- ایجاد انکوباتورهای (پرورشگاه) کسب و کار

دولت می‌تواند با تأسیس انکوباتورها در مناطق آزاد تجاری-صنعتی، حمایت‌های لازم را در ابتدای شروع کسب و کار کوچک روستائی به عمل آورده و این نوع شرکتها را تحت حمایت خویش قرار دهد. در این حالت هم کارآفرینی توسعه پیدا خواهد کرد و هم به اشتغال منطقه کمک خواهد شد.

#### ۲- معافیت مالیاتی در بخش‌های کارآفرینی گردشگری

در نظر گرفتن معافیت‌های مالیاتی در بخش‌های کارآفرینی گردشگری، موجب توسعه و رونق روزافزون این بخش گردیده و زمینه‌های اشتغال‌زایی و رفع محرومیت را فراهم خواهد آورد.

#### ۳- تسهیل در امر مجوز ساخت و ساز مراکز اقامتی و پذیرایی

همانگونه که می‌دانیم یکی از امکانات بایسته و ضروری بحث گردشگری مراکز اقامتی و پذیرایی می‌باشد، لذا با تسهیل در امر مجوزهای ساخت و ساز فرصتی آماده می‌شود تا بخش خصوصی انگیزه بیشتری جهت سرمایه‌گذاری پیدا نماید.

#### ۴- تسهیل در امر مجوز شرکت‌های گردشگری

سازمان عمران قشم و نهادهای ذیربط، جهت افزایش انگیزه، باید پروسه اخذ مجوز را تا جایی که ممکن است کوتاهتر نموده تا کارآفرین عرصه گردشگری با دغدغه ذهنی کمتری پیگیر کارهای خویش شود.

#### ۵- اعطای تسهیلات با بهره کم جهت افزایش انگیزه

یکی از تفاوت‌های بارز کارفرمایان با کارآفرینان در منابع مالی جهت سرمایه‌گذاری می‌باشد. کارآفرین شخصی است که دارای ایده بکر و تازه‌ای است ولی ممکن است فاقد منابع مالی مورد نیاز جهت

سرمایه‌گذاری باشد. پس دولت با اعطای تسهیلات با بهره کم می‌تواند انگیزه کارآفرین عرصه گردشگری را افزایش داده و در این خصوص تحت حمایت خویش قرار دهد.

۶- بهسازی و توسعه زیرساخت‌های گردشگری نظیر راه‌های ارتباطی، برق، تلفن به خصوص اینترنت و افزایش سرعت آن

از آنجاکه هزینه احداث، توسعه و بهسازی زیر ساخت‌های گردشگری بسیار بالا می‌باشد و بخش خصوصی در این نوع پروژه‌ها سرمایه‌گذاری نخواهد کرد لذا بر عهده سازمان‌های مربوطه است که جهت افزایش جذب گردشگر و بالطبع آن افزایش کارآفرینی، در این بخش حداکثر سرمایه‌گذاری را به انجام برساند.

۷- اتخاذ تدابیری جهت استفاده جمعیت محلی و بومی از فرصت‌های ایجاد شده

۸- تربیت تخصصی راهنمایان تور (تورلیدران)

در این خصوص می‌توان از بین جوانان منطقه، اقدام به جذب، آموزش و اشتغال نمود.

۹- تأکید بر امر آموزش و پژوهش در توسعه کارآفرینی گردشگری و ایجاد رشته‌های مرتبط، در دانشگاه‌های منطقه

۱۰- تشکیل دوره‌های مهارتی کارآفرینی گردشگری، در سطح منطقه

۱۱- حمایت از ایده‌های کارآفرینان و جهت دهی به آنها برای پیشبرد اهداف گردشگری

۱۲- ایجاد مراکز فروش جهت تولیدات صنایع دستی (بازاریابی)، ایجاد زیر ساخت‌های لازم جهت گردشگران داخلی و خارجی از سرویس بهداشتی تا ساخت هتلها و دیگر سازه‌های مناسب.

۱۳- تشکیل گروه‌ها و نهادهای فرهنگی، ادبی و هنری، جهت پاسداشت میراث زندگی بومی

به منظور حفظ ارزش‌های محلی و پیش گیری از استهلاک فرهنگ بومی در گسیل گردشگران و صنعت گران خارج از منطقه، اقدامات آموزشی، فرهنگی و نهادسازی مورد نیاز جدی می‌باشد.

## منابع

- آزادی، محمد- الهام علی پور(۱۳۹۱)، جایگاه مدیریتی سازمانهای غیردولتی در اقتصاد و صنعت.
- آلیسون. موریسوم. ۱۳۸۷ مقاله : عینیت بخشیدن به کارآفرینی. دایره المعارف کارآفرینی به کوشش سید محمد مقیمی. انتشارت هم پا. چاپ اول
- احمد پورداریانی، محمود. ۱۳۸۰ کارآفرینی (تعاریف، نظریات، الگوها) انتشارات پردیس. چاپ سوم
- افتخاری، رکن الدین. مهدوی، داوود ۱۳۸۵ راهکارهای توسعه گردشگری با استفاده از مدل SWot : دهستان لواسان کوچک. فصلنامه مدرس علوم انسانی دوره ۱۰ شماره ۲
- ایمنی قشلاق، سیاوش. هاشمی، سعید. ۱۳۸۸ مقاله نقش کارآفرینی در توسعه پایدار گردشگری. مجله کار و جامعه شماره ۱۰۶ و ۱۰۷
- بختیاری، سعید، «اتواطلس ایران»، " مؤسسه جغرافیایی و کارتگرافی گیتاشناسی، بهار ۱۳۸۴ خورشیدی.
- بلوکباشی علی، جزیره قشم صدف ناشکافته خلیج فارس، دفتر پژوهشی فرهنگی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۰.
- پاپلی یزدی، محمد حسین. سقایی، مهدی. ۱۳۸۸. گردشگری (ماهیت و مفاهیم) انتشارات سازمان مطالعه و ادوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). چاپ سوم
- زنده دل، دستیاران، حسن. (مجموعه کتابهای راهنمای جامع ایرانگردی استان هرمزگان) ج ۱. چاپ وانتشار سال ۱۹۹۸ میلادی.
- جیمز کریسمن، فرانز کلرمانز. ۱۳۸۷ مقاله : کارآفرین از کتاب دایره المعارف کارآفرینی به کوشش سید محمد مقیمی. انتشارت هم پا. چاپ اول
- چارلز بامفورد. ۱۳۸۷ مقاله ارزش آفرینی. از کتاب دایره المعارف کارآفرینی به کوشش سید محمد مقیمی. انتشارت هم پا. چاپ اول
- حیدری. رحیم. ۱۳۸۷ مبانی برنامه ریزی صنعت گردشگری. انتشارات سمت. چاپ اول
- زاهدی شمس اسادات ۱۳۸۵ مبانی توریسم و اکو توریسم پایدار (باتأکید بر محیط زیست). انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی. چاپ اول
- سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، مدیریت اطلاعات جغرافیایی، شناسنامه آبادی های کشور، شهرستان قشم، سال ۱۳۷۸.
- سام آرام. عزت. میرزائی، رحمت. ۱۳۸۸ مقاله بررسی تأثیر صنعت گردشگری بر اشتغال در منطقه اورامانات. مرداد ماه شماره ۱۱۰



- سی هارپر، استفن، ۱۳۸۷، مهارت‌های کاربردی کارآفرینی (راهنمای گام به گام)، انتشارات مؤسسه کار و تأمین اجتماعی. چاپ اول
- سعیدی کیا، مهدی، ۱۳۸۸، اصول و مبانی کارآفرینی. انتشارات کیا. چاپ پانزدهم
- شارون آلوارز. جی بارنر. . ۱۳۸۷، مقاله : اکتشاف کارآفرینانه. دایره المعارف کارآفرینی به کوشش سید محمد مقیمی. انتشارات هم پا. چاپ اول
- غفاری، هادی. مولایی، محمد علی. ۱۳۸۸، مقاله صنعت توریسم در ایران چالش‌ها و راهکارها. مجله سیاسی اقتصادی. شماره ۱۸۶ و ۱۸۵
- فرهنگی، علی اکبر. صفر زاده حسین. ۱۳۸۶. کارآفرینی (مفاهیم، نظریه‌ها، مدل‌ها و کاربردها) انتشارات مؤسسه کار و تأمین اجتماعی چاپ اول
- کاظمی، مهدی. ۱۳۸۷. مدیریت گردشگری. انتشارات سمت. چاپ سوم
- کریشنا مورتی. ۱۳۸۷، اقتصاد گردشگری. ترجمه فرزین محمد رضا. انتشارات چاپ و نشر بازرگانی. چاپ سوم
- کوپر. آرنولد. ۱۳۸۷، مقاله تاریخچه مطالعات دانشگاهی پیرامون کارآفرینی. دایره المعارف کارآفرینی به کوشش سید محمد مقیمی. انتشارات هم پا. چاپ اول
- کومبز. جوزف، ۱۳۸۷، مقاله : مکان کسب و کارهای کارآفرینانه. دایره المعارف کارآفرینی به کوشش سید محمد مقیمی. انتشارات هم پا. چاپ اول
- مشرف جوادی. شهین. ۱۳۸۳، مقاله : تعاونیهای گردشگری، بخشی مناسب برای کارآفرینی. مجله تعاون. بهمن
- میسون. پیتر. ۱۳۸۷، گردشگری (اثرات، برنامه‌ریزی و مدیریت) ترجمه روزبه میرزائی. پونه ترابیان. انتشارات ترمه چاپ اول
- Goldner Charles. Ritchibrent2003. Tourism principles. practices philosophis. ton Willysons. Inc
- sharply richard. David. tefler2008. tourism and development<landdan and newyork. rout ledge
- Iranian journal of tourism&hospitality. 2010. islamic azad university garmsar branch. iran. vol. 1. no. 1. summer
- <http://shahrvandefarda.blogfa.com/post-5.aspx>
- <http://apti.lxb.ir/post.php?p=4>
- <http://www.pgba.ir/islands.php>
- <http://fa.wikipedia.org/wiki>
- <https://www.google.com/#hl=en&scient=psy>
- <http://chtn.ir/webforms/fa/Article/ArticleInfo.aspx?ID=2762>

- <http://news.freezones.ir/Default.aspx?tabid=67&ID=25648&PageID=25848>
- <http://www.google.com/url>
- <http://civiltect.com/?p=2390>
- [www.bashirnews.ir/.../23.../339-7--1391.html](http://www.bashirnews.ir/.../23.../339-7--1391.html)
- <http://news.freezones.ir>
- <http://tinn.ir/vdcfjmdyyw6dyca.igiw.html>
- <http://www.mehrnews.com/detail/News/>
- <http://www3.mehrnews.com/detail/News/>
- <http://gyahdanqeshm.loxblog.com/>
- <http://www.qeshmonline.com/news/>
- <http://www.khabaronline.ir/detail/204913/>

## بررسی و تعیین تورها و مسیرهای گردشگری دریایی در جزایر خلیج فارس

حسن اروجی<sup>۱</sup>، دکتر کرامت الله زبیری<sup>۲</sup>، فهمیه طوافی<sup>۳</sup>، نگین شکروی<sup>۴</sup>، محمد علیزاده<sup>۵</sup>، شبنم بدیعی<sup>۶</sup>

### چکیده

گردشگری دریایی، به مجموعه تفریحات و بازدید از جاذبه‌هایی دریایی در محیط‌های دریایی اطلاق می‌گردد. منطقه خلیج فارس و جزایر خلیج فارس با داشتن جاذبه‌های مختلف تاریخی و طبیعی، از توانمندی بالایی برای توسعه گردشگری دریایی برخوردار می‌باشد. با این حال تخریب منابع و عدم برنامه‌ریزی صحیح و نداشتن یک مسیر مناسب، باعث شده است که گردشگری دریایی رونق چندانی در منطقه نداشته باشد. یکی از ضروریات توسعه گردشگری دریایی، ضرورت شناسایی پتانسیل‌های دریایی و تعیین مسیرهای دریایی می‌باشد. در این تحقیق با استفاده از معیارهای استاندارد گردشگری دریایی، بهترین مسیرهای گردشگری دریایی در منطقه و در بین جزایر استان هرمزگان تعیین گردید. معیارهای مورد استفاده شامل طول مسیر، فاصله بین جاذبه‌ها، شرایط اقتصادی و گردشگری جزایر، نزدیکی مسیر به جزایر، پراکندگی جاذبه‌های دریایی، مخاطرات دریایی، فاصله از ذخیره‌گاه‌های دریایی و میدان دید مسیرها می‌باشد. اطلاعات منطقه بر اساس هشت معیار تهیه گردید و در نهایت با استفاده از نرم افزار ARC GIS سه مسیر یک‌روزه، یک مسیر سه‌روزه بین جزایر و یک مسیر سه‌روزه در پهنه دریا تعیین گردید. بر اساس نتایج تحقیق، مسیرهای یک‌روزه بر اساس مبداء و مقصد جزیره قشم، جزیره کیش و جزیره هندورابی تعیین گردید و مسیر سه‌روزه بر اساس معیارهای مورد نظر، نیز از جزیره قشم تا کیش تعیین مسیر شد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که به دلیل نداشتن پشتوانه قدرتمند اقتصادی، بیشتر جزایر نقش فعالی در تورهای گردشگری دریایی ندارند.

**کلیدواژه‌گان:** گردشگری دریایی، مسیر گردشگری، جزایر خلیج فارس.

- 
- ۱- نویسنده مسئول: کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی توریسم، دانشگاه تهران و دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه خوارزمی تهران، Hassan.oroji@yahoo.com
  - ۲- استاد جغرافیای دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران
  - ۳- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی توریسم، دانشگاه تهران
  - ۴- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی توریسم، دانشگاه تهران
  - ۵- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی توریسم، دانشگاه تهران
  - ۶- کارشناس مدیریت دولتی دانشگاه پیام نور خلخال

## مقدمه

از مجموعه فعالیت‌های تفریحی و سرگرمی را که در محیط‌های دریایی دور از ساحل توسط گردشگران انجام می‌شود به عنوان گردشگری دریایی یاد می‌شود. این نوع گردشگری از نظر ماهیت، از گردشگری ساحلی متفاوت بوده هر چند ممکن است شباهت‌هایی بین این نوع گردشگری و گردشگری ساحلی وجود داشته باشد اما نوع فعالیت‌های تفریحی در گردشگری دریایی بیشتر در آب‌های عمیق و دور از خشکی انجام می‌گیرد و به تجهیزات و امکانات و آموزش‌های ویژه‌ای نیاز دارد و با خطرات بیشتری نیز همراه است. فعالیت‌های تفریحی آبی مانند غواصی، سفرهای دریایی، اسکی روی آب، جت اسکی، آکواریوم دریایی ماهیگیری در آب‌های عمیق از مهم‌ترین جذابیت‌های گردشگری دریایی هستند (ودادی، ۱۳۸۷: ۳۰). همزمان با پیشرفت تکنولوژی در ساخت کشتی‌های بخار در آخرین دهه قرن ۱۹ تا نخستین دهه قرن ۲۰ و پیدایش خطوط بزرگ کشتیرانی مثل موریتانیا، کوئین ماری، کوئین الیزبت، تقاضا برای سفرهای دریایی افزایش یافت و اشکال جدیدی از گردشگری دریایی مطرح شد. سه عنصر مهم دریا، نور آفتاب و سواحل شنی به عنوان مهم‌ترین عناصر دریایی جذاب، گردشگران را از سراسر جهان به سمت دریاهایی که در منطقه معتدل و حوزه مدیترانه، قرار گرفته‌اند به سوی خود جلب کرد و کشورهای که در حاشیه این دریاها قرار دارند، بیشترین سهم گردشگری و درآمدزایی را از طریق فعالیت گردشگری دریایی به دست می‌آورند. برگزاری گشت‌های دریایی توسط شناورهای مجهز به انواع تفریحات، انجام انواع ورزشهای آبی، استفاده از امکانات ساحلی برای استراحت، اقامت در هتل‌های ساخته شده درون آب، راه رفتن در تونل‌های شیشه‌ای درون دریا و برقراری ارتباط نزدیک با موجودات دریایی، حداقل مواردی است که در دنیا مورد توجه گردشگران است (شمس‌آرا، ۱۳۹۰: ۴۵).

کشور ایران با داشتن سواحل ممتد و طولانی در شمال و جنوب کشور و همچنین وجود جاذبه‌های متنوع طبیعی در سواحل و در پهنه دریاها از شرایط مستعدی برای توسعه گردشگری دریایی برخوردار است و به صورت بالقوه پتانسیل بالایی دارد. وجود جزایر متعدد در مناطق جنوبی، در خلیج فارس و دریای عمان، زمینه را برای توسعه گردشگری دریایی فراهم آورده است. در سال‌های اخیر متأسفانه از ظرفیت‌های گردشگری دریایی در ایران به درستی استفاده نشده است و به علت نبود فرهنگ گردشگری دریایی و عدم رعایت اصول گردشگری دریایی، بعضاً شاهد هستیم که حتی در صورت راه‌اندازی گردشگری دریایی، اصول و استانداردهای آن به درستی رعایت نمی‌گردد. با این حال گردشگری دریایی در کشور همچنان یک پدیده ناشناخته می‌باشد. ناشناخته بودن مسیرهای دریایی، عدم احساس امنیت گردشگران و افزایش هزینه‌های چنین فعالیتی را از مهم‌ترین عوامل مرتبط با ضعف گردشگری دریایی عنوان کرد (اسدینیا، ۱۳۸۹: ۵۲). در بسیاری از

کشورهای جهان، سرمایه‌گذاران با خرید کشتی‌های ارزان و برگزاری تورهای گردشگری لوکس، درآمد هنگفتی نصیب خود می‌کنند در حالی که بعضاً فاقد جاذبه دریایی خاص یا حتی دریا می‌باشند، اما در سواحل شمالی و جنوبی کشور، به دلیل امکانات پایین، گردشگری دریایی رشد چندانی نداشته است (احساندار، ۱۳۹۰: ۷). یکی از معضلات ناشی از رکود گردشگری دریایی در کشور، مشکل سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاران می‌باشد. بسیاری از سرمایه‌گذاران برای اخذ مجوز جهت ایجاد تأسیسات گردشگری در داخل آب مانند رستوران و اقامتگاه می‌باشد. بسیاری از سرمایه‌گذاری‌ها به دلیل مشکلات قانونی در این حوزه، بی‌نتیجه و بدون ثمر باقی می‌ماند (شمس‌آرا، ۱۳۹۰: ۴۵).

فعالیت‌های گردشگری دریایی مانند دیگر فعالیت‌ها ممکن است اثرات منفی نیز بر محیط زیست دریاها داشته باشد. بین گردشگری دریایی و شکل مختلف آن مانند غواصی، ماهیگیری و غیره با موضوع حفاظت از منابع دریایی می‌تواند رابطه مستقیمی وجود داشته باشد (Fabinyi, 2008) در واقع باید به این نکته اشاره کرد که گردشگری دریایی هم مثل انواع دیگر گردشگری و موضوعات و فعالیت‌های دیگر، بعد از اجرا و پیاده‌سازی برنامه‌های آن، ممکن است اثرات مثبت و منفی بر محیط و اکوسیستم‌های اطراف خود داشته باشد. اثرات گردشگری دریایی بر محیط‌های ساحلی و همچنین دریاها می‌تواند در حوزه فعالیت‌های انسانی و در مورد اکوسیستم‌های طبیعی باشد. آبرنگ‌های مرجانی یکی از اکوسیستم‌ها و بیوم‌هایی هست که ممکن است تحت تأثیر فعالیت‌های گردشگری دریایی قرار بگیرد. آبرنگ‌های مرجانی، جزء اکوسیستم‌های آب‌های کم عمق گرمسیری هستند که به طور عمده شامل بستر سخت با صخره‌های آهکی می‌باشند (Hilmi et al; 2012: 415). این زیستگاه‌ها اهمیت زیادی در تأمین معاش مردم بومی منطقه دارند (احمدیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۸) و در کنار این مسئله، آب سنگ‌های مرجانی مکان مناسبی برای فعالیت‌های گردشگری و اوقات فراغت به شمار می‌آید (berander er al, 2007: 209).

کشور ایران با داشتن سواحل ممتد و طولانی در شمال و جنوب کشور و همچنین وجود جاذبه‌های متنوع طبیعی در سواحل و در پهنه دریاها از شرایط مستعدی برای توسعه گردشگری دریایی برخوردار است و به صورت بالقوه پتانسیل بالایی دارد. وجود جزایر متعدد در مناطق جنوبی، در خلیج فارس و دریای عمان، زمینه را برای توسعه گردشگری دریایی فراهم آورده است. جزایر خلیج فارس بیکی از مناطق دارای پتانسیل بالا در حوزه گردشگری دریایی می‌باشد. در سالهای اخیر متأسفانه از ظرفیت‌های گردشگری دریایی این مناطق به درستی استفاده نشده است و به علت نبود فرهنگ گردشگری دریایی و عدم رعایت اصول گردشگری دریایی، بعضاً شاهد هستیم که حتی در صورت راه‌اندازی گردشگری دریایی، اصول و استانداردهای آن به درستی رعایت نمی‌گردد. در واقع

گردشگری دریایی در کشور همچنان یک پدیده ناشناخته می‌باشد. ناشناخته بودن مسیرهای دریایی، عدم احساس امنیت گردشگران و افزایش هزینه‌های چنین فعالیتی را از مهمترین عوامل مرتبط با ضعف گردشگری دریایی عنوان کرد (اسدینیا، ۱۳۸۹: ۵۲). در بسیاری از کشورهای جهان، سرمایه‌گذاران با خرید کشتی‌های ارزان و برگزاری تورهای گردشگری لوکس، درآمد هنگفتی نصیب خود می‌کنند در حالیکه بعضاً فاقد جاذبه دریایی خاص یا حتی دریا می‌باشند، اما در سواحل شمالی و جنوبی کشور، به دلیل امکانات پایین، گردشگری دریایی رشد چندانی نداشته است (احساندار، ۱۳۹۰: ۷). یکی از معضلات ناشی از رکود گردشگری دریایی در کشور، مشکل سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاران می‌باشد. بسیاری از سرمایه‌گذاران برای اخذ مجوز جهت ایجاد تأسیسات گردشگری در داخل آب مانند رستوران و اقامتگاه می‌باشد. بسیاری از سرمایه‌گذاری‌ها به دلیل مشکلات قانونی در این حوزه، بی نتیجه و بدون ثمر باقی می‌ماند (شمس‌آرا، ۱۳۹۰: ۴۵). مشکلات سرمایه‌گذاری بی‌ارتباط با عدم رونق گردشگری دریایی نیز نمی‌باشد. چرا که هنوز فرهنگ ماجراجویانه گردشگری در بین جامعه بومی نهادینه نشده است. ضمن اینکه علیرغم حضور گردشگران مختلف داخلی و خارجی در این جزایر، پتانسیل‌های این جزایر هنوز به درستی شناخته نشده است. با توجه به خطراتی هم ممکن است از ناحیه توسعه گردشگری دریایی ناشی شود، لذا به نظر می‌رسد جهت شناسایی پتانسیل‌ها دریایی، مشارکت جامعه بومی، تشویق سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی و توجه بیشتر مسئولان به این نوع از فعالیت، طراحی و تعیین مسیرهای بهینه گردشگری یکی از راهکارهای مهم در این زمینه باشد چراکه تعیین چنین مسیرهایی علاوه بر شناسایی سرمایه‌های دریاها، موجب استفاده پایدار گردشگران و مردم از دریا نیز خواهد بود و تعیین مسیرهای بهینه موجب پایداری بیشتر گردشگری و رضایتمندی آنها خواهد بود. با توجه به ارتباطات گسترده‌ای که بین ساحل نشینان و ساکنان جزایر خلیج فارس و جزایر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس دارد و همچنین به دلیل اهمیت اقتصادی بالای این منطقه، زمینه مناسبی برای رشد گردشگری دریایی در این مناطق وجود دارد.

در سطح داخلی و بین‌المللی مطالعات چندانی در حوزه تعیین مسیرهای گردشگری دریایی صورت نگرفته است اما مطالعات متعددی درباره فعالیت‌های گردشگری به مرحله انجام رسیده است که از مهمترین این مطالعات می‌توان به کار آقای لینوس هاسلستروم (۲۰۱۱) از سوئد از طرف آژانس حفاظت محیطی سوئد اشاره کرد که به بررسی وضعیت گردشگری در محیط دریایی در دریای بالتیک پرداخته و با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه به بررسی فعالیت‌های اوقات فراغت در چند کشور اطراف دریای بالتیک پرداخته است. هیلمی و همکاران (۲۰۱۲) اخیراً مطالعه‌ای را درباره رابطه بین گردشگری دریایی و آب سنگها و تپه‌های مرجانی در دریای سرخ برای کشور مصر را

بررسی کرده است و در آن تحقیق او در تلاش است تا بین گردشگری و محیط‌های مرجانی رابطه‌ای متوازن برقرار کند. کوهلان (۲۰۱۲) در پژوهشی به بررسی میزان رضایتمندی گردشگران از تپه‌های مرجانی در جهت جذب گردشگر در استرالیا پرداخته و بدین منظور از ۳۶۹ گردشگر مناطق حفاظت شده استرالیا پرسشنامه تهیه شده و ارزیابی صورت گرفته است. همچنین جان (۲۰۰۳) مطالعه جامعی در خصوص توسعه پایدار و رابطه آن با گردشگری دریایی در چین انجام داده و در نهایت چند استراتژی برای توسعه گردشگری دریایی تدوین کرده است که عموماً بر قابلیت دید و مدیریت و تدوین قوانین در حوزه گردشگری تاکید کرده است. فایبانی (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای جالب توجه، رابطه بین گردشگری غواصی و ماهیگیری با حفاظت منابع دریایی در فیلیپین را مورد بررسی قرار داده است. همچنین در یک پژوهش که توسط دیویس در سال ۱۹۹۷ صورت گرفته است، نقش افزایش ماهی هول شارک در توسعه مدیریت گردشگری پارک‌های دریایی و مناطق حفاظت شده را مورد بررسی قرار داده و توسعه مدیریت گردشگری در توسعه ماهی هول شارک را مؤثر دانسته است. در سطح داخلی مطالعات چندانی در زمینه گردشگری دریایی صورت نگرفته و تنها در چند ماهنامه مطالبی به نگارش درآمده که از جمله اینها می‌توان به موانع سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری دریایی توسط حسنا شمس‌آرا، مدیریت گردشگری دریایی توسط ودادی، آلودگی‌های ناشی از گردشگری دریایی، فرصت‌ها و چالش‌های گردشگری دریایی از آقای مقدم از نمونه این مطالعات بودند.

به دلیل توانمندی بالایی که جزایر جنوبی در حوزه گردشگری دریایی برخوردار می‌باشد، جهت توسعه گردشگری دریایی بسیار مستعد می‌باشد. این جزایر از یک طرف در نقطه استراتژیک قرار گرفته که به عنوان مکان ارتباطی بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا می‌باشد. این مسئله، زمینه حضور گردشگران مختلف با تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را فراهم می‌آورد. طبیعی است که که قشری از این گروه، در قالب گردشگران ماجراجویانه یا هیجان انگیز می‌باشند. از طرفی نزدیکی به دو جزیره قشم و کیش که مرکز ورودی گردشگران داخلی و همچنین گردشگران بین‌المللی از کشورهای حوزه خلیج فارس یا فرامنطقه‌ای می‌باشد، خود بر اهمیت گردشگری این جزایر افزوده است. از طرفی بیشتر این جزایر از جاذبه‌های طبیعی و دریایی ویژه‌ای برخوردار می‌باشد و استفاده از این توانمندی‌ها می‌تواند سرمایه با ارزشی را برای این جزایر در بر داشته باشد. بنابراین با تعیین یک مسیر متناسب بین جزایر می‌توان استفاده بهینه‌ای از این سرمایه‌ها در جهت توسعه گردشگری و توسعه اقتصادی جزایر صورت داد. در واقع به جز جزیره کیش و تا حدودی قشم، از سایر پتانسیل‌های دریایی جزایر استفاده چندانی در جهت گردشگری صورت نمی‌گیرد و مردم بومی سهم چندانی از این سرمایه‌ها دارا نمی‌باشند. توسعه این تورهای گردشگری

دریایی، علاوه بر استفاده بهینه از پتانسیل دریایی، زمینه ساز رشد و توسعه اقتصادی جزایر و توانمندی سازی مردم بومی می‌باشد. از طرفی نکته مهم در گردشگری دریایی، توجه به استانداردها و شاخص استاندارد گردشگری دریایی می‌باشد. گردشگری دریایی نباید به شکلی صورت گیرد که موجبات تخریب تأسیسات و منابع دریایی و محیط زیست دریاها را فراهم نماید. طبیعتاً کلیه نقاط دریاها جهت تعیین مسیر گردشگری و راه‌اندازی تورهای گردشگری دریایی مناسب نمی‌باشد. مسیرهای گردشگری باید به صورتی تعیین گردد که نه تنها منافع گردشگران و متصدیان تور، بلکه منافع محیط زیست و منابع دریایی را نیز مدنظر داشته باشد. ضمن اینکه باید به این نکته اشاره کرد که مسیرهای گردشگری باید به صورتی تعیین گردد که در میزان زمان و هزینه‌های گردشگران صرفه جویی کرده و انواع جاذبه‌ها و پدیده‌هایی باید مورد بازدید قرار بگیرند، را مدنظر قرار دهد.

به این ترتیب اهداف کلی و اصلی این تحقیق را می‌توان در راستای ضرورت‌های تحقیق در دو بخش کلی خلاصه کرد. بخش اول مربوط به استفاده از توانمندیها و سرمایه گردشگری دریایی در جزایر خلیج فارس می‌باشد. در این بخش به این مسئله پرداخته خواهد شد که سرمایه‌های دریایی جزایر چگونه می‌تواند در جهت توسعه اقتصادی این جزایر به کار گرفته شود. در بخش دوم، به ویژگی‌ها و شاخص‌های استاندارد گردشگری دریایی و تعیین مسیرها و راه‌اندازی تورهای گردشگری دریایی بر مبنای این شاخص‌ها پرداخته خواهد شد. با توجه به موارد گفته شده، موارد زیر را می‌توان به عنوان اهداف کلی این تحقیق عنوان کرد:

- شناسایی توانمندیهای گردشگری دریایی جزایر خلیج فارس
- افزایش سهم جامعه بومی جزایر از منافع گردشگری دریایی
- تعیین مسیرهای استاندارد گردشگری دریایی
- طراحی تورها و مسیرهای گردشگری بر مبنای مقاطع زمانی یک‌روزه و چند روزه و هم‌چنین تورهای همراه با اسکان
- حفاظت از محیط زیست و منابع دریایی به منظور توسعه پایدار گردشگری دریایی و در عین رونق گردشگری جزایر
- ایجاد صرفه جویی در زمان و هزینه گردشگران و تعیین مسیرهایی که بیشترین بازدید و کمترین هزینه و خطر را برای گردشگران در پی داشته باشد.



### منطقه مورد مطالعه

منطقه خلیج فارس حدود ۱۳۰ جزیره کوچک و بزرگ دارد که در نقاط مختلف آن پراکنده شده است. جزایر شمالی که کم و بیش پراکنده هستند، در مالکیت ایران می‌باشند (اروجی و همکاران، ۱۳۹۰). تعیین مسیرهای گردشگری دریایی، در بین جزایری که محدوده مرزی استان هرمزگان قرار دارند، صورت خواهد گرفت. این جزایر از آنجا که از ارزش گردشگری، اقتصادی و سیاسی بالایی برخوردار هستند و توانمندی بالایی دارند برای تعیین مسیر انتخاب شده است. ضمن اینکه تمرکز این جزایر در مرز استان هرمزگان نیز باعث شد تا زمینه برای طراحی مسیر گردشگری دریایی فراهم گشته و طراحی تورها و مسیرها، منطقی و معقول باشد. در انتخاب این جزایر، تفاوت‌های اقتصادی و جغرافیایی در نظر گرفته نشده است. علت این امر آن است که هر یک از جزایر به تبع وسعت و کارکرد خود می‌تواند به نوعی در گردشگری دریایی نقش و سهم داشته باشد. برای مثال جزایر کوچک و غیرمسکونی مثل شیدور می‌تواند نقش جاذبه بین مسیر را ایفا نماید، در حالیکه جزایر کیش و قشم، نقش مبدا و مقصد مسیرها و اسکان شبانه را نیز بر عهده دارند. در نهایت جزایر لارک، هرمز، قشم، هنگام، تنب بزرگ، تنب کوچک، فارور بزرگ، فارور کوچک، ابوموسی، سیری، کیش، هندورابی، شیدور و لاوان برای تعیین مسیرهای مناسب بین آنها انتخاب گردیدند که در شکل شماره ۱ موقعیت آنها را مشاهده می‌کنید:



شکل شماره ۱: موقعیت جغرافیایی جزایر جنوبی خلیج فارس در محدوده استان هرمزگان

جزیره قشم و کیش از مهمترین جزایر خلیج فارس محسوب می‌گردد که با داشتن قدرت اقتصادی و ارتباطی، از قابلیت‌های بالایی در گردشگری به ویژه در گردشگری دریایی برخوردار می‌باشند. از جاذبه‌های مهم جزیره قشم می‌توان به جزیره ناز، قلعه پرتغالی‌ها، جنگل‌های مانگرو، تینگه چاهکوه، گنبد نمکی، دره ستاره‌ها و تندیس‌ها و غیره اشاره کرد (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۱). جزیره کیش

نیز از جاذبه‌های شهری، تأسیسات و سواحل زیبا برخوردار است. جزیره شیدور یکی از جزایر غیر مسکونی با وسعت بسیار کم است که محل زیست پرستوهای دریایی و لاک‌پشت‌ها می‌باشد (اروجی و همکاران، ۱۳۹۰). جزیره هرمز بخشی از حوزه استحقاقی استان هرمزگان بوده که در نزدیکی تنگه هرمز قرار دارد. این جزیره دارای گونه‌های خاص گیاهی می‌باشد (سلطانی‌پور، ۱۳۸۵: ۲۰). جزیره هنگام که بخشی از شهرستان قشم محسوب می‌شود، از جزایر جاذب گردشگری محسوب می‌گردد. وجود دلفین‌های گسترده، محل تخمگذاری لاک‌پشت‌ها و آب‌سنگهای مرجانی از نمونه‌های این جاذبه‌ها است (سپاسی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۶۱). جزیره هندورابی با ۲۲/۸ کیلومتر مربع مساحت، در حد فاصل بین دو جزیره کیش و لاوان قرار گرفته، هموار و تقریباً بدون عارضه طبیعی است. این جزیره از نظر سیاحت و ایرانگردی از زیر مجموعه‌های کیش است که با توجه به امکانات و استعداد طبیعی جزیره از نظر آب، خاک، هوا و شرایط خاص تجاری جزیره کیش و هم‌چنین برخوردار از زیبایی‌های طبیعی، قادر است بخشی از نیازهای سیاحتی و گردشگری ایرانگردان را تأمین کند. جزیره فارور بزرگ مرکز زیست گونه‌های پرندگان مختلف می‌باشد و در نزدیکی جزیره غیر مسکونی فارور کوچک قرار دارد که محل زیست‌گرددگان مهاجر می‌باشد. این جزیره یک منطقه حفاظت شده می‌باشد. جزیره لارک که در نزدیکی جزیره هرمز قرار دارد، دارای کوه‌های مخروطی آتشفشانی می‌باشد که یکی از جاذبه‌های مه این جزیره است. سایر جزایر شامل جزیره تنب بزرگ و کوچک، ابوموسی و سیری و لارک و لاوان هر کدام دارای پتاسیل‌های مختلفی در حوزه گردشگری دریایی می‌باشد و جاذبه‌های مختلف دریایی را در خود جای داده است (وب سایت قشم آنلاین ۱۳۹۱).

### روش تحقیق

برای تعیین مسیرهای گردشگری دریایی جزایر، در مرحله نخست باید شاخص‌ها و معیارهایی که برای گردشگری دریایی و تعیین مسیر گردشگری دریایی ضرورت دارد، شناسایی کرد. مسیرهای تعیین شده بر اساس ترکیبی از این معیارها ایجاد خواهد شد. این معیارها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، بررسی مطالعات پیشین و همچنین تحقیق از کارشناسان امر گردشگری و در نهایت به صورت گزینشی تعیین خواهد شد. در تعیین معیارها، ویژگی‌ها و شرایط زیر در نظر گرفته شده است:

- نقش جزایر به عنوان مبداء و مقصد مسیرها و همچنین به عنوان یک جاذبه گردشگری در مسیرها
- توجه به شاخص‌های گردشگری پایدار
- مدنظر قرار دادن ویژگی‌های دریایی و بحث حفاظت از منابع
- ویژگی‌های اقتصادی و سکونتی جزایر

- علایق و سلايق گردشگران
- منافع متصدیان تورها
- در نظر گرفتن عنصر زمان

معیارهای تعیین شده، در حوزه مبداء و مقصد مسیرها، شرایط اقتصادی مسیرها، مسافت بین جزایر، نزدیکی به جاذبه‌های دریایی، مخاطرات دریایی و غیره می‌باشد که در بخش یافته به آن اشاره خواهد شد. از طرفی این معیارها از ارزش و اهمیت یکسانی برخوردار نیستند. طبیعی برخی معیارها اهمیت بسیار بیشتری دارند و حتی در صورت عدم رعایت این معیارها، مسیرها از نظر گردشگری سودبخش نخواهد بود. برای ارزش دهی به معیارها، از روش دلفی استفاده شده است. معیارها جهت ارزش گذاری به تعدادی از کارشناسان گردشگری ارسال گردید و در نهایت ارزش و اهمیت هر یک از معیارها از ترکیب نظرات کارشناسان حاصل گردید. در مرحله پایانی، از ترکیب این معیارها، مسیرهای بهینه گردشگری دریایی حاصل گردید. ترکیب معیارها به دو شکل جداگانه انجام گرفت. برای معیارهایی که با پراکندگی پدیده‌ها مربوط می‌شد مثل نزدیکی به جاذبه‌ها و غیره. ابتدا در نرم افزار ARC GIS لایه اطلاعاتی آنها ایجاد گردید. سپس لایه هزینه مربوط به هر لایه ساخته شد. لایه هزینه نشانگر این مسئله است که کدام منطقه از دریا از جهت معیار تعیین شده، وضعیت نامطلوبی دارد. در نهایت لایه‌های هزینه هر یک از لایه‌ها با یکدیگر ترکیب شده و با استفاده از ابزار Shortest path بهینه‌ترین مسیر شناسایی خواهد شد. اما برخی معیارها به صورت توصیفی می‌باشد. مثل معیارهای شرایط اقتصادی و وسعت و مسافت بین جزایر و غیره. این معیارها به صورت کتابخانه‌ای مورد ارزیابی می‌گیرد. در این مرحله ویژگی‌های کلی جزایر باید به درستی مورد مطالعه قرار گیرد. در این مرحله مبداء و مقصد مسیرها بر حسب توانمندی‌های هر یک از جزایر مشخص شده و محل اسکان شبانه نیز تعیین می‌گردد. در نهایت این معیارها با معیارهای قبلی ترکیب شده و بر حسب ارزش و اهمیتی که هر یک از معیارها دارا می‌باشند، مسیرهای بهینه گردشگری دریایی تعیین خواهد شد.

باید به این نکته مهم نیز اشاره کرد که مسیرهای تعیین شده در این تحقیق متنوع و بر حسب شرایط زمانی و مکانی می‌باشد. مسیرهای تعیین شده به صورت یک‌روزه و چند روزه خواهد بود. در واقع اولویت‌های مسیرها بر حسب زمان و مدت مسیر، متفاوت خواهد بود. از طرفی یک مسیر گردشگری اقامتی (گردش دریایی به همراه بازدید از جزایر) و یک مسیر صرفاً دریایی نیز تعیین خواهد شد. بنابراین مسیرهای تعیین شده با اهداف و شرایط مختلف خواهد بود.

## یافته‌های تحقیق

در این بخش، مراحل گفته شده در روش تحقیق بر مبنای اهداف و ضرورت‌های تحقیق، به منظور تعیین مسیرهای گردشگری انجام می‌پذیرد.

در ابتدا معیارها و شاخص‌هایی که ضرورت به کارگیری آن برای تعیین مسیرهای گردشگری دریایی محسوس بود، از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه با تعدادی از کارشناسان مرتبط با گردشگری، تعیین گردید. همانطور که گفته شد این معیارها بر اساس شاخص‌های پایداری گردشگری، منافع و علایق گردشگران، مدت زمان مسیر تعیین گردید. در نهایت معیارهای زیر برای تعیین مسیرهای گردشگری دریایی انتخاب گردید:

- طول مسیرهای گردشگری
- فاصله هر مسیر با جزایر
- مجاورت مسیر با جزایر
- مجاورت مسیرها با جاذبه‌های دریایی
- محدوده دید مسیرها نسبت به جاذبه‌های جزایر و جاذبه‌های دریایی
- مناطق پرخطر دریا
- فاصله از ذخیره‌گاه‌های زیست محیطی دریایی به ویژه مرجانها
- شرایط اقتصادی و گردشگری جزایر

طول مسیرهای گردشگری یک عامل بسیار مهم در گردشگری دریایی می‌باشد. مسیرهای تعیین شده به صورت مسیرهای یک‌روزه یا چند روزه می‌باشد. برای مسیرهای یک‌روزه، باید مسیر به گونه‌ای تعیین گردد که در طول یک روز بتوان از جاذبه‌ها و مکان لازم بازدید کرد. در اینجا باید مشخص گردد این جاذبه‌ها در چه مدت زمانی قابل بازدید هستند تا مسیر بر اساس بازه زمانی آن تعیین گردد. عامل فاصله برای جزایر نیز مطرح می‌باشد. از آنجا که در مسیرهای یک‌روزه، جزایر به عنوان جاذبه و در مسیرهای چند روزه، به عنوان جاذبه و مکان اقامت محسوب می‌شوند، بنابراین فواصل بین جزیره‌ها در طراحی مسیرها از اهمیت به‌سزایی برخوردار می‌باشد.

مسیرهای گردشگری دریایی باید به گونه‌ای تعیین گردند که در طول مسیرهای جاذبه‌های مختلف مورد بازدید قرار بگیرند. جاذبه‌های دریایی در اولویت قرار دارند. بیشتر جاذبه‌های دریایی از طریق کشتی و از نزدیک باید مورد مشاهده قرار بگیرد. بنابراین ضرورت دارد که مسیرهای گردشگری دریایی در مجاورت این جاذبه‌ها طراحی گردند. جزایر نیز از جاذبه‌های گردشگری به شمار می‌آیند. پدیده‌ها و جاذبه‌های جزایر چنانچه در مرزهای جزایر باشند، از طریق کشتی‌های گردشگری قابل بازدید می‌باشند، بنابراین مسیرهای گردشگری چنانچه از نزدیکی جزایری که

پدیده‌های گردشگری را در خود جای داده است عبور کند، برای گردشگران مثرمتر خواهد شد. حتی اگر ضرورت داشته باشد، برای جزایری که در پیرامون آن جاذبه گردشگری وجود دارد، مسیر در پیرامون آن تعیین گردد.

محدوده دید، فاکتور مهمی در گردشگر دریایی محسوب می‌گردد. بسیاری از جاذبه‌های دریایی از راه دور قابل مشاهده می‌باشند و نمی‌توان به صورت مستقیم آنرا تجربه کرد. از طرفی چنانچه مسیرهای گردشگری دریایی به گونه‌ای طراحی شوند که تنها در داخل آب امتداد داشته باشد، در این صورت جاذبه‌های داخل جزایر تنها در صورت داشتن میدان دید مناسب، قابل مشاهده خواهد بود. بنابراین مسیر تعیین شده از میدان مناسبی باید برخوردار باشد که بیشتر جاذبه‌ها در محدوده دید گردشگران قرار داشته باشد.

دریاها، در کنار داشتن هیجان و جاذبه، دارای مخاطرات خاص خود می‌باشند که می‌تواند زندگی افراد به خطر بیندازد. در تعیین مسیرهای گردشگری، باید مسیرها از محدوده‌های پرخطر دریا به دور باشد. این محدوده‌ها می‌تواند مناطق خیلی عمیق، یا مناطقی با تهدیدات جانوری، یا موج‌های خطرناک و ... باشد. بنابراین مسیرها حتی الامکان از این مناطق به دور باشد.

همانطور که اشاره شد گردشگری دریایی در کنار منافع که دارا می‌باشد، اگر چنانچه مدیریت نشود ممکن است آسیب‌های جدی به محیط زیست و منابع دریایی وارد نماید. مرجانها شاید یکی از مهمترین ذخیره‌گاه‌های دریایی محسوب شوند که محل زیست بسیاری از جانوران دریایی می‌باشند. فعالیت‌های گردشگری دریایی ممکن است موجب آلودگی دریاها و از بین رفتن مرجانها گردد. بنابراین حتی الامکان مسیرهای گردشگری از ذخیره‌گاه‌های فسیلی به دور باشد و تنها به عنوان جاذبه در نظر گرفته شود.

جزایر ضمن ایفای نقش به عنوان یک جاذبه دریایی، می‌توانند نقش سکونتگاه و اقامتگاه گردشگری را نیز ایفا نمایند و به عنوان مبداء و مقصد تورها و مسیرهای گردشگری معین گردند. طبیعتاً تنها جزایری برای این منظور انتخاب می‌گردند که از شرایط اقتصادی و گردشگری لازم برخوردار باشند. بنابراین ضرورت دارد که ویژگی‌های مختلف اقتصادی و گردشگری جزایر مورد شناسایی و ارزیابی قرار بگیرد.

همانطور که اشاره شد معیارهای گردشگری دریایی از ارزش یکسانی برخوردار نیستند. در واقع نمی‌توان مسیرهای گردشگری را تنها بر اساس یک یا چند معیار خاص تعیین کرد، بلکه مجموعه از عوامل و معیارها بر حسب میزان اهمیتشان در تعیین مسیر دخالت دارند. برای وزن دهی و ارزش یابی معیارها، به صورت دلفی، از تعدادی از کارشناسان مرتبط نظرخواهی گردید که در نهایت ارزش نهایی هر یک از معیارها به صورت جدول شماره ۱ حاصل گردید:

جدول شماره ۱: ارزش نهایی معیارهای گردشگری دریایی

معيار	ارزش	معيار	ارزش
مجاورت مسيرها با جاذبه‌های دریایی	۰/۱۸۲	شرایط اقتصادی و گردشگری جزایر	۰/۱۰۹
محدوده دید مسيرها نسبت به جاذبه‌های جزایر و جاذبه‌های دریایی	۰/۱۴۵	مناطق پر خطر دریا	۰/۱۰۹
مجاورت مسير با جزایر	۰/۱۲۷	فاصله هر مسير با جزایر	۰/۱۰۹
فاصله از ذخیره‌گاه‌های زیست محیطی دریایی به ویژه مرجانها	۰/۱۲۷	طول مسيرهای گردشگری	۰/۰۹۱

حال برای تعیین مسيرهای دریایی، باید ترکیبی از معیارها را به کار برد. ابتدا ضرورت دارد که اطلاعات هر یک از معیارها تهیه گردد. برای معیار مجاورت با جاذبه‌های دریایی، ابتدا جاذبه‌هایی دریایی مهم بین جزایر شناسایی و در نرم افزار ARC GIS جانمایی شده و سپس لایه فاصله از این جاذبه‌ها تهیه گردید. برای تعیین مسيرهای بهینه ابتدا ضرورت دارد تا لایه هزینه و موانع معیار ایجاد شود. این لایه نیز در نرم افزار ایجاد شد. این لایه نشان می‌دهد که کدام پهنه از خلیج شرایط نامطلوبی برای گردشگری دریایی دارد. همین فرایند برای معیار مجاورت مسير با جزایر نیز اعمال شده و لایه فاصله از جزایر و لایه هزینه آن ایجاد گردید. برای تهیه نقشه میدان دید مسيرهای گردشگری، از ابزار Viewshed نرم افزار ARC GIS استفاده گردید. با استفاده نقاط ارتفاعی جزایر و میزان عمق و ارتفاع پهنه‌های دریا، محدوده دید برای پهنه‌های دریایی تعیین گردید. این محدوده، نمایانگر مناطقی است که از پهنه دریا قابل مشاهده توسط گردشگران می‌باشد. زمانیکه لایه هزینه محدوده دید، ساخته شد، در این صورت، لایه هزینه بیانگر نقاط کور گردشگران خواهد بود. برای معیار «فاصله از ذخیره‌گاه‌های دریایی»، ابتدا موقعیت این ذخیره گاه در پهنه دریاها به صورت تقریبی در نرم افزار ARC GIS جانمایی شد و سپس لایه فاصله از این ذخیره گاه‌ها و سپس لایه هزینه آن نیز ایجاد گردید. برای معیار «مناطق مخاطره آمیز» نیز موقعیت تقریبی این مناطق شناسایی و لایه فاصله و هزینه آن ایجاد گردید. در نهایت همه لایه‌های هزینه با یکدیگر ترکیب شده و لایه هزینه نهایی را ایجاد می‌کند. حال در این مرحله، باید مبداء و مقصد مسيرها گردشگری معین باشد تا نرم افزار ARC GIS با استفاده از ابزار Shortest path بهترین مسير گردشگری دریایی معین نماید. اما تعیین مبداء و مقصد مسيرهای به عوامل دیگری نیز بستگی دارد. مسيرهای گردشگری به صورت یک‌روزه و چند روزه تعریف می‌شود لذا طول مسيرهای گردشگری و فاصله بین جزایر و مسيرها حائز اهمیت می‌باشد. ضمن اینکه در تورهای

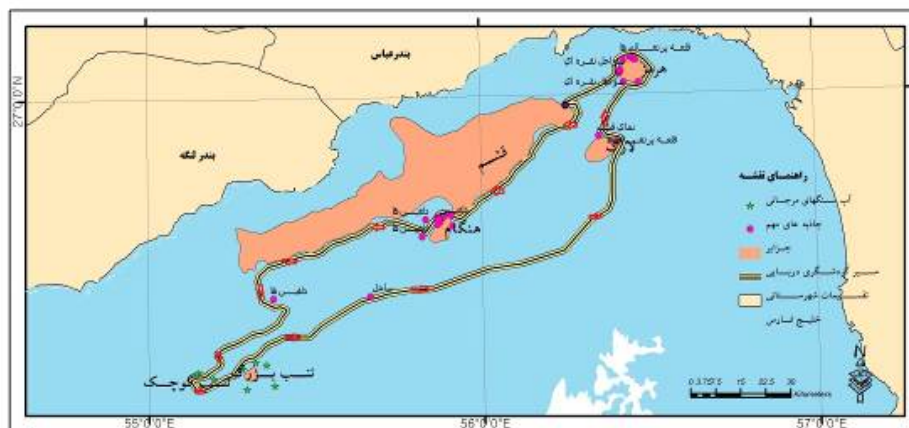
چند روزه که نیاز به اسکان شبانه و توقف در جزایر می‌باشد، بررسی شرایط اقتصادی و گردشگری جزیره‌ها ضروری می‌باشد.

با توجه به موارد گفته شده، مسیرهای مختلف گردشگری دریایی به صورت زیر تعیین شدند:

### مسیرهای یک‌روزه

مسیر شماره ۱:

این مسیر یک‌روزه از جزیره قشم آغاز شده و سرانجام به خود جزیره قشم ختم می‌گردد. از آنجاییکه بخش جنوبی جزیره قشم، خود یک منطقه گردشگری محسوب می‌گردد و دارای جاذبه‌های مختلف گردشگری می‌باشد، لذا مسیر ابتدایی در امتداد این بخش می‌باشد. در طی این مسیر، برخی از جاذبه‌های جزیره قشم از جمله جزیره کوچک ناز قابل مشاهده گردشگران می‌باشد. نکته قابل توجه این مسیر علاوه بر داشتن جاذبه‌های مختلف، میدان دید بسیار بالای آن می‌باشد که تماشای جاذبه‌ها را آسان می‌نماید. پس از پیمودن یک مسیر ۶۰ کیلومتری با کشتی، این تور یک‌روزه مسیر خود را به سمت جزایر تنب بزرگ و تنب کوچک هدایت می‌کند. قبل از رسیدن به این جزایر، از برخی جاذبه‌های دریایی مسیر مثل مرجانهای زیبا و زیستگاه دلفین‌های دریایی بازدید به عمل می‌آید. وعده ناهار در جزیره تنب بزرگ صرف می‌گردد اما در ابتدا از جزیره تنب کوچک بازدید به عمل می‌آید. از آنجاییکه جزایر تنب بزرگ و تنب کوچک دارای آب‌سنگهای مرجانی متعدد در اطراف خود می‌باشند و برای تأمین مواد غذایی ساکنان و اکوسیستم دریاها اهمیت خاصی دارند، لذا جهت محافظت از این آب‌سنگها، مسیر گردشگری کمی از آب‌سنگهای مرجانی دور می‌باشد البته در فاصله‌ای که خود آب‌سنگها به عنوان جاذبه برای گردشگران قابل مشاهده باشد. پس از بازدید از این جزایر، ۱۲۰ کیلومتری از مسیر گردشگری تعیین شده تنها در پهنه دریا صورت می‌گیرد. در طول این مسیر برخی جاذبه‌های دریایی از جمله ناهمواری‌های دریایی و دلفین‌ها قابل مشاهده می‌باشد. معیار مهم در انتخاب این مسیر، قابلیت دید بالای برای گردشگران جهت تماشای پهنه دریاها می‌باشد. پس از پیمودن این مسیر، نهایت تور به جزیره لارک می‌رسد. به دلیل اینکه شرق جزیره از جاذبه‌های بیشتری مثل قلعه پرتغالی‌ها و ... برخوردار است، مسیر از شرق جزیره می‌گذرد. سپس به جزیره هرمز می‌رسد که تقریباً این جزیره را دور می‌زند و از جاذبه‌های مختلف دریایی این جزیره از داخل کشتی بازدید به عمل می‌آید و سرانجام با رسیدن به اسکله جزیره قشم، مسیر گردشگری دریایی تعیین شده، به پایان می‌رسد. طول تقریبی این مسیر، حدود ۴۲۵ کیلومتر می‌باشد که در مدت زمان ۱۲ ساعت طی می‌شود.



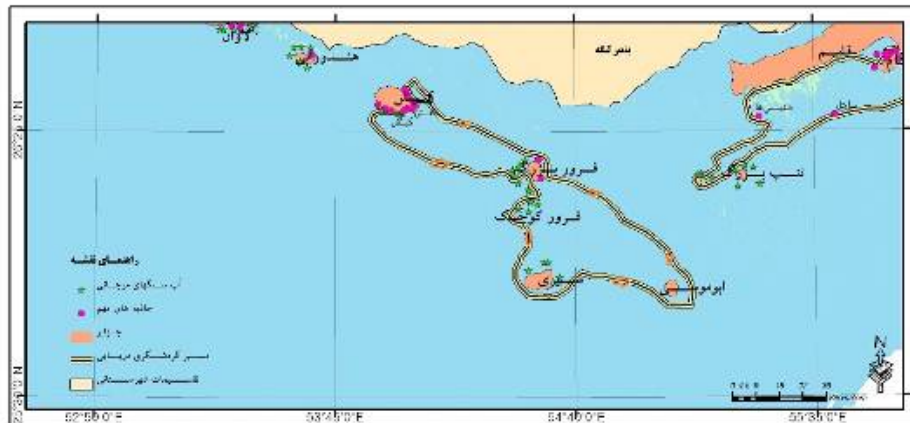
شکل شماره ۲: مسیر شماره ۱ یکروزه گردشگری

مسیر شماره ۲:

این مسیر از اسکله جزیره کیش آغاز و به همان جزیره ختم می‌گردد. کیش به علت داشتن قدرت اقتصادی و پذیرش بالای گردشگران، به عنوان مبدا و مقصد این مسیر انتخاب شده است. این مسیر از شرق جزیره کیش می‌شود و در ابتدا بخش شرقی و جنوبی را طی می‌کند. در این مسیر، جاذبه‌های مختلف این جزیره از کشتی تقریباً قابل مشاهده می‌باشند. پس از طی مسافت تقریباً ۲۵ کیلومتری، از جنوب جزیره کیش وارد پهنه دریا شده و از مسیری عبور می‌کند که بیشترین میدان دید را دارا می‌باشد. پس از طی ۶۵ کیلومتر مسیر دریایی به دو جزیره فارور بزرگ و کوچک می‌رسد. این دو جزیره تقریباً غیر مسکونی می‌باشند اما از منظر زیست محیطی حائز اهمیت بوده و در واقع به عنوان مناطق محافظت شده در نظر گرفته می‌شود. ادامه مسیر به سمت جزیره فارور بزرگ می‌باشد. این جزایر به دلیل داشتن آب سنگهای مرجانی متعدد از اهمیت حفاظتی خاصی برخوردار هستند لذا مسیر تعیین شده از این آب سنگها کمی فاصله دارد. برای مدت کوتاهی از جزیره فارور کوچک بازدید به عمل می‌آید. سپس به سوی دو جزیره جنوبی یعنی ابوموسی و سیری حرکت می‌کند. این دو جزیره امکانات کافی برای تبدیل به مقصد گردشگری ندارند ضمن اینکه جاذبه گردشگری کمتری دارند لذا تنها به صرت گذری از طریق کشتی مورد بازدید قرار می‌گیرند. سپس مجدداً مسیر به سمت جزیره فارور بزرگ حرکت می‌کند و از جاذبه‌های شرق جزیره بازدید می‌شود. در این بخش امکانات غواصی و قایقرانی وجود دارد. باقیمانده مسیر بیشتر حالت بازگشت دارد و با توجه به میدان دید مناسب مسیر و فرارسیدن غروب آفتاب، تماشای پهنه بیکران دریا، برای گردشگران بسیار مطلوب خواهد بود. در نهایت با رسیدن به کیش، این مسیر



گردشگری دریایی به پایان می‌رسد. طول تقریبی این مسیر، ۳۷۰ کیلومتر می‌باشد که انتظار می‌رود در مدت زمان ۱۰ ساعت طی شود.



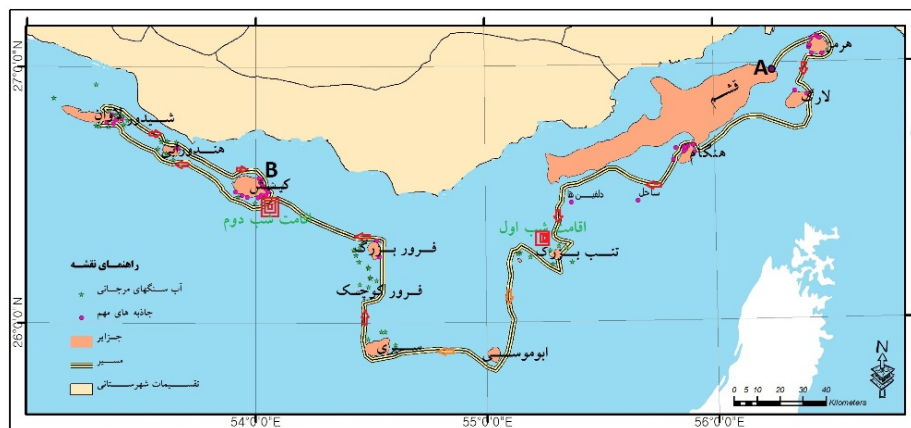
شکل شماره ۳: مسیر گردشگری دریایی شماره ۲ یک‌روزه

مسیر شماره ۳:

این مسیر بر خلاف دو مسیر قبلی، مبداء و مقصد متفاوت دارد. مبداء این مسیر جزیره کیش و مقصد آن جزیره هندورابی می‌باشد. از جنوب جزیره کیش مسیر آغاز می‌گردد و در طی این مسیر که در امتداد سواحل جنوبی جزیره کیش می‌باشد، جاذبه این جزیره قابل مشاهده از دور می‌باشد. پس از طی ۱۵ کیلومتر به سمت هندورابی حرکت می‌کند. جزیره هندورابی دارای آب‌سنگ‌های مرجانی می‌باشد. مسیر تعیین در فاصله خاصی از این پدیده‌ها تعیین شد اند لذا جزیره هندورابی به صورت جزئی مشاهده می‌گردد. سپس به سمت جزیره شیدور حرکت می‌کند. این جزیره، غیرمسکونی بوده و با داشتن پرستوها و لاک‌پشت‌های دریایی از مناطق گردشگری و البته محافظت شده محسوب می‌گردد. با کسب مجوز قانونی پیش از اسفر، بازدید از این جزیره صورت می‌گیرد و سپس به سمت جزیره لاوان حرکت می‌کند. ابتدا از جاذبه‌های شرق این جزیره مانند سواحل زیبای صخره‌ای بازدید می‌شود و سپس با دور زدن این جزیره، به سمت جزیره هندورابی حرکت می‌کند. در طول این مسیر، برخی از مناطق شهرستان بندرلنگه قابل مشاهده می‌باشد که علت اصلی آن میدان دید بالای آن می‌باشد. در نهایت این مسیر با رسیدن به جزیره هندورابی، به پایان می‌رسد. این مسیر تعیین شده کوتاهتر از مسیرهای قبلی می‌باشد که یکی از علل آن وجود اسکله در جزیره هندورابی می‌باشد که زمینه را برای انتخاب به عنوان مقصد گردشگری فراهم می‌کند. این مسیر تقریباً ۱۷۰ کیلومتر طول دارد که در مدت ۵ ساعت قابل پیمایش می‌باشد.



سمت کیش آغاز می‌گردد و شب هنگام وارد کیش می‌گردد. اقامت شبانه در یکی از هتل‌های کیش خواهد بود. در آغاز روز سوم جاذبه جنوب جزیره مورد بازدید قرار می‌گیرند و سپس حرکت به سمت جزیره هندورابی آغاز می‌گردد و پس از آن جزایر شیدور و لاوان در مسیر گردشگری قرار می‌گیرند. پس از توقفی در جزیره لاوان، در نهایت مسیر به سمت جزیره کیش حرکت می‌کند و در نزدیکی‌های شب به جزیره کیش رسیده و مسیر سه‌روزه گردشگری دریایی به اتمام می‌رسد.

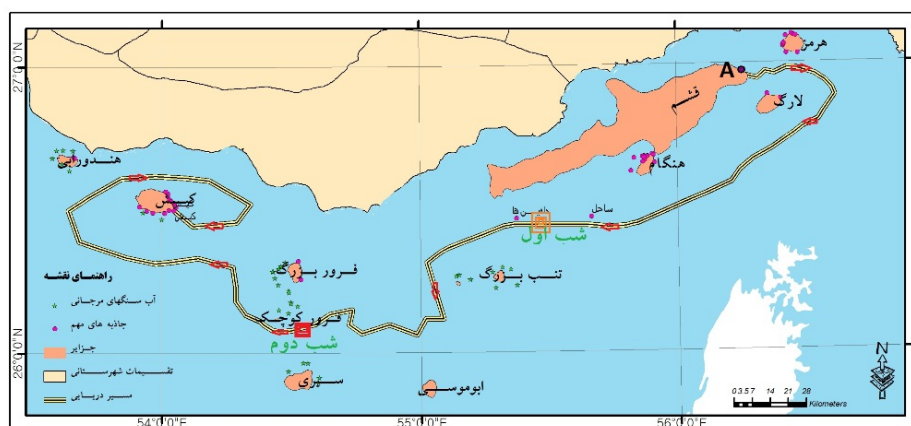


شکل شماره ۵: مسیر گردشگری دریایی سه‌روزه

### مسیر سه‌روزه در داخل دریا:

گردشگری دریایی عموماً به گردشگری در پهنه‌های دریا خلاصه می‌گردد که از جاذبه‌های دریایی بازدید می‌گردد. بنابراین تماشای پهنه‌های دریا و جاذبه‌های آن بعضاً از خود جزایر و مکانهای اقامتی برای گردشگران جذابتر خواهد بود. بنابراین یک مسیر گردشگری دریایی نیز برای مسیر در پهنه دریا تعیین شده است. در تعیین این مسیر، دو عامل میدان دید و جاذبه‌های دریایی نقش اصلی را ایفا می‌کردند. میدان دید بالا اجازه تماشای پهنه بیکران و زیبای دریا را به گردشگران می‌دهد که این مسئله در رضایت گردشگران نقش مهمی ایفا می‌کند. از طرفی خود جاذبه‌های دریایی نیز نقش مؤثری دارد. این مسیر ابتدا از جزیره قشم آغاز می‌گردد. و پس از گذر از آبهای بین جزیره هرمز و لارک، در مسیر دریایی به طول ۱۱۳ کیلومتر حرکت می‌کند که این مسیر از قابلیت دید بسیار بالایی برخوردار است. شب هنگام کشتی به محلی می‌رسد که دلفین‌ها در آنجا اجتماع می‌کنند. اقامت در داخل دریا و در داخل کشتی صورت می‌گیرد. روز بعد مسیر ادامه پیدا می‌کند و در آبهای خلیج فارس بین سه جزیره تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی و همچنین سیری حرکت می‌کند. پس از طی مسیرهای ۱۰۰ کیلومتری که از دید بالایی برخوردار است سرانجام در حوالی جزایر فارو بزرگ و کوچک توقف می‌کند تا شب هنگام در این بخش سپری گردد. روز سوم

حرکت کشتی از پهله دریا آغاز شده و مسیر ۱۱۲ کیلومتری را طی می‌کند. در این مسیر آب سنگهای مرجانی به خوبی قابل مشاهده می‌باشد. در نهایت با رسیدن به غرب جزیره کیش، این مسیر دریایی به پایان می‌رسد.



شکل شماره ۶: مسیر گردشگری سه‌روزه داخل دریا

### نتیجه‌گیری

این تحقیق به دنبال معرفی گردشگری دریایی و نقش آن در توسعه اقتصادی و اجتماعی جزایر خلیج فارس بود و در این بین تعیین مسیرهای گردشگری برای شناسایی مناطق بهینه گردشگری دریایی جهت استفاده بهینه از منابع گردشگری دریایی، به عنوان یک ابزار توسعه گردشگری مورد استفاده قرار گرفت. هدف این بود که مسیرهای گردشگری بر حسب شرایط زمانی و مکانی تعیین گردد. اولین نکته در یک مسیر گردشگری دریایی داشتن یک اسکله و اقامتگاه می‌باشد. برای اینکه یک جزیره به عنوان مبداء یا مقصد مسیرها تعیین گردد، نیاز به داشتن اسکله و اقامتگاه می‌باشد. در بین جزایر تنها جزایری مانده کیش، قشم، هرمز، هنگام و هندورابی از شرایط مناسبی به عنوان یک اسکله تفریحی و اقامتی برخوردار هستند. با این حال در مسیرهای تعیین شده، تنها جزایر کیش، قشم و هندورابی به عنوان مبداء و مقصد مسیرها تعیین گردیدند. از طرفی نتایج نشان می‌دهد که بیشتر جاذبه‌های دریایی خلیج فارس حداقل در محدوده مورد مطالعه بیشتر در کنار جزایر قرار دارند و جاذبه‌های دریایی بیشتر شامل اجتماع دلفین‌ها یا ناهمواری‌های ساحلی و مرجانها می‌باشد. به همین خاطر مسیرهای گردشگری دریایی بیشتر در امتداد جزایر قرار داشتند. اما نکته مهم در گردشگری دریایی خلیج فارس، داشتن آبهای گرم و مرجانها و گونه‌های گیاهی کمیاب در این خلیج می‌باشد که موجب توسعه گردشگری دریایی منطقه شده است. همین مسئله باعث شده است تا امکان ایجاد مسیرهای گردشگری دریایی در پهله دریاها حتی برای چند روز هم

فراهم گردد. مسیرهای تعیین شده که بر اساس شاخص‌های گردشگری دریایی طراحی شده است باعث شده است تا گردشگران در سفرهای دریایی خود در زمان و هزینه صرفه جویی نمایند. برای مثال در مسیرهای یک‌روزه سعی شده تا با شناسایی جاذبه‌های دریایی، بیشتر مسیرها را به سمت جاذبه‌ها محرف نمایند. از طرفی با شناسایی میدان دید پهنه دریاها، امکان تماشای بسیاری از جاذبه‌ها برای گردشگران فراهم گردید. بسیاری از جاذبه‌های گردشگری دریایی نیاز به تماشا از داخل کشتی می‌باشند. از طرفی تماشای پهنه دریا نیز بخشی از این جاذبه‌ها به شمار می‌رود. در این صورت چنانچه گردشگران در منطقه‌ای از دریا باشند که دید و میدان دید بالایی داشته باشند، قطعاً برای آنان مفیدتر خواهد بود. لذا با شناسایی منطق با قابلیت دید بالا، حتی الامکان مسیرها در این نواحی تعیین گردید. به این ترتیب مسیرهای دریایی دور از سواحل و جزایر، در امتداد این پهنه‌های با قابلیت دید بالا و با جاذبه‌های دریایی مختلف، تعیین گردید. این نوع مسیرها در مناطق مانند نواحی بین جزایر تنب لبرگ و کوچک تا کیش کاربرد بیشتری داشت. در تعیین مسیرهای گردشگری دریایی همچنین زمان بین مسیرها و سرعت حرکت کشتی گردشگری و سایر فاکتورها در نظر گرفته شد و در کنار آنها به موضوع حفاظت از منابع گردشگری دریایی بها داده شد. در واقع هدف این بود که مسیری طراحی گردد که کمترین آسیب را متوجه محیط زیست منطقه بکند به همین خاطر آب سنگهای مرجانی علیرغم داشتن جاذبه خاص، به عنوان حریم مسیرهای گردشگری تلقی می‌شدند و حتی الامکان سعی بر این بود تا مسیرها از این نقاط دور باشد. در پایان باید اشاره کرد مسئولان برنامه‌ریزی گردشگری استان هرمزگان و سازمان‌های منطقه آزاد کیش و قشم باید زمینه‌های لازم برای ایجاد تورهای گردشگری با مسیرهای استاندارد را فراهم نمایند. امروزه در منطقه خلیج فارس، فرهنگ گردشگری دریایی چندان جا افتاده نیست. با این حال افزایش تعداد گردشگران با زمینه‌های فرهنگی و اقتصادی متفاوت و همچنین افزایش آگاهی عمومی و از طرف دیگر مشکلات اقتصادی ساکنان بومی برخی از جزایر، همگی منجر شده است تا گردشگری به عنوان یکی از منابع مهم اقتصادی منطقه محسوب گردد و طبیعتاً دریا که سرمایه اصلی این مناطق می‌باشد می‌تواند مورد توجه مردم باشد. ساکنان بومی باید در روند برنامه‌ریزی‌های گردشگری به ویژه گردشگری دریایی مشارکت داشته باشند. نتایج نشان می‌دهد که بیشتر جزایر خلیج فارس به دلیل نداشتن پشتوانه اقتصادی و امکانات و تأسیسات گردشگری، نقش چندان فعالی در گردشگری دریایی ندارند. از طرفی نداشتن یک متولی برای گردشگری دریایی نیز یکی دیگر از مشکلات این فعالیت در کشور محسوب می‌گردد. چنانچه سرمایه‌گذاری‌های لازم بر روی این بخش صورت گیرد، زمینه را برای شکوفایی پتانسیل‌های گردشگری دریایی فراهم خواهد نمود. آموزش شنا، تأمین شناور و ایجاد اسکله، تهیه نقشه

مسیرهای دریایی، معرفی تنوع زیستی دریاها و منافع آن برای جامعه بومی، ایجاد موزه‌های دریایی، برگزاری جشنواره‌های گردشگری دریایی و غیره از راهکارهای عملی برای توسعه گردشگری دریایی در منطقه می‌باشد. در مجموع باید گفت که مجموعه سیستم گردشگری (دولت و مسئولان مربوطه، موسسات و آژانس‌ها و موسسات گردشگری، گردشگران، جامعه بومی) ضروری دارد که همگی در در تعیین مبداء و مقصد مسیرها، امتداد مسیرها و زمان آن دخالت داشته باشند. طبیعتاً چنانچه مسیرهای تعیین شده مورد توجه قرار بگیرد، می‌تواند در کنار جذب گردشگران و معرفی گردشگری دریایی، موجبات حفاظت از منابع دریایی شده و در یک کلام گردشگری دریایی پایدار را ایجاد خواهد کرد.

### منابع

- احمدیان، مجید؛ مدنی، شیما؛ خلیلی عراقی، منصور و رهبر فرهاد (۱۳۸۹)؛ برآورد ارزش اقتصادی آب سنگهای مرجانی جزیره کیش با توجه استفاده تفریحی از آنها و بهره گیری از روش تمایل به پرداخت آنها؛ اقیانوس شناسی، سال اول، شماره ۴، صص ۳۷-۴۸
- احساندار، نرگس؛ (۱۳۹۰)؛ نقشه راه توسعه دریایی؛ ماهنامه پیام دریا؛ شماره ۲۱۱
- اروجی، حسن؛ زیاری، کرامت الله؛ علیزاده، محمد و محمدیان، زهرا (۱۳۹۱)؛ بررسی و ارزیابی میدان دید گردشگری ژئومورفوسایتهای ژئوپارک جزیره قشم با استفاده از تحلیل view shed در نرم افزار ARC GIS و فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP)؛ مجموعه مقالات هشتمین همایش ملی خلیج فارس
- اروجی حسن، قرخلو مهدی، علیزاده محمد (۱۳۹۰)؛ حفاظت از گونه‌های جانوری جزیره شیدور، گامی در توسعه گردشگری پایدار؛ مجموعه مقالات هفتمین همایش ملی خلیج فارس
- اسدنیا، میترا (۱۳۸۹)، سهم ما از توریسم دریایی؛ نشریه به هنگام، شماره ۶، صص ۵۰-۵۳
- پوراحمد احمد؛ میرزایی قلعه فرزاد، اروجی حسن، علیزاده محمد (۱۳۹۱)؛ بررسی و تعیین ظرفیت تحمل گردشگری در جزیره قشم به منظور توسعه پایدار گردشگری؛ مجموعه مقالات هشتمین همایش ملی خلیج فارس
- سلطانی‌پور محمدمامین (۱۳۸۵)؛ معرفی فلور، شکل زیستی و پراکنش جغرافیایی گیاهان جزیره هرمز؛ مجله رستنیها، جلد ۷ (۱)، صص ۱۹-۳۲
- سپاسی یگانه؛ دانه کار افشین؛ علیزاده افشین؛ درویش صفت علی اصغر، شریفی پور رزیتا؛ (۱۳۸۹)؛ طرح ریزی محیط زیستی جزیره هنگام برای حفاظت و گردشگری با ارزیابی چند معیار مکانی (SMCE)؛ نشریه محیط زیست طبیعی، مجله منابع طبیعی ایران، دوره ۶۳، شماره ۲، صص ۱۵۹-۱۷۲
- شمس‌آرا، حسنا (۱۳۹۰)؛ موانع سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری دریایی؛ ماهنامه پیام دریا، شماره ۲۰۲
- وب سایت قشم آنلاین
- Brander, L. Van Beukering, P. Cesar, H. (2007); **The recreational value of coral reefs: A meta-analysis**; ecological economics 63 209-218
- CHEN Juan; (2003); Sustainable Development Study on Marine Tourism Resource in China; coastal engineering, 1
- Davis, D. Banks, S. Birtles, A. Valentine, P. Cuthill, M. (1997). **Whale sharks in Ningaloo Marine Park: managing tourism in an Australian**

**marine protected area**; Tourism Management, Volume 18, Issue 5, August 1997, Pages 259-271

– Fabinyi, M. (2008). **Dive tourism, fishing and marine protected areas in the Calamianes Islands, Philippines**; Marine Policy, Volume 32, Issue 6, November 2008, Pages 898-9

– Hasselström, L. (2008). **Tourism and recreation industries in the Baltic Sea area**; Swedish environmental protection agency

– Hilmi, N. Alain Safa, Reynaud, S. Allemand, D. (2012). **Coral Reefs and Tourism in Egypt's Red Sea**; Topics in Middle Eastern and African Economies; Vol. 14, September 2012



## بررسی تأثیر جهانی‌شدن بر فرهنگ سیاسی زنان کشورهای حوزه خلیج فارس (مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی)

الهام پهلوانی<sup>۱</sup>، محمود گلستانی<sup>۲</sup>

### چکیده

اندیشه برابری زن و مرد نیز به عنوان یک اندیشه جهانی، تأثیرات مختلفی در عرصه‌های مختلف بر جای نهاده و قطعاً فرهنگ سیاسی جامعه نیز از جمله مقولاتی است که جهانی‌شدن تأثیرات قابل توجهی بر آن دارد. از جمله جوامع و کشورهایی که تحت تأثیر این پدیده قرار گرفته‌اند، کشورهای حوزه خلیج فارس می‌باشد. با توجه به اینکه فرهنگ سیاسی از چالشهای مهم در عرصه سیاست می‌باشد، این مقاله در پی توضیح تأثیر جهانی‌شدن بر فرهنگ سیاسی زنان کشورهای خلیج فارس از جمله ایران و عربستان می‌باشد، با عنایت به اینکه کشورهای غربی داعیه حقوق بشر و برابری جنسیتی را سر می‌دهند، اقدام به ایجاد پایگاههای نظامی در عربستان نموده و یا در کشوری مثل ایران به بهانه مختلف از جمله عدم رعایت حقوق بشر و به خصوص حقوق زنان سعی دارند تا مشروعیت نظام را خدشه‌دار کنند، در این نوشتار در صدد آنیم تا فرهنگ سیاسی زنان در این دو کشور مورد بررسی قرار دهیم.

بر اساس نظریه پیتر تایلور که معتقد است، الگوهای جهانی، الگوهای محلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث می‌شود تا الگوهای محلی، خود را با تحولات جهانی سازگار و هماهنگ کنند، در این مقاله نشان داده می‌شود جهانی‌شدن از طریق تأثیرگذاری بر نموده‌های فرهنگ سیاسی توانسته فرهنگ سیاسی زنان را از حالت تبعی و انفعالی صرف به سوی فرهنگ سیاسی مشارکتی هدایت کند؛ هر چند که این تغییرات در جامعه بسته و سنتی عربستان به کندی صورت می‌گیرد، اما به نظر می‌رسد که تحت تأثیر فضای جهانی شدن و با دستیابی به ابزارهای ارتباطی در بُعد جهانی، این تغییرات با سرعت بیشتری صورت گیرد و در وادی سیاست شاهد شکل‌گیری فرهنگ سیاسی مشارکتی برای تمامی زنان باشیم.

**کلیدواژگان:** جهانی‌شدن، فمینیسم جهانی، فرهنگ سیاسی، نظریه جهانی پیتر تایلور.

---

۱- نویسنده مسئول: کارشناس‌ارشد علوم‌سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی استان سمنان و دانشگاه پیام نور واحد مهدیشهر، pahlevani.e22@gmail.com

۲- کارشناس‌ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی استان سمنان و دانشگاه پیام نور واحد مهدیشهر، Golestani.m22@gmail.com

## مقدمه

پدیده جهانی‌شدن واژه‌ای پیچیده و مبهم است که نمی‌توان آن را به دوره زمانی خاصی نسبت داد. از یک جهت جهانی‌شدن پدیده‌ای بسیار قدیمی است. ریشه و ماهیت آن به بیش از پنج قرن قبل برمی‌گردد. اما از جهت دیگر، جهانی‌شدن پدیده نوینی است. آگاهی از آن به بیش از یک دهه بازمی‌گردد. بنابراین از همان ابتدا به ساکن، جهانی‌شدن در بستر تاریخ قرار گرفته و بستر جدیدی را برای مطالعه و ارزیابی روابط بین‌الملل و تاریخ آن فراهم کرده است.

در حال حاضر جهانی‌شدن از موضوعات مناقشه‌برانگیز در عرصه روابط بین‌الملل می‌باشد. صرف‌نظر از تعاریف گوناگونی که از جهانی‌شدن عرضه گردیده، مفهوم مزبور در دهه‌های پایانی قرن ۲۰ روندی نسبتاً پایدار را طی کرده و به مثابه پدیده‌ای چند وجهی و فراگیر تبدیل شده که سیر تحولی خود را از قدرت سیاسی به قدرت سرمایه و در سال‌های اخیر گام به عرصه آگاهی و فرهنگ نهاده است. بر این اساس جهانی‌شدن پدیده‌ای فراگیر است که بر تمام دنیا از جمله کشورهای حوزه خلیج فارس سایه افکنده است. این پدیده می‌تواند بر تمامی عرصه‌های جامعه تأثیر گذارد و نمی‌توان تأثیرات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی این پدیده را نادیده گرفت؛ و قطعاً فرهنگ سیاسی جامعه نیز از جمله مقولاتی است که جهانی‌شدن تأثیرات قابل توجهی در جهت توسعه دارد.

یکی از مسائل مهم بشری در دنیای امروز که ناشی از جهانی‌شدن است، مسئله برابری حقوقی زنان و مردان است. در طول دو قرن اخیر، زنان مبارزات گسترده‌ای را برای رسیدن به این برابری انجام داده‌اند. نتیجه این مبارزات، دستیابی آن‌ها به بسیاری از حقوق و امتیازاتی است که تا قبل از قرن بیستم تصور آن را نیز نمی‌کردند. هرچند طرح نظریه برابری حقوقی زن و مرد، اولین بار در قرن هفدهم و در عصر روشنگری توسط عدّه‌ای از نظریه‌پردازان مطرح شد، اما وقوع انقلاب صنعتی در قرن هجدهم و به دنبال آن انقلابات بورژوا-دمکراتیک مانند انقلاب کبیر فرانسه، زمینه‌ساز پیدایش جنبش جهانی‌جانبداری از حقوق زنان موسوم به «فمینیسم» گردید که از آغاز هدف خود را در تغییر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مبتنی بر تبعیض جنسیتی علیه زنان قرار داده بود. دامنه تحولات صورت گرفته در حوزه مسائل زنان در غرب همرا با دیگر مظاهر تمدن غربی به تدریج به کشورهای دیگر از جمله کشورهای حوزه خلیج فارس سرایت نموده است. نگاهی به تحولات ایجاد شده، نشان از آن دارد که جامعه ایران و به نسبت خیلی کمتر عربستان، نسبت به یک قرن پیش، پیشرفت‌های شگرفی در زمینه استفاده از پتانسیل‌های نیمه دیگر جامعه (زنان) داشته است. امروزه زنان نسبت به گذشته از حقوق و امتیازات بیشتری برخوردار شده‌اند و حضور آنان در عرصه‌های اجتماع آشکارتر و گسترده‌تر و از جهت کمی، رشد قابل ملاحظه‌ای یافته است.

در مورد نرخ باسوادی زنان بر اساس آمارهای موجود در کشورهای حوزه خلیج فارس در حالی که در سال ۱۹۸۰ نسبت حضور زنان به مردان ۳۰ درصد بوده است، اما در سالهای اخیر به ۴۷ درصد رسیده است که این نشانه رشد و آگاهی زنان این منطقه است. در زمینه اعطای حق رأی نیز می‌توان گفت زنان ایران در سال ۱۳۴۲ و عربستان تحت فشارهای بین‌المللی به این حق دست یافتند؛ هر چند زنان عربستان به این حق دست یافتند، اما تا سال ۲۰۱۵ باید همچنان از این حق خود محروم باشند، با این حال این روزنه امیدی است، زیرا عربستان تا قبل از دهه ۱۹۹۰، از کوچکترین حقوق سیاسی برخوردار نبود.

با توجه به موارد فوق، به نظر می‌رسد، فرهنگ سیاسی زنان از حالت تبعی و انفعالی صرف به سوی فرهنگ سیاسی مشارکتی حرکت می‌کند؛ هر چند که این تغییرات در جامعه بسته و سنتی عربستان به کندی و با فشار و تبلیغات کشورهای غربی صورت می‌گیرد، اما به نظر می‌رسد که تحت تأثیر فضای جهانی شدن و با دستیابی به ابزارهای ارتباطی در بُعد جهانی، این تغییرات با سرعت بیشتری صورت گیرد و در وادی سیاست شاهد شکل‌گیری فرهنگ سیاسی مشارکتی برای تمامی زنان باشیم.

بنابراین با توجه به اینکه جهانی‌شدن بر همه اقشار جامعه از جمله زنان تأثیر داشته و از سویی کاستی‌های پژوهشی بسیاری در زمینه جهانی‌شدن و زنان وجود دارد، و از سویی دیگر امکان پرداختن به تمامی مسائل مربوط به این مقوله در پژوهش حاضر وجود ندارد با توجه به علایق ذهنی و شخصی سعی این مقاله بر آن است تا تأثیرات جهانی‌شدن را بر فرهنگ سیاسی زنان ایران و عربستان بررسی کند.

با توجه به مطالب ذکر شده، پرسش اصلی در این پژوهش این است که: "جهانی‌شدن چه تأثیری بر فرهنگ سیاسی کشورهای ایران و عربستان داشته است؟" با توجه به پرسش اصلی پژوهش، فرضیه اصلی را می‌توان این‌گونه بیان کرد: جهانی‌شدن باعث حرکت به سوی فرهنگ سیاسی مشارکتی در بین زنان ایران و عربستان شده است.

### تعریف جهانی‌شدن

واژه جهانی‌شدن (Globalization) برای اولین بار در سال ۱۹۶۱ وارد فرهنگ لغات شد. اگرچه واژه جهانی‌شدن از دوره تکوینی طولانی برخوردار بود، اما این واژه تا پیش از ربع آخر قرن بیستم جزء لغات روزمره نبود. برای مثال تا پیش از ۱۹۷۵ به ندرت کتاب یا مقاله‌ای پیدا می‌شد که در آن اشاره‌ای به جهانی‌شدن کرده باشد، درحالی‌که امروزه این مفهوم بسیار فراگیر شده است (بیلیس، ۱۳۸۳: ۴۷-۴۶).

امانوئل ریشر (Emanuel Richter) جهانی‌شدن را به معنی شبکه‌سازی جهانی می‌داند که جوامع سابقاً پراکنده و منزوی این سیاره را به یکدیگر ارتباط داده و بین آنها وابستگی متقابل ایجاد کرده و می‌توان گفت جهانی‌شدن واحد شکل گرفته است (Shapiro, 13/10/2008). به عقیده مارتین خور (Martin Khor) جهانی‌شدن عبارت از فرایندی نابرابر با توزیع نابرابر سودها و زیان‌هاست. این نابرابری و عدم توازن به قطب‌بندی کشورهای ثروتمند و کشورهای فقیر از یک طرف و گروه‌های ثروتمند و فقیر در داخل جوامع که هر چه بیشتر به حاشیه رانده می‌شوند از طرف دیگر، منجر می‌شود (Khor, 2002: 8).

تاکنون تعاریف بسیار زیادی از جهانی‌شدن ارائه شده است و از این کثرت تعاریف می‌توان چنین نتیجه گرفت که ارائه تعریفی جامع و مانع از این واژه کار بس دشواری است؛ اما جهت سهولت کار و پیش‌رفتن این مقاله لازم است تعریفی از آن ارائه شود: جهانی‌شدن معطوف به فرایندی است که در جریان آن فرد و جامعه در گستره‌ای جهانی با یکدیگر پیوند می‌خورند (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۱).

### مراحل جهانی‌شدن

اندیشه جهانی‌شدن تاکنون ۵ مرحله را پشت سر گذاشته است. این مراحل در دوره‌های ۱۴۰۰ تا ۱۷۵۰، ۱۷۵۰ تا ۱۸۷۵، ۱۸۷۵ تا ۱۹۲۵، ۱۹۲۵ تا ۱۹۶۹، ۱۹۶۹ تا ۱۹۹۹ مطرح می‌شود.

مرحله اول: یعنی از ۱۴۰۰ تا ۱۷۵۰، مربوط به دوران اروپای غربی می‌شود. در این مرحله کم‌کم بحث جهانی‌شدن و ابعاد آن مطرح می‌شود. در مرحله اول شاهد کلیساهای جهانی کاتولیک و ظهور جوامع «دولت‌مدار» هستیم. یعنی بشریت دیگر به عنوان یک خصلت قومی، گروهی و نژادی شناخته نمی‌شود. نخستین نقشه‌های کره زمین به تصویر کشیده می‌شود. تقویم جهانی در غرب مطرح می‌شود و درنهایت این «استعمار» است که مرزها را درمی‌نوردد و وارد عرصه‌های جغرافیایی دیگر می‌شود.

مرحله دوم: این مرحله که تا سال ۱۸۷۵ میلادی تداوم پیدا می‌کند، شاهد شکل‌گیری «دولت - ملت»، «دیپلماسی رسمی»، «شهروندی»، «گذرنامه» و موافقت‌نامه‌های مربوط به ارتباطات و پیمان‌های حقوق بین‌المللی هستیم و نیز نخستین ملت‌های غیراروپایی و نخستین عقیده‌ها در خصوص جهان‌گرایی مطرح می‌شود.

مرحله سوم: این مرحله، «مرحله جهش» است که از سال ۱۸۷۵ تا ۱۹۲۵ تداوم پیدا می‌کند و ما شاهد تغییر مفهومی جهان در قالب چهار عامل جهانی‌کننده دولت-ملت، فرد، جامعه واحد بین‌المللی و بشریت واحد هستیم که در شکل پیشرفته‌تر از قبل عمل می‌کند، همچنین شاهد ارتباطات بین‌المللی، ورزش و روابط فرهنگی در سطح جهانی و شاهد تقویم جهانی هستیم که خود

به گونه‌ای در یکی از مراحل جهانی‌شدن مطرح می‌شود. مهاجرت‌های وسیع بین‌المللی و محدودیت‌هایی که بر آن اعمال می‌شود یکی از مؤلفه‌های این مرحله است و در نهایت افزایش تعداد غیراروپائیان در باشگاه بین‌المللی دولت - ملت.

مرحله چهارم: که در واقع از سال ۱۹۲۵ تا سال ۱۹۶۹ ادامه دارد، مرحله تلاش برای کسب سلطه است. در این جا شاهد سازمان ملل متحد و جامعه ملل و جنگ جهانی دوم و بعد هم جنگ سرد، مفهوم جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت، تهدید جهان با بمب اتمی و ظهور جهان سوم به عنوان بخشی از جهان هستیم.

مرحله پنجم: این مرحله مرحله «عدم قطعیت» نامگذاری شده، شامل کشف فضا، ارزش‌های فرامادی و گفتمان حقوق جوامع جهانی بر مبنای تبعیض جنسی، قومیت و نژاد، سیال و پیچیده شدن روابط بین‌الملل، شناخت مسائل زیست محیطی جهانی و رسانه‌های گروهی جهانی از طریق دست‌یابی به تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی از قبیل ماهواره و... است (افروغ، ۱۴ شهریور ۱۳۸۳).

#### واژه‌شناسی فمینیسم

واژه فمینیسم (Feminisme) به معنای طرفداری از حقوق سیاسی - اجتماعی زنان تعریف می‌شود که در واقع کوشش و مبارزه‌ای است برای احقاق حقوق زنان که پایان دادن به ستم و نابرابری‌های جنسیتی است و رسیدن به این هدف نه تنها یک منفعت و حق ویژه برای تمام زنان با هر نژاد و ایدئولوژی است، بلکه مبارزه‌ای است که در جهت دگرگون ساختن تمام سبک زندگی زنان، قدم برداشته است (Kolmar & Bartkowski, 2005: 26) تا ستمگری جنسی مذکر را که ریشه تمامی ستم‌ها و عامل نابرابری زنان و مردان است از میان بردارند. زیرا معتقدند تمام مردان از برتری جنسی خود، منافع اقتصادی، جنسی و روانی می‌برند (مکنزی، ۱۳۷۵: ۳۷۱).

به واقع می‌توان گفت فمینیسم جهانی وسیله‌ای است که زنان را برای رهایی یاری می‌دهد و آنان را در تمامی ساختارهای قدرت، قوانین و قطع‌نامه‌هایی که زنان را سرسپرده، فرودست و درجه دوم نگه می‌دارد، مورد سؤال و چالش قرار می‌دهد (واتکینز و دیگران، ۱۳۸۰: ۵).

به طور خلاصه می‌توان گفت نظریه‌های فمینیسم بر چهار موضوع تأکید دارند:

۱- فمینیسم مبتنی بر فرودستی و تحمّل رنج و سختی زنان در جامعه است.

۲- فمینیسم می‌خواهد بداند این فرودستی و تقسیمات جنسیتی چگونه و چرا ایجاد شده است.

۳- فمینیسم تفکراتی است که می‌خواهد بر روابط قدرت‌مدارانه زن و مرد تأثیر بگذارد.

۴- فمینیسم پایه و اساسی است جهت افزایش آگاهی‌های زنان نسبت به وضعیت خود در جامعه و تلاش در جهت از بین بردن تمام بی‌عدالتی‌ها و بی‌انصافی‌های سیاسی و اجتماعی که در مورد آنان

- وجود دارد (Corrin, 1999: 13) و در دفاع از حقوق زنان در تلاش‌اند تا نشان دهند:
- ۱- زن انسانی بالغ و کامل است که از استقلال عمل و اختیار کامل با حقوق مساوی با مردان برخوردار است.
  - ۲- زن از نظر فکری، انسانی آزاد و بالغ است.
  - ۳- زن باید در مسائل سیاسی شرکت کند و از حقوق مساوی با مردان برخوردار باشد (پهلوانی، ۱۳۸۹: ۲۶).

### امواج فمینیسم

فمینیسم در طول حیات خود سه موج را پشت سر گذاشته است. موج اول که از قرن نوزدهم شروع و تا جنگ جهانی دوم ادامه یافت، توانست به دستاوردهای مهمی همچون: تقدّم انسانیت بر جنسیت، آموزش و کارآموزی زنان، اصلاح قوانین اجتماعی به نفع زنان، حق برابری زنان با مردان برای متارکه و طلاق قانونی، حق رأی سیاسی برای زنان و... دست یابد. در موج دوم که به شدت تحت تأثیر اوضاع فکری اروپای بعد از جنگ قرار داشت، فمینیسم در قالب نوینی ظهور یافت. در این موج، مبارزات فکری زنان برای رسیدن به برابری کامل حقوقی تداوم یافت و دستاوردهای نسبتاً مهمی در پی داشت. جدایی روابط زناشویی (خانوادگی)، دستیابی زنان به حق انتخاب جهت سقط جنین و یا تولد فرزند، ایجاد مؤسسات اجتماعی و مطبوعات زنانه، افزایش توان سیاسی-اقتصادی زنان و حضور چشمگیرتر آنها در عرصه‌های سیاسی-اجتماعی، جزءمهمترین این دستاوردها بود (پهلوانی، ۱۳۸۹: ۱۵).

سال‌های میان ۱۹۲۰ (یعنی بلافاصله پس از کسب حق رأی و همچنین جنگ جهانی دوم) تا اواسط دهه ۱۹۶۰ را سال‌های فطرت و افول فمینیسم می‌نامند؛ البته این مسأله به معنای خاموش شدن آتش مطالبات زنان برای حق رأی، آموزش و برابری در کشورهای اروپایی و آسیایی نیست. حق رأی در بسیاری از کشورهای اروپایی و آسیایی، کشف حجاب در برخی از کشورهای اسلامی و بسیاری از اصلاحات موردی دیگر در همین مقطع زمانی حاصل شد (زیبایی نژاد، ۱۳۸۲: ۱۷). افراط‌گرایی‌هایی که در موج دوم صورت گرفت، سبب شد تا از اوایل دهه ۱۹۹۰ موج سوم فمینیسم آغاز شود که بر نقش‌های سنتی نهاد خانواده و احیای نقش مادری اشاره بیشتری داشت. فمینیست‌های مدرن در موج سوم سعی می‌کنند با ظاهری زنانه و رفتاری ظریف، تمایز خود از مردان را نشان دهند (سگالن، ۱۳۷۰: ۳۳۵).

### جهانی‌شدن فمینیسم

جهانی‌شدن به عنوان یک فرایند پیچیده و چند بعدی، با ایجاد شرایط کم و بیش مشابه برای گروه‌های مشابه اجتماعی در جوامع مختلف، موقعیت اجتماعی آنها را تا حدی به هم شبیه می‌سازد و در نتیجه، مشکلات و تقاضاهای آنها را تا حدی به هم نزدیک می‌کند. این می‌تواند به معنای شباهت نسبی در موقعیت عینی گروهها از جمله زنان در جوامع مختلف باشد. فمینیسم نیز، به عنوان جزئی از پدیده جهانی‌شدن که در پیوند با جنبش زنان است، بالقوه می‌تواند از امکانات ارتباطاتی فراگیر و سایر ابعاد فرایند جهانی‌شدن برای اثرگذاری بر ذهنیت و کنشهای زنان در سراسر جهان بهره برد. به بیان دیگر، امکان انتقال گفتمان فمینیستی غربی به جوامع مختلف، به ویژه جهان سوم، با تشدید و تقویت فرایند جهانی‌شدن افزایش می‌یابد.

در دهه ۱۹۹۰، با رشد چشمگیر در زمینه فناوریهای اطلاع‌رسانی در شبکه‌های جهانی تلویزیونی و اینترنت، امکانات این جنبشها برای انتقال پیامهای خود به دوردست‌ترین جوامع با حداقل هزینه افزایش چشمگیر یافت. علاوه بر انتشار کتابها و مجلات و خبرنامه‌های این جنبشها و اخباری که درباره فعالیت آنها از کانالهای رادیویی و تلویزیونی جهانی در سطح جهان پراکنده می‌شود، صداها سابت در شبکه جهانی آراء این جنبشها را ارائه می‌کنند و پیامهای آنها با حداقل هزینه (هم برای فرستندگان و هم برای گیرندگان) منتقل می‌شود. حتی از این راه، به بسیج اجتماعی و سیاسی نیز مبادرت می‌شود و سازماندهی‌های محلی شکل می‌گیرد. البته کارایی این امکانات در محدوده جوامع غربی با توجه به گستردگی استفاده از این فناوریها و نیز نبود مشکل زبان در ارتباطات، بیش از کارایی آن در دیگر جوامع است. با این همه، به تدریج با گسترش امکانات در دیگر جوامع، آنها نیز با سهولت و سرعت بیشتر در معرض پیامهای جهانی‌شدن و از جمله فمینیسم قرار می‌گیرند. بسیاری از پیامهای فمینیسم در قالب کتابها، مقالات، اخبار، پوستر و عکس و ... ترجمه و منتشر می‌شود؛ در نتیجه، دامنه تأثیرگذاری آن گسترده‌تر می‌شود.

بنابراین اندیشه فمینیسم به عنوان یک اندیشه جهانی، جزئی از پدیده جهانی‌شدن است که موج اول فمینیسم با دوره دوم و سوم جهانی‌شدن در اواسط قرن هجدهم (۱۸۵۰) و اوایل قرن بیستم (۱۹۲۰) برابری می‌کند و موج دوم فمینیسم (۱۹۸۰ - ۱۹۲۰) با مرحله چهارم جهانی‌شدن (۱۹۲۰ - ۱۹۶۰) و موج سوم فمینیسم (۱۹۹۰ به بعد) با مرحله پنجم جهانی‌شدن (اوایل ۱۹۹۰) برابری می‌کند.

### نظریه جهانی پیتیر تایلور

پیتیر تیلور (Peter Taylor) در سال ۱۹۸۰ تحت تأثیر نظریات والرشترین، نظریه «سیستم جهانی»

خود را ارائه داد. وی در واقع نظریه والرشتاین را تکمیل کرد. والرشتاین معتقد بود نظام جهانی از سه بخش مرکز، پیرامونی و شبه پیرامون تشکیل می‌شود و از آن‌جا که دولت‌های مرکز، توانایی ایجاد دولت‌های قدرتمند با دستگاه‌های اداری و نظامی را دارند، می‌توانند از لحاظ سیاسی و اقتصادی، دولت‌های پیرامونی را زیر سلطه بگیرند. اما در تکمیل این امر، پیتر تیلور اضافه کرد که در کشورهای پیرامونی، نقش محلی و بومی در مسائل درون کشوری و فراقشوری کاهش می‌یابد و در مقابل نقش نیروهای جهانی با الگوهای جهانی گسترش می‌یابد. این امر باعث می‌شود تا الگوهای جهانی، الگوهای محلی را تحت‌تأثیر قرار دهد و الگوهای محلی، اعتبار خود را از دست بدهند و خود را با تحولات جهانی سازگار و هماهنگ نمایند (Muhlenhaus, 1991).

این مقاله بر اساس نظریه پیتر تیلور، پیش می‌رود تا نشان داده می‌شود که آیا جهانی‌شدن توانسته است فرهنگ سیاسی زنان کشور پیرامون حوزه خلیج فارس (ایران و عربستان) را تحت‌تأثیر قرار دهد.

#### تعریف فرهنگ سیاسی

منظور از فرهنگ، مجموعه‌ای از پندارها، گفتارها و کردارها است که طی زمان در جامعه شکل گرفته‌باشد، عموم اعضاء جامعه آنها را باور داشته و به صورت عادت آنها را به منصف ظهور رسانند (ازغندی، ۱۳۸۴: ۷۳). فرهنگ امروزه به صورت مفهوم اصلی انسان‌شناسی اجتماعی درآمده است و حیطه زندگی اجتماعی انسان‌ها در ابعاد مختلف را دربردارد. از این‌رو، در حیطه مطالعه حیات سیاسی انسان‌ها و جوامع کنونی، فرهنگ سیاسی به عنوان وجه اصلی و متعالی مطالعات زندگی سیاسی جوامع مختلف در عرصه تحولات سیاسی- اجتماعی به شمار می‌رود.

تاکنون تعاریف بسیاری از سوی پژوهشگران نسبت به رهیافت فرهنگ سیاسی ارائه شده‌است اما این مفهوم تاکنون به معنای واحدی به کار نرفته است. دلیل این امر آن است که مفهوم فرهنگ سیاسی مانند مفاهیمی چون دولت، قدرت و نظایر آن انتزاعی است و تحت تأثیر شرایط و مقتضیات اجتماعی در زمان‌های مختلف تغییر می‌کند؛ که در این‌جا به چند تعریف از فرهنگ سیاسی اشاره می‌شود.

فرهنگ سیاسی یک جامعه تشکیل شده از طرز تفکر درباره سیاست و حکومت آن جامعه که در میان افراد آن ملت مشترک است. فرهنگ سیاسی ایجادکننده محیطی است که کشمکش‌ها و درگیری‌های سیاسی در محدوده آن صورت می‌گیرد (رنی، ۱۳۷۴: ۹۲). فرهنگ سیاسی آگاهی، اعتقادات، ارزش‌ها و رویکردهای افراد جوامع را نسبت به حکومت و جامعه تعیین می‌کند (تنسی، ۱۳۷۹: ۱۳).

گابریل آلموند (Gabriel Almond) و سیدنی وربا (Sidney Verba) دو تن از علمای سیاسی



امریکا درباره دلیل انتخاب اصطلاح رهیافت فرهنگ سیاسی می‌گویند: ما اصطلاح فرهنگ سیاسی را به این دلیل انتخاب کردیم که ما را قادر می‌سازد که از چارچوب‌های نظری و مفهومی و رویکردها و رهیافت‌های انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و روانشناسی استفاده کنیم (هنری لطیف‌پور، ۱۳۷۹: ۲۵). فرهنگ سیاسی دیدگاه‌ها، عقاید و ارزش‌هایی است که اساس عمل یک نظم سیاسی خاص را تشکیل می‌دهند. دانش و مهارت در مورد عمل نظام سیاسی، احساسات عاطفی مثبت و منفی نسبت به آن و داورهای ارزیابی‌گرایانه درباره نظام از جمله این موارد هستند (مک‌لین، ۱۳۸۱: ۶۲۱).

گابریل آلموند به عنوان مبدع و یکی از سرشناس‌ترین افرادی که به بحث درباره فرهنگ سیاسی پرداخته است، فرهنگ سیاسی را این‌گونه تعریف می‌کند "فرهنگ سیاسی توزیع خاصی از ایستارها، احساسات، اطلاعات و مهارت‌های سیاسی است. همان‌گونه که ایستارهای افراد بر اعمال آنان تأثیرگذار است فرهنگ سیاسی یک ملت نیز بر رفتار شهروندان و رهبران آن در سراسر نظام سیاسی تأثیر می‌گذارد" (آلموند، پاول، بینگهام، ۱۳۷۷: ۷۱).

فرهنگ سیاسی عمدتاً پایدار و منسجم نبوده و به راحتی قابل تغییر نیست و برای تغییر دادن باید در نظام سیاسی و نخبگان حاکم تحولی ملموس صورت پذیرد. بدین ترتیب در هر نظام سیاسی، یک قلمرو ذهنی سازمان‌یافته در باب سیاست وجود دارد که محصول پویای جمعی تاریخ زندگی یک ملت می‌باشد که نظام سیاسی آن را هدایت می‌کند و ساخت و معنا می‌دهد و با تأسیس نمادها و مؤسساتی کارآمد به جامعه‌پذیری‌ها و فرهنگ‌پذیری‌ها کمک می‌نماید. دولت با سیاست‌گذاری‌های حساب‌شده تلاش می‌کند سیاست فرهنگی خاصی را که تثبیت‌کننده نظام سیاسی و تأمین‌کننده منافع طبقه حاکم است را به‌نحوی عمیق در رفتار و کردار مردم القاء کرده و در جامعه گسترش دهد. بدین‌سان دولت همواره رواج‌دهنده نوعی فرهنگ دستوری و رسمی است.

چنانکه مشاهده کردیم تعاریف بسیار زیاد و متفاوتی از مفهوم فرهنگ سیاسی ارائه شده است اما در مجموع آنچه مورد توجه این پژوهش قرار دارد این است که فرهنگ سیاسی به مجموعه نگرش‌ها و برداشت‌های موجود در یک حوزه اجتماعی نسبت به عمل سیاسی اطلاق می‌شود.

### انواع فرهنگ سیاسی

در هر جامعه‌ای برحسب میزان شعور، آگاهی و ادراکات خاص مردم از وضعیت سیاسی - اجتماعی خویش و حضور و مشارکت آنها در مسائل اجتماعی نمونه‌های متعددی از فرهنگ سیاسی وجود دارد که به تقسیمات آلموند و وربا اشاره خواهد شد:

**الف) فرهنگ سیاسی مشارکتی**

این نوع فرهنگ سیاسی در جهان معاصر و در جوامع بسیار پیشرفته وجود دارد. در این جوامع مردم در زندگی سیاسی مشارکت می‌کنند؛ تقاضاها و خواسته‌های سیاسی خود را بیان می‌کنند (عالم، ۱۳۷۳: ۱۶). به‌دیگر سخن در فرهنگ سیاسی مشارکتی مردم به شهروند بودن خود آگاهند و به سیاست توجه دارند. مشارکت‌کنندگان معتقدند که می‌توانند تا حدی بر سیاست تأثیر گذارند و مدعی‌اند که می‌توانند نسبت به بی‌عدالتی‌ها به‌صورت گروه‌های سازمان‌یافته معترض باشند. از این‌رو، این‌گونه فرهنگ، بهترین نمونه‌های فرهنگ سیاسی و سازگار با مردم‌سالاری‌های با ثبات انگاشته می‌شود (حمیدی، ۱۳۸۶: ۴۳).

**ب) فرهنگ سیاسی تبعی**

مردم در فرهنگ سیاسی تبعی، انقیادی یا انفعالی، تابع و مطیع عمل می‌کنند و به سیاست و منافع صنفی خویش توجه ندارند و تنها به صورت انفعالی با سیاست درگیر هستند. به آنچه که در ساختار سیاسی کشور می‌گذرد تمایل چندانی ندارند و نسبت به نظام سیاسی خویش چندان تعهد و تکلیف احساس نمی‌کنند. در انتخابات شرکت می‌کنند اما صمیمانه رأی نمی‌دهند. در چنین جوامعی نخبگان در مقام سخنگوی خواسته‌های مردم و حاکم بر سرنوشت آنها ظاهر می‌گردند (حمیدی، ۱۳۸۶: ۴۳). در فرهنگ سیاسی تبعی جامعه نسبت به نظام سیاسی احترامی همراه با ترس دارند و خود را در اندازه‌ای نمی‌بینند که بتوانند در تصمیمات سیاسی مشارکت داشته باشند (بدیع، ۱۳۷۶: ۵۲).

**ج) فرهنگ سیاسی محدود**

فرهنگ سیاسی محدود، بسته یا ده‌کوره‌ای، به کسانی قابل اطلاق است که از نظام سیاسی خود، آگاهی چندانی ندارند یا اصلاً از آن آگاه نیستند. بنابراین، چنانچه موضوع‌هایی همچون منافع ملی، امنیت ملی، توسعه ملی مطرح گردد، تا زمانی که در تماس مستقیم با موقعیت و زندگی محلی آنها قرار نگیرد؛ آنها را به واکنش برنخواهدانگیخت (حمیدی، ۱۳۸۶: ۴۳). افراد خود را یک شهروند یا عضوی از یک جامعه و از یک ملت نمی‌دانند. این‌گونه افراد را در هر جامعه‌ای می‌توان یافت؛ اما در جوامع سنتی و عقب‌مانده شماره آنها بیشتر است. توسعه فرهنگ دموکراسی از فرهنگ سیاسی محدود بسیار دشوار است (قوام، ۱۳۷۹: ۷۲).

**علل انتخاب ایران و عربستان**

اصطلاح کشورهای خلیج فارس امروزه به آن گروه از کشورهایی که در حاشیه خلیج فارس قرار

دارند، اطلاق می‌گردد که شامل کشورهای ایران، عربستان سعودی، عراق، کویت، قطر، بحرین، امارات متحده عربی و عمان می‌باشد.

باید توجه شود که در بین کشورهای خلیج فارس، ایران و عربستان جز مناطق مهم برای امریکا حساب می‌شوند. به طوری که ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، ژاندارم منطقه به شمار می‌آمده که بعد از انقلاب تغییراتی بنیادی در موقعیت امریکا در منطقه به وجود آورد از جمله، از دست دادن پایگاههای استراق سمع و تعطیل شدن مرکز جاسوسی امریکا در منطقه، انحلال کامل پیمان سنتو، امکان صدور انقلاب اسلامی ایران به سایر کشورهای منطقه، از دست دادن ژاندارم منطقه و شکست سیاستهای غرب در منطقه و بهم ریختن معادلات سیاسی تنظیم شده قدرتهای بیگانه برای منطقه و غیره (الهی، ۱۳۷۹: ۲۸۲ - ۲۸۱).

تحت چنین شرایطی که امریکا «شاه ایران» یعنی ژاندارم منطقه را از دست داد و تمام کوششهایش برای جلوگیری از پیروزی انقلاب اسلامی با شکست مواجه شد، می‌بایست در فکر حفظ نفوذ و منافع خود در سایر کشورهای منطقه باشد. در میان این کشورها، عربستان سعودی اولویت نخست را برای امریکا دارا بود، زیرا این کشور دارای وسعت زیاد و مرز طولانی با خلیج فارس است، در میان کشورهای عربی و حتی مسلمان دارای اهمیت سیاسی بوده، صاحب مخازن عظیم نفت است و سرانجام موقع جغرافیایی آن چنان است که از خاک آن عملیات نظامی علیه سایر کشورهای شبه جزیره عربستان و منطقه به آسانی ممکن می‌شود و سواحل آن در دریای سرخ، امکان صدور نفت را به عنوان جایگزینی برای خلیج فارس امکان‌پذیر می‌سازد و هم‌اکنون عربستان سعودی، ستون اصلی سیاست امریکا در منطقه است (همان: ۲۸۶ - ۲۸۲).

حال بر این اساس، که کشورهای غربی داعیه حقوق بشر و برابری جنسیتی را سر می‌دهند، در عربستان که پایگاههای نظامی دارند و دولتها از آنان حمایت می‌کنند، و یا در کشوری مثل ایران که دولتهای غربی به بهانه مختلف از جمله عدم رعایت حقوق زنان سعی دارند تا مشروعیت نظام را خدشه‌دار کنند، سعی شده تا وضعیت سیاسی زنان در این کشورها مورد بررسی قرار گیرد.

### نمودهای فرهنگ سیاسی

چنانکه می‌دانیم فرهنگ سیاسی یک بحث انتزاعی و غیر قابل ارزیابی دقیق و به اصطلاح آماری است. بنابراین در این مقاله سعی بر آن است که جهت سهولت بررسی و نیز جلوگیری از تکرار بحث‌های دیگر محققان و ارائه یک پژوهش کاربردی نمودهای فرهنگ سیاسی در جامعه بررسی شود. بنابراین در این پژوهش در تلاش هستیم تا از طریق بررسی آنچه ارزش‌های سیاسی زنان نامیده می‌شود، نگرش سیاسی زنان و فعالیت‌های سیاسی زنان، مشارکت سیاسی این قشر عظیم اجتماع را شناسایی

کنیم. بنابراین به تعداد احزاب و انجمن‌های سیاسی زنان، تعداد نمایندگان زن در مجالس مقننه، تعداد زنان در قوه مجریه (وزیر، معاون وزیر، مدیرکل و روسای بخش) پرداخته می‌شود. مشارکت سیاسی به معنای مساعی سازمان یافته شهروندان برای انتخاب رهبران خویش، شرکت مؤثر در فعالیت‌ها و امور اجتماعی و سیاسی و تأثیر گذاشتن بر قدرت و دولت تعریف شده است که میزان این فعالیت‌ها و تأثیرگذاری بر قدرت، بر اساس فرهنگ سیاسی هر کشور متفاوت است (Nanda, 1991: 388) و تفاوتی نمی‌کند که شکل حکومت چگونه باشد (نوعی از دموکراسی، یا هر نوع نظام دیگری باشد). آنچه مهم است این است که در مدیریت و تصمیم‌گیری‌های امور جامعه در همه ابعاد، ملت نقش مؤثر، حضور فعال و دخالت مستقیم داشته باشند. غالباً گفته می‌شود که مردان تمایل بیشتری برای حضور در صحنه‌های سیاسی از خود نشان می‌دهند، اما با گذشت زمان و به ویژه با بالا رفتن سطح تحصیلات زنان در اغلب جوامع بر تعداد زنان مشارکت کننده در صحنه های سیاسی به ویژه در انتخابات به طور قابل ملاحظه‌ای افزوده شده است (علیخانی و موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷: ۲۰۴).

#### وضعیت فرهنگ سیاسی زنان در ایران (دوران مشروطه)

تا قبل از دوران قاجار، از حرکت جمعی زنان و نقش آنها در تحولات سیاسی، اطلاع درستی در دست نیست. چند موردی که در کتابهای تاریخی ضبط شده است، مربوط به نقش آنها در حمایت از سربازان در جنگ با دشمنان است (مصفا، ۱۳۷۵: ۱۰۷). در دوران قاجار، تنها یک مورد از مشارکت سیاسی زنان در سطح سیاستگذاری وجود دارد که در زمان ناصرالدین شاه اتفاق می‌افتد و آن این است که حکومت قم را به خانمی به نام فخرالملوک، دختر ارشد شاه می‌دهند، زیرا که شهر قم را از لحاظ مذهبی، حضرت معصومه تحت حمایت دارد پس باید حاکم آن نیز زن باشد (پناهی، ۱۳۸۱: ۲۴). در انقلاب مشروطه، قانون اساسی فوراً ورود زنان به عرصه سیاسی را ممنوع کرد؛ به طوری که مهمترین خواسته مشارکت سیاسی زنان که همان حق رأی بود، نادیده گرفته شد. بر طبق ماده ۱۰ قانون انتخابات مجلس مصوب ۱۳۲۹ هجری قمری/۱۲۸۷ شمسی، زنان از انتخاب کردن و انتخاب شدن محروم بودند و آنان را در رده صغار و مجانین و جانیان قرار دادند. این امر زمانی بیشتر مشهود می‌شود که بر اساس اصل ۳۰ قانون اساسی مشروطیت، "ولایت عهد در صورت تعداد اولاد به پسر اکبر پادشاه که مادرش ایرانی الاصل و شاهزاده است می‌رسد و در صورتی که برای پادشاه اولاد ذکور نباشد، اکبر خاندان سلطنت با رعایت الاقرب فالاقرب به رتبه‌ای ولایت عهد نائل می‌شود و هرگاه در صورت مفروضه فوق اولاد و ذکوری برای پادشاه به وجود آید حقاً ولایت عهد به او خواهد رسید" (کار، ۱۳۷۹: ۱۹).

این عوامل نشان می‌دهد، با وجود فرهنگ عمیق تفکرات مردسالاری، زنان نمی‌توانند در جامعه به فعالیت بردارند؛ زیرا در قدم اول این امر در قانون مشخص می‌شود که حتی زمانی که شاید شایستگی بیشتری داشته باشند، از سلطنت معافند و در صورت نبود اولاد ذکور هم زنان حق سلطنت ندارند. حتی دورترین دودمان فرد خانواده پادشاه می‌تواند به عنوان پادشاه مطرح شود، اما زنان به این سمت دست نیابند. بنابراین با وجود آن‌که در جامعه از حقوق زنان صحبت می‌کردند، اما در عمل چیزی غیر از آن را نشان دادند.

زامداران بعد از مشروطه، ایجاد جامعه مدنی و کثرت‌گرایی سیاسی را با آن که قانون اساسی مشروطه و فصل دوم مشروطیت مبتنی بر آن بود، تعلیق به محال کرده بودند. در نتیجه زنان از کسب تجارب سیاسی و احزاب و تشکلهای و شرکت در بحث‌های سیاسی محروم ماندند. با این حال با سیاسی شدن زنان و مشارکت در جنبش ملی، مردان دیگر نمی‌توانستند از موقعیت زنان در جهت تحقق آرمان‌های خود سود جویند، زیرا مسائل زنان چنان ابعادی یافته بود که الزاماً خود آن‌ها می‌باید در کارها دخالت می‌ورزیدند. بنابراین خود زنان نیز ترجیح دادند در اولین قدم در جهت احقاق حقوق سیاسی خود، انجمن‌های زنان را تأسیس نمایند (آفاری، ۱۳۷۷: ۱۶ و ۱۴) که مهم‌ترین اهداف این انجمن‌ها، آموزش تحصیلات دختران باشد. در سال ۱۲۸۶، اولین نشست زنان در تهران برگزار شد و چند مسأله مورد بررسی قرار گرفت که از جمله آن، ایجاد مدارس دخترانه و لغو جهیزیه برای ازدواج زنان بود تا بتوانند با بودجه آن به تحصیل بپردازند (Price, 2002). بدین ترتیب برای اولین بار در این انجمن‌ها از حقوق زنان صحبت به میان آمد.

به طور خلاصه می‌توان گفت، تا قبل از قرن نوزدهم میلادی و آشنایی بلاواسطه جامعه ایران با مردم، فرهنگ و تمدن اروپا، نخبگان و سیاست‌گذاران کشور شاید چندان خود را ملزم به ایجاد تحول و دگرگونی در ساختارهای مختلف جامعه ایرانی نمی‌دیدند، گرچه از مدت‌ها قبل با مظاهر تمدن غربی آشنا بودند. تنها با شروع انقلاب مشروطه است که زنان توانستند نارضایتی خود را نسبت به شرایط فرودستی زنان نشان دهند و از طریق آموزش، مطبوعات و انجمن‌ها و تئاتر، خواسته‌های فمینیستی خود را در جامعه مطرح کنند (پهلوانی، ۱۳۹۰: ۷۲).

یکی از خواسته‌ها و مبارزات زنان در این دوره، به دست آوردن حق رأی بود، زنان ایرانی بر اساس دستاوردهای زنان غربی سعی داشتند تا به این حق خود دست یابند. نشریه «جهان زنان» در سال ۱۳۰۰ در این باره نوشت:

زنان امریکایی در نه ولایت از ولایت متحده امریکایی، دارای جمیع حقوق سیاسی و اجتماعی هستند و آنها هر وظیفه‌ای از قبیل نمایندگی مجلس شورای ملی و بلدی و غیره هم انتخاب می‌شوند و هم انتخاب می‌کنند و همیشه عده منتخبین زن مساوی با عده مردان است. در سال

۱۹۰۲ در استرالیا به زنان، حق عضویت مجلسین داده شد، در سال ۱۹۰۷، ۱۹ نفر زن برای وکالت امور اجتماعی انتخاب شده اند... در ایران هنوز به زنان حتی حق انتخاب شوهر را هم نداده اند ("زنان جهان"، ۱۳۰۰: ۲۱).

با وجود تلاش زنان در جهت احقاق حق رأی، جامعه سنتی ایران، به هیچ عنوان این حق را برای زنان قائل نبود و با آن به مخالفت پرداخت، اما از آنجا که جنبش جانبداری زنان در غرب، اعطای حق رأی به زنان را در ایران پیگیری می کردند و مذاکرات مجلس در مورد اعطای حق رأی به زنان در نشریه «تایمز لندن» منتشر می گردید، مجلس ضروری دانست تا آن را به صورت علنی مطرح سازد که البته با مخالفت نمایندگان مجلس مواجه شد (آفاری، ۱۳۷۷: ۵۷).

در آغاز تمام جمعیت های زنان برای کسب مشروعیت اجتماعی و حفظ حیات خود، اهدافشان را تربیت دختران و زنان با تکیه بر شعائر اسلامی عنوان می کردند (بامداد، ۱۳۴۷: ۴۷). اما به تدریج هر چه از دوران اولیه این انجمن ها می گذشت، از شعائر اسلامی آن کاسته شد که این امر به دلیل ورود مفاهیم و عقاید غربی به کشور بود. بامداد در این زمینه می نویسد:

پیش از آن که آتش جنگ بین الملل اول روشن شود، تعدادی از مردان و زنان ایرانی به واسطه مسافرت به خارج و تماس با اروپاییان تا اندازه ای با تمدن جدید آشنا شده بودند. جمعی به این فکر افتادند وسیله ای برانگیزند که زنان را به معاشرت و حضور اجتماعی که مردان در آن شرکت دارند، عادت بدهند و به مسائل اجتماعی وارد کرده، علاقه مند سازند. پس از مدتی شور و تبادل افکار چنین نتیجه گرفتند که انجمن آزادی زنان را تشکیل بدهند (بامداد، ۱۳۴۷: ۷ - ۸).

در واقع، این انجمن یکی از اولین انجمن هایی بود که کاملاً تحت تاثیر فرهنگ و الگوی زنان متجدد غربی به وجود آمد.

به طور خلاصه می توان گفت، تا قبل از قرن نوزدهم میلادی و آشنایی بلاواسطه جامعه ایران با مردم، فرهنگ و تمدن اروپا، نخبگان و سیاست گذاران کشور شاید چندان خود را ملزم به ایجاد تحول و دگرگونی در ساختارهای مختلف جامعه ایرانی نمی دیدند، گرچه از مدتها قبل با مظاهر تمدن غربی آشنا بودند (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۶: ۴۸). تنها با شروع انقلاب مشروطه است که زنان توانستند نارضایتی خود را نسبت به شرایط فرودستی زنان نشان دهند و از طریق آموزش، مطبوعات و انجمن ها و تئاتر، خواسته های فمینیستی خود را در جامعه مطرح کنند.

پس از اعلان مشروطیت و بعد از افتتاح دوره دوم مجلس، نقش زنان در زندگی سیاسی کشور افزایش یافت و زنان خواهان احقاق حقوق خود در این عرصه شدند. زنان آزادی خواه و مبارز، لزوم تشکیل انجمن های زنان را در محافل و مجالس زنان در تهران مطرح کردند و در این زمینه به رایزنی پرداختند (خسروپناه، ۱۳۸۱: ۱۴۷). بر این اساس به تأسیس انجمن های زنان اقدام کردند.

خانم آنا وانزان، محقق ایتالیایی در تحقیقات خود معتقد بود: "تاریخ یک قرن پیش گویای این است که زنان ایرانی که مجالی برای حضور در عرصه‌های اجتماعی را نداشتند در پستوها و پشت پرده، انجمن‌های نیمه‌سری را تشکیل می‌دهند" (بابامرادی، ۱۳۸۰: ۹۳). حتی بسیاری از این انجمن‌ها ناشناخته مانده بود. مورگان شوستر در این خصوص می‌نویسد: "دسته‌هایی از اعضای انجمن‌های سری زنان هستند که مخفی و گمنام در تحت اوامر مرکز معینی که زمام نظم ایشان را در دست داشت می‌باشد. تا امروز نه اسم هیچ یک از آنها را دانسته‌اند و نه لیدر آن فرقه را می‌شناسیم" (شوستر، ۱۳۳۴: ۲۳۹ - ۲۳۷).

جدول شماره ۱۶- انجمن‌های نیمه سری زنان در دوران مشروطه

نام انجمن	سال تأسیس	مؤسس	هدف
کلوپ ملی زنان <sup>۱</sup>	۱۲۸۹	بی‌بی خانم وزیرف	بیان دیدگاه‌های زنان در مسائل سیاسی و اجتماعی با هدف مشارکت زنان در امور جامعه
انجمن مخدرات وطن	۱۲۸۹	جمعی از زنان ترقی خواه	سازماندهی فعالیت‌های خیریه‌ای مربوط به زنان و نیم‌نگاهی به مشارکت در امور سیاسی جامعه
انجمن همت خواتین	۱۲۹۳	خانم نورالدجی	پیشبرد هدفها و خواسته‌های زنان و رونق اقتصادی، تربیت، علم و هنر زنان
جمعیت پیک سعادت نسوان	۱۳۰۰	عده‌ای از کمونیست‌های زن	ترویج عقاید کمونیستی در ایران
جمعیت نسوان وطنخواه	۱۳۰۱	محترم اسکندری	تلاش در جهت رسیدن به ترقیات اروپاییان
انجمن آزادی زنان	۱۲۸۶	عده ای از فارغ‌التحصیلان	ترویج حضور زنان در اجتماع و ارتباط مردان و زنان
اتحادیه غیبی نسوان	۱۲۸۶	-----	-----
انجمن خواتین ایران	۱۲۹۰	-----	-----
شرکت آزمایش بانوان	۱۲۹۹	صدیقه دولت‌آبادی	-----
انجمن بانوان اصفهان	۱۲۸۸	صدیقه دولت‌آبادی	-----
شرکت خواتین اصفهان	۱۲۹۷	صدیقه دولت‌آبادی	-----

۱- کلوپ ملی زنان را م. پاولویچ برای جلسه‌های اجتماعی و فرهنگی که بی‌بی خانم وزیرف برگزار می‌کرد، نام نهاد.

-----	صفیه فیروز	۱۳۰۱	جمعیت زنان وطنخواه
-----	عده‌ای از فارغ‌التحصیلان امریکایی	۱۳۰۱	مجمع فارغ‌التحصیلان مدرسه

منبع: توانا، ۱۳۸۱: ۴-۱۱۲. خسروپناه، ۱۳۸۱: ۱۸۵-۱۴۸

همه این تشکل‌های زنان در سال‌های ۱۳۰۵-۱۲۸۵، منحصر و محدود به زنان اقشار متوسط و بالای جامعه ایران بود و نتوانستند به تشکلی فراگیر و سراسری مبدل شوند. به هر حال بحث و بررسی درباره موقعیت زنان و دختران و لزوم تحوّل آنان کاملاً با احتیاط انجام می‌گرفت، زیرا این مباحث از جمله عرصه‌های ممنوعه‌ای بود که قدرت سیاسی حاکم بر جامعه سیاسی در برابر آن به شدت واکنش نشان می‌داد (خسروپناه، ۱۳۸۱: ۱۹۶).

می‌توان گفت در دوران مشروطه، مشارکت سیاسی زنان تنها به عرصه مطالبات عمومی جامعه و مبارزات ملی‌گرایانه ختم می‌شد. تنها در اواخر دوران قاجار، انجمن‌هایی تشکیل شد که در آن، زنان به صورت مخفی به فعالیت پرداختند. بنابراین هرچند فعالیت زنان در این دوران، بسیار اندک و در سطح نخبگان بود و در سطح توده به نوعی در پاسخ به فتوای علما در جنبش ضد استعماری و حفاظت از میهن و حس میهن‌پرستی بود، اما سرفصل و آغازی برای حضور گسترده‌تر زنان در عرصه مشارکت سیاسی محسوب می‌شود و مانند زنان غربی خواهان مشارکت خود در این زمینه می‌شوند.

در دوران انقلاب مشروطه، جنبش زنان تحت تأثیر آن به فعالیت‌های چشم‌گیری دست زد. در واقع احساس نارضایتی و نابرابری از وضع موجود در جامعه ایران باعث شد تا زنان در برابر وضعیت سنتی واکنش نشان دهند. این جنبش، از طریق فعالیت‌هایی همچون زنان غربی، خواستار فرصت‌های یکسان در تحصیلات، حقوق سیاسی برای زنان، آزادی حجاب و رفع قوانین سنتی بود. نکته قابل توجه این که اکثر مروّجان این اندیشه در این دوره، دو ویژگی داشتند: یکی این که دارای مذهب شیعه که مذهب رسمی و اکثریت جمعیت ایران است، نبودند. از جمله فخرآفاق پارسای و صدیقه دولت‌آبادی که پیرو فرقه بابیت بودند. دیگر این که اکثر فمینیست‌های این دوره یا تحصیل کرده غرب و یا از نزدیکان تحصیل‌کردگان غربی بودند (پهلوانی، ۱۳۹۰: ۷۲).

بنابراین اندیشه فمینیسم و واکنش به وضعیت سنتی زنان در ایران از نواحی خارج از کشور و از مرز و نواحی متروپل (اروپا) به نواحی پیرامون (ایران) انتشار یافته است.

### وضعیت فرهنگ سیاسی زنان در ایران (دوران پهلوی)

در دوران پهلوی، فمینیست‌هایی که در دوره مشروطه فعال بودند، به فعالیت خود نسبت به تغییر



وضعیت و دیدگاه‌های سنتی زنان ادامه دادند. مبارزات زنان نشان می‌دهد که همچنان زنان در مورد جایگاه خود با مردان در عرصه‌های مختلف، احساس نارضایتی می‌کردند. تفاوتی که حرکت زنان در این دوره با دوره مشروطه داشت، همراهی دولت پهلوی با جنبش زنان بود. کما اینکه اولین کانون بانوان به دستور رضاشا، تأسیس و چندین کنفرانس بین‌المللی در ارتباط با مسائل زنان در تهران تشکیل گردید و فعالین حقوق زنان در کنفرانس‌های بین‌المللی زنان شرکت کردند. یکی دیگر از ویژگی مهم این دوره این بود که بیشتر مرّوجان این اندیشه از تحصیل‌کردگان غربی بودند که بر اساس خواسته‌های زنان در غرب، شاخص‌های نابرابری خود با مردان را شناسایی و سعی در تغییر دیدگاه‌های سنتی نسبت به زنان داشتند. خواسته‌ها و مبارزات زنان، زمانی اوج می‌گیرد که در اواخر دهه ۱۳۲۰ موج چهارم جهانی‌شدن و آغاز موج دوم فمینیسم جهانی آغاز می‌شود که این موج همزمان با دوره دوم حکومت پهلوی است. ویژگی عمده این دوره این است که شکاف جنسیت در دهه ۱۳۴۰ فعال شد و زنان فعالیت و اقدامات خود را گسترش دادند. بنابراین بر اساس خواسته‌ها و مبارزات زنان در این فصل مشخص شد، جنبش جانبداری از حقوق زنان ایران در این زمان، همزمان با موج دوم فمینیسم، گسترش فراوانی یافته است (پهلوانی، ۱۳۹۰: ۱۰۳).

در این دوران مهمترین اهداف و حرکت جنبش زنان، تلاش برای رسیدن به حقوق سیاسی بود و می‌گفتند برای رسیدن به پیشرفت و توسعه باید به زنان حق رأی داده شود تا آنان جزو کشورهای پیشرفته محسوب شوند، زیرا معتقد بودند:

در جهان متمدن، زنان، حقوق اجتماعی و سیاسی به دست آورده‌اند و در امور اجتماعی شرکت می‌کنند، اما در کشور ما زنان تحت شرایطی باور نکردنی به سر می‌برند. این بدبختی‌ها بدتر از بد هستند و به رویه قرون وسطی شباهت دارند. از روی راستی و حقیقت می‌توان گفت که طائفه‌ای بدبخت‌تر و محروم‌تر از زنان ایرانی نیست" (صادقی، ۱۳۸۴: ۷۰-۷۱).

جنبش زنان در روزنامه‌ها و مجلات به این امر (اعطای حق رأی به زنان) می‌پرداختند. مثلاً در یکی از این مجلات آورده شده بود: "اگر ما زنان حق شرکت در انتخابات را می‌داشتیم، یقین بدانید که هرگز یک نفر مستبده، یک نفر متنفد، یک نفر ملاک یا یک نفر اعیان، یک نفر بازرگان یا کسان این جور آدم‌ها را انتخاب نمی‌کردیم" (صادقی، ۱۳۸۴: ۱۱۳).

بدین منظور با مطرح شدن این خواسته توسط جنبش زنان در ایران، صدیقه دولت‌آبادی در فروردین سال ۱۳۰۵ در نهمین کنگره اتحادیه بین‌المللی برای حق رأی زنان به نمایندگی زنان ایران شرکت کرد (احمدی خراسانی و اردلان، ۱۳۸۲: ۴۳۳) و از همان زمان بود که در نشریات، فعالیت‌های سیاسی خود را دنبال کرد.

با این حال، رضاشاه در دوران حکومت خود، تمام احزابی را که در دوران مشروطه به طور مستقل به

فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و در جهت احقاق حقوق زنان قدم برمی‌داشتند، از بین برد و خود شخصاً رهبری این جنبش را به دست گرفت. به طوری که در سال ۱۳۰۹ شوکت روستا و جمیله صدیقی از فعالین «پیک سعادت نسوان» بازداشت و محکوم به ۴ سال تبعید شدند (قاضی زاده، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۶) و در سال ۱۳۱۰ فعالیت برخی سازمان‌های زنان ممنوع اعلام شد (فتوحی، ۱۳۸۳: ۱۲۹).

با وجود تمرکز قدرت رضاشاه، زنان اجازه بروز دیدگاه‌های خود را نداشتند. با وجود آن‌که چندین سازمان زنان در کشور وجود داشت، تنها سازمان‌هایی میدان فعالیت بیشتری را در اختیار داشتند که با اهداف فرهنگی طراحی شده حکومت پهلوی همساز و هماهنگ باشند که برای این دسته از زنان حتی زمینه ارتقاء علمی و تحصیلی نیز فراهم می‌شد. رضاشاه تشکیلاتی را در قالب «کانون بانوان» به ریاست شمس پهلوی تأسیس کرد و اساسنامه کانون بانوان را در جهت ترویج فرهنگی و اخلاقی و اهداف مدرنیزاسیون و رفع حجاب پایه‌ریزی کرد. کانون بانوان با گروهی از زنانی که موافق سیاست‌های رضاشاه بودند، به دور از مداخله در امور سیاسی و مذهبی شروع به کار کرد و با ایجاد مجالس سخنرانی، نمایش‌ها، کلوپ‌های ورزشی، کتابخانه و کلاس‌های اکابر به توسعه فعالیت‌های زنان پرداخت. در سال ۱۳۱۴، بزرگترین جمعیت زنان، کانون بانوان معرفی شد (فتوحی، ۱۳۸۳: ۱۳۱ - ۱۲۹).

هرچند که فضای فکری جامعه در ایران طوری بود که به زنان حق رأی داده نمی‌شد، اما زنان همچنان از پای ننشستند، زیرا در این زمان، جنبش زنان در غرب خواستار اعطای این حق به زنان کشورهای جهان سوم شدند به طوری که اتحادیه بین‌المللی زنان نیز با همین هدف برگزار شد. اتحادیه بین‌المللی زنان حقوق طلب در پیامی به نسوان شرق در سال ۱۹۳۲ این‌گونه گفت:

اتحاد بین‌المللی زنان فی‌الحقیقت با علاقه مخصوصی، بیداری زنان شرقی را مراقب بوده و به وسیله ارتباطاتی که از پیشتر توانسته است با جمعی از خانم‌های مذکور که در کنگره‌ها و کنفرانس‌ها حضور یافته‌اند به دست آورد، از بشارت‌ها و مواعیدی که این نهضت و حرکت برای آینده در بردارد آگاه شده و بی‌اندازه به آن علاقه‌مند است... اتحاد بین‌المللی ما زنان ۴۴ ملت را در خود جمع کرده است. این اتحاد نه فقط به زنانی که هنوز نتوانسته‌اند از حیث حقوق سیاسی کامل با مردان و با برادران خود در یک ردیف باشند کمک می‌کند، بلکه از جهات دیگر نیز می‌کوشد که اصول تساوی را کاملاً بین جنسین صورت حقیقت دهد. زیرا بدون این تساوی، اشتراک حقیقی بین زن و مرد هرگز وجود نخواهد داشت (سلامی و نجم آبادی، ۱۳۸۴: ۶۹ - ۶۸).

همچنین بدین منظور در سال ۱۹۳۵ کنگره بین‌المللی فمینیسم در استامبول برگزار شد. در این کنگره، ام مورت (M. Maurte) معاون دفتر بین‌المللی کار، از برابری کامل زنان و مردان در تمامی

زمینه‌ها دفاع کرد. نماینده فرانسه نیز درباره کوشش‌ها و اقدامات جنبش زنان فرانسه در مورد چگونگی کسب حق رأی برای زنان صحبت کرد و از زنان خواست برای رسیدن به این خواسته به مبارزات خود ادامه دهند تا مانند زنان غربی به این حق دست یابند. در پایان، این کنگره، چند انجمن تازه تأسیس در کشورهای مختلف را به رسمیت شناخت از جمله «اتحادیه فمینیست‌های عرب سوریه» و «جمعیت نسوان وطنخواه ایران» (سلامی و نجم‌آبادی، ۱۳۸۴: ۳۳۹).

بعد از شهریور ۱۳۲۰، زنان تشکیلات و انجمن‌های زیادی را به منظور احقاق حقوق زنان که مهمترین آن رسیدن به حق رأی بود تشکیل دادند. یکی از رادیکال‌ترین گروه‌های زنان «تشکیلات زنان ایران» شاخه‌ای از حزب توده ایران بود که در سال ۱۳۲۲ تشکیل شد. هدف این سازمان، آزادی کامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زنان بود. این گروه در مجلس، طرحی را مبتنی بر دادن حق رأی به زنان تقدیم مجلس کرد. در سال ۱۳۲۳ چند ماهی بعد از شکل‌گیری تشکیلات زنان ایران، برخی از اعضای سابق کانون بانوان، سازمان جدیدی را با نام «حزب توده» ایجاد کردند، اهداف آنان به اهداف تشکیلات زنان ایران شبیه بود که حق رأی نیز یکی از اهداف آنان بود (شولی زاده، ۱۹ خرداد ۱۳۸۷).

در سال ۱۳۲۴ حزب تازه تأسیس دمکرات آذربایجان بخشی را با نام «تشکیلات زنان آذربایجان» تأسیس و کنفرانسی را در تبریز با شرکت ۳۰۰ زن در سال ۱۳۲۵ برگزار نمود. هدف این کنفرانس، دفاع از حقوق زن در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی بود (پایدار، ۱۳۷۸، ج ۴: ۷۴).

با پیدایش احزاب و دسته‌های سیاسی، نظریات مختلف درباره حقوق زنان به وجود آمد. عده‌ای زنان را شایسته حقوق سیاسی نمی‌دانستند و آن را برای زنان ایرانی زود می‌دانستند و معتقد بودند که باید آن‌ها را برای به دست آوردن حقوق سیاسی و اجتماعی آماده نمود. دسته دیگر، زنان و مردان را در تمام شرایط اجتماعی برابر می‌دانستند. اما زنان از پای ننشستند و عده‌ای از بانوان کشور دور هم گرد آمده و برای مبارزه با هرگونه اقدامی برای جلوگیری از آزادی و ترقی زنان «حزب زنان ایران» را با مرام‌نامه‌ای به شرح زیر تشکیل دادند:

#### ۱- حفظ حیثیت و حقوق اجتماعی زن

۲- تعلیم آموزش و پرورش و روشن نمودن افکار زنان برای آشنا ساختن آنان به وظایف و حقوق خودشان (خدایار محبی، ۱۳۲۵: ۱۰۱ - ۱۰۰).

این حزب، توسط صفیه فیروز بنیاد گذارده شد و فاطمه سیاح به عنوان «دبیر کل» به فعالیت پرداخت. مهم‌ترین هدف این حزب، کسب حق رأی برای زنان بود (حافظیان، زمستان ۱۳۸۷: ۳۹). در سال ۱۳۲۵ حزب زنان ایران به شورایی تبدیل شد که در آن امکان ائتلاف و همراهی سایر گروه‌های زنان با دیدگاه‌های مختلف فراهم‌تر بود. بر این اساس، «شورای ملی زنان» متشکل از بسیاری

از سازمان‌های مستقل زنان تأسیس شد و هدف آن ایجاد برابری میان مردان و زنان، لغو وضع تعدد زوجات، مراقبت از سلامتی مادران، ارتقای استانداردهای آموزشی در میان زنان و آموزش کودک داری بود، اما مهمترین اهداف آنان به حق رأی معطوف گشت (نیکخواه قمصری، ۱۳۸۴: ۱۵۷).

در دهه ۱۳۲۰، فعالیت زنان برای رسیدن به حق رأی افزایش می‌یابد. فعالان حقوق زنان معتقد بودند "در دنیایی که مردم آن با سرعت، رو به ترقی و تکامل دارند آیا هنوز وقت آن نرسیده که برای زنان ایرانی هم حقی قائل شد؟ کشور ما که روز به روز به انهدام و نیستی می‌رود به عقیده ما یکی از علل اضمحلال حق کثی و تعدی و فلج نمودن نصف جمعیت ایران (زنان) است" (میرهادی، ۲۲ شهریور ۱۳۴۲: ۵). در این راستا، زنان در ۱۴ دی ماه ۱۳۲۶ به نمایندگان مجلس می‌گویند:

آقایان نمایندگان محترم رنج‌دیده و محنت کشیده ایرانیان، بنام مقدس مام وطن، از شما خواستارند که پیشنهاد دوره چهارم را عملی نموده حق انتخاب شدن و انتخاب نمودن را به ما بدهند... دیر یا زود این حق گرفتنی است و گرفته خواهد شد چه بهتر که این افتخار تاریخی نصیب دوره ۱۵ مجلس شورای ملی گردد. هر کس برای دفاع از حقوق خود در مجلس نمایندگانی دارد غیر از زنان. چه کسی غیر از خود ما از حقوق ما آگاه خواهد بود مگر ما بشر نیستیم... هر فرد از افراد بشر که در محیط اجتماعی یعنی در جامعه بشری به وجود می‌آید، دارای حقوق فردی است. حقوق فردی حقی است مسلم که تمام افراد از زن و مرد باید از آن برخوردار شوند. آیا ما در ردیف افراد جامعه کشور محسوب نمی‌شویم؟ تاکنون نسبت به حقوق زنان ایران تعدی شده...مقصر ما نیستیم که برای اثبات دعوی خود محتاج به ادله و برهان باشیم برای احقاق حقوق خویش کافی است که از مجلس شورای ملی تقاضا نماییم پیشنهاد ما را با نظر دقت، عملی نمایند (میرهادی، ۲۲ شهریور ۱۳۴۲: ۵).

سازمان‌هایی از جمله «جمعیت راه‌نو» به رهبری مهرانگیز دولت‌شاهی، «جمعیت زنان حمایت‌کننده از بیانیه حقوق بشر» که قبلاً به عنوان جمعیت زنان تأسیس شد و «انجمن حقوقدانان زن» به رهبری مهرانگیز منوچهریان برای حقوق زنان مخصوصاً برای کسب حق رأی که مهمترین هدف زنان در اواخر دهه ۱۳۲۰ به بعد بود، مبارزه می‌کردند (پایدار، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۱۰). جمعیت راه‌نو که با هدف اعطای حق رأی به زنان تأسیس شد تعداد اندکی عضو مرد داشت، زیرا معتقد بود مردان می‌توانند با استفاده از روش‌های مختلف به واگذاری حق رأی به زنان کمک نمایند (نیکخواه قمصری، ۱۳۸۴: ۱۵۸).

در دوران حکومت پهلوی، تعدادی از انجمن‌ها و سازمان‌ها به فعالیت‌هایشان ادامه دادند. همچنین حکومت پهلوی، انجمن‌های مختلفی را تحت نظارت خود و با هدف مدرن کردن زنان ایجاد کرد. این سازمان‌ها و انجمن‌ها نیز همچنان توسط فعالان حقوق زنان که بیشتر از طبقه متوسط و رو به

بالای تهران و شهرهای بزرگ بودند و اغلب در زمان خود تحصیل کرده محسوب می‌شدند، اداره می‌شد (رستمی‌پویا، ۱۳۷۹: ۵۷).

در دهه ۱۳۲۰ در ایران حدود ۱۴ سازمان با هدف خیریه‌ای، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی وجود داشت. انجمن‌های خیریه‌ای مانند «مؤسسه خیریه ثریا»، «انجمن مددکاری اجتماعی»، «شورای زنان شاغل»، گروه‌های اجتماعی شامل «جمعیت ورزشی زنان»، «باشگاه جوانان ثریا» و «انجمن راه نو»، گروه‌های صنفی مانند «انجمن زنان پزشک و پرستاران» و انجمن‌های سیاسی شامل «سازمان زنان» با هدف دفاع از اعلامیه حقوق بشر و اتحاد میان زنان فعالیت داشتند (Binder, 1962: 197).

در جریان وقایع سال‌های ۱۳۳۰ در زمان حکومت محمد مصدق، آگاهی‌های سیاسی زنان افزایش ناگهانی یافت و سازمان‌های مستقل زنان در ایران، فعالیت‌های خود را تشدید کردند؛ چنان‌که در این زمان، شاهد افزایش احزاب زنان در ایران هستیم. این احزاب تأثیرات مثبتی را در ذهنیت جامعه و پذیرش مناصب عمومی بر جای گذاشت (حافظیان، زمستان ۱۳۸۷: ۳۸).

جدول شماره ۱۷- مشخصات انجمن‌های زنان در دوران پهلوی

نام انجمن	سال تأسیس	نام مؤسس	هدف
جمعیت بیداری زنان	۱۳۰۵	عده ای از زنان	تشکیل کلاس‌های اکابر و اجرای نمایش
مجمع انقلاب نسوان	۱۳۰۵	زندخت شیرازی	-----
کانون بانوان	۱۳۱۴	ریاست شمس پهلوی و به سرپرستی هاجر تربیت	مبارزه با حجاب زنان
جمعیت خیریه کل ارامنه	۱۳۱۴	آستیفیک شیشمانیان	کمک به کودکان بی‌بضاعت ارمنی
حزب زنان ایران	۱۳۲۱	فاطمه سیاح و صفیه فیروز	احقاق حقوق زنان و بالا بردن سطح فرهنگی و فکری بانوان
انجمن بانوان افسران	۱۳۲۰	صفیه فیروز	جلوگیری از شیوع بیماری‌های واگیردار در سال‌های جنگ جهانی دوم
جمعیت زنان ایران	۱۳۲۱	بدرالملوک بامداد	احقاق حقوق زنان
تشکیلات زنان حزب توده	۱۳۲۲	گروهی از زنان	مبارزه علیه فاشیسم، به دست آوردن حقوق مساوی با مردان در قبال کار مساوی

تشکیلات زنان آذربایجان	۱۳۲۴	زنان طرفدار حزب دموکرات کردستان	حقوق مساوی با مردان در تمام شئون جامعه به خصوص در عرصه اقتصادی و دفاع از خاک میهن
جمعیت ماماهاای ایران	۱۳۲۳	رباب کیا و مژگان دقیق	حقوق صنفی ماماهاای ایران
انجمن معاونت عمومی زنان شهر تهران	۱۳۲۵	فاطمه سیاح	تعمیم بهداشت و رفاه حال عمومی طبقات مخصوصا زنان
کمیته هنر ایران	-----	گروهی از زنان داوطلب	ترویج هنر و صنعت بین زنان و جوانان
باشگاه بین المللی زنان ایران	۱۳۳۰	سفیر وقت امریکا در ایران (گریدی) و عده ای از زنان	تبیین دوستی و همدردی و درک متقابل بین زنان همه ملت ها
جمعیت خیریه ثریا پهلوی	۱۳۳۲	ثریا پهلوی (با تغییر همسر شاه، موسسه خیریه فرح پهلوی نامیده شد)	مساعدت به مستمندان و زنان
انجمن ذوالفقار	۱۳۳۲	ملکه اعتضادی	ترویج فرهنگ غربی
انجمن بانوان فرهنگی	۱۳۳۳	فرخ رو پارسای و دیگران	آشنایی و تبادل افکار با همکاران خود و تشکیل یک واحد فرهنگی از بانوان
انجمن پرستاران ایران	۱۳۳۳	عاطفه امیر ابراهیمی (بیژن)	بالا بردن سطوح معلومات و قابلیت حرف ای پرستاران
کانون بانوان پزشک	۱۳۳۳	مریم فهیمی	توسعه امور بهداشتی زنان
جمعیت راه نو	۱۳۳۴	مهرانگیز دولتشاهی	بهبود وضع زندگی زنان
کلپ شهناز پهلوی	۱۳۳۴	شهناز پهلوی	ایجاد تسهیلات ورزشی
سازمان زنان طرفدار اعلامیه حقوق بشر	۱۳۳۵	مهرانگیز دولتداد و بدرالملوک بامداد	کوشش برای اجرای اعلامیه حقوق بشر
شورای همکاری جمعیت های بانوان ایران	۱۳۳۵	فرخ رو پارسای و صفیه فیروز	همکاری میان جمعیت‌های مختلف
۱۷ دی	۱۳۳۶	قمر تاج ناصر	مبارزه با بی سوادی
انجمن بانوان افسران	۱۳۳۶	همسران افسران	-----

	نیروی هوایی		نیروی هوایی (ابانه)
-----	دکتر بنایی	۱۳۳۷	سازمان پیش آهنگی دختران ایران
آشنایی زنان به حقوق خود	اعظم سپهر خادم	۱۳۳۸	جمعیت بیداری زنان
بهبود زنان و کودکان کارگر	-----	۱۳۳۸	سازمان رفاه زنان کارگر
-----	اشرف پهلوی	۱۳۳۷	شورای عالی زنان
احقاق حقوق زنان و ایجاد همبستگی میان طبقات مختلف زنان	مجله اطلاعات بانوان	۱۳۴۰	انجمن بانوان و دوشیزگان
از اولین شورای محلی زنان بود که به پیشرفت کارهای محله‌ای همت گماشتند	خانم نفیسی	۱۳۴۰	جمعیت بانوان کوی یوسف آباد
نقد قوانین موجود در مورد زنان و انطباق آن با قوانین حقوق بشر	مهرانگیز منوچهریان	۱۳۴۰	اتحادیه زنان حقوقدانان ایران
بالابردن سطح معلومات عموم و اجتماعی زنان منطقه نارمک	طباطبایی	۱۳۴۱	انجمن زنان و دختران نارمک
تأمین رفاه زنان منطقه تهران پارس	خانم یاسری	----- ---	جمعیت بانوان تهران پارس
تأمین وسایل تعلیم و تربیت دختران	جهانبانی	۱۳۴۲	گروه فرهنگ ملی
حفظ منافع صنفی زنان کارمند	-----	۱۳۴۲	جمعیت زنان کارمند
ارتقاء سطح معلومات زنان	دکتر کچکینه	۱۳۴۲	جمعیت زنان صاحب شغل و حرفه
-----	فرخ رو پارسای	۱۳۴۲	جمعیت زنان دانشگاه ایران

منبع: احمدی خراسانی و اردلان، ۱۳۸۲: ۴۶۶ - ۴۳۰

هر چند سیاست مصالحه‌جویانه شاه و حمایت زنان از احزاب و گروه‌های خاص باعث تجدید حیات جامعه مدنی و تکثر احزاب سیاسی و گروه‌های زنان شد، اما بعد از کودتای ۱۳۳۲، محمدرضا شاه مانند پدرش سیاست اقتدارگرایانه خویش را آغاز کرد. از نظر پادشاهان پهلوی، پیش‌شرط اصلاحات در مورد حقوق سیاسی زنان، حفظ نظارت بر جنبش زنان بود. بر اساس این سیاست بود که «اتحادیه سازمان‌های زنان ایران» در سال ۱۳۴۰ منحل و به جای آن «شورای عالی جمعیت زنان ایران» به ریاست اشرف، خواهر دوقلوی شاه، تأسیس شد (پایدار، پاییز ۱۳۷۹). در دهه ۱۳۳۰ اغلب سازمان‌ها در «سازمان جمعیت ۱۷ دی» روز اعلام قانون کشف حجاب زنان ایرانی، ادغام شدند (Binder, 1962: 198).

علاوه بر تأسیس این انجمن‌ها که برخی دولتی و برخی دیگر آن‌ها غیردولتی بودند، زنان توانستند در عرصه‌های سیاسی به طرق مختلف به فعالیت بردارند. در دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ همزمان با وجود آزادی‌های نسبی در جامعه، فعالیت‌های سیاسی زنان نیز اوج می‌گیرد و احزاب بلافاصله حقوق زنان را مطرح کردند. در این زمان، زنان علاوه بر انجام فعالیت‌های مستقل، با احزاب سیاسی، پیوندهای نزدیکی یافتند و کوشیدند تا از طریق آن‌ها به پیگیری اهداف خود بپردازند. همچنین بسیاری از این احزاب، برای این که حمایت زنان را به دست بیاورند، از حقوق زنان صحبت می‌کردند و به ایجاد تشکلات مستقل زنان پرداختند. مهم‌ترین هدفی که این سازمان‌ها و احزاب برای آن مبارزه می‌کردند، دستیابی به حق رأی زنان و نیز انجام اصلاحات قانونی در ساختار حقوق کشور به سوی برابری جنسیتی بود. به عبارتی فعالیت‌هایشان تلاشی در راستای ترفیع مسائل فمینیستی بود (حافظیان، زمستان ۱۳۸۷: ۳۹ - ۳۸).

در سال ۱۳۲۲، جمعیتی به نام «شورای زنان ایران» طوماری به پشتیبانی از حق رأی زنان تهیه و به نخست‌وزیر وقت، دکتر مصدق ارائه کرد؛ اما به سبب مخالفت شدید رهبران روحانی، زنان نتوانستند به این حق دست یابند. بعدها در سال ۱۳۴۱ محمدرضا پهلوی، حق رأی برای زنان را به عنوان یکی از ۶ اصل «انقلاب سفید» خود به فرزندوم گذاشت (افخمی، بی‌تا: ۳۸۹). شاه در کتاب انقلاب سفید خود اعطای حق رأی به زنان را از آگاهی‌های سیاسی زنان می‌داند و می‌گوید: «زنان کشور ما روز به روز در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی مملکت و در تجدید بنای اجتماع ایران سهم حساس‌تر و مؤثرتری چه از لحاظ کمیّت و چه از لحاظ کیفیت بر عهده می‌گیرند» (پهلوی، ۱۳۴۷: ۲۱۴).

محمدرضا شاه پس از ترسیم این انقلاب، تصویب مواد شش‌گانه آن را که حق رأی یکی از آنها بود، به آرای عمومی گذاشت و ششم بهمن ۱۳۴۱ را «روز فرزندوم» اعلام کرد. جنبش زنان بر این اساس تشکیل جلسه داد و تصمیم گرفت از این اقدام شاه مبنی بر اعطای حق رأی به زنان استقبال کنند. این موضوع به تظاهرات توده‌های زنان کشور در تمام نقاط حتی به روستاهای دور افتاده کشیده شد، به طوری که در همه‌جا صندوق‌های جداگانه‌ای برای زنان گذاشته شد و زنان توانستند برای اولین بار در مورد اعطای حق رأی در فرزندوم شرکت کنند. این جنبش در سرعت اجرای طرح اعطای حقوق سیاسی زنان مؤثر واقع شد (بامداد، ۱۳۴۷: ۱۲).

با این حال علما این فرمان (اعطای حق رأی به زنان) را حرکتی در مقابل اسلام اعلام کردند و با آن به شدت مخالفت کردند، طوری که دولت مجبور شد تا تصویب آن را به تعویق بیندازد. در این زمان که فعالان جنبش زنان برای به دست آوردن حق رأی تلاش می‌کردند اعلام داشتند:



به مناسبت محروم ماندن زنان از حقوق حقهٔ خویش مخصوصاً خودداری دولت از انتخابات که به زنان حق رأی داده شود، جمعیت‌های زنان ایران به عموم زنان و مردان کشور اعلام می‌دارد که در سال جاری به رسم اعتراض، جنبش فرخندهٔ ۱۷ دی ماه (روز کشف حجاب) را برگزار خواهند کرد و انجمن‌های مختلف زنان به نشانه اعتراض، از رفتن به سر مقبره رضاشاه خودداری کردند (بامداد، ۱۳۴۷: ۱۰۸ - ۱۰۶).

جنبش جانبداری زنان در غرب نیز از این حرکت زنان ایرانی (تلاش در جهت مشارکت سیاسی) پشتیبانی کرد. جان اف. کندی، رئیس جمهور وقت آمریکا اعلام کرده بود که ایالات متحده فقط به کشورهایی کمک می‌کند که خودشان هم بخواهند و این آمادگی را نشان دهند (ساناساریان، ۱۳۸۴: ۱۲۷). شاه که از همان ابتدا رکن اصلی استحکام قدرت خود را در اتکاء به خارجی‌ان می‌دانست، همواره برای برداشتن هر گام اساسی در کشور سعی می‌کرد که موافقت آنان را به دست آورد. برای این منظور محمدرضا شاه مجبور شد به خواسته‌های زنان توجه کند و برنامه‌ای تحت عنوان «انقلاب سفید» را پی‌ریزی کند که یکی از شعارهای مطرح شدهٔ آن اعطای حق رأی به زنان بود (ازغندی، ۱۳۸۳: ۱۶۳).

این عوامل (فشار داخلی و بین‌المللی برای احقاق حقوق زنان) باعث شد تا محمدرضا شاه در ۸ اسفند ۱۳۴۱ در کنفرانس اقتصادی تهران طی سخنانی، این اصل (مشارکت سیاسی زنان) را مطابق قانون اساسی و تکمیل کنندهٔ آن بداند و آن را به تصویب برساند. محمدرضا شاه اعلام داشت که هدف وی از این اصل، تأمین حق نیمی از جمعیت ایران و عمل به قانون اساسی بوده است (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۰: ۲۴۵). همچنین وی به تمدن گذشته اشاره می‌کند و می‌گوید: "از این پس خود آن‌ها (زنان) هستند که باید خویش را شایسته این آزادی و شایسته سنن دیرینه تمدن اصیل و انسانی ایران نشان دهند" (پهلوی، ۱۳۴۵: ۱۱۹).

بنابراین، زنان بعد از سال‌ها تلاش و کوشش توانستند به این خواسته خود برسند و خود را هم‌ردیف کشورهای توسعه‌یافته تلقی کنند. آنان معتقد بودند: "یک روز تاریخی دیگر در حیات زنان ایران در ۸ اسفند ۱۳۴۱ می‌باشد که این روز را «روز حقوق زن» نامیدند. روز هشتم اسفند صفحه جدیدی در حیات بانوان ایران بود و سبب گردید ما را در ردیف کشورهای توسعه‌یافته محسوب ندارند" (میرهادی، ۳ خرداد ۱۳۴۲: ۱۶).

### مناصب سیاسی زنان (دوران پهلوی)

در سال ۱۳۴۱ با تلاش احزاب و تشکلات مستقل زنان، مهمترین حرکت فمینیستی در ایران که از ناحیه آمریکا و جنبش حقوق زنان در غرب حمایت می‌شد، تصویب طرح لایحه انجمن‌های ایالتی و

ولایتی بود که حق زنان را مانند مردان در رأی دادن و رأی‌گیری به رسمیت می‌شناخت. از آن زمان به بعد بود که زنان توانستند مانند مردان به سیمت‌ها و پست‌های مهمی دست یابند. اعطای حق رأی باعث شد تا برای اولین بار در تاریخ معاصر ایران، زنان در انتخابات بیست‌ویکم مجلس شورای ملی در رأی دادن و کاندیدا شدن به حقوق خود برسند و به عنوان نمایندگان مجلس به ایفای نقش سیاسی بپردازند. از این زمان است که زنان توانستند فعالیت سیاسی خود را گسترش دهند. جدول زیر تعداد نمایندگان را در عرصه مشارکت سیاسی نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱۸- تعداد نمایندگان زن در مجلس شورای ملی بر اساس حروف الفبا

نام نماینده	دوره نمایندگی	حوزه نمایندگی
دکتر مهر آفاق آصف زاده	۲۳	آبادان
اما آقایان (اردوخوانیان)	۲۴	تهران
پری اباضلی	۲۴	تهران
نیره ابتهج سمیعی	۲۱ - ۲۲ - ۲۳ - ۲۴	رشت
طلعت اسدی (خزیمه)	۲۳ - ۲۴	درگز
مهین افشار جعفری (سهامی)	۲۴	مشهد
ایران دخت اقبال	۲۳	گناباد
عاطفه امیر ابراهیمی	۲۳	باقت
فرخ لقا بابان	۲۴	سنندج
ملک تاج برومند	۲۴	اصفهان
صدرالملوک بزرگ نیا	۲۲ - ۲۳	خواف
دکتر فرخ رو پارسای	۲۱	تهران
فاطمه پیرنیا (پیرزاده)	۲۳	اصفهان
هاجر تربیت	۲۱ - ۲۲	تبریز
شوکت ملک جهانبانی	۲۱ - ۲۲ - ۲۳	تهران
قدس منیر جهانبانی	۲۴	تهران
ویدا داودی (گروسیان)	۲۴	تهران
دکتر مهرانگیز دولتشاهی	۲۱ - ۲۲ - ۲۳	کرمانشاه
هما زاهدی	۲۲ - ۲۳ - ۲۴	همدان
دکتر پرویش سرخوش	۲۳	تهران
نیره سعیدی	۲۲ - ۲۳	تهران
پرویندخت سلیلی	۲۴	تهران

دورود	۲۳	مهوش صفی نیا (مستوفی)
شمیرانات	۲۴ - ۲۳	دکتر مهیندخت صنیع
بابل	۲۴ - ۲۳	ژاله ضرابی
کاشان	۲۳	ملکه طالقانی
تهران	۲۴	قدس ایران عدیلی
تهران	۲۴	درخشنده کمالی آزاد
گرگان	۲۳	دکتر مهیندخت گرگانی
فسا	۲۳	مهیندخت مزارعی
اراک	۲۴	عصمت مشائی
نائین	۲۴	متعالیه نائینی طبا
تهران	۲۴	فاطمه نجیمی نائینی
بافت	۲۱	نزهت نفیسی
اردبیل	۲۴	لطیفه وحیدی
سراب	۲۴	فریده هاشمی

منبع: طلوعی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۱۵۲ - ۱۰۷۹

بر اساس جدول، تعداد نمایندگان زن در مجلس بیست و یکم تا بیست و چهارم به ترتیب ۶، ۷، ۱۸ و ۲۰ نفر بوده است. آن طور که مشاهده می‌شود، تعداد نمایندگان زن از ۶ نفر به ۲۰ نفر در مجلس بیست و چهارم افزایش یافته است. بنابراین از دوره بیست و یکم قانون‌گذاری به بعد شاهد فعالیت زنان در عرصه مختلف سیاسی خصوصاً عضویت در مجلس هستیم. از این به بعد است که گروه‌های اقلیت بانوان را در برابر اکثریت گروه نمایندگان مرد ملاحظه می‌کنیم. به طوری که با اعطای حق رأی به زنان، در سال ۱۳۵۲، تعداد زنان نماینده در مجلس ایران بیش از زنان نماینده کنگره امریکا بود (هلمز، ۱۳۷۰: ۲۴۳).

همچنین در ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۴۳، بند اول ماده دهم و بند دوم ماده سیزدهم قانون انتخابات مجلس شورای ملی مصوب ۱۳۰۴ که مربوط به شرایط انتخاب‌شوندگان و انتخاب‌کنندگان بود، کلمه ذکور از ماده ششم و ماده نهم قانون انتخابات مجلس سنا مصوب چهاردهم اردیبهشت ۱۳۲۸ حذف شد و این قانون در روز پنج‌شنبه، دهم اردیبهشت ماه ۱۳۴۳ به تصویب مجلس شورای ملی رسید. (مجموعه قوانین روزنامه رسمی، ۱۳۴۳: ۳۱) و زنان توانستند برای اولین بار همچون مردان وارد مجلس سنا شوند و از آن پس تا آخر دوران سلطنت پهلوی در مجلس سنا حضور یابند.

جدول شماره ۱۹- اسامی نمایندگان زن در مجلس سنا

اسامی نمایندگان	دوره نمایندگی	حوزه نمایندگی
هاجر تربیت	۶	تهران
شوکت ملک جهانبانی	۷	تهران
دکتر شمس الملوک مصاحب	۴ - ۵ - ۶ - ۷	تهران
دکتر مهرانگیز منوچهریان	۴ - ۵ - ۶	تهران
زهرا نبیل	۶	تهران

منبع: طلوعی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۰۷۶ - ۱۰۷۰

در زمان سلطنت رضا شاه هیچ زنی را نمی‌بینیم که دارای مدیریت و منصب سیاسی باشد. اما در دوران محمدرضا شاه مهمترین مبارزات زنان رسیدن به حقوق سیاسی بود که زنان توانستند با تظاهرات و حمایت جنبش جانبداری از حقوق زنان در غرب به حقوق سیاسی خود دست یابند و برای اولین بار افرادی در سمت مدیریت جامعه منصوب می‌شوند که هرچند نمی‌توان آن را به معنای واقعی کلمه سیاسی نامید، اما سرآغازی برای حضور زنان در صحنه سیاسی محسوب می‌شد. به عنوان مثال در دهه ۱۳۴۰ برای اولین بار، ۵ زن عهده دار مقام قضاوت شدند ( کرباسچی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۲۷۹). در فروردین ۱۳۴۳ خانم مهین زندی به عنوان اولین بخشدار زن در حومه کرج منصوب شد و در همین سال خانم عفت‌الملوک نحوی به سمت مدیر کل اداری و تشکیلات وزارت آب و برق گماشته شد (رستمی (پویا)، ۱۳۷۹: ۷۱).

جدول شماره ۲۰- تعداد مدیران زن در سال ۱۳۵۳

اسامی وزارتخانه	وزیر		معاون وزیر		مشاور وزیر		مدیر کل		معاون مدیر کل		کارشناس	
	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد
اقتصاد و دارایی	۱	۷	۱۱	۳۰	۶۵	۳۷	۱	۷	۱۱	۳۰	۶۵	۳۷
اطلاعات	۱	۶	۱۵	۳۰	۴۵	۱۰۳	۱	۶	۱۵	۳۰	۴۵	۱۰۳
آموزش و پرورش	۱	۷	۹	۲۹	۶۲	۸	۷	۲۹	۶۲	۸	۶۲	۸
امور خارجه	۱	۴	۵	۸	۴۴	۱	۴	۸	۴۴	۱	۴۴	۱
بهداری	۱	۵	۲	۳۴	۶۸	۳	۲	۳۴	۶۸	۳	۶۸	۳
بازرگانی	۱	۵	۸	۱۱	۱۳	۱۲	۱	۱۱	۱۳	۱	۱۳	۱۲
پست و تلفن	۱	۳	۳	۲۷	۳۵	۱	۳	۲۷	۳۵	۱	۳۵	۱

												وتلگراف
--		--	۱۸	۳	۱۲	۱	۱۰	--	۸	--	۱	تعاون و امورروستاها
۱۰	۶	--	۱۲	--	۱۲	--	--	--	۵	--	۱	دادگستری
۵۰	۵۵	۲	۴۱	--	۳۵	--	۱۳	--	۷	--	۱	راه و ترابری
۵۰	۲۷۰	۱	۳	--	۹	--	۱	--	۴	--	۱	رفاه
۵۳	۲۱۹	۲	۴۱	--	۳۴	--	۳	--	۴	--	۱	صنایع و معادن
۴۸	۴۵	۸	۲۳	۱	۲۰	۱	۷	--	۶	--	۱	علوم و آموزش عالی
۵۱	۲۰۳	۱	۳۱	۲	۲۴	--	۱۰	--	۶	--	۱	فرهنگ و هنر
۵۰۲	۱۲۷	۷	۳۱	--	۴۰	--	۱۰	--	۵	--	۱	کار

منبع: پژوهشگران کیهان، ۱۳۵۴: ۸

برطبق جدول در سال ۱۳۵۳ هیچ زنی در مقام وزارت نیست. مردان همه ۱۵ وزارتخانه کابینه را در دست دارند. تنها ۴ زن به سمت مشاور وزیر، ۱۷ زن به عنوان مدیر کل و ۳۳ زن به سمت معاون مدیر کل و ۴۰۷ زن به عنوان کارشناس در وزارتخانه‌ها مشغول به کار بودند. آنچه برای نخستین بار در تاریخ سیاسی ایران اتفاق افتاد، انتخاب دکتر فرخ‌روی دین‌پارسای در سال ۱۳۴۳ به عنوان نخستین معاون وزیر زن بود (کرباسچی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۳۶۷ - ۲۲۴). وی توانست بعد از مدتی در سال ۱۳۴۶، به عنوان اولین وزیر زن در ایران انتخاب شود و تا سال ۱۳۵۴ این سمت را حفظ کند. همچنین مهناز افخمی از سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۵۷ در دولت وقت، به عنوان سمت مشاور زنان، عهده‌دار منصب سیاسی (بهنود، ۱۳۶۶: ۷۱۵ - ۵۳۹) و مهرانگیز دولت‌شاهی، بعد از سه دوره نمایندگی مجلس به سمت اولین سفیر زن در دانمارک منصوب شد (طلوعی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۶۱).

#### وضعیت فرهنگ سیاسی زنان در ایران (دوران بعد از انقلاب اسلامی)

در این دوران نیز مانند دوران قبل، زنان در جهت رسیدن به حقوق برابر با مردان به تلاش خود

ادامه می‌دهند و خواهان رفع قوانین و شرایط و دیدگاه‌های سنتی نسبت به خود هستند. در این دوره، طرفداران اندیشه فمینیسم جهانی به دودسته تقسیم می‌شوند که یک دسته تحت تأثیر اندیشه جهانی هستند و دسته دیگر از التقاط اندیشه جهانی و اندیشه برابری زنان اسلامی ظهور کردند که به فمینیست‌های اسلامی معروفند. در دهه اول این دوره، یک نوع رکود در جنبش زنان وجود داشت و زنان بر اساس دیدگاه اسلامی صرف، هیچ‌گونه مشکل خاصی را برای زنان نمی‌دیدند و وضعیت زنان را عادلانه توصیف می‌کردند. ولی از دهه ۱۳۷۰ با ظهور فمینیست‌های اسلامی و موج سوم فمینیسم، پویایی قابل توجهی در جنبش زنان هم از طرف سازمان‌های دولتی و هم سازمان‌های غیر دولتی به وجود آمد؛ به طوری که خواسته‌ها و مبارزات زنان نشان می‌دهد، زنان توانستند بر اساس شاخص‌هایی که جنبش‌های زنان در غرب مطرح کردند، از وضعیت نابرابر خود آگاه شوند و نسبت به آن واکنش نشان دهند و در جهت رفع این نابرابری‌ها تلاش نمایند. بنابراین با وجود این که مشارکت زنان قبل از دهه ۱۳۷۰ بر مبنای اسلام‌گرایی صرف بود، بعد از آن، دیدگاه‌ها، خواسته‌ها و مبارزات زنان گسترده‌تر می‌شود و فمینیست‌های ایرانی با نگاهی معقول‌تر، خواسته‌های خود را در پیش گرفتند، به طوری که طرح جنبش‌های زن‌مدارانه و رواج اندیشه‌های فمینیستی در دهه ۱۳۷۰ به بعد را توجیه‌پذیر ساخت. بنابراین خواسته‌ها و مبارزات جنبش‌های زنان از حقوق زنان ایران در دوران بعد از انقلاب، همزمان با موج سوم فمینیسم جهانی، بسط و گسترش فراوانی یافته است (پهلوانی، ۱۳۹۰: ۱۳۵).

زنان در جریان مبارزات انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ نقش بسیار خطیری در امور سیاسی ایفا نموده‌اند. ظهور زنان در صحنه سیاسی در هیچ دوره‌ای از تاریخ به عظمت حرکت سال ۱۳۵۷ نبوده است (براهنی، ۱۳۶۳: ۱۳۰). با شروع جنگ و بعد از آن در دوران سازندگی، به دلیل شرایط جامعه زنان در جهت خدمات و بهبود جامعه قدم برداشتند، اما در این زمان، زنان به فکر مدیریت در جامعه و به دست آوردن مقام تلاش نمی‌کردند و تنها هدف آنان، خدمت‌رسانی به جامعه بوده است. با این گونه فعالیت‌ها چه در طول انقلاب و چه در دوران بعد از انقلاب، قطعاً اولین عرصه‌ای که زنان خود را برای ورود به آن آماده کرده بودند، ورود به عرصه سیاست بود. اما با تمام تأکیدات قانونی بر حضور زنان در جامعه، همچنان بر نقش سنتی زنان در جامعه و ایجاد محیطی امن در خانواده تأکید شد.

امروزه بحث و بررسی پیرامون مشارکت سیاسی زنان، بخشی از مطالعات و سیاستگذاری‌ها را در مقیاس ملی و بین‌المللی به خود اختصاص داده است. از نتایج مطالعات زنان چنین برمی‌آید که وضعیت زنان در کنار عوامل ساختاری به مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها از پایین تا بالاترین سطوح ارتباط دارد و صرف اعطای حقوق مساوی در قوانین اساسی کشورها در این زمینه کافی

نیست (رحمانی، مهر ۱۳۸۱: ۲۱).

یکی از اولین عرصه‌هایی که زنان در طول انقلاب و بعد از انقلاب اسلامی در آن به مشارکت پرداختند، تشکل‌های سیاسی زنان بود که این انجمن‌ها به دو دسته انجمن‌های دولتی و انجمن‌های غیردولتی تقسیم می‌شد.

اولین نهاد سیاستگذاری در بخش دولتی، شورای فرهنگی اجتماعی زنان است که در سال ۱۳۶۶ زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل شد و با تشکیل این شورا، توجه به رسیدگی به مسائل و نیازها و حقوق و مشکلات زنان معطوف به رویکردی نهادمند شد. بسیج خواهران در سال ۱۳۵۹، کمیسیون امور بانوان در سال ۱۳۶۹ و دفتر امور زنان ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۰، تشکیل شد (مشارکت زنان و دولت هفتم، ۱۳۷۹: ۲۱ - ۱۶).

اولین بار با تشکیل سازمان ملل متحد و تأکید خاص این سازمان بر نقش و جایگاه نهادهای مردمی، کاهش اختیارات دولت‌ها، ایجاد جامعه مدنی و لزوم وجود سازمان‌های پیگیر اهداف سازمان ملل، صحنه جدیدی از مشارکت نیروهای مردمی زن و مرد در قالب سازمانی و تشکیلاتی رقم خورد. بنابراین شروع این صفحه جدید رقم‌خورده از سوی سازمان ملل، حرکت‌های داوطلبانه، شکل سازمانی و تخصصی‌تری به خود گرفت. این سازمان‌ها به بازیگران جدیدی در عرصه داخلی و بین‌المللی تبدیل شدند؛ به طوری که ماده ۷۱ منشور ملل متحد، جایگاه خاصی را برای مشورت با این سازمان‌ها در نظر گرفته و بیان می‌دارد: "شورای اجتماعی اقتصادی می‌تواند ترتیبات مناسبی را برای مشورت با سازمان‌های غیر دولتی فراهم نماید" (صفاوردی، فروردین ۱۳۸۴: ۴۶).

یکی از مهمترین مکانیزم‌هایی که سازمان ملل مدنظر می‌گیرد، کارکرد سازمان‌های غیردولتی است. انجمن‌های دیگری که زنان وارد آن شدند، انجمن‌های غیردولتی یا همان سازمان‌های مردم نهاد بوده است. سازمان‌های غیردولتی در ابتدا تاکنون به صورت داوطلبانه برای جلوگیری از ظلم و بیداد و دفاع از حقوق کودکان و زنان به وجود آمد و بدون نیاز به دولت در جهت اهداف و موضوعات معین در سطح بین‌الملل به فعالیت می‌پردازند (Mclean, 2003: 373). تشکل‌های غیر دولتی زنان به مفهوم علمی و واقعی خود عمر کوتاهی در ایران دارد و از این رو با مشکلات فراوانی در ایران رو به روست. جا نیفتادن تعریف سازمان مردم‌نهاد، مشخص نبودن حدود و دخالت دولت در کار آن‌ها و مشکلات عدیده مالی از عمده مشکلات سازمان‌های غیردولتی زنان در ایران است (شجاعی، ۱۹ مهر ۱۳۷۷).

اولین بار بعد از انقلاب اسلامی ایران، کنفرانس پکن (که حاصل تلاش فمینیست‌های غربی در موج سوم بود)، سرآغاز تولید انبوه تشکل‌های غیردولتی و به رسمیت شناختن این تشکل‌ها در ایران بود؛ زیرا در این کنفرانس از نمایندگان تشکل‌های سیاسی زنان در کشورهای مختلف خواسته شد تا در

این کنفرانس شرکت نمایند. در این راستا تلاش در جهت شناسایی و تقویت این تشکّل‌ها آغاز شد. (احمدی خراسانی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۵۵). بدین منظور برای اولین بار در سال ۱۳۷۳ «دفتر هماهنگی سازمان‌های غیردولتی زنان ایران» از سوی دولت ایجاد شد و توانست سازمان‌های زنان را جهت معرفی و شرکت در کنفرانس پکن شناسایی و آماده کنند (جلالی نائینی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۴۹). در نتیجه برای اولین بار، سازمان‌های مستقل زنان در ایران تحت حمایت و تحریک جنبش جانبداری زنان در غرب به رسمیت شناخته شدند.

ارائه آمار درباره تعداد تشکّل‌های غیردولتی زنان ایران از سوی دولت و بعد از آن با گسترش بحث جامعه مدنی و ضرورت ایجاد احزاب و تشکّل‌های مستقل در جامعه مدنی و عدم ظهور علنی آن، روشنفکران دینی و غیردینی را به تکاپو واداشت (احمدی خراسانی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۵۵).

بنابراین از زمان تشکیل کنفرانس پکن در سال ۱۳۷۳، تعداد سازمان‌های غیردولتی نیز افزایش یافت به طوری که در سال ۱۳۸۵ تعداد سازمان‌های غیردولتی زنان به ۳۱۷۲ سازمان رسید.

جدول شماره ۲۱- تعداد سازمان‌های غیردولتی زنان

(سال‌های ۱۳۸۵ - ۱۳۷۵)

سال	فرهنگی-اجتماعی	صنفي-تخصصی	خیریه‌ای
۱۳۷۵	۲۴	۱۳	۱۸
۱۳۷۶	۲۸	۲۰	۱۹
۱۳۷۷	۳۹	۲۴	۲۶
۱۳۷۸	۶۰	۳۲	۴۵
۱۳۷۹	۱۱۶	۵۲	۸۰
۱۳۸۰	۱۲۲	۵۴	۸۴
۱۳۸۱	۱۳۱	۶۰	۸۶
۱۳۸۲	۱۶۲	۷۶	۹۹
۱۳۸۳	۲۴۵	۱۱۲	۱۳۲
۱۳۸۴	۳۴۶	۱۰۴	۱۲۷
۱۳۸۵	۴۴۸	۱۱۴	۱۷۴

اداره مطالعات زنان و خانواده، ۱۳۸۷: ۳۲۲

همچنین براساس آمارهای موجود، در اوایل انقلاب اسلامی ایران در میان سازمان‌های غیردولتی زنان، تنها چند سازمان از جمله «مؤسسه اسلامی زنان»، «جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران» و «جامعه زینب»، به عنوان تشکلات سیاسی در جامعه فعالیت می‌کردند (مصفا، ۱۳۷۵: ۱۳۶). اما



بعد از آن تاکنون تعداد انجمن‌های سیاسی زنان افزایش یافته است که در جدول زیر به مشخصات انجمن‌های سیاسی زنان از آغاز تا سال ۱۳۸۵ اشاره می‌شود:

جدول شماره ۲۲- تشکلات سیاسی زنان در ایران (دوران بعد از انقلاب اسلامی)

ردیف	نام تشکّل سیاسی	دبیر کل	تاریخ صدور پروانه
۱	مؤسسه اسلامی ایران	اعظم طالقانی	۱۳۵۹
۲	جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران	زهرا مصطفوی	۶۸/۴/۱۲
۳	جامعه زینب	مریم بهروزی	۷۰/۷/۲۰
۴	انجمن همبستگی زنان ایران	فاطمه هاشمی	۱۳۷۱
۵	جامعه زنان انقلاب اسلامی	اعظم طالقانی	۷۱/۹/۴
۶	جمعیت زنان انقلاب اسلامی	حجازی	۷۷/۱۱/۱۵
۷	جمعیت اسلامی زنان	محسنی	۷۷/۷/۲۸
۸	انجمن روزنامه‌نگاران زن ایران	جمیله کدیور	۷۷/۱۰/۲۰
۹	کانون اسلامی بانوان خراسان	-----	۸۰/۶/۱۰
۱۰	جمعیت حمایت دفاع از حقوق بشر زنان	مولاوردی	۸۰/۱/۲۵
۱۱	کانون تبادل اطلاعات زنان	طاهره نصیریان	۸۰/۶/۱۰
۱۲	جمعیت اسلامی زنان پیرو راه حضرت زهرا (س)	-----	-----
۱۳	جامعه اسلامی زنان اصفهان	اخباری	۸۱/۱۲/۱۷
۱۴*	حزب زنان ایران	-----	۸۲/۱۰/۱۳
۱۵	جمعیت زنان مسلمان	قائینی	۸۲/۲/۱۳
۱۶	جمعیت پیروان حضرت زینب (س)	خان محمد زاده	۸۲/۵/۵
۱۷	جمعیت زنان پیام‌آور	زعفرانی بهروز	۸۳/۳/۹
۱۸	جمعیت زنان مسلمان نواندیش	فاطمه راکعی	۸۵/۱۰/۱۱
۱۹**	حزب زنان جمهوری اسلامی	-	۸۵/۸/۸
۲۰	جامعه فاطمیون	طاهره رحیمی	۸۵/۸/۱۵

منبع: وزارت کشور؛ واحد احزاب، اسفند ۱۳۸۶

طبق جدول بعد از انقلاب اسلامی ایران تا پایان سال ۱۳۸۵، ۱۸ حزب زنان دارای پروانه فعالیت از وزارت کشور در مقابل ۱۶۲ حزب مردان بوده است که اهداف همه این تشکلات، سیاسی بوده است.

\* وزارت کشور بنا بر دلایلی برای حزب زنان ایران و زنان جمهوری اسلامی، پروانه فعالیت صادر نکرده است.

### مناصب سیاسی زنان (دوران بعد از انقلاب اسلامی)

علاوه بر تأسیس سازمان‌های غیردولتی، زنان در عرصه‌های دیگر از جمله عرصه مدیریت و نمایندگی مجلس به فعالیت پرداختند. اما طبق قانون زنان نمی‌توانند به عنوان رئیس جمهور انتخاب شوند، زیرا بر طبق اصل یکصدوپانزدهم قانون اساسی رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی انتخاب گردد. بنابراین بر طبق قانون، زنان از شرکت در اعمال پست ریاست جمهوری منع شده‌اند. اما در مورد انتخاب وزرا در قانون اساسی ذکری از مرد بودن یا زن بودن آن به میان نیامده است و زنان می‌توانند مانند مردان در این عرصه به فعالیت بپردازند.

هرچند بعد از انقلاب هم برای انتخاب وزرا از بین زنان منع قانونی وجود ندارد، اما تا سال ۱۳۸۸ هیچ زنی در حکومت جمهوری اسلامی ایران به مقام وزارت انتخاب نگردید. تنها در سال ۱۳۷۶ خانم معصومه ابتکار به عنوان «ریس سازمان حفاظت محیط زیست» و «معاون رئیس‌جمهور» انتخاب شد و اولین بار در سال ۱۳۸۸ در جمهوری اسلامی ایران یک زن به مقام وزارت رسید. فعالان جنبش زنان در ایران تحت تأثیر جنبش جانبداری زنان در غرب به بیان این خواسته خود (به دست گرفتن پست‌های مدیریت) پرداختند، زیرا هنگامی که محمود احمدی نژاد در دهمین دوره ریاست‌جمهوری ایران به معرفی یکی از وزیران زن پرداخت، اذعان داشت: "آیا با انتخاب وزیر زن، بهانه‌ای در دست فمینیست‌ها باقی می‌ماند؟". این خود نشانه‌ای از تأثیرپذیری مقامات حکومتی از جنبش فمینیسم بوده است.

همچنین اواسط سال ۱۳۵۷ که قضاوت را مردانه اعلام کردند و زنان را از ریاست محاکم و مشاغل حساس برکنار نمودند، اکثر زنان قاضی به عنوان دادیار تحقیق در داسرا و اداره سرپرستی محجورین به ادامه خدمت پرداختند؛ اما با درج مقالات و انتشار کتب و ایراد سخنرانی در سمینارها و جلسات مختلف و همچنین توجه افکار بین‌المللی و جوامع حقوق بشری در جهت رفع این تبعیض، جنبش زنان درصدد اثبات این نکته برآمدند که قضاوت شرعی حتی در معنای اخص آن یعنی "حکمت بذلک" در اسلام معنی ندارد و بدین جهت راه‌گشای قضاوت زنان گردیدند. مجموعه این عوامل دست به دست هم داد تا در سال ۱۳۷۷ که ریاست قوه قضاییه بر عهده محمد یزدی بود، دو تن از زنانی که در رژیم گذشته به عنوان قاضی استخدام شده و هنوز هم در دادگستری باقی مانده بودند، به عنوان مستشار دادگاه تجدیدنظر تهران انتخاب شوند تا به اتفاق ریاست شعبه تجدیدنظر که از بین مردان انتخاب شده بود، مبادرت به صدور رأی نمایند. نکته قابل توجه آن که برداشتن زنان قاضی از مسند قضاوت بر اساس قانون صورت گرفت، اما نصب مجدد آن فاقد مجوز قانونی بود، زیرا در قانون، قضاوت، حق انحصاری مردان اعلام شده است و بعد از گذشت ۱۶ سال زنان توانستند به عنوان زنان قاضی، در دادگاه تجدیدنظر، حقوق از دست رفته خویش را بازیابند

(عبادی، ۱۳۸۱: ۴۲ - ۳۷).

جدول شماره ۲۳- تعداد پست‌های مدیریت و سرپرستی دستگاه‌های دولتی

(به تفکیک دستگاه و جنس در سال ۱۳۸۰)

نام دستگاه	مرد	زن
ریاست جمهوری	۱۹۹۱	۲۲۹
وزارت آموزش و پرورش	۱۱۴۳	۲۵
وزارت اقتصاد و دارایی	۱۸۶۸۴	۲۰۶۸
وزارت امور خارجه	۳۴۰	۷
وزارت بازرگانی	۱۸۰۶	۷۳
وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	۶۳۰۰	۱۲۸۰
وزارت فناوری اطلاعات و ارتباطات	۴۷۳۱	۱۱۹
وزارت تعاون	۲۹۹	۱۷
وزارت جهاد کشاورزی	۱۰۰۰۵	۱۴۹
وزارت راه و ترابری	۳۸۲۵	۱۵۳
وزارت صنایع و معادن	۲۲۰۶	۱۸۱
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۴۱۶۶	۳۹۸
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	۱۱۲۸	۵۴
وزارت کار و امور اجتماعی	۴۳۴	۳۹
وزارت کشور	۳۵۸۶	۶۵
وزارت مسکن و شهرسازی	۶۳۷	۲۹
وزارت نفت	۶۲	۱
وزارت نیرو	۹۸	۳
قوه قضاییه	۱۸۹۵	۷۵
سایر موسسات	۱۱۲۸	۳۹
نهادهای انقلاب اسلامی	۳۵۱۹	۵۶

اداره مطالعات زنان و خانواده، ۱۳۸۷: ۳۰۷

زنان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حق شرکت در انتخاب و انتخاب شدن در مجلس شوراها یا شوراهای مختلف را دارند.

جدول شماره ۲۴- تعداد داوطلبین و منتخبین زن در مجلس شورای اسلامی  
(از دوره اول تا دوره هشتم)

تعداد منتخبین			تعداد داوطلبین			ادوار نماینده
درصد زنان	مرد	زن	درصد زنان	مرد	زن	
۴	۹۵	۴	۱/۸	۳۶۲	۶۶	دوره اول
۳/۳	۱۱۸	۴	۱/۸	۱۵۶۴	۲۸	دوره دوم
۲/۲	۱۷۶	۴	۱/۹	۱۹۶۲	۳۷	دوره سوم
۶/۳	۱۳۳	۹	۵/۲	۳۱۵۲	۸۱	دوره چهارم
۹/۶	۱۳۱	۱۴	۶	۵۰۴۶	۳۲۰	دوره پنجم
۴/۴	۲۶۲	۱۳	۷/۵	۶۳۴۰	۵۱۳	دوره ششم
۴/۶	۲۷۰	۱۲	۱۰/۱	۷۳۴۴	۸۲۸	دوره هفتم
۴/۲	۲۷۰	۱۲	۸/۲	۶۵۸۳	۵۸۵	دوره هشتم

وزارت کشور - ستاد انتخابات

بر طبق جدول، در انتخابات دوره اول مجلس شورای اسلامی، داوطلبان زن در مجلس شورای اسلامی، ۶۶ نفر بوده است که این امر حاکی از فضای باز سیاسی بوده است که حدود ۴ نفر وارد مجلس شدند. اما در دوره دوم، تعداد داوطلبین زن به ۲۸ نفر کاهش یافت ولی منتخبین زن در این دوره همان ۴ نفر بود.

دو دوره سوم، تعداد داوطلبین زن کمی افزایش می‌یابد. در دوره چهارم تا هشتم، تعداد داوطلبین زن افزایش می‌یابد، به طوری که در مجلس هشتم تعداد داوطلبین زن به ۸۲۸ نفر رسید که در مقایسه با دوره‌های قبل درصد منتخبین زن افزایش می‌یابد اما تعداد داوطلبین زن در دوره هشتم کاهش می‌یابد و به ۵۸۵ نفر می‌رسد ولی در انتخاب نهایی درصد منتخبین زن در مجالس هفتم و هشتم ۱۲ نفر است.

همچنین بر اساس آمار وزارت کشور در سه دوره اول مجلس، جمعاً ۱۲ زن به مجلس راه پیدا می‌کنند که همگی از حوزه انتخابی تهران وارد مجلس می‌شوند و تنها از دوره چهارم است که زنان از حوزه‌های انتخابی شهرستان‌ها نیز وارد مجلس می‌شوند تاکنون زنان غالباً از شهر تهران و مراکز استان‌ها انتخاب شده‌اند و در شهرهای کوچک و بخش‌ها و روستاها مردم اغلب ترجیح می‌دهند به مردان رأی دهند.

شاخص دیگر حضور زنان در عرصه سیاسی کشور، حضور زنان در شوراهای اسلامی است که در دوران پهلوی شورای محلی شهری و روستایی شکل نگرفت تا میزان حضور زنان در آن قابل سنجش با دوره پس از انقلاب اسلامی باشد.

برطبق جدول تعداد داوطلبین زن در انتخابات شوراهای اسلامی از ۷,۲۷۶ نفر به ۷,۱۰۶ نفر در دوره سوم می‌رسد که نشاندهنده افزایش تقاضا در حوزه مشارکت سیاسی زنان است. به طوری که که تعداد منتخبین زن در دوره اول از ۰/۱ درصد به ۱/۴ درصد در دوره سوم می‌رسد.

جدول شماره ۲۵- تعداد زنان و مردان در مجلس شوراهای اسلامی شهر و روستا

(از دوره اول تا دوره سوم)

ادوارنمایندگی	تعداد داوطلبین			تعداد منتخبین		
	زن	مرد	درصدزنان	زن	مرد	درصد زنان
دوره اول	۷۲۷۶	۳۲۸۸۶۲	۲/۲	۱۳۷۵	۱۶۲۶۴۹	۰/۱
دوره دوم	۵۸۶۷	۲۱۳۰۹۰	۲/۷	۲۳۳۸	۱۵۲۹۹۴	۱/۵۱
دوره سوم	۷۱۰۶	۲۴۷۷۵۹	۲/۸	۱۴۹۱	۱۰۷۶۴۵	۱/۴

وزارت کشور - ستاد انتخابات

به طور خلاصه تا قبل از دوران مشروطیت، عرف و ساختار جامعه ایران به هیچ عنوان حضور زنان را در جامعه نمی‌پسندید؛ به طوری که در میان خود زنان هم این عقیده شکل گرفته بود که زن خوب، زنی است که در کنج خانه بنشیند و به فرمان شوهر گردن نهد. بنابراین در جامعه کاملاً سنتی آن زمان حرف از فعالیت و حقوق زنان حرفی کاملاً بی‌منطق و بی‌ارزش تلقی می‌شد و در واقع دگرگون‌سازی فضای جامعه، امری غیر قابل باور و حتی تصور نکردنی بود (پهلوانی، ۱۳۹۰: ۵۲)، اما با فضای جهانی‌شدن و گسترش وسایل ارتباطات جمعی، کم‌کم، زنان به حق و حقوق خود از جمله حقوق سیاسی آشنا شدند، به طوری که توانستند فرهنگ سیاسی خود را تا حد چشمگیری غنی سازند.

### وضعیت فرهنگ سیاسی زنان در عربستان

در عربستان، نوع حکومت، پادشاهی یا به عبارتی سلطنتی مطلقه و استبدادی و قدرت در شخص پادشاه متمرکز است تا آنجا که عربستان سعودی تنها کشوری است در جهان که نام خاندان حاکم را یدک می‌کشد. در این کشور حاکمان ادعا می‌کنند که شریعت اسلامی قانون اساسی ماست. این کشور به لحاظ سیاسی نیز حائز جایگاه خاصی در منطقه خاورمیانه است. این کشور با توجه به درآمد بالای حاصل از صادرات نفت، عضویت در بیشتر سازمان‌های بین‌المللی، احساس قیومیت داشتن بر اکثر کشورهای عربی و همچنین نقش آفرینی در مسائل منطقه خاورمیانه تنها کشور اسلامی است که در طی سال‌های اخیر به سختی تن به اصلاحات داده است و این مسئله بخصوص در امور مربوط به زنان بیشتر به چشم می‌خورد.

مسئله برابری حقوق زن و مرد در کشور عربستان یکی از مسائلی است که در سال‌های اخیر توجه رسانه‌های بین‌المللی را به خود جلب کرده و باعث شده تا گزارش‌های زیادی از وضعیت زنان این کشور منتشر شود. به ویژه با رشد دسترسی به اینترنت، اکنون زنان عربستانی دنیای متفاوت از جامعه بسته و سنتی خود مشاهده می‌کنند. همین مسئله باعث شده تا مسئله حق رأی و اعطای حق رانندگی به یکی از چالش‌های اساسی مسئله حقوق زنان در عربستان تبدیل شود. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع و همچنین فتوای شیخ غامدی مفتی اعظم این کشور مبنی بر جایز بودن رانندگی زنان بر اساس احکام اسلام و همچنین طرح مباحثی که در این کشور در مورد زنان در جریان است، برآنیم تا به وضعیت سیاسی زنان در این کشور بپردازیم. از این رو وضعیت تاریخی زنان در این کشور بر اساس آمارهای موجود مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یک بعد از فرهنگ سیاسی، تلقی زنان از توان سیاسی خود و جایگاه سیاسی خودشان در نظام سیاسی و نیز مقایسه آن با جایگاه مردان در آن است، که مورد توجه خاص فمینیسم جهانی می‌باشد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که میزان مشارکت سیاسی زنان در فعالیت‌های سیاسی تا حدودی تابع نوع تلقی زنان در مورد نقش جنسیت در فعالیت‌های سیاسی کشور می‌باشد. اگر فرهنگ مردسالاری طوری حاکم باشد که زنان در خود توان فعالیت سیاسی نبینند، یا اعتقاد به توان سیاسی خود در مقایسه با مردان نداشته باشند، چه بسا که از اقدام به فعالیت‌های سیاسی خودداری کنند (پناهی، ۱۳۸۶: ۱۰۸-۱۰۷).

فرد هالیدی در کتاب عربستان بی‌سلاطین بر این اعتقاد بود که در جوامع غرب قبیله‌ای در کشورهای خلیج فارس، زنان تحت حکومت چهار سلطان به سر می‌بردند. اولین سلطان، حاکم این کشورها می‌باشند که سلطان سیاسی محسوب می‌شوند. سلاطین قبیله‌ای که شیوخ می‌باشند. سلاطین مذهبی که مفتی‌ها و سران و روسای مذهبی هستند و بالاخره سلاطین خانواده که عبارتند از: پدر، برادر، و شوهر (بی‌نا، ۱۳۹۰).

سلطه مردان بر زنان باعث شده تا زنان عربستان، شرایط موجود را مطلوب و عادی تلقی کنند و نسبت به آن اعتراضی نداشته باشند و در نهایت واکنش خاصی صورت نگیرد؛ به این دلیل در عربستان، خواسته‌های زنان این کشور در قالب گزارشات نقض حقوق زنان از طریق سازمان‌های مختلف بیان می‌شود تا به دولت‌ها فشار بیاورند تا وضعیت حقوق زنان را بهبود بخشند.

همزمان با موج پنجم جهانی شدن که گفتمان حقوق جوامع جهانی بر مبنای تبعیض جنسیتی را مطرح ساخت، موج سوم فمینیسم جهانی به راه افتاد. این امر باعث شد تا علیرغم عدم تحرک زنان در عربستان برای احقاق حقوق خود از جمله حقوق سیاسی، گزارشات سازمان‌های مختلف در مورد وضعیت زنان در عربستان گسترش یابد.

بر اساس گزارش خانه آزادی در سال ۲۰۱۰ در عربستان سعودی با زنان به عنوان اعضای یکسان جامعه رفتار نمی‌شود و قوانین متعدد تبعیض‌آمیزی بر علیه آنها وجود دارد. به آنان تا انتخابات شهرداری‌های سال ۲۰۰۵ حق رای داده نشد، آنان به لحاظ قانونی حق رانندگی با اتوموبیل و استفاده از تسهیلات عمومی را ندارند، به خاطر قوانین و سنت‌های موجود، زنان سعودی نمی‌توانند در داخل و خارج کشور بدون مردان مسافرت کنند. برخلاف مردان، زنان سعودی از حقوق مالکیت نسبت به فرزندان‌شان برخوردار نمی‌باشند. بعلاوه زنان سعودی دسترسی به حیطه‌هایی که توسط مردان نمایندگی می‌شود را ندارند (کرمی، پاییز ۱۳۹۱).

همچنین بر اساس گزارش سال ۲۰۰۹ کمیته سازمان ملل پیرامون وضعیت زنان در عربستان سعودی، زنان بشدت از خشونت خانگی، بی‌سوادگی گسترده و امکانات نامناسب بهداشتی در رنجند. براساس قوانین اسلامی عربستان، زنان در زندگی روزمره محدودیت‌های بسیاری دارند. این گزارش که بخشی از آن به وضعیت زنان در عربستان اختصاص دارد، زنان این کشور را قربانیان سیستماتیک و فراگیر تبعیض در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی معرفی کرده است. جنبش جهانی فمینیسم، از دولت عربستان خواسته تا قدم‌های محکمی به سوی برابری جنسی و پایان دادن به خشونت علیه زنان بردارد و سریعاً به قیومیت مردان در جامعه، که شدیداً آزادی‌های اولیه زنان را محدود می‌کند، پایان دهد.

از سویی دیگر بر اساس گزارش فوق یکی از عرصه‌هایی که زنان این کشور از رسیدن به آن محرومند، نداشتن فرصت برابر برای ایفای نقش در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و بخصوص مشارکت سیاسی است و این باعث شده تا زنان نتوانند نقش خود را همپای مردان در این جامعه ایفا کنند، و همواره به عنوان جنس دوم در جامعه به کارکردهای سنتی و از قبل تعریف شده خود بپردازند. در این کشور استخدام زنان ممنوع می‌باشد، پلیس مذهبی مسئول به کار بستن قوانین مربوط به زنان در این جامعه است. تعدد زوجات در عربستان به عنوان یک سنت پسندیده شناخته می‌شود و طرفداران زیادی دارد و جوامع دینی و اجتماعی رواج استمرار این سنت را به شکل‌های مختلف تشویق می‌کنند. سیستم آموزش زنان در عربستان تحت نظارت مستقیم مؤسسه مذهبی وهابیت است و تحت نظارت وزارت آموزش و پرورش نیست. تحمیلی بودن محدودیت‌های وضع شده برای زنان در جامعه سعودی، به اشکال مختلف باعث عکس‌العمل‌هایی می‌شود که حاکی از نارضایتی زنان از وضع موجود است. اعتراض زنان در تظاهرات سال ۱۹۷۹، نمادی از اعتراض زنان از موقعیتشان در این کشور بود. در این قیام، زنان در کنار مردان خواستار اصلاحات سیاسی شدند، که در نتیجه آن گروهی از زنان زخمی و چند تن نیز کشته و گروهی دیگر زندانی شدند. در خلال جنگ خلیج فارس، عده‌ای از زنان سعودی در اعتراض به قوانینی که رانندگی زنان را ممنوع

می‌کرد، اقدام به رانندگی دسته جمعی در ریاض کردند. این حرکت اعتراض‌آمیز که توسط ۴۷ زن سعودی در نوامبر ۱۹۹۰ صوت گرفت، در نطفه خفه شد (کرمی، پاییز ۱۳۹۱).

سازمان عفو بین‌الملل نیز معتقد است زنان در عربستان اسلامی به انسان‌های بی‌اراده و بی‌عزمی تبدیل شده‌اند که هیچگونه اختیاری در عرصه‌های مهم و نیز فعالیت‌های سیاسی اجتماعی و اقتصادی را ندارند و هرگز اجازه حق تعیین سرنوشت به آنان داده نشده است. سازمان عفو بین‌الملل، وضعیت زنان در عربستان را بر خلاف حقوق بشر می‌داند. به طور سنتی، زنان عربستان (به ویژه در منطقه فجد) در این جامعه تحقیر می‌شوند و از بخش اعظم حقوق خود محرومند. سازمان عفو بین‌الملل با انتقاد از نحوه برخورد مسئولان عربستانی با زنان، از آنها خواهد تا با این قشر از جامعه به‌عنوان شهروندان درجه ۲ برخورد نکنند. سازمان عفو بین‌الملل، معتقد است، زنان عربستانی حق رأی دادن ندارند و تحصیلات عالی محرومند و قادر به سفر یا کار نیستند و در زمینه حق ازدواج نیز با محدودیت مواجه‌اند و به نظر می‌رسد که در منازل نیز با آنان رفتارهای خشونت‌آمیز می‌شود و به عبارتی خشونت علیه زنان در خانواده‌های عربستانی به‌شدت افزایش یافته است. سازمان عفو بین‌الملل گزارش می‌دهد، این مسائل مانع بزرگی بر سر راه آزادی آنها به‌شمار می‌رود (گلستانی، ۱۳۹۰: ۱۴۹).

سازمان عفو بین‌الملل یکی از مهمترین دیدگاه‌های سنتی درباره زنان و دختران را عدم تحصیلات و آموزش زنان می‌داند و معتقد است، با این که دولت سعودی دختران را از آموزش منع نکرده‌است، و حتی آموزش رایگان نیز برای ایشان در نظر گرفته‌است، حضور دختران در آموزشگاه‌ها و مدارس بسیار محدود است. دیدگاه‌های سنتی در عربستان باعث شده‌است که بسیاری از دختران در سنین پایین مدرسه را ترک می‌گویند. در عربستان، مدارس و دانشگاه‌های متفاوت برای دختران و پسران وجود دارد و هیچ مدرسه مختلطی در آن جا یافت نمی‌شود. با این حال بسیاری بر این باورند که مدرسه‌ها و دانشگاه‌های مربوط به زنان از کیفیت آموزشی پایین‌تری برخوردارند. تحصیل زنان در همه رشته‌های فنی و مهندسی، و نیز رشته حقوق ممنوع می‌باشد و حتی زنان از دریافت بورسیه تحصیلی در خارج از کشور محرومند (همان: ۱۵۰).

گزارشات نشان می‌دهد، ناتوانی سیستم در استفاده بیشتر از زنان دارای تحصیلات عالی، شکوفایی عمومی را پایین نگه داشته و توانایی تولیدکنندگان را برای رقابت در برابر کشورهایی که استفاده کامل از سرمایه انسانی خود به عمل می‌آورند، محدود ساخته است. اگر زنان این کشور همانند دیگر مناطق جهان بتوانند نقشی فعالانه در عرصه اقتصادی ایفا کنند و ظرفیتهای خود را در این زمینه مورد بهره‌برداری قرار دهند، در بلند مدت موجب آماده شدن بسترهای لازم برای مشارکت در عرصه‌های سیاسی و شکل‌گیری گروهها و انجمن‌های مربوط به زنان می‌شود، که زمینه‌های



دگرگونی اجتماعی را در این کشور به وجود خواهد آورد. گروههای طرفدار زنان باید دستور کار تغییر در عربستان را در اختیار بگیرند و تضمین کنند که مسائل جنسیتی همزمان با اصلاحات اقتصادی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرند.

در این کشور به واسطه وجود سنت، فرهنگ و ساختاری ویژه، زنان دارای پایین‌ترین موقعیت اجتماعی هستند. فرهنگ بادیه‌نشینی اکثریت مردم عربستان، و از طرفی تعدد زوجات، که در اکثریت خانواده‌های سعودی دیده می‌شود، موجب کاهش شدید فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی زنان شده است. زنان عربستانی با اینکه هیچ‌گونه حق سیاسی ندارند، در زمینه‌های اقتصادی نقش یافته‌اند. در حال حاضر زنان در هزاران شغل خرده فروشی تا صنایع سنگین، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی و بالاخره دولتی و شرکت‌های خصوصی دست دارند. در حالی که زنان نیمی از فارغ التحصیلان دانشگاه را تشکیل می‌دهند، با این حال در این جامعه، زنان به ندرت قادر به بیان نظریات خود هستند. با آغاز سلطنت ملک عبدالله در عربستان فضای موجود تا حدی زیادی تغییر کرد. یکی از اصلاحاتی که ملک عبدالله در پیش گرفته است، تغییر جایگاه سنتی و محدود زنان در جامعه سعودی و ارتقای آن در منظر جهانیان است. همچنین این گزینه را نباید از نظر دور داشت که جانشینان احتمالی پادشاه عربستان، ملک عبدالله همچون نایف و سلطان و دیگر شاهزادگان تحصیل کرده غربی ممکن است درصدد برآیند تا تغییرات کوچکی را در امور مربوط به زنان ایجاد کنند، این امر بخصوص در زمانی که بحران جانشینی می‌تواند نظام سیاسی این کشور را با چالش‌های جدی مواجه کند و نیاز به مشروعیت، مقامات سعودی را بیش از هر زمانی ناگزیر از دوراندیشی و اتخاذ راه حل‌ها و تدابیر سیاسی کند (کرمی، پاییز ۱۳۹۱).

از سوی دیگر، زنان عربستان خواستار مشارکت در بزرگترین نهاد دینی این کشور هستند. خواسته‌ای که برآمده از تغییرات اجتماعی در این کشور است. نتیجه یک نظرسنجی اینترنتی مبنی بر امکان مشارکت زنان در هیئت عالمان بزرگ، نشان داد که حدود ۹۰ درصد از شرکت‌کنندگان خواهان شرکت زنان به عنوان عضو دائم در کمیته استفتاء دینی شده‌اند. از نظر کارشناسان وجود اینگونه مطالبات یعنی مشارکت زنان در موسسان دینی را باید از اهداف جریان لیبرال که از پی‌آمدهای روشنگری در جامعه عربستان است، دانست. نسبت رأی‌ها در نظر سنجی، نشان از جنبشی فرهنگی و اجتماعی در عربستان دارد. مطالبات این جنبش خود را با مطالبات زنان نشان می‌دهد. نرخ بی‌سوادی زنان که می‌تواند به آگاهی پایین سیاسی، مشارکت پایین در انتخابات و شاید حتی سوءاستفاده دیگران از رأی‌دهندگان زن منجر شود، همچنان مانعی بر سر راه نفوذ سیاسی بالقوه زنان است. امروزه سهم زنان از کرسی‌های مجلس ملی متداول‌ترین شاخص در سطح کشوری از توانمندسازی سیاسی زنان، و تنها شاخص سیاسی است که برای ارزیابی پیشرفت برای

اهداف توسعه و هزاره در خصوص برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان مورد استفاده قرار می‌گیرد. زنان در عربستان در مقایسه با دیگر مناطق و کشورها سهمی از کرسیهای شورای مشورتی ندارند. مشارکت زنان در این کشور در سیاست و حکمرانی به هیچ وجه گسترده نیست، چرا که نظام بسته و مطلقه این کشور که بر اساس سنتهای پادشاهی و رسوم مردانه و قبیله‌ای در بستر زمان شکل گرفته است، اجازه فعالیت و مشارکت به زنان را به عنوان شهروند و عضوی از جامعه نمی‌دهد. از سوی دیگر این مسئله بیانگر ضعف و ناکارآمدی و عدم پتانسیل در ارکان حکومت میباشد که توان هضم این مسئله را در خود نمی‌بیند که راه مشارکت سیاسی، تشکیل جامعه مدنی، احزاب سیاسی، گروههای سازمان یافته مدنی و ... را باز گذارد (کرمی، پاییز ۱۳۹۱).

با این حال، با توجه به گسترش موج فزاینده جهانی شدن، انقلاب ارتباطات، ظهور شبکه‌های ارتباط اجتماعی و نفوذ جنبش‌های اثر گذار تعدادی از زنان و سیاستمداران و افراد برجسته عربستان آرام آرام به سمت اصلاح امور مربوط به زنان از قبیل شرکت در انتخابات، بازارهای تجاری و سیمتهای مدیریتی حرکت کرده، در این راه تلاش‌های بسیار چشمگیری داشته‌اند. به گونه‌ای که به تازگی حضور هر چند کم‌رنگ اما امیدوارکننده و تأثیرگذار زنان عربستان را در عرصه‌های مختلف شاهدیم.

زنان عربستانی که تا سال ۲۰۰۵ از حق شرکت در انتخابات محروم بوده‌اند، اکنون قانون حق رای زنان نیز به تصویب رسیده است، اما اجرایی شدن حق رای زنان عربستان در انتخابات ملی سال ۲۰۱۵ نخواهد بود: حق مشارکت در انتخابات برای زنان در سال ۲۰۱۵ به این معنی است که زنان عربستان همچنان از حق شرکت محروم خواهند بود (بی‌نا).

همچنین برای نخستین بار در سال ۲۰۱۳ یک زن به عنوان دیپلمات در نمایندگی دیپلماتیک عربستان سعودی در خارج از این کشور معرفی شد. دکتر محمد العیسی رایزن فرهنگی عربستان سعودی در واشنگتن با صدور حکمی، دکتر موضی الخلف را به عنوان معاون خود در امور فرهنگی و اجتماعی منصوب کرد. با این حکم برای خانم الخلف، وی عالی ترین سمت دیپلماتیک برای یک زن در عربستان سعودی را پذیرفته است (پایگاه خبری تحلیلی انتخاب، ۲۰ شهریور ۱۳۹۱).

همچنین با توجه به اینکه فعالیت هر نوع حزب، گروه و دسته سیاسی در عربستان ممنوع است و در این کشور هیچ حزب دولتی و رسمی نیز ممنوع اعلام شده است، مسلماً زنان نیز از این امر نیز مبرا نیستند (تبیان).

با بررسی وضعیت نابسامان زنان در عربستان که ناشی از عوامل متعدد و گوناگونی از جمله فرهنگ سیاسی سنتی و قبیله‌ای، نظام باورها و اعتقادات و همچنین نظام سیاسی این کشور است، مشخص شد که زنان در این کشور از امکان مشارکت گسترده در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی برخوردار نیستند. اما با گزارشات سازمان‌های مختلف در مورد وضع نابسامان زنان

عربستان که منطبق با خواسته‌های فمینیسم‌های جهان نیست، زنان عربستان را تا حدودی با حقوق خود آشنا می‌کند. دولت عربستان نیز به ناچار برخی از اصلاحات را در مورد زنان پذیرفته است. این اصلاحات هرچند ناچیز نشان دهنده تحول در وضعیت زنان در جامعه عربستان است. اصلاحات کوچکی که کم‌کم تبدیل به امواج اجتماعی بزرگ خواهد شد و به تقویت جایگاه زنان به عنوان عنصری پویا در جامعه منجر می‌شود.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله در ابتدا به تعاریف مفاهیم پرداخته شد و سپس وضعیت سیاسی زنان و روند مشارکت زنان در این دو کشور مورد بحث قرار گرفت. در این پژوهش نشان داده شد در جامعه کاملاً سنتی حرف از فعالیت و حقوق زنان حرفی کاملاً بی‌منطق و بی‌ارزش و امری غیر قابل باور و حتی تصور نکردنی بود؛ اما با فضای جهانی‌شدن و گسترش وسایل ارتباطات جمعی، کم‌کم، زنان به حق و حقوق خود از جمله حقوق سیاسی آشنا شدند، به طوری که توانستند فرهنگ سیاسی خود را تا حد چشمگیری غنی سازند. زنان این دو کشور، همچنان در جهت رسیدن به حقوق برابر با مردان به تلاش خود ادامه می‌دهند و خواهان رفع قوانین و شرایط و دیدگاه‌های سنتی نسبت به خود هستند. در ایران دوران مشروطه بر اساس شرایط سنتی آن زمان که مشارکت زنان را در جامعه امری غیرمعقول و خلاف واقع می‌دانستند، زنان از حق قانونی خود یعنی مشارکت سیاسی حذف شدند، اما در این میان زنان ساکت ننشستند و با اقداماتی از قبیل ایجاد انجمن‌ها و سازمان‌های زنان کم‌کم، شرایط ورود خود به این عرصه را مهیا ساختند و این سرآغازی شد تا به حقوق سیاسی خود بیشتر آشنا شوند و در این عرصه مطالبات بیشتری را طلب کنند. در زمان مشروطه چند انجمن سیاسی زنان تأسیس شد که این انجمن‌ها در راستای اهداف فمینیستی در جامعه گام برمی‌داشت. در دوره پهلوی، رژیم حاکم، زنان را در رسیدن به حقوق خود یاری می‌کرد و انجمن‌های زنان در این دوره افزایش یافت. به طوری که برخی از این انجمن‌ها توانستند ارتباط مستقیمی با مجامع زنان در سطح بین‌الملل برقرار کنند. در اواخر دهه ۱۳۳۰، این انجمن‌ها سعی داشتند تا خواسته‌ها و مطالباتی را که در عرصه جهانی مطرح می‌شود، در کشور پیاده نمایند. یکی از مهمترین خواسته‌های زنان در این دوره، به دست آوردن حق رأی بود که تا سال ۱۳۴۱، در این مورد، تغییر خاصی در وضعیت زنان ایجاد نشد تا بالاخره زنان با اعتراضات و راهپیمایی‌ها و با کمک کشورهای توسعه یافته توانستند در سال ۱۳۴۳ به این خواسته خود برسند که این امر نقطه عطفی در جنبش زنان معاصر محسوب می‌شود و این دستاورد با دوره دوم فمینیسم جهانی مقارن بود.

اولین بار بعد از انقلاب اسلامی ایران، کنفرانس پکن (که حاصل تلاش فمینیست‌های غربی در موج سوم بود)، سرآغاز تولید انبوه تشکلهای غیردولتی و به رسمیت شناختن این تشکلهای ایران بود؛ زیرا در این کنفرانس از نمایندگان تشکلهای سیاسی زنان در کشورهای مختلف خواسته شد تا در این کنفرانس شرکت نمایند. در این راستا تلاش در جهت شناسایی و تقویت این تشکلهای آغاز شد. بنابراین، اولین بار بعد از انقلاب اسلامی در دهه ۱۳۷۰ همزمان با موج سوم فمینیسم تعداد انجمن‌ها بسیار افزایش یافت. این انجمن‌ها به ویژه احزاب، نقش مهمی در به دست آوردن حقوق زنان در اوایل انقلاب ایفا کرده‌اند، اما هنوز مشاغل و پست‌های کلیدی منحصراً در اختیار مردان قرار دارد و حتی تعداد نمایندگان زن در مجلس شورای اسلامی با آن که داوطلب این امر هستند، به دوران قبل از انقلاب نرسیده است که این امر نابرابری زنان را در مقابل مردان نشان می‌دهد. جنبش زنان در زمینه مدیریت در عرصه سیاسی جامعه معتقد است آن‌چنان حاکمیت دیدگاه‌های مردسالارانه در جامعه ایران نهادینه شده است که حتی اندیشه‌های جهانی از جمله جنبش جانبداری از حقوق زنان نیز قادر به تغییر آن نمی‌باشند. با این حال زنان توانستند به دستاوردهایی نیز برسند به طوری که بعد از انقلاب اسلامی، برای اولین بار تحت تأثیر جنبش جانبداری از حقوق زنان در غرب، اولین زن در سال ۱۳۸۸ به عنوان معاون رئیس‌جمهور انتخاب شد.

اما در عربستان وضعیت سنتی طوری است که هنوز فرهنگ مردسالاری به شدت حاکم است و حتی خود زنان عربستان نیز به این وضعیت خود اعتراضی ندارند؛ به این دلیل در عربستان، خواسته‌های زنان این کشور در قالب گزارشات نقض حقوق زنان از طریق سازمان‌های مختلف بیان می‌شود تا به دولتها فشار بیاورند تا وضعیت حقوق زنان را بهبود بخشند.

همزمان با موج پنجم جهانی شدن که گفتمان حقوق جوامع جهانی بر مبنای تبعیض جنسیتی را مطرح ساخت، موج سوم فمینیسم جهانی به راه افتاد. این امر باعث شد تا علیرغم عدم تحرک زنان در عربستان برای احقاق حقوق خود از جمله حقوق سیاسی، گزارشات سازمان‌های مختلف در مورد وضعیت زنان در عربستان گسترش یابد. با فضای جهانی شدن و آغاز موج سوم فمینیسم و گسترش حرکات و اقدامات زنان جهان و گزارش‌های سالانه سازمان‌های مختلف در جهت بهبود وضعیت حقوق زنان و گسترش وسایل ارتباط جمعی، تا حدودی الگوهای بومی تحت تأثیر الگوهای جهانی قرار گرفته است. به طوری که زنان توانسته‌اند بعد سالها به حق رأی دست یابند و هر چند بسیار نامحدود اما پست‌های سیاسی را اشغال نمایند و این خود روزنه امیدی در جهت بهبود وضعیت زنان از حالت انفعالی صرف به حالت مشارکتی است.

بنابراین، این نتیجه حاصل می‌شود که جهانی شدن توانسته است زنان ایران و عربستان را در احقاق حقوق سیاسی زنان یاری رساند. پس فمینیسم جهانی (اندیشه برای زن و مرد) به عنوان شاخه‌ای

از پدیده جهانی‌شدن از جمله مباحث وارداتی است که توانسته خدمات مفیدی به جامعه عرضه دارد و در عرصه‌های مختلف، از جمله عرصه سیاسی، دستاوردهای مهمی را برای زنان این دو کشور در بر داشته باشد. بنابراین بر اساس الگوی سیستم جهانی پیترو تیلور که معتقد است الگوهای جهانی، الگوهای محلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث می‌شود تا الگوهای محلی کم‌کم خود را با تحولات جهانی سازگار و هماهنگ کنند، در این مقاله نشان داده شد الگوهای بومی توانسته تا حدودی اعتبار خود را از دست بدهند و خود را با تحولات جهانی سازگار نمایند و بر این اساس، دستاوردهای مثبتی را برای زنان به ارمغان بیاورد. اما فرهنگ مردسالاری در مورد عربستان بسته و سنتی، طوری است که هر چند جهانی‌شدن توانسته تا حدودی بر الگوهای بومی زنان تأثیر بگذارد و دستاورد مثبتی را برای زنان در بر داشته باشد، اما هنوز روند مشارکت سیاسی زنان در عربستان به دلیل فرهنگ سیاسی سنتی و قبیله‌ای، نظام باورها و اعتقادات و همچنین نظام سیاسی این کشور به کندی طی می‌شود. با این حال جهانی‌شدن از طریق تأثیرگذاری بر نموده‌های فرهنگ سیاسی از جمله حق رأی، مشاغل سیاسی و دولتی و غیره توانسته فرهنگ سیاسی زنان را از حالت تبعی و انفعالی صرف به سوی فرهنگ سیاسی مشارکتی هدایت کند.

## منابع

## کتابنامه

- احمدی خراسانی، نوشین و پروین اردلان ۱۳۸۲. سناتور (فعالیت‌های مهرانگیز منوچهریان بر بستر مبارزات حقوقی زنان در ایران). تهران، توسعه.
- ازغندی، علیرضا ۱۳۸۳. روابط خارجی ایران؛ دولت دست‌نشانده ۱۳۵۷ - ۱۳۲۰. تهران، قومس.
- ازغندی، علیرضا ۱۳۸۴. درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران. تهران، نشر قومس.
- آفاری، ژانت ۱۳۷۷. انجمن‌های نیمه‌سری زنان در نهضت مشروطه. ترجمه جواد یوسفیان. تهران، نشر بانو.
- آلموند، گابریل. جی. بینگهام پاول جونیور، رابرت جی مونت ۱۳۷۷. چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی. ترجمه علیرضا طیب. تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- بامداد، بدرالملوک ۱۳۴۷. زن ایرانی از مشروطه تا انقلاب سفید. تهران، ابن سینا.
- بدیع، برتران ۱۳۷۶. توسعه سیاسی. ترجمه احمد نقیب زاده. ویرایش ۲. تهران، قومس.
- براهنی، رضا ۱۳۶۳. تاریخ مذکر. تهران، نشر اول.
- بهنود، مسعود ۱۳۶۶. دولت‌های ایران از سید ضیاء تا بختیار: سوم اسفند ۱۲۹۹، بیست و دوم ۱۳۵۷. تهران، جاویدان.
- بلیس، جان ۱۳۸۳. جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین. ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران. تهران، مؤسسه نگاه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- پژوهشگران کیهان ۱۳۵۴. اشتغال زنان در موضعهای تصمیم‌گیری در بخشهای خصوصی و دولتی. تهران، سازمان زنان ایران.
- پناهی، فرشته ۱۳۸۱. زن ایرانی در سفرنامه‌ها از دید مشارکت. تهران، جاجرمی.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی زنان. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- پهلوی، محمدرضا ۱۳۴۵. انقلاب سفید. تهران، انتشارات کتابخانه سلطنتی پهلوی.
- ----- ۱۳۴۷. برگزیده‌ای از نوشته‌ها و سخنان شاهنشاه آریامهر. تهران، انتشارات کتابخانه سلطنتی پهلوی.
- تنسی، استفان ۱۳۷۹. مبانی علم سیاست. ترجمه حمید رضا ملک محمدی. تهران، نشر دادگستر.
- توانا، مرادعلی ۱۳۸۰. زن در تاریخ معاصر ایران. تهران، برگ زیتون.
- حمیدی، محمدحسن ۱۳۸۶. آرام و بی‌قرار: فرهنگ سیاسی در ادبیات فارسی. مشهد، خانه آبی.

- خدایارمجبی، منوچهر ۱۳۲۵. شریک مرد. تهران: تابان.
- خسروپناه، محمدحسین ۱۳۸۱. هدف‌ها و مبارزات زن ایران از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی. تهران، پیام امروز.
- رستمی (پویا)، الهه ۱۳۷۹. جنسیت، اشتغال و تفکر اسلامی: تحقیقی در نقش اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران. ترجمه رؤیا رستمی. تهران، جامعه ایرانیان.
- رنی، آستین ۱۳۷۴. آشنایی با علم سیاست. ترجمه لیلا سازگار. تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ساناساریان، الیز ۱۳۸۴. جنبش حقوق زنان در ایران؛ طغیان - افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۱۳۵۷. ترجمه نوشین اجمدی خراسانی. تهران، اختران.
- سگالن، مارتین ۱۳۷۰. جامعه‌شناسی تاریخی خانواده. ترجمه حمید الیاسی. تهران، مرکز.
- سلامی، غلامرضا و افسانه نجم آبادی ۱۳۸۴. نهضت نسوان شرق. تهران، پژوهش شیرازه.
- شوستر، مورگان ۱۳۳۴. اختناق ایران. ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری. تهران، کاویان.
- صادقی، فاطمه ۱۳۸۴. جنسیت، ناسیونالیسم و تجدد در ایران (دوره پهلوی اول). تهران، قصیده سرا.
- طلوعی، محمود (۱۳۷۲) بازیگران عصر پهلوی. تهران: علم. ۲ جلد. جلد اول و دوم..
- عالم، عبدالرحمن ۱۳۷۳. بنیادهای علم سیاست. تهران، نشر نی.
- عبادی، شیرین ۱۳۸۱. حقوق زن در قوانین جمهوری اسلامی ایران. تهران، گنج دانش.
- علیخانی، علی‌اکبر و محمد موسوی بجنوردی ۱۳۷۷. مشارکت سیاسی. تهران، سفیر.
- فتحی، مریم ۱۳۸۳. کانون بانوان، با رویکردی به ریشه‌های تاریخی حرکت‌های زنان در ایران. تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- فوزی توپسرکانی، یحیی ۱۳۸۰. مذهب و مدرنیزاسیون در ایران. تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- قوام، عبدالعلی ۱۳۷۹. چالش‌های توسعه سیاسی. تهران، نشر قومس.
- کرباسچی، غلامرضا ۱۳۷۱. هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی. تهران، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران. ۲ جلد. هر دو جلد.
- کار، مهرانگیز ۱۳۷۹. مشارکت سیاسی زنان، موانع، امکانات. تهران، روشنگران و مطالعات زنان.
- گل‌محمدی، احمد ۱۳۸۱. جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت. تهران، نشر نی.
- محبوبی‌اردکانی، حسین ۱۳۷۶. تاریخ مؤسسات تمتتی جدید در ایران. تهران، دانشگاه تهران.
- ۳۹. مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری ۱۳۷۹. مشارکت زنان و دولت هفتم. تهران، مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، روز نو.
- مصفا، نسرين ۱۳۷۵. مشارکت سیاسی زنان در ایران. تهران، وزارت امور خارجه.

- مکنزی، یان و دیگران ۱۳۷۵. *مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی*. ترجمه م. قائد. تهران، مرکز.
- مک‌لین، ایان ۱۳۸۱. *فرهنگ سیاسی آکسفورد*. ترجمه حمید احمدی. تهران، میزان.
- نیکخواه قمصری، نرگس ۱۳۸۴. *تحول نگرش نسبت به زن و تأثیر آن در انقلاب اسلامی*. تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، معاونت پژوهشی.
- هام، مگی و سارا گمبل ۱۳۸۲. *فرهنگ نظریه‌های فمینیستی*. ترجمه فیروزه مهاجر، فرخ قره داغی و نوشین احمدی خراسانی. تهران، توسعه.
- هلمز، سینتیا ۱۳۷۰. *خاطرات همسر سفیر*. ترجمه اسماعیل زندی. تهران: البرز.
- هنری لطیف‌پور، یدالله ۱۳۷۹. *فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی (۵۷-۱۳۴۲)*. تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- الهی، همایون ۱۳۷۹. *خلیج فارس و مسائل آن*. چاپ ششم. تهران، نشر قومس.
- واتکینز، آلیس و دیگران ۱۳۸۰. *فمینیسم: قدم اول*. ترجمه زیبا جلالی نائینی. تهران، شیرازه.

#### مقالات

- احمدی خراسانی، نوشین ۱۳۷۸. «تشکل‌های زنان: بررسی جایگاه و عملکرد آن». در: *جنس دوم*. تهران: توسعه. جلد ۴.
- افخمی، مهناز (بی‌تا). «انقلاب مسالمت‌آمیز». *ایران‌نامه*. سال ۱۵.
- پایدار، پروین ۱۳۷۸. «تشکل‌های زنان و عصر مّلی گرایي در ایران». ترجمه فرخ قره داغی. در: *جنس دوم*. تهران: توسعه. جلد ۴.
- پایدار، پروین ۱۳۷۸. «زنان و عصر مّلی گرایي در ایر». ترجمه فرخ قره داغی. در: *جنس دوم*. تهران: توسعه. جلد ۵.
- جلالی نائینی، زیبا ۱۳۷۸. «دولتی، قبلاً دولتی، بعداً دولتی؛ سازمان‌های غیردولتی زنان ایران: از تجربه‌ای به تجربه» در: *جنس دوم*. تهران: توسعه. جلد ۴.
- حافظیان، محمد حسین زمستان ۱۳۸۷. «سازمان‌های زنان در ایران عصر پهلوی». *فصلنامه مطالعات سیاسی*. سال اول. پیش‌شماره ۲.
- رحمانی، جعفر مهر ۱۳۸۱. «موانع و مشکلات مشارکت زنان در اجتماع» در: *همایش مشارکت سیاسی زنان در کشورهای اسلامی*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی و مرکز امور مشارکت زنان در ریاست جمهوری.
- «زنان جهان» (۱۳۰۰) *جهان زنان* سال اول. شماره ۵.



- زیبایی نژاد، محمد ۱۳۸۲. «فمینیسم و دانش‌های فمینیسم» در: فمینیسم و دانش‌های فمینیسم، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- شجاعی، میترا ۱۹ مهر «تشکل‌های غیردولتی زنان در ایران». د/دگستری. شماره ۱۶.
- شولی‌زاده، غزال ۱۹ خرداد ۱۳۸۷. «جنبش حقوق زنان در ایران. بخش دوم». فروغ. سال ۱۶. شماره ۱۳۴.
- صفاوردی، سوسن فروردین ۱۳۸۴. «سازمان‌های غیردولتی زنان، فرصت‌ها و تهدیدها». پیام زن. دفتر سوم. سال ۱۴. شماره ۱.
- قاضی زاده، سیمین دخت ۱۳۷۸. «گفتگو با راضیه شعبانی؛ تاریخ شفاهی زنان». در: جنس دوم. تهران، توسعه. جلد ۵.
- میرهادی، مریم ۲۲ شهریور ۱۳۴۲. «پیشنهاد هفت میلیون نفوس ایران بمجلس شورای ملی». ندای زنان. سال ۱۶. شماره ۴۳.
- میرهادی، مریم ۳ خرداد ۱۳۴۲. «جشن روز حقوق زن در انجمن ادبی «ناهد»». ندای زنان. سال ۱۶. شماره ۴۲.

#### اسناد و مدارک

- اداره مطالعات زنان و خانواده ۱۳۸۷. کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران و مسائل زنان. تهران و قم، دفتر نشر معارف اسلامی
- مجموعه قوانین روزنامه رسمی در سال‌های ۱۳۴۳
- وزارت کشور، ستاد انتخابات، درصد داوطلبین و منتخبین مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا بر حسب جنسیت در دوره‌های مختلف.
- وزارت کشور؛ واحد احزاب اسفند ۱۳۸۶. فهرست احزاب و تشکل‌های سیاسی. اداره کل سیاسی.

#### پایان نامه‌ها

- پهلوانی، الهام ۱۳۸۹. «بررسی جنبش جانبداری از حقوق زنان در غرب بر تعمیق شکاف جنسیت در ایران (طی یکصد سال اخیر)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و زبان‌های خارجی.
- گلستانی، محمود ۱۳۹۰. «نقش سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی در توسعه و ترویج حقوق بشر: مطالعه موردی سازمان عفو بین‌الملل». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان.

## منابع اینترنتی فارسی

- افروغ، عماد (۱۴ شهریور ۱۳۸۳) "مثلث جهانی"، در:
- <http://www.bashgah.net/fa/content/show/5498>
- بی‌نا (۱۳۹۰) جهانی‌شدن و شکل‌گیری روندهای دموکراتیک در کشورهای عرب منطقه خلیج فارس. هفتمین همایش ملی خلیج همیشه فارس. در:
- <http://www.persiangulf-co.ir/Archive.aspx>
- بی‌نا، وضعیت حقوق بشر در عربستان. در:
- <http://www.tebyan.net/mobile.aspx?pid=190980>.
- پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (۲۰ شهریور ۱۳۹۱) انتصاب اولین زن دیپلمات در عربستان. در:
- <http://www.entekhab.ir/fa/news/76000/%D8%A7%D9%86%D8%AA%D8%B5%D8%A7%D8%A8>
- تبیان. نگاهی به عربستان سعودی و ساختار نظام سیاسی آن. در:
- <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?PageSize=1&NAVIGATEMODE=CommonLibrary&PERSONALID=0&PARENTID=102724&PageIndex=2&CONTENT=&METADATAID=10635&VOLUME=1&BOOKID=10337&PID=102834>
- کرمی، کامران (پاییز ۱۳۹۰) وضعیت زنان و آینده مشارکت سیاسی در عربستان. مجله دیپلماسی صلح عادلانه. شماره ۷. در:
- <http://peace-ipsc.org/fa/%D9%88%D8%B6%D8%B9%DB%8C%D8%AA>

## منابع لاتین

- Binder, Leonard (1962) *Political Development in Changing*. Berkeley: University of California Press.
- Corrin, Chris (1999) *Feminist Perspectives on Politics*. London: Longman.
- Khor, Martin (2002) *Globalization and the South: Some Critical Issues*, Malaysia: Thirs World Network
- Kolmar Wendy K & Frances Bartkowski (2005) *Feminist Theory: A Reader*. Boston: McGraw – Hill Higher Education. 2<sup>nd</sup> edition.
- McLean. Iain (2003) *The Concise Oxford Dictionary Of Politics*. Tehran: Khorsandi. Second edition.
- Nanda, T.R (1991) *Dictionary of Political Science*. New Delhi: Anmol Publications PVT LTD.

- منابع اینترنتی لاتین

- 
- Muhlenhaus, Ian Alexander (1991) "World System theory". University Of Minnesota \_ Polity Press. [anline] avalabel:  
- <http://www.Ian.Muehlenhaus.Com/muehlenhausCallege/Library/WST.Pdf>.
  - Price, massoume(2002) "A Brief History Of Womens Movements In Iran 1850 – 2000". [anline] avalabel:  
- <http://www.iranonline.Com/History/wimen-history/women-history/index.Html>.
  - Shapiro, Jan (17 / 9 / 2006) " Defining Globalization", avalabel:  
- <http://globalpolicy.Org/globalized/define/index.htm>. (13 /10 / 2008).



## نگاهی نو به مطالعات آب و هواشناسی گردشگری (مطالعه موردی: نواحی ساحلی جنوب ایران)

محمد سعید نجفی<sup>۱</sup>، پریسا شعبانی<sup>۲</sup>

### چکیده

آگاهی از شرایط اقلیمی یکی از مهمترین منابع مورد نیاز برای گردشگری محسوب می‌شود. از طرف دیگر شناسایی ویژگی‌های تک تک مناطق از نظر شرایط اقلیم-توریستی، کاری بسیار زمان بر و دشوار است. از این رو استفاده از روش‌های جدید طبقه‌بندی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود. یکی از روش‌های پر کاربرد در طبقه‌بندی، تحلیل خوشه‌ای است که دارای کاربرد وسیع در مطالعات اقلیمی است. روش دیگری که برای پهنه‌بندی می‌توان از آن بهره گرفت، تحلیل ممیزی (تابع تشخیص) است. در این پژوهش به منظور ارائه یک رویکرد نوین به مطالعات آب و هواشناسی توریسم، از مجموع ۵ شاخص PET، PMV، TSENS، TCI و داده‌های ماهانه ایستگاه‌های همدید موجود در خط ساحلی جنوب ایران در دوره آماری ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۸ و همچنین روش تحلیل خوشه‌ای و ممیزی استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که منطقه مورد مطالعه دارای ۴ منطقه اقلیم-توریستی در طول سال است. همچنین نتایج تحلیل ممیزی نشان می‌دهد که ۹۸ درصد از نتایج حاصل از تحلیل ممیزی با نتایج حاصل از تحلیل خوشه‌ای مطابقت دارد.

کلید واژگان: گردشگری، اقلیم، تحلیل خوشه‌ای، تحلیل ممیزی.

---

۱- نویسنده مسئول: کارشناس ارشد اقلیم شناسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، M.s.najafi@ut.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی گردشگری، دانشگاه مازندران

## مقدمه

گردشگری به عنوان صنعتی پویا و فراگیر همه ارکان وجودی یک جامعه و سامانه‌های جهانی را دربرگرفته است. توسعه صنعت گردشگری به عنوان بخشی از ابعاد توسعه اجتماعی و فرهنگی هر کشور در کنار توجه به درآمد و اشتغال‌زایی دارای اهمیت بسیار است (WTO<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶: ۲۶) و صنعت گردشگری یکی از مهمترین بخش‌ها در اقتصاد جهانی (Scott, 2004: 105) و در حال تبدیل شدن به بزرگترین و پر درآمدترین صنعت در دنیاست و ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی و ۱۰ درصد از بخش اشتغال را به خود اختصاص داده است (Unwto, 2008). در توسعه صنعت گردشگری آب و هوا به همراه موقعیت جغرافیایی، توپوگرافی، چشم‌انداز، پوشش گیاهی و جانوران دارای نقش اساسی بوده (ذوالفقاری، ۱۳۸۴: ۱۳۰) و وضعیت اقلیمی یک منطقه، یکی از مهمترین محرک‌ها برای تعیین مقصد گردشگران محسوب میشود (اسکات و همکاران، ۲۰۰۴: ۱۰۵، بریتلا و همکاران، ۲۰۰۶: ۹۱۳) و با تأثیرگذاری بر منابع محیطی، طول مدت و کیفیت توریسم، سلامتی گردشگران و حتی تجارب شخصی گردشگران را کنترل می‌کند (اسکات و همکاران، ۲۰۰۴: ۶۰). آب و هوا از طریق محدود کردن زمان تفریحات و فعالیت‌های توریستی ویژه (مانند طول دوره پوشیده از برف در ارتباط با اسکی)، نیازهای تفریحی-توریستی (مانند درصد افرادی که تمایل به شنا و اردو زدن تحت شرایط ویژه را دارند) و کیفیت تجربه ی تفریحی-توریستی (مانند پیاده روی در شرایط آفتابی و گرم در مقابل باران سرد یا گرمای بیش از حد و شدید) مستقیماً بر اکوتوریسم تأثیر می‌گذارد (اسکات و همکاران، ۲۰۰۷: ۵۷۰). بنابراین یکی از اطلاعات مورد نیاز گردشگران برای سفر و انتخاب مکان مناسب برای گردشگری و گذران اوقات فراغت، آگاهی از شرایط اقلیمی منطقه در طول ماه‌های مختلف در طول سال است. برای گردشگران عناصر اقلیمی همراه با دیگر شرایط طبیعی همانند چشم‌اندازهای طبیعی و انسانی از عوامل مؤثر در تعیین مقصد گردشگران به حساب می‌آید (والش و همکاران، ۲۰۰۷: ۵۵۴).<sup>۲</sup> در ایران مطالعات مربوط به آب و هواشناسی توریسم محدود به بکارگیری یک شاخص‌های دما-فیزیولوژیک و یا اقلیم-گردشگری می‌باشد که این گونه مطالعات تنها نگاهی محدود به شرایط اقلیمی یک منطقه از منظر گردشگری تنها در ماه‌های سال می‌باشد. از جمله این مطالعات ذوالفقاری (۱۳۸۴) برای تبریز، اسماعیلی (۱۳۸۹، ۱۳۹۰) برای شهرهای مشهد، اصفهان، رشت و کیش و چاهبهار، ماتزارکیس<sup>۳</sup> (۲۰۰۷) برای آلمان، فرج‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) برای سراسر ایران، صاری صراف (۱۳۸۸) برای منطقه ارسباران

1- World Tourism Organization

2- Walsh

3- Matzarkis

اشاره کرد. در حالی که با استفاده از تکنیک‌های آماری چند متغیره، می‌توان از چند شاخص دما-فیزیولوژیک و اقلیم-گردشگری به صورت مجتمع، در تعیین مناطق مشابه و مناسب و پهنه‌بندی مناطق برای گردشگری استفاده کرد. در این مطالعه برای بررسی شرایط اقلیمی سواحل جنوبی ایران از شاخص‌های اقلیم-گردشگری TCI و دما-فیزیولوژیک دمای معادل فیزیولوژیک (PET)، درصد افراد ناراضی (PPD)، متوسط نظرسنجی پیش‌بینی شده (PMV)، مقیاس آسایش حرارتی آشرا (Thermal Sensation) استفاده شده است. سپس بر اساس روش تحلیل خوشه‌ای و تحلیل ممیزی به گروه‌بندی مناطق مشابه در مقیاس ماهانه و سالانه استفاده شد.

### مواد و روش‌ها

در این پژوهش منطقه ساحلی جنوب ایران به عنوان یک منطقه مناسب و مقصدی برای گردشگری دریایی، به عنوان منطقه مورد مطالعه انتخاب و مورد ارزیابی قرار گرفته شده است (شکل ۱). این منطقه با وسعتی حدود ۱۴۸۰ کیلومتر، در امتداد ۳۰ درجه و ۳۰ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه طول غربی تا ۲۵ درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی و ۶۰ درجه و ۲۷ درجه طول غربی قرار دارد و شامل سواحل خلیج فارس و دریای عمان می‌شود.

### شاخص‌های مورد مطالعه

جهت ارزیابی تأثیر آب و هوا بر انسان و نقش آن در مطالعات گردشگری، مدل‌ها و شاخص‌های زیادی در نیمه دوم قرن بیستم ابداع و توسعه داده شده‌اند (ماتزارکیس، ۲۰۱۰، به نقل از اسماعیلی و همکاران). از جمله این مدل‌های توان به مدل MEMI اشاره کرد. این مدل برای تعیین مقادیر آقی شارهای حرارتی و دماهای بدن انسان در محیط معین با فرض اینکه اتلاف حرارتی پوست برابر با حرارت تولید شده بوسیله خون و حرارت منتقل شده از مرکز بدن به سطح پوست باشد مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. مدل MEMI جزء مدل‌های موازنه حرارتی ترمو-فیزیولوژیک است که به عنوان اساسی برای به دست آوردن شاخص‌های PMV و PET محسوب می‌گردد (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۰). جزئیات مدل MEMI را می‌توان در منابع زیر مورد مطالعه قرار داد (ذوالفقاری و همکاران، ۱۳۸۴؛ اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۰). شاخص PET و PMV از خروجی‌های مدل MEMI هستند. شاخص دمای معادل فیزیولوژیک یا PET یکی شاخص‌های معروف دما-فیزیولوژیک است که از معادله بیلان انرژی بدن انسان مشتق شده است. در تعریف این شاخص برای موقعیت بیرون از منزل می‌توان گفت دمایی است که طی آن در یک اتاق نمونه بیلان حرارتی بدن انسان (نرخ سوخت و ساز با کار سبک ۸۰ وات بر نرخ سوخت و ساز پایه اضافه می‌شود، ارزش نارسانایی لباس در حد ۰,۹ کلو) با دمای پوست و دمای مرکزی بدن انسان در شرایط بیرون از

منزل در تعادل باشد. برای یک شخص در حالت ایستاده و لباس معمولی منزل، آسایش حرارتی مطلوب در یک دمای معادل فیزیولوژیک حدود ۲۰ درجه سانتی گراد حاصل می‌شود. در مقادیر بالای این شاخص، تنش گرما و در مقادیر پایین آن تنش سرما وجود خواهد داشت. مقیاس PMV نوعی تقسیم‌بندی احساس حرارتی است که دامنه آن از ۳٫۵- (سرد) تا ۳٫۵+ (گرم) تغییر می‌کند. صفر در این معیار نشانگر احساس حرارتی خنثی است (جدول ۱) (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۱۳۳).

جدول ۱: مقادیر آستانه شاخص‌های PET و PMV در درجات مختلف حساسیت انسان

PMV	PET <sup>°cg</sup>	حساسیت حرارتی	درجه تنش فیزیولوژیک
		خیلی سرد	تنش سرمای بسیار شدید
-۳٫۵	۴	سرد	تنش سرمای شدید
-۲٫۵	۸	خنک	تنش سرمای متوسط
-۱٫۵	۱۳	کمی خنک	تنش سرمای اندک
-۰٫۵	۱۸	راحت	بدون تنش
۰٫۵	۲۳	کمی گرم	تنش گرمایی اندک
۱٫۵	۲۹	گرم	تنش گرمای متوسط
۲٫۵	۳۵	خیلی گرم	تنش گرمای شدید
۳٫۵	۴۱	داغ	تنش گرمای بسیار زیاد

منبع (ماتزارکیس و همکاران، ۱۹۹۹ به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۸۶)

داده‌های هواشناختی مورد نیاز برای محاسبه شاخص PET و PMV عبارتند از: دمای هوای خشک، فشار بخار آب، رطوبت نسبی، سرعت باد، میزان ابرناکی. از سوی دیگر یکی از شاخص‌های معتبر برای ارزیابی آسایش اقلیمی یک منطقه، شاخص TCI می‌باشد. این شاخص می‌تواند اطلاعاتی در زمینه شرایط آب و هوایی مقصد در زمانهای مختلف سال ارائه دهد و گردشگر می‌تواند زمانی را برای سفر به آنجا انتخاب کند که دارای شرایط آب و هوای بهینه، مطلوب و دلخواه وی باشد (میکزوکوفسکی، ۱۹۸۵: ۲). بعلاوه این شاخص می‌تواند راهنمای خوبی برای شناخت مناطق با پتانسیل‌های اقلیم-گردشگری باشد تا امکان گسترش بیشتر صنعت گردشگری در آن منطق فراهم آید (فرج زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۳). این شاخص از ترکیب هفت فراسنج اقلیمی که عبارتند از: میانگین حداکثر دما، میانگین دما، میانگین حداقل رطوبت نسبی، میانگین رطوبت نسبی، مجموع بارش، میانگین ساعات آفتابی و میانگین سرعت باد به دست می‌آید و تمام این فراسنجه‌ها به صورت میانگین ماهانه استفاده می‌شوند. این شاخص دارای پنج زیر شاخص است که از ترکیب فراسنجه‌های اقلیمی بالا به دست می‌آید (جدول ۲).



جدول ۲: مقادیر و فراسنجهای اقلیمی مورد استفاده در شاخص TCI

امتیاز	تأثیر در شاخص TCI	متغیرهای اقلیمی	نماد زیر شاخص	زیر شاخص
۴۰	شرایط آسایش گرمایی در حداکثر فعالیت گردشگری	میانگین حداکثر دما، میانگین حداقل رطوبت نسبی	CID	آسایش روزانه
۱۰	شرایط آسایش گرمایی در کل شبانه روز	میانگین دما، میانگین رطوبت نسبی	CIA	آسایش شبانه روزی
۲۰	اثرات منفی بارش در گردشگری	مجموع بارش	R	بارش
۲۰	تأثیر در تابش خورشید	تعداد ساعات آفتابی	S	ساعات آفتابی
۱۰	تأثیر در میانگین سرعت باد	میانگین سرعت باد	W	جریان هوا

منبع (اسکات و همکاران، ۲۰۰۴، ۱۰۷)

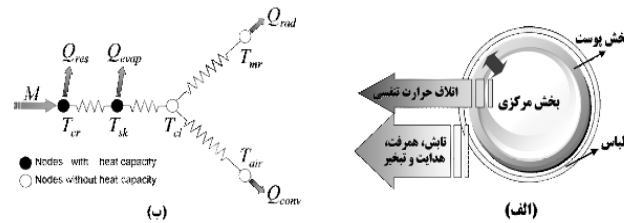
برای محاسبه شاخص TCI، با توجه به اهمیت نسبی متغیرهای بالا، رتبه بندی می‌شوند و در نهایت با استفاده از یک رابطه مقدار شاخص از دامنه ۳۰- (بسیار نامطلوب) تا ۱۰۰ (ایده آل)، محاسبه میشود. جهت آگاهی از جزئیات شاخص می‌توان به این منبع مراجعه کرد ( صاری صراف و همکاران، ۱۳۸۹).

### شاخص آسایش حرارتی (TSENS)

از میان مدل‌های ناپایای آسایش حرارتی، مدل گایج بعنوان معمول‌ترین و پرکاربردترین مدل ناپایا برای پیش‌بینی شرایط حرارتی بدن مورد استفاده قرار می‌گیرد. در مدل دو لایه‌ای گایج، بدن به صورت دو استوانه هم مرکز مدل می‌شود که استوانه داخلی نماینده مرکز بدن (اسکلت، ماهیچه‌ها و اعضای داخلی) و استوانه خارجی نشانگر پوست می‌باشد. معادله بالانس برای دولایه مدل گایج به صورت زیر بیان می‌شود (کایانکی و کیلی، ۲۰۰۵):

$$\frac{(1-\alpha)mC_{b,p}}{A_D} \cdot \frac{dT_{cr}}{d\theta} = M - W - (C_{res} + E_{res}) - Q_{cr,sk}$$

$$\frac{\alpha m C_{b,p}}{A_D} \cdot \frac{dT_{sk}}{d\theta} = Q_{cr,sk} - (K_{sk} + C_{sk} + R_{sk} + E_{sk})$$



شکل ۱: شمایی از مدل دو لایه ای گایج (الف) و سازوکارهای انتقال حرارت حاکم بر آن (ب).

در معادله بالا  $m$  جرم بدن،  $A_D$  دمای مرکز بدن،  $a$  کسر جمعی جرمی در ناحیه پوست،  $C_{p,b}$  ظرفیت گرمایی بدن (حدود  $3490 \text{ J/kg.K}$ )،  $T_{cr}$  دمای مرکز بدن،  $T_{sk}$  دمای پوست،  $\theta$  زمان،  $M$  نرخ متابولیک،  $W$  نرخ کار انجام شده توسط شخص،  $E_{res}$ ،  $C_{res}$ ، به ترتیب اتلاف حرارتی از تریق تنفس با سازوکارهای جابه جایی و تبخیر،  $Q_{cr,sk}$ ، میزان تبادل حرارت میان بخش مرکزی و پوست  $E_{sk}$ ،  $C_{sk}$ ،  $R_{sk}$ ،  $K_{sk}$  به ترتیب انتقال حرارت توسط هدایت، جابه جایی، تابش و تبخیر از پوست می باشد (ذوالفقاری و معرفت، ۱۳۹۰). شایان ذکر است که در مدل گایج تأثیر ساز و کارهای فیزیولوژیکی تنظیم دمای بدن از جمله تعرق تنظیمی، لرز و اتساع و انقباض رگها در نظر گرفته شده است. مدلسازی این ساز و کارها، با تعریف سیگنالهای حرارتی بدن صورت می گیرد. قدرت این سیگنالها به میزان اختلاف دمای پوست، مرکز و یا دمای کلی بدن با دماهای خنثی متناظر وابستگی دارد. در مدل گایج پس از محاسبه سیگنالهای حرارتی و به دست آوردن پارامترهای فیزیولوژیکی، باید هر یک از ترمهای مربوط به انتقال حرارت بدن محاسبه شود و از طریق معادلات (۳) و (۴) دمای پوست و مرکز بدن تعیین شود. مدل گایج با استفاده از دمای پوست و دمای مرکز بدن، دمای کلی بدن را محاسبه و از این طریق شاخص احساس حرارتی TSENS را تعریف می کند.

$$TSENS = \begin{cases} 0.4685(T_b - T_{b,c}) & T_b < T_{b,c} \\ 4.7\eta e(T_b - T_{b,c}) / (T_{b,h} - T_{b,c}) & T_{b,c} \leq T_b \leq T_{b,h} \\ 4.7\eta e + 0.685(T_b - T_{b,h}) & T_b > T_{b,h} \end{cases}$$

که  $e$  و  $T_{b,c}$ ،  $T_{b,h}$  فراسنجهای مشخصه دمایی بدن هستند و هریک توسط روابطی مجزا تعریف می شوند (Yigitt, 1999).

این شاخص بیانگر احساس حرارتی افراد است و با عددی بین ۵- و ۵+ نشان داده می‌شود. به طوری که هر عدد صحیح معادل یک احساس حرارتی است: ۵+ گرمای غیرقابل تحمل، ۴+ خیلی داغ، ۳+ داغ، ۲+ گرم، ۱+ کمی گرم، ۰ خنثی، ۱- کمی خنک، ۲- خنک، ۳- سرد، ۴- خیلی سرد، ۵- سرمای غیرقابل تحمل (آشرا، ۲۰۰۱). توجه به این نکته ضروری است که شاخص‌های PMV و TSENS برای ارزیابی شرایط آسایش حرارتی در استانداردها مورد استناد قرار گرفته‌اند. همچنین شایان ذکر است که شاخص PMV یک شاخص پایا است و فقط در حالتی که تغییرات شرایط فردی یا محیطی نسبت به زمان چشمگیر نباشد، قابل استفاده است. در غیر این صورت حتماً باید از شاخص TSENS استفاده کرد. بر این اساس طراحی محیط‌هایی که مدت زمان اقامت افراد در آنها کوتاه است مانند بانکها، رستوران‌ها، نمایشگاه‌ها، سینماها، آمفی تئاترها و ... باید بر اساس شاخص TSENS صورت پذیرد. ضمن اینکه احساس حرارتی در شرایط گذرا و شرایط تغییر ناگهانی شرایط محیطی توسط مدل گایج و با شاخص TSENS ارزیابی می‌شود.

### شاخص نارضایتی حرارتی

در آسایش حرارتی انسان هفت عامل مهم (چهار عامل محیطی و سه عامل فردی) مؤثر می‌باشد. اما ممکن است با وجود اینکه همه این عوامل در محدوده استاندارد باشند، اما باز هم ساکنان نسبت به شرایط حرارتی محیط ابراز نارضایتی داشته باشند. به عواملی که در خارج از حیطه مدل‌سازی مدل‌های آسایش حرارتی موجب بر هم زدن شرایط مطلوب حرارتی محیط میشوند، اصطلاحاً عوامل نارضایتی حرارتی می‌گویند. مهمترین عوامل نارضایتی حرارتی عبارتند از کوران، تابش نامتقارن، کف گرم و گرادبان عمودی دما (ASHRAE, 2001). که در این مطالعه با توجه به مطالع در بخش گردشگری، عامل اول محاسبه شده است.

### کوران

بسیار رخ داده است که به فضاهایی وارد می‌شویم که از نظر دما، رطوبت نسبی و سایر شاخص‌های آسایش حرارتی در حد ایده‌آل و قابل قبولی هستند و حتی شاید کل بدن از نظر حرارتی احساس آسایش نماید اما تنها در ناحیه مچ پا یا پشت گردن احساس سرمای موضعی وجود داشته باشد. به این احساس سرمای موضعی که به دلیل اغتشاشات جریان هوای وزشی رخ می‌دهد را اصطلاحاً کوران (Draught) می‌گویند (ذوالفقاری و معرفت، ۱۳۹۰). مطالعات فانگر و همکاران (۱۹۸۸) نشان داده است که نارضایتی ناشی از کوران (PPD) به دمای هوا، سرعت متوسط جریان هوا و شدت اغتشاشات هوای وزشی وابسته است. به طوری که:

$$PP_D = (3.143 + 0.369\bar{V}Tu)(34 - t_a)(\bar{V} - 0.05)^{0.6223}$$

در شرایط استاندارد حرارتی آسرا بیشینه مقدار مجاز برای این شاخص ۱۵ درصد است. در این پژوهش بمنظور محاسبه شاخص‌های بالا از داده‌های ماهانه فراسنج‌های اقلیمی برای دوره آماري ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۸ در ایستگاه‌های اهواز، بندر ماهشهر، بهبهان، هندیجان، امیدیه، بندرعباس، ابوموسی، جاسک، بندر لنگه، کیش، قشم، سیری، میناب، بوشهر، کنگان، بندر دیر و چابهار استفاده شده است.

### تحلیل خوشه‌ای

تحلیل خوشه‌ای یکی از مهمترین روش‌هایی است که بطور گسترده و فزاینده برای تجزیه و تحلیل داده‌های چند متغیره استفاده می‌شود (کتترینگ، ۲۰۰۶). تحلیل خوشه‌ای برای شرایطی بکار می‌رود که در آن هدف طبقه‌بندی نمونه‌ای از  $n$  مورد با  $p$  ویژگی است. در این فرایند افراد مشابه در داخل یک گروه قرار می‌گیرند. تحلیل خوشه‌ای بدلیل پیدا کردن گروه‌های واقعی و نیز کاهش داده‌ها مفید و ارزشمند است (مانلی، ۱۷۳). هدف اصلی تحلیل خوشه‌ای یافتن گروه‌های طبیعی است که می‌توانند شامل تمامی یا برخی افراد نمونه باشند (چفیلد و کوکینز، ۱۹۹۲). پایگاه داده‌ها برای انجام تحلیل خوشه‌ای شامل شاخص‌های ذکر شده در هر ایستگاه بوده که ماتریس  $19 \times 60$  را شامل می‌شود و پس از تشکیل ماتریس داده‌ها تحلیل خوشه‌ای بر اساس ادغام وارد صورت گرفت. زیرا در روش ادغام وارد میزان پراش درون گروهی به حداقل و میزان پراش برون گروهی به حداکثر می‌رسد، در نتیجه همگنی و تجانس گروه‌های حاصله به بیشینه خود میل می‌کند (مسعودیان، ۱۳۸۶، ۷). در این روش گروه‌های  $r$  و  $s$  در صورتی ادغام می‌شوند که افزایش پراش ناشی از ادغام آنها نسبت به ادغام هریک با دیگر گروه‌ها کمینه باشد. در این رابطه  $d_{rs}$  فاصله بین گروه  $r$  و گروه  $s$  بوده و  $n$  تعداد مشاهدات است.

$$d(r, s) = \frac{n_r n_s d_{rs}^2}{(n_r + n_s)}$$

همچنین در این مطالعه برای محاسبه درجه همانندی از روش فاصله اقلیدسی استفاده شده است. در مطالعات اقلیمی غالباً در مواردی که مقیاس اندازه‌گیری متغیرها متفاوت دارای دامنه‌های مختلفی باشند از فاصله اقلیدسی استاندارد شده استفاده می‌شود.

$$dr2s = (Xr - Xs)(Xr - Xs)'$$

## تحلیل ممیزی

روش تحلیل ممیزی اشاره به محدوده گسترده از روش‌های آماری دارد که برای اندازه‌گیری تفاوت‌های بین دو یا چند متغیر از مشاهدات با توجه به یک یا چند متغیر به طور همزمان طراحی شده است (اشرفی، ۱۳۹۰: ۱۲). هدف اصلی در این روش نسبت دادن روزهای جدید به گروه‌های از قبل تعیین شده با استفاده از قوانین طبقه‌بندی می‌باشد. این قوانین که توابع ممیزی می‌باشند برای شناسایی گروهی که مشاهدات به آن تعلق دارند محاسبه می‌شوند. به همین دلیل می‌توان تحلیل ممیزی را پس از انجام تحلیل خوشه‌ای و به منظور آزمون آن مورد استفاده قرار داد. با استفاده از ماتریس کواریانس و مقادیر میانگین‌های متغیرهای انتخاب شده، توابع تحلیل ممیزی محاسبه می‌شود. که به ترتیب برای شناسایی گروهی که با ویژگی‌های مشاهده مورد نظر بیشترین تناسب را دارد، استفاده می‌گردد. تحلیل ممیزی بر اساس مجموع معادلات خطی زیر محاسبه می‌شود (Kalkstein et al, 1986: 986):

$$H_k = b_{k0} + b_{k1} \times x_1 + b_{k2} \times x_2 + \dots + b_{kp} \times x_p$$

که  $(b_k)$  مقدار نمره تابع ممیزی برای گروه  $k$  و  $x_i$  مقدار متغیر  $i$  ممیزی شده (یعنی شاخص‌های آسایش اقلیمی) که تا  $p$  تعداد متغیر ادامه دارد و  $b_{kj}$  نشان دهنده ضرایبی است که تابع را به گونه‌ای تغییر می‌دهند که شباهت زیادی با تغییر پذیری گروه حقیقی دارد. ایت توابع برای هر گروه و برای هر مورد ارزیابی می‌شود. این ضرایب به گونه‌ای به دست می‌آید که نمرات گروه‌ها تا حد ممکن متفاوت باشد، ضریب توابع طبقه‌بندی ممیزی به شکل زیر است:

که  $b_{jk}$  ضریب متغیر  $j$  در معادله و متناظر با  $k$  می‌باشد.  $X_{jk}$  مقدار متغیر متمایز کننده (ممیزی) می‌باشد و  $a_{ij}$  یک عنصر از ماتریس کواریانس می‌باشد و  $nt$  تعداد کلی مشاهدات بر روی همه گروه‌ها می‌باشد.

$$b_{kj} = (n_t - y) \times \sum_{j=1}^p a_{ij} \times x_{jk}$$

$$a_{ij} = \sum_{k=1}^y \sum_{m=1}^{nk} (x_{ikm} - \bar{x}_{ik})(x_{ijm} - \bar{x}_{jk})$$

که  $y$  تعداد گروه‌ها،  $n_k$  تعداد عناصر در گروه  $k$ ،  $x_{ik}$  میانگین مقادیر در گروه  $k$  ام و  $x_{ikm}$  مقدار متغیر  $i$  برای  $m$  در گروه  $k$  می‌باشد. معکوس مقادیر این ماتریس برای تعیین مقادیر  $a_{ij}$  محاسبه می‌شود. گزاره ثابت در معادله یعنی  $b_{k0}$  نیز به صورت زیر تعریف می‌شود:

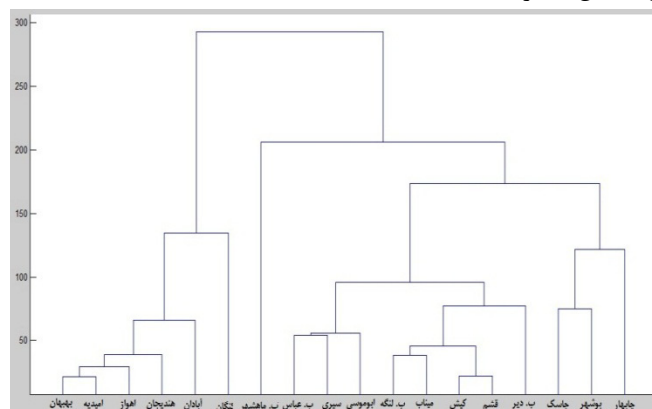
$$b_{k0} = -0.5 \times \sum_{j=1}^p b_{kj} \times x_{jk}$$

در نهایت یک تحلیل ممیزی جداگانه برای هر گروه به دست می‌آید و آن برای هر روز محاسبه می‌شود و هر روز در گروهی که دارای بیشترین نمره، یعنی بیشترین  $h_k$  است، طبقه‌بندی می‌شود (Kalkstein et al. 1986: 987).

از آنجا که بکارگیری این روش نیاز به شناخت و آگاهی قبلی از تعداد گروه‌ها دارد، می‌توان از آن برای آزمون گروه‌بندی حاصل از تحلیل خوشه‌ای بهره گرفت. بدین لحاظ در این تحقیق از روش تحلیل ممیزی برای آزمون شایستگی تحلیل خوشه‌ای استفاده شده است.

### یافته‌ها

در تحقیق حاضر همانطور که اشاره شد برای انجام تحلیل خوشه‌ای از روش فاصله اقلیدسی و روش ادغام "وارد" بهره گرفته شده است. شکل ۲ دارنمای حاصل از انجام تحلیل خوشه‌ای بر پایگاه داده‌ها را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود نواحی اقلیمی-گردشگری در سواحل جنوبی ایران در مقادیر سالانه به چهار گروه تقسیم شده است. سپس برای بررسی شایستگی هریک از این گروه‌های از روش تحلیل ممیزی استفاده شد.



شکل ۲: نمودار درختی

تحلیل ممیزی بر این اندیشه استوار است که آیا گروه‌ها نسبت به میانگین یک متغیر باهم تفاوت دارند؟ اگر چنین باشد آن متغیر برای گزینش افراد هر گروه مورد استفاده قرار می‌گیرد. متغیر ممیز کننده در واقع یک تابع خطی به نام تابع ممیزی است. اندازه ضرایب هر تابع نقش شاخص مزبور را در گروه‌بندی مشخص می‌کند. یک تابع معمولاً موجب افراز یک گروه از  $n-1$  گروه دیگر را بر عهده می‌گیرد. بنابراین در نهایت  $n-1$  تابع ممیزی ایجاد می‌شود. در اینجا  $n$  برابر تعداد گروه‌ها است. بنابر این ۳ تابع خطی ( $L$ ) برای چهار گروه به دست آمد. تابع  $L$  می‌تواند سبب تشخیص دو

گروه بسیار بیشتر از واریانس مقادیر  $L$  در داخل دو گروه می‌باشد. توابع خطی به دست آمده از تحلیل ممیزی به صورت زیر می‌باشد:

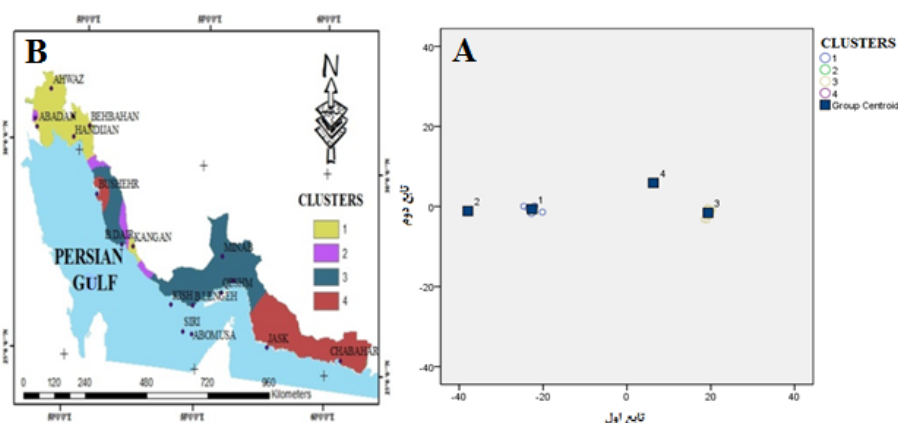
$$L_1 = -0.047_{PETJAN} + 0.039_{PETFEB} - 0.224_{PETMAR} - 0.284_{PETAPR} - 0.413_{PETMAY} - 0.396_{PETJUN} - 0.396_{PETJUL} - 0.345_{PETAUG} - 0.348_{PETSEP} - 0.15_{PETOCT} - 0.049_{PETNOV} + 0.02_{PETDEC} + 0.059_{PMVJAN} + 0.057_{PMVFEB} - 0.211_{PMVMAR} - 0.342_{PMVAPR} - 0.466_{PMVMAY} - 0.43_{PMVJUN} - 0.411_{PMVJUL} - 0.34_{PMVAUG} - 0.454_{PMVSEP} - 0.167_{PMVOCT} - 0.22_{PMVNOV} + 0.131_{PMVDEC} - 0.334_{PPDJAN} - 0.25_{PPDFEB} - 0.013_{PPDMAR} + 0.052_{PPDAPR} + 0.035_{PPDMAY} - 0.13_{PPDJUN} + 0.032_{PPDJUL} + 0.031_{PPDAUG} + 0.247_{PPDSEP} + 0.039_{PPDOCT} - 0.242_{PPDNOV} + 0.201_{PPDDEC} + 0.069_{TCIJAN} + 0.043_{TCIFEB} - 0.019_{TCIMAR} - 0.004_{TCIAPR} + 0.018_{TCIMAY} + 0.002_{TCIJUN} - 0.009_{TCIJUL} - 0.001_{TCIAUG} - 0.012_{TCISEP} - 0.013_{TCIOCT} - 0.056_{TCINOV} + 0.096_{TCIDEC} + 0.262_{TSNJAN} + 0.041_{TSNFEB} + 0.023_{TSNMAR} - 0.067_{TSNAPR} + 0.16_{TSNMAY} - 0.191_{TSNJUN} + 0.026_{TSNJUL} + 0.165_{TSNAUG} + 0.12_{TSNSEP} + 0.273_{TSNOCT} + 0.225_{TSNNOV} + 0.012_{TSNDEC}$$

$$L_2 = 0.057_{PETJAN} + 0.058_{PETFEB} + 0.159_{PETMAR} + 0.239_{PETAPR} + 0.193_{PETMAY} + 0.109_{PETJUN} + 0.011_{PETJUL} + 0.001_{PETAUG} + 0.118_{PETAUG} - 0.308_{PET} + 0.228_{PETNOV} + 0.071_{PETDEC} + 0.056_{PMVJAN} + 0.039_{PMVFEB} + 0.111_{PMVMAR} + 0.137_{PMVAPR} + 0.193_{PMVMAY} + 0.108_{PMVJUN} - 0.006_{PMVJUL} - 0.007_{PMVAUG} + 0.112_{PMVSEP} - 0.324_{PMVOCT} + 0.169_{PMVNOV} + 0.049_{PMVDEC} - 0.221_{PPDJAN} - 0.131_{PPDFEB} + 0.114_{PPDMAR} + 0.179_{PPDAPR} + 0.433_{PPDMAY} + 0.069_{PPDJUN} + 0.042_{PPDJUL} + 0.02_{PPDAUG} + 0.372_{PPDSEP} + 0.06_{PPDOCT} - 0.291_{PPDNOV} - 0.08_{PPDDEC} + 0.041_{TCIJAN} + 0.062_{TCIFEB} - 0.046_{TCIMAR} + 0.097_{TCIAPR} + 0.073_{TCIMAY} + 0.05_{TCIJUN} + 0.2_{TCIJUL} + 0.087_{TCIAUG} + 0.128_{TCISEP} + 0.107_{TCIOCT} + 0.218_{TCINOV} - 0.018_{TCIDEC} - 0.139_{TSNJAN} - 0.031_{TSNFEB} - 0.169_{TSNMAR} + 0.365_{TSNAPR} + 0.392_{TSNMAY} - 0.226_{TSNJUN} - 0.019_{TSNJUL} + 0.127_{TSNAUG} - 0.083_{TSNSEP} + 0.403_{TSNOCT} + 0.241_{TSNNOV} + 0.105_{TSNDEC}$$

$$L_3 = -0.260_{PETJAN} - 0.278_{PETFEB} - 0.289_{PETMAR} - 0.258_{PETAPR} - 0.255_{PETMAY} - 0.332_{PETJUN} - 0.312_{PETJUL} - 0.365_{PETAUG} - 0.402_{PETAUG} - 0.256_{PETOCT} - 0.281_{PETNOV} - 0.304_{PETDEC} - 0.29_{PMVJAN} - 0.311_{PMVFEB} - 0.314_{PMVMAR} - 0.354_{PMVAPR} - 0.255_{PMVMAY} - 0.343_{PMVJUN} - 0.29_{PMVJUL} - 0.357_{PMVAUG} - 0.41_{PMVSEP} - 0.273_{PMVOCT} - 0.378_{PMVNOV} - 0.299_{PMVDEC} + 0.031_{PPDJAN} + 0.171_{PPDFEB} + 0.316_{PPDMAR} + 0.12_{PPDAPR} + 0.43_{PPDMAY} - 0.023_{PPDJUN} - 0.164_{PPDJUL} - 0.123_{PPDAUG} - 0.231_{PPDSEP} + 0.081_{PPDOCT} + 0.496_{PPDNOV} - 0.305_{PPDDEC} - 0.314_{TCIJAN} - 0.2_{TCIFEB} - 0.352_{TCIMAR} + 0.152_{TCIAPR} + 0.229_{TCIMAY} + 0.054_{TCIJUN} + 0.137_{TCIJUL} + 0.219_{TCIAUG} + 0.303_{TCISEP} + 0.405_{TCIMOC} + 0.415_{TCINOV} - 0.167_{TCIDEC} - 0.138_{TSNJAN} - 0.258_{TSNFEB} - 0.371_{TSNMR} + 0.35_{TSNAPR} + 0.585_{TSNMAY} - 0.009_{TSNJUN} - 0.386_{TSNJUL} - 0.296_{TSNAUG} - 0.284_{TSNSEP} - 0.39_{TSNOCT} - 0.542_{TSNNOV} + 0.96_{TSNDEC}$$

در توابع  $L$  هر یک از ضرایب پارامترها معنایی شبیه رگرسیون دارند. به عنوان مثال در تابع اول ضریب دمای معادل فیزیولوژیک ماه ژانویه ۰,۴۷- می‌باشد. این ضریب نشان می‌دهد که به ازای

یک واحد تغییر در این شاخص، ۰,۴۷- واحد تغییر در تابع خطی اول رخ می‌دهد. شکل ۳ (الف) پراکنش یاخته‌های هر یک از گروه‌های به دست آمده از تحلیل ممیزی و همچنین مراکز ثقل هر یک از گروه‌ها را نشان می‌دهد. همانطور که ملاحظه می‌شود در گروه‌ها ۲ و ۴، یاخته‌ها دقیقاً حول محور مرکز ثقل جای گرفته‌اند. با این حال بدلیل محدودیت تعداد ایستگاه‌ها در منطقه مورد مطالعه، تعداد یاخته‌ها کم می‌باشد و این عامل سبب گردیده که نتایج تحلیل ممیزی مشابه نتایج تحلیل خوشه‌ای باشد. این نتایج نشان می‌دهد که شباهت ۰,۹۸ درصدی بین یافته‌های تحلیل خوشه‌ای و تحلیل ممیزی وجود دارد. بنابراین افزایش ایستگاه‌ها در سایر مطالعات اینچنین، می‌توان سبب افزایش اعتبار مطالعات شود.



شکل ۳: (A) پراکنش یاخته‌های گروه‌های به دست آمده از تحلیل ممیزی، (B) نقشه پهنه‌بندی گروه‌های به دست آمده از تحلیل ممیزی

### گروه‌های اقلیمی-توریستی حاصل شده شامل

گروه اقلیم-توریستی یک شامل شهرهای اهواز، بهبهان، هندیجان، امیدیه، آبادان در استان خوزستان و کنگان در استان بوشهر می‌باشد (شکل ۲، ب). گروه ۲ را تنها ایستگاه ماهشهر در بر می‌گیرد. در این خوشه مناسب‌ترین مناسب‌ترین ماه‌های سال برای حضور گردشگران، ماه آوریل می‌باشد، به گونه‌ای که متوسط دصد افراد ناراضی از شرایط اقلیمی این گروه در این ماه کمتر از ۷ درصد است. این منطقه با توجه به قرار گرفتن در منطقه ساحلی و در عین حال شرایط اقلیمی گرم‌تر از ایستگاه‌های گروه اول و شرجی‌تر نسبت به آنها در خوشه دوم قرار گرفته است. در این خوشه نیز مناسب‌ترین ماه سال آوریل می‌باشد با این تفاوت نسبت به گروه اول که متوسط افراد ناراضی در این گروه نسبت به شرایط اقلیمی کمتر از ۲ درصد است، و این نشانه مطلوبیت شرایط



اقلیمی ای منطقه برای گردشگران است. در این ماه شاخص TCI نیز در محدوده عالی و شاخص PET نیز در محدوده آسایش با ارزش ۲۱ قرار دارد.

گروه ۳، شامل ایستگاه‌های بندر عباس، ابوموسی، بندر لنگه، کیش، قشم، میناب و سیری در استان هرمزگان و بندر دیر در استان بوشهر می باشد. مناسب‌ترین ماه‌ها برای حضور گردشگران در این خوشه ماه‌های فبریه، مارس و دسامبر می باشد. شاخص TCI در این سه ماه در محدوده ایده آل تا عالی قرار گرفته و درصد افراد ناراضی نیز از شرایط اقلیمی کمتر از ۱۰ درصد است. دمای معادل فیزیولوژیک نیز در محدوده ۱۸ تا ۲۲ و شاخص TSN نیز نزدیک به صفر (یعنی شرایط آسایش) قرار گرفته که مناسب‌ترین شرایط از لحاظ شرایط دما-فیزیولوژیک برای حضور گردشگران می باشد.

گروه ۴ نیز شامل ایستگاه‌های جاسک، چابهار و بوشهر می باشد، با دمایی متعادل تر و تعداد ماه‌های آسایش بیشتر در طول سال، شرایط متفاوتی نسبت به سایر گروه‌ها دارد. در این گروه مناسب‌ترین ماه‌های سال فبریه، مارس و دسامبر می باشد، به گونه‌ای که شاخص دمای معادل فیزیولوژیک در این ماه‌ها در محدوده ۱۸ تا ۲۳ و دمای آسایش حرارتی نیز در محدوده بین ۰٫۵- تا ۰٫۷ قرار گرفته است.

#### بررسی شاخص‌های مورد استفاده به تفکیک ماه (شکل ۴)

در ماه ژانویه منطقه مورد مطالعه به ۴ خوشه طبقه‌بندی شده است که خوشه یک را ایستگاه‌های استان خوزستان و بوشهر و بندر دیر در استان بوشهر در این خوشه قرار گرفته‌اند. در این خوشه شاخص TCI با ارزش ۶۰ تا ۷۰، در محدوده خوب قرار دارد، شاخص PMV با کمتر از ۲٫۵- در محدوده تنش سرمای متوسط، شاخص PET با متوسط کمتر از ۸ در محدوده تنش سرمای متوسط، شاخص TSN در محدوده کمتر از ۱- در محدوده کمی خنک تا خنک و شاخص PPD نیز ۱۰۰ درصد می باشد، که نشان دهنده میزان افراد ناراضی از شرایط آسایش حرارتی است. در خوشه ۲ که ایستگاه‌های بندر عباس، بندر لنگه، کیش، قشم و میناب می باشد، شاخص TCI با ارزش ۸۰ تا ۹۰، در محدوده عالی قرار دارد، شاخص PMV با متوسط ۱٫۲- در محدوده تنش سرمای اندک، شاخص PET با متوسط ۱۳ در محدوده تنش سرمای اندک، شاخص TSN در محدوده کمتر از ۰٫۶- در محدوده خنک و شاخص PPD نیز ۸۰ درصد می باشد، که نشان دهنده میزان افراد ناراضی از شرایط آسایش حرارتی است. خوشه سه شامل ایستگاه‌های جاسک، سیری و چابهار می باشد، شاخص TCI و PMV مانند خوشه قبلی در محدوده عالی و تنش سرمای اندک قرار دارد، شاخص PET با متوسط ۱۵ در محدوده تنش سرمای اندک و نزدیک به محدوده آسایش، شاخص TSN در محدوده کمتر از ۰٫۴- و در محدوده خنک و شرایط آسایش و شاخص PPD نیز ۷۵ درصد می باشد. گروه آخر نیز محدود به ایستگاه کنگان است. شاخص TCI با ارزش

۵۴ در محدوده قابل قبول، شاخص PMV با ۳,۷- در محدوده تنش سرمای شدید، شاخص PET با متوسط ۳,۸ در محدوده تنش سرمای شدید، شاخص TSN در محدوده کمتر از ۱,۳- در محدوده خنک و شاخص PPD نیز ۱۰۰ درصد می‌باشد.

ماه فبریه به سه گروه دسته‌بندی شده است. گروه اول شامل ایستگاه‌های استان خوزستان و بندر دیر و کنگان در استان بوشهر است. در این خوشه شاخص TCI با ارزش بیش از ۸۰، در محدوده عالی، شاخص PMV با کمتر از ۲- در محدوده تنش سرمای متوسط، شاخص PET با متوسط کمتر از ۱۱ در محدوده تنش سرمای کم، شاخص TSN در محدوده کمتر از ۱- در محدوده کمی خنک تا خنک و شاخص PPD نیز ۱۰۰ درصد می‌باشد. گروه دوم نیز شامل ایستگاه‌های بندر عباس، جاسک، ابوموسی، بندرلنگه، سیری و چابهار می‌باشد. متوسط شاخص TCI، ۹۰ درصد و در محدوده ایده آل و میزان افراد ناراضی نیز کمتر از ۵۵ درصد است. شاخص TSN بطور متوسط ۰,۲- بوده و شاخص PET نیز با ارزش ۱۶، در محدوده کمی خنک قرار دارد. خوشه سوم محدود به سه ایستگاه قشم، میناب، کیش و بوشهر که ارزش شاخص‌های آن مشابه خوشه قبل می‌باشد، اما درصد افراد ناراضی آن کمتر و متوسط شاخص PET نیز یا ۱۷ نزدیک به آسایش است.

ماه مارس به ۵ گروه دسته‌بندی شده است. گروه ۱ شامل ایستگاه‌های اهواز، بهبهان، امیدیه و کنگان با ارزش TCI ۸۳ در محدوده عالی، دمای معادل فیزیولوژیک ۱۴، TSN ۰,۶- و درصد افراد ناراضی ۸۵ درصد، نشان از شرایط آسایش تا حدودی مطلوب قرار دارد. خوشه دو محدود به سه شهر ساحلی استان خوزستان، یعنی آبادان، هندیجان و ماهشهر است. شاخص TCI ۹۲ بوده که در شرایط ایده آل قرار دارد. PMV کمتر از ۱- در محدوده خنک بوده و درصد افراد ناراضی نیز ۷۵ درصد است. شاخص PET نیز ۱۵,۵ می‌باشد. گروه سه را ایستگاه‌های بندر عباس، ابوموسی، کیش و چابهار در بر می‌گیرد. درصد افراد ناراضی نسبت به شرایط اقلیمی در این خوشه کمتر از ۲۵ درصد بوده و شاخص TCI نیز در محدوده عالی قرار دارد. TSN نیز با ارزش ۰,۲- در محدوده آسایش قرار دارد. در این ماه مناسب‌ترین گروه برای حضور گردشگران، گروه ۴ است، ارزش TCI در محدوده عالی با درصد افراد ناراضی کمتر از ۲۰ درصد و دمای معادل فیزیولوژیک ۱۹,۵ می‌باشد. بندر لنگه، دیر و بوشهر نیز خوشه ۵ را تشکیل می‌دهد. درصد افراد ناراضی از شرایط اقلیمی در این گروه ۳۵ درصد بوده و متوسط شاخص PET نیز ۱۵ می‌باشد. شاخص TCI نیز در محدوده عالی قرار دارد.

در ماه آوریل، منطقه به ۴ گروه دسته‌بندی شده است، که گروه ۱، شامل ایستگاه‌های اهواز، سیری، آبادان و چابهار می‌باشد. در این ماه درصد افراد ناراضی از شرایط اقلیمی در این گروه ۱۲ درصد است. متوسط شاخص TCI، ۷۰ و ارزش شاخص PET، ۲۲,۸ است که در محدوده آسایش قرار دارد.

متوسط TSN نیز با ۰,۱ در محدوده آسایش حرارتی قرار دارد. خوشه ۳ را تنها ایستگاه میناب تشکیل می‌دهد. این گروه با درصد افراد ناراضی ۵ درصد، مناسب‌ترین خوشه در این ماه محسوب می‌شود. شاخص TCI نیز در محدوده عالی با ارزش ۸۱ قرار دارد. خوشه ۴ نیز ایستگاه کنگان را در بر می‌گیرد. ارزش TCI در این گروه ۸۹، PPD: ۲۴ درصد، PET: ۱۷، TSN: ۰,۲- و PMV: ۰,۵-، در محدوده خنک برای گردشگری قرار دارد. سایر ایستگاه‌ها نیز در خوشه ۲، و با کمترین درصد افراد ناراضی (کمتر از ۵ درصد)، مناسب‌ترین شرایط را برای حضور گردشگران دارا هستند.

در ماه می، با ۵ خوشه، مناسب‌ترین شرایط برای حضور گردشگران مربوط به خوشه ۵ با ایستگاه‌های کنگان و بندر دیر با با درصد افراد ناراضی کمتر از ۲۰ درصد، و شاخص TCI در محدوده خوب، دارای مناسب‌ترین شرایط برای حضور گردشگران هستند.

در ماه ژوئن، کلیه منطقه مورد مطالعه برای حضور گردشگران نامناسب است. این ماه به سه خوشه دسته‌بندی می‌شود که خوشه ۳ با ایستگاه‌های کنگان و بوشهر، از لحاظ شاخص‌های حرارتی و گردشگری دارای شرایط بهتری هستند. متوسط TCI در این خوشه ۵۶ و در محدوده قابل قبول بوده و درصد افراد ناراضی کمتر از ۷۸ درصد است.

در ماه ژوئیه با سه خوشه و همه آنها در محدوده تنش حرارتی بالا و ارزش TCI نا مطلوب و شرایط آسایش حرارتی داغ (۲-)، برای حضور گردشگران نامناسب بوده. در این بین منطقه چابهار بواسطه شرایط اقلیمی باثبات و بارش‌های تابستانه، تاحدودی نسبت به سایر شهرهای جنوبی، در شرایط بهتری قرار دارد، شاخص‌های این خوشه (۳) عبارتند از (TSN: ۱,۲؛ PMV: ۲,۵؛ TCI: ۴۲؛ PPD: ۶۱٪ و PET: ۳۳ درجه). خوشه دو نیز شامل ایستگاه‌های کنگان، بوشهر و جاسک است که با TCI ۴۴ و TSN: ۱,۳؛ PMV: ۲,۲) می‌شود.

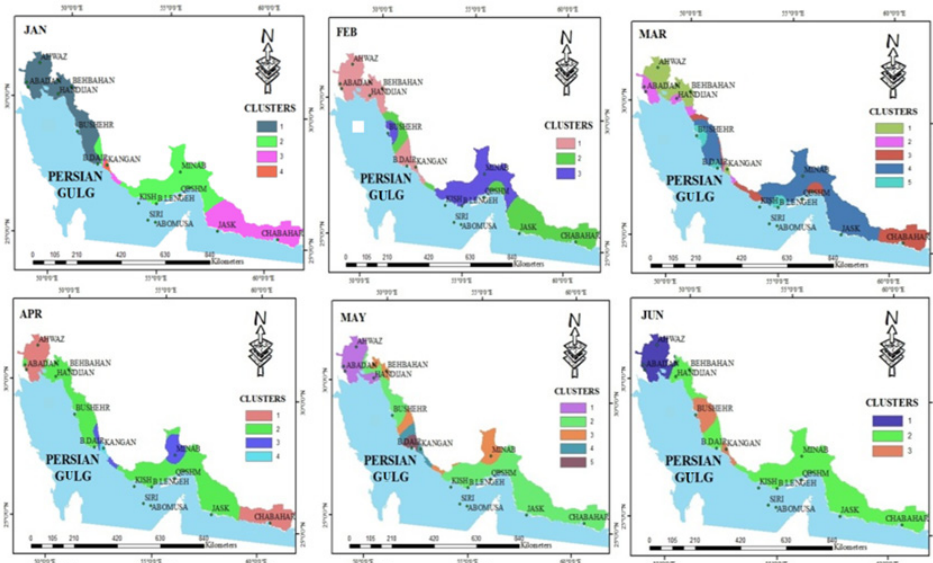
در ماه آگوست نیز هیچ یک از گروه‌ها برای حضور گردشگران مناسب نبوده و تنها ایستگاه چابهار است که شرایطی مشابه ماه قبل دارد.

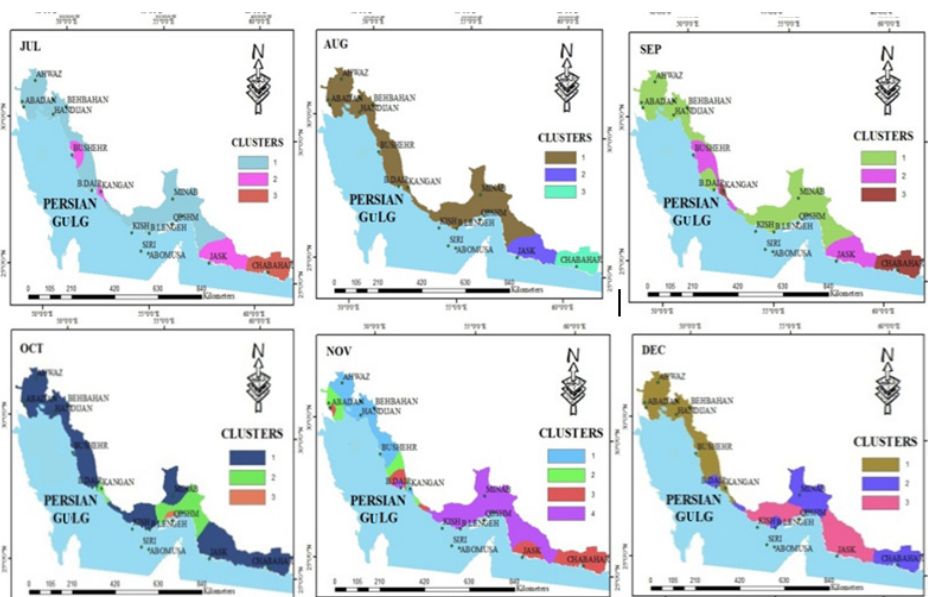
در ماه سپتامبر منطقه مورد مطالعه به سه گروه دسته‌بندی می‌شود. گروه ۲ آن شامل ایستگاه‌های بوشهر و جاسک، با شرایط TSN: ۰,۸؛ TCI: ۵۲؛ PMV: ۱,۹؛ PET: ۲۹ و PPD: ۴۷ درصد، می‌باشد. گروه ۳ نیز شامل ایستگاه‌های کنگان و چابهار بوده که مناسب‌ترین شهرها برای حضور گردشگران در این ماه هستند. شاخص متوسط درصد افراد ناراضی در این گروه ۱۴ درصد بوده که نشان از شرایط مناسب این دو شهر در این ماه است. در سایر ایستگاه‌ها که خوشه ۱ را شامل می‌شود، درصد افراد ناراضی از شرایط آسایش حرارتی بیش از ۸۰ درصد، TSN بیش از ۱,۲، TCI (۴۰ - ۵۰) و PET بیش از ۳۵ هستند.

در ماه اکتبر، تعداد خوشه‌ها به سه خوشه دسته‌بندی می‌شود. در این ماه میزان نارضایتی از شرایط اقلیمی در خوشه ۱، کمتر از ۱۲ درصد، در خوشه ۲ (ابوموسی، بندرعباس، قشم)، ۴۰ درصد و در خوشه ۳ (سیری)، ۲۰ درصد است.

در ماه نوامبر، شهرهای استان هرمزگان شامل بندر عباس، ابوموسی، بندرلنگه، کیش، قشم، میناب، سیری و بندر دیر (خوشه ۳) مناسب‌ترین شهرها برای حضور گردشگران می‌باشد. ارزش شاخص‌ها در شهرهای استان خوزستان (خوشه ۱) عبارتند از TCI: ۸۵، PMV: ۰٫۹، PET: ۱۵، TSN: ۰٫۷، و PPD: ۹۶ درصد است. در خوشه ۳ ارزش شاخص‌ها TCI: ۸۱، PMV: ۰٫۷، PET: ۲۲، TSN: ۰٫۱ و PPD: ۲۲ درصد است.

در ماه دسامبر منطقه ساحلی جنوب به سه گروه دسته‌بندی می‌شود. گروه یک شامل ایستگاه‌های اهواز، ماهشهر، بهبهان، هندیجان، امیدیه، آبادان، بوشهر و کنگان می‌شود. ارزش شاخص‌های TCI، PMV، PET و TSN به ترتیب ۷۲، ۲٫۲، ۹٫۷، ۱٫۱- و ۹۸ درصد است. ایستگاه‌های بندر عباس، بندرلنگه، میناب، بندر دیر و چابهر خوشه دوم را تشکیل می‌دهند، و از لحاظ شرایط اقلیمی برای گردشگران دارای شرایطی مشابه هستند. گروه سوم نیز شامل ایستگاه‌های جاسک، کیش، قشم و سیری می‌شود.





شکل ۴: نقشه‌های پهنه‌بندی شده گروه‌ها به تفکیک ماه (مآخذ، نگارندگان).

### نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر با بکارگیری ۵ شاخص اقلیم‌آسایی و گردشگری در منطقه ساحلی جنوب ایران و اعمال تحلیل خوشه‌ای و ممیزی، مشخص گردید که ۴ ناحیه آب و هواشناسی توریستی در این منطقه وجود دارد. اعمال تحلیل ممیزی نیز صحت نتایج حاصل از تحلیل خوشه‌ای را مورد تأیید قرار می‌دهد. سه تابع خطی از طریق تحلیل ممیزی به دست آمد که در واقع مرز بین چهار گروه را مشخص می‌کند. نتایج حاصل از تحلیل ممیزی در ۹۸ درصد از مساحت منطقه ساحلی جنوب، با نتایج تحلیل خوشه‌ای مطابقت داشت. همچنین نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که استفاده از این تکنیک نیاز به منطقه وسیع‌تر یا دارای ایستگاه‌های بیشتر دارد. گروه‌های اقلیم توریستی به دست آمده برای منطقه ساحلی جنوب عبارتند از:

(۱) گروه ۱، شهرهای اهواز، بهبهان، هندیجان، امیدیه، آبادان در استان خوزستان و کنگان در استان بوشهر می‌باشد. در این خوشه مناسب‌ترین مناسب‌ترین ماه‌های سال برای حضور گردشگران، ماه آوریل می‌باشد، به گونه‌ای که متوسط دصد افراد ناراضی از شرایط اقلیمی این گروه در این ماه کمتر از ۷ درصد است.

(۲) گروه ۲، را تنها ایستگاه ماهشهر در بر می‌گیرد. در این گروه نیز مناسب‌ترین ماه سال آوریل می‌باشد، با این تفاوت نسبت به گروه اول که متوسط افراد ناراضی در این گروه نسبت به شرایط

اقلیمی کمتر از ۲ درصد است. در این ماه شاخص TCI نیز در محدوده عالی و شاخص PET نیز در محدوده آسایش با ارزش ۲۱ قرار دارد.

۳) گروه ۳، شامل ایستگاه‌های بندر عباس، ابوموسی، بندر لنگه، کیش، قشم، میناب و سیری در استان هرمزگان و بندر دیر در استان بوشهر می‌باشد. مناسب‌ترین ماه‌ها برای حضور گردشگران در این خوشه ماه‌های فبریه، مارس و دسامبر می‌باشد.

۴) گروه ۴ نیز شامل ایستگاه‌های جاسک، چابهار و بوشهر می‌باشد. در این گروه مناسب‌ترین ماه‌های سال فبریه، مارس و دسامبر می‌باشد.

## منابع

- اسماعیلی، رضا؛ گندمکار، امیر و حبیبی نوخندان، مجید (۱۳۹۰)، ارزیابی اقلیم آسایشی چند شهر اصلی گردشگری ایران با استفاده از شاخص دمای معادل فیزیولوژیک (PET)، پژوهش‌های جغرافیای طبیعی، ش ۷۵، صص ۱-۱۸
- اشرفی، سعیده، (۱۳۹۰)، پهنه‌بندی بارش شمال غرب ایران با استفاده از روش‌های تحلیل خوشه‌ای و تحلیل ممیزی، پژوهش‌های اقلیم‌شناسی، ش ۳ و ۴: ۱-۲۰
- خوشحال دستجردی، جواد، موسوی، سید حجت، کاشکی، عبدالرضا، ۱۳۹۱، تحلیل هم‌دید طوفان‌های گردوغبار ایلام، جغرافیا و برنامه‌ریزی، ش ۲-۴۶: ۱-۲۶
- ذوالفقاری، حسن، (۱۳۸۶)، تعیین تقویم زمانی مناسب برای گردش در تبریز با استفاده از شاخص‌های دمای معادل فیزیولوژیک PET و متوسط نظرسنجی پیش‌بینی شده PMV، پژوهش‌های جغرافیایی، ش ۶۲، ۱۲۹-۱۴۱.
- ذوالفقاری، سید علیرضا و معرفت، مهدی، ۱۳۹۰، معیارهای نوین طراحی سیستم‌های سرمایش و گرمایش در ساختمان‌ها بر مبنای ایجاد شرایط آسایش حرارتی، مجموعه مقالات سومین کنفرانس بین‌المللی گرمایش، سرمایش و تهویه مطبوع.
- صافی صراف، بهروز؛ جلالی، طاهره و جلالی کمال، آذین. (۱۳۸۸). ارزیابی کلیماتوریسم منطقه ارسباران با استفاده از شاخص TCI. فضای جغرافیایی. ش ۳۰: صص ۶۳-۸۸.
- فرج زاده، منوچهر و احمد آبادی، علی. (۱۳۸۹). ارزیابی و پهنه‌بندی اقلیم - گردشگری ایران با استفاده از شاخص اقلیم - گردشگری TCI. پژوهش‌های جغرافیای طبیعی. ش ۷۱ صص ۳۱-۴۲
- مانلی، بی. اف. جی، ترجمه مقدم، محمد، محمدی شوطی، ابوالقاسم و آقایی سربزه، مصطفی، ۱۳۷۳، آشنایی با روش‌های آماری چند متغیره (ترجمه)، چاپ اول انتشارات پیش‌تاز علم.
- مسعودیان، سیدابولفضل، (۱۳۸۶)، شناسایی تیپ‌های هوای اصفهان، طرح پژوهشی دانشگاه اصفهان.
- ASHRAE, "ASHRAE Handbook fundamentals", American Society of Heating, Refrigerating, and Air-conditioning Engineers Inc., Atlanta, 2001.
- Endler, C., Matzarakis, A., 2007, Climate Change and Climate-tourism Relationships in Germany, Developments in Tourism Climatology, 260-266.
- Fanger P.O., Ipsen B.M., Langkilde G., Olesen B.W., Christensen N.K. and Tanabe S., "Comfortlimits for asymmetric thermal radiation", Energy and Buildings, 1985, Vol. 8, pp. 225-236.
- Kalkstein, L. S. et al., 1987, An Evaluation of three Clustering procedures for use in synoptic climatological classification, J of Climate and Applied Meteorology; Vol 26:717-730

- 
- Kalkstein, L. S. et al., 1989, Determination of Character and frequency change in air Mass using spatial synoptic classification , international J of Climatology, Vol 18:1223-1236.
  - Kaynakli O. and Kilic M., “Investigation of indoor thermal comfort under transient conditions”, building and Environment, 2005, Vol. 40, pp. 165-174.
  - Matzarakis A, Mayer H and Iziomon M G, 1999, Applications of a Universal Thermal Index: Physiological Equivalent Temperature, Int. J. Biometorology.43:78-84.
  - Scott, D., G. McBoyle, and M. Schwartzentruber, 2004, Climate Change and the Distribution of
  - Climatic Resources for Tourism in North America, Climate Research7:105–117.
  - UNWTO, 2008, World Tourism Barometer, Volume 6, Number 2. Madrid: United Nations
  - WorldTourism Organization World Tourism Organization. Madrid, Spain.
  - World Tourism Organization. (2006). Seminar Proceedings: International Conference on Metropolitan Tourism, Shanghai, China, 17–18 November, 2006.
  - Scott, D., Jones,B., Konopek, J.,2007, Implications of climate and environmental change for nature-based tourism in the Canadian Rocky Mountains: A case study of Waterton Lakes National Park, Tourism Management 28: 570–579
  - Mieczkowski, Z., 1985: The tourism climatic index: a method of evaluating world climates for tourism. Canadian Geographer, 29(3), 220-233.



## پیامدهای انباشتگی پلاستیکی در دریاها و اقیانوس‌ها بر روی موجودات دریایی - اقیانوسی و در سطح سلولی

دکتر مهران صفایی<sup>۱</sup>

### چکیده

این مقاله به بررسی پیامدهای مضر ناشی از ازدیاد و انباشتگی ترکیبات پلاستیکی در دریاها و اقیانوس‌ها بر روی موجودات دریایی - اقیانوسی و در سطوح سلولی و درون سلولی می‌پردازد. نزدیک به ۸۰ درصد آلودگی دریایی و اقیانوسی در سطح جهان دارای منشع در خشکی هستند و حدود ۶۰ تا ۹۵ درصد از محتوای این آلودگی‌ها و دبریس‌ها از جنس پلاستیک می‌باشند بنابراین تقریباً اکثریت زباله‌های پلاستیکی رها شده نهایتاً به دریاها می‌رسند و توسط جریانات گردابی دریایی به اقیانوس‌ها منتقل می‌یابند و سرانجام تحت جریانات قوی ورتکس وار اقیانوسی در قسمت‌های مرکزی اقیانوس‌ها معروف به لکه‌های آشغالی متراکم و متمرکز می‌گردند. توده‌های پلاستیکی در لکه عظیم فوق و سایر مناطق دریایی باعث پر کردن معده پرندگان دریایی و ایجاد سندرم گرسنگی در آنها، پدیده خفگی در ماهیان و انسداد مجاری تنفسی و مرگ لاک‌پشت‌ها دریایی می‌شوند. دبریس‌ها و پلیت‌ها ریزه پلاستیکی معلق دریایی و اقیانوسی دارای ظرفیت جذب و تراکم این سموم همانند ترکیبات بی فنل‌های پلی کلره (PCBs) و دی دی ای (DDE) و سایر آلودگی‌های هیدروفوبیک تا حدود یک میلیون بار به خود را در مقایسه با غلظت متداول این سموم و آلودگی‌های هیدروفوبیک در آب دریایی و اقیانوسی دارند. با اطلاع‌رسانی مؤثر و عمومی در مورد پیامدهای مضر ناشی از گسترش بی رویه پسماندهای پلاستیکی به محیط زیست پیرامون در وسایل ارتباط جمعی می‌تواند با بالا بردن دانش اکثریت مردم و میزان مشارکت آنها در جهت پایش و ممانعت از مصرف افراطی از محصولات پلاستیکی در جامعه و کاهش میزان دفع این محصولات افزایش داد.

**کلیدواژگان:** پلاستیک، انباشتگی، دریاها، اقیانوس، درون سلولی، خلیج فارس، مسمومیت.

## مقدمه

اکثریت جمعیت جهان در حالی در جوار سواحل دریاها و اقیانوسها جهت سکونت و مسافرت تجمع می‌یابند که بزودی با سیلابی از آشغال‌ها و زباله‌های پلاستیکی در دریاها و اقیانوسها مواجه خواهند شد. تنها در سال ۲۰۰۸ میلادی میزان مصارف پلاستیک در سرتاسر جهان حدود ۲۶۰ میلیون تن تخمین زده شد. پلاستیک موادی چند منظوره، سبک، انعطاف‌پذیر، محکم، ارزان و مقاوم به آب می‌باشند. بخاطر این ویژگی‌هاست که بشر در سرتاسر جهان تمایل زیادی به مصرف انواع محصولات پلاستیکی دارد اما دوام و آهسته بودن روند تجزیه‌پذیری پسمانده‌های پلاستیکی باعث به خطر انداختن روند طبیعت در آینده خواهد شد. در هر بازدید اجمالی به سواحل داخل کشور و یا سایر نقاط جهان گستردگی پسمانده پلاستیکی موجبات شگفتی را فراهم می‌سازد همینطور آمارها نیز دال بر روند روبه افزون انباشتگی زباله‌های پلاستیکی در سرتاسر جهان دارند. اینها شامل تن‌ها دبریس‌های پلاستیکی به اندازه‌های متغیر همانند کانتینرهای بزرگ تورهای ماهیگیری تا پلیت‌ها و ذرات میکروسکوپی پلاستیکی هستند که هر ساله در هر مکان باعث آلودگی زمین‌ها رودخانه‌ها سواحل اقیانوس‌ها و دریاها می‌شوند. در سال ۲۰۰۸ میلادی تنها در ژاپن حدوداً ۱۵۰۰۰۰ تن دبریس پلاستیک دریایی به سواحل آن کشور تخلیه گردید و در کشور هند حدوداً روزانه به میزان ۳۰۰ تن دبریس پلاستیکی در سال ۲۰۰۸ میلادی به سواحل آن کشور وارد شد.

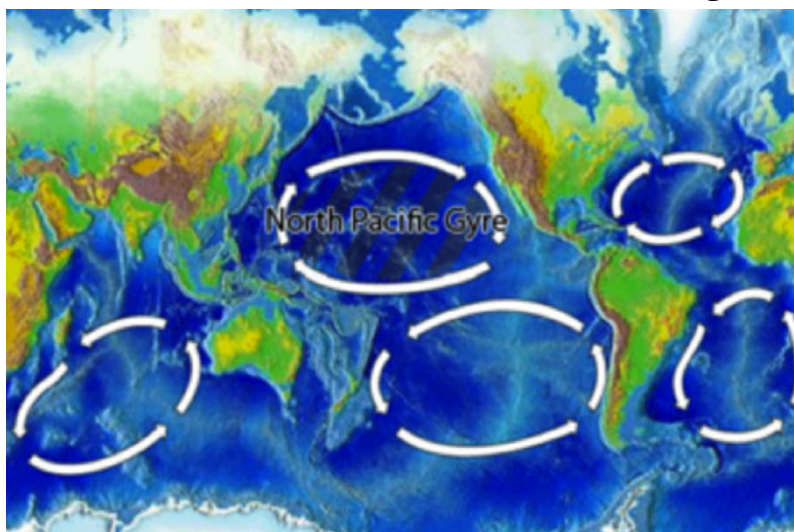
## گسترده‌ی جغرافیایی آلودگی و انباشتگی مواد پلاستیک

متخصصین سازمان ملل در مورد آلودگی دریاها و اقیانوس‌ها تخمین می‌زنند که نزدیک به ۸۰ درصد آلودگی دریایی و اقیانوسی در سطح جهان دارای منشع در خشکی هستند و حدود ۶۰ تا ۹۵ درصد از محتوای این آلودگی‌ها و دبریس‌ها از جنس پلاستیک می‌باشند (شکل ۱)



شکل ۱: سیلابی از آشغال‌ها و زباله‌های پلاستیکی در دریاها

بنابراین تقریباً اکثریت زباله‌های پلاستیکی رها شده نهایتاً به دریاها می‌رسند و توسط جریان‌های گردابی دریایی به اقیانوس‌ها منتقل می‌یابند و سرانجام تحت جریان‌های قوی ورتکس وار اقیانوسی در قسمت‌های مرکزی اقیانوس‌ها معروف به لکه‌های آشغالی (Garbag Patch) متراکم و متمرکز می‌گردند به عنوان نمونه دسته‌های چتر، خودکارها، چوب‌های بستنی و مسواک‌ها جزئی از اشیایی هستند که در تقریباً ۱۳ میلیون کیلومتر مربع مساحت بشکل لکه سوپی متراکم و شناور بر روی قسمتی از اقیانوس پاسفیک معروف به "قطعه آشغال شرقی" (Eastern Garbage Patch) یافت می‌شوند (Derraik, J.G.B. *et al.*, 2002: 842-843) که ابتدا آن در فاصله ۸۰۰ کیلومتری ایالت کالیفرنیا می‌باشد (شکل ۲) (Moore, S. L., *et al.*, 2001b: 244-245).



شکل ۲: قطعه آشغال شرقی

اکثریت این آشغال‌ها از سواحل آسیایی و آمریکایی توسط جریان‌های اقیانوسی و دریایی مکیده شده و سپس بصورت آوار پلاستیکی تجمع یافته غیر قابل تجزیه و در حال گسترش و احتمالاً بزرگتر از سطح ایالات المتحده شناور می‌باشند که نهایتاً در دریاها در اثر عوامل مکانیکی به دریس‌ها و ریزه‌های پلاستیکی تبدیل می‌شوند (Thompson R.C. *et al.*, 2004: 305-516). دانشمندان مدتهاست که معتقد هستند که توده‌های پلاستیکی در لکه عظیم فوق و سایر مناطق دریایی باعث پر کردن معده پرندگان دریایی (شکل ۳) و ایجاد سندرم گرسنگی در آنها، پدیده خفگی در ماهیان و انسداد مجاری تنفسی و مرگ لاک‌پشت‌ها دریایی می‌شوند (شکل ۴) (Moore, C. J. *et al.*, 2001a: 1299-1300).



شکل ۴: انسداد مجاری تنفسی و مرگ لاک پشت‌ها دریایی با پسمانده پلاستیکی

شکل ۳: پر کردن معده پرندگان دریایی با پسمانده پلاستیکی

### تأثیرات بر روی موجودات زنده

در برخی از سواحل همانند میدوی آتول (Midway Atoll) در اقیانوس پاسفیک میزان انباشتگی پسماندها و دبریس‌های پلاستیکی از اقیانوس به سواحل آنجا در حدی است که پرندگان دریایی این سواحل به اشتباه بجای دانه‌های غذایی از ذرات پلاستیکی به رنگ سرخ صورتی قهوه‌ای و یا آبی تغذیه می‌کنند بطوریکه تخمین زده می‌شود که حدود ۱٫۵ میلیون پرندگان لایزسان آلباترواز (Laysan Albatrosses) ساکن در میدوی آتول حامل قطعات پلاستیکی در دستگاه گوارشی خود هستند و سالیانه حدود یک سوم از جوجه‌های آنها در اثر انسداد دستگاه گوارشی با پلاستیک می‌میرند. بغیر از پرندگان، آلودگی پلاستیکی زندگی بسیاری از موجودات دریایی و اقیانوسی دیگر همانند وال‌ها، شیرها دریایی و موجودات میکروسکوپی از جمله زئوپلانکتون‌ها در سواحل و فراسواحل در سرتاسر جهان تحت تأثیر قرار داده است (Japan Coast Guard, 2003; Report of marine pollution surveys No. 29). در گزارشی در سال ۲۰۰۶ میلادی گروه سبز اعلام نموده اند که حداقل ۲۶۷ گونه‌های مختلف جانوری در اثر بلعیدن و مواجه با دبریس‌های پلاستیکی در اکوسیستم‌ها دچار مشکلات گوارشی و تغذیه‌ای می‌باشند همین‌طور بر اساس گزارش سازمان مطالعات جوی و اقیانوسی سالیانه حدوداً ۱۰۰۰۰۰۰ عدد پستاندار و میلیون‌ها پرنده و ماهیان دریایی و اقیانوسی بعلت انباشتگی دبریس‌های پلاستیکی در سرتاسر جهان می‌میرند (Saido *et al*, 2009: presented March 23 at an American Chemical Society meeting in San Francisco).

## اثرات درون سلولی و مکانیسم مسمومیت

آنچه امروز مشهود می‌باشد آنست که این ریزه‌های پلاستیکی در اقیانوس‌های با مجاورت با آلودگی‌های موجود در آبهای اقیانوسی آنها را جذب کرده و باعث تشدید سمی‌تر شدن آنها و خودشان می‌گردند. براساس تعدادی از مطالعات اخیر، دبریس‌ها و ریزه‌های پلاستیکی موجود در دریا و اقیانوس همانند اسفنجی تعدادی از مواد شیمیایی مضر شناور در آبهای دریایی و اقیانوسی جذب کرده و باعث متراکم‌تر شدن این ترکیبات در حجمی بسیار کوچک می‌گردند که در این حالت سمی‌تر و تهدیدکننده‌تر برای موجودات زنده و خصوصاً انواع دریایی و اقیانوسی می‌باشند. قسمت اعظمی از این آشغال‌های شناور دریایی که سالیانه به اکوسیستم‌های دریایی و اقیانوسی اضافه می‌گردد معمولاً بصورت پلیت‌های پلاستیکی ریز کهربایی تا قهوه‌ای به اندازه ۱ تا ۵ میلی‌متر در سرتاسر اقیانوس‌ها و دریاها و سواحل دنیا یافت می‌شوند که معادل ۸ درصد از تولید نفت سالیانه جهانی و یا معادل ۲۶۰ میلیون تن مواد خام و اولیه برای تولید سالیانه پلاستیک در جهان می‌باشند. در سال ۲۰۰۱ میلادی یاکي ماتو و همکاران (Mato, Y. et al., 2001: 318-320) از تحقیقات انجام شده برای نخستین بار نتیجه گرفتند که ریزه‌های پلاستیکی مشابه و ظاهراً غیر مضر مورد استفاده در درون اسباب بازی‌ها و عروسک‌ها قادر به جذب گسترده‌ای از انواع پاپس‌ها (POPs) (persistent organic pollutants) هستند. در مقاله سال ۲۰۰۱ میلادی او و همکارانش خصوصاً بروی بی فنل‌های پلی کلره (PCBs) که یک گروه از مواد شیمیایی بسیار خطرناک و دی‌دی‌ای (DDE) ماده تجزیه شده از حشره کش دی‌دی‌ت (DDT) تحقیق نموده بودند. در حالیکه در حال حاضر تولید بی فنل‌های پلی کلره (PCBs) بطور جهانی منع شده است و استفاده از حشره کش دی‌دی‌ت (DDT) در سرتاسر دنیا محدود شده است (Farrington, J.W. et al., 1983). اما قسمت اعظم هیچیک از این دسته از ترکیبات موجود در محیط‌های زیستی هنوز تجزیه نشده است و همینطور نیز در آبهای دریایی و اقیانوسی یافت می‌شوند بعلاوه این سموم بصورت تجمع یافته در بستر دریاها و اقیانوس‌ها ته نشین شده اند که در جریان اوج طوفان‌های دریایی و اقیانوسی این سموم ته نشین شده مجدداً به سطوح بالاتر آب منتقل می‌گردند که موجبات جذب آنها توسط دبریس‌ها و ریزه‌های پلاستیکی معلق بر روی آبهای دریایی و اقیانوسی فراهم می‌گردند (Endo S., 2005: 1109-1112). ثابت گردیده که هر دو دسته ترکیبات بی فنل‌های پلی کلره (PCBs) و دی‌دی‌ای (DDE) به عنوان عوامل اخلاک کننده برای سیستم‌های هورمونی و غدد ترشحی حساس درونی موجودات زنده محسوب می‌شوند لذا در حضور این سموم بسیاری از مکانسیم‌های طبیعی هورمونی و کنترلی بدن موجودات زنده و انسان همانند تولید انسولین، فرآیندهای مختلف متابولیکی و یا فرآیندهای تکامل جنسی مهار و یا

دچار اختلال می‌گردند (Murata, 1999: pp305-307). در تحقیقات بعدی، یاکي ماتو و همکاران (Mato, Y., 2002: pp 416-418) نشان داده‌اند که محتویات آشغالی لکه‌های اقیانوسی و دریایی خصوصاً دبریس‌ها و پلیت‌ها ریزه پلاستیکی می‌توانند همچون یک مگنت قوی این سموم خطرناک را به خود جذب نمایند و این بدین دلیل است که سمومی مانند ترکیبات بی فنل‌های پلی کلره (PCBs) و دی دی ای (DDE) بسیار هیدروفوبیک می‌باشند و بنابر این دارای میل ترکیبی و کشش بسیار زیاد برای محصولات نفتی همانند دبریس‌ها و پلیت‌ها ریزه پلاستیکی ذکر شده هستند بطوریکه این دبریس‌ها و پلیت‌ها ریزه پلاستیکی معلق دریایی و اقیانوسی دارای ظرفیت جذب و تراکم این سموم و سایر آلودگی‌های هیدروفوبیک تا حدود یک میلیون بار به خود دارند. چونکه این دبریس‌ها و پلیت‌ها ریزه پلاستیکی معلق دریایی و اقیانوسی ماحصل فرآیندها خورده شدن طیف وسیعی و بیشماری از محصولات پلاستیکی رها شده به محیط‌های زیستی از جمله تورهای ماهی گیری، پلاستیک‌های مصرفی در اسباب بازی‌ها، کیسه‌های پلاستیکی خرید، سایر ظروف یک باره مصرف و غیره خصوصاً در دریاها و اقیانوس‌ها می‌باشند. جنبه‌های مضر دیگری از انباشتگی پسماندهای پلاستیکی در اقیانوس‌ها و دریاها را سایدو و همکاران (Saido *et al.*, 2009: presented March 23 at an American Chemical Society meeting in San Francisco) در سال ۲۰۰۹ میلادی در انجمن ملی آمریکا گزارش کردند که مطالعات آنها دلالت بر آن دارد که در شرایط آب دریایی و اقیانوسی و درجه پایین دمایی از تن‌ها ضایعات پلاستیکی موجود مقادیر قابل توجهی مواد سمی به نام‌های بیس فنل آ (bisphenol A) و پی اس اولیگومر (PS oligomer) آزاد و به آب دریاها و اقیانوس‌ها رها می‌شوند این‌ها مواد شیمیایی سمی هستند و پس از ورود به بدن موجودات زنده هضم شده و سپس در مکانیسم‌های متابولیکی بدن وارد گشته و آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. تامسون و همکاران (Thompson *et al.*, 2005: 1117) نیز تاکنون مقادیر قابل توجهی از ذرات پلاستیکی در نمونه‌های آبهای جمع‌آوری شده از سواحل و آبهای دریایی - اقیانوسی از اروپا، آمریکا، استرالیا، آفریقا و قطب جنوب گزارش نموده‌اند که قطر آنها کمتر از موی سر انسان هستند و برخی از آنها با چشم مسلح قابل رویت نمی‌باشند و به اشک‌های میرامید (mermaids tears) مشهور هستند با این وجود، اینها نیز بر راحتی در سیستم‌های موجود در طبیعت پروسه و تجزیه نمی‌شوند و تنها تا مدت‌ها بصورت معلق در آبهای دریایی - اقیانوسی سرگردان می‌باشند تا نهایتاً توسط جانوران دریایی و ژئوپلانکتون‌ها بلع‌ت شباهت ظاهری با دینوفلاژل‌ها بلعیده شوند.

### به خطر انداختن چرخه غذایی

پس از بلعیده این ذرات پلاستیکی توسط گروهی از موجودات دریایی زئوپلانکتون‌ها که شامل روتی فایرها (rotifers)، کوپه‌پودها (copepods)، کی‌ریل‌ها (krill) و لاروهای می‌شوند آلودگی و مسمومیت درون سلولی در سطح میکروسکوپی آغاز می‌گردد و همینطور در سطح چرخه غذایی نیز آلودگی زنجیره‌های غذایی کلید می‌خورد بدین ترتیب این پروتوزئوآ با آلودگی درون سلولی، مسموم و محتملاً بیمار توسط جانوران رده بعدی چرخه غذایی همانند ماهیان مورد تغذیه قرار می‌گیرند و باعث آلودگی درون سلولی و مسمومیت سلولی آنها می‌شوند و نهایتاً انسان‌ها نیز محتملاً پس از تغذیه از آنها گرفتار پیامدهای ناشناخته ناشی از آلودگی و مسمومیت درون سلولی با ذرات پلاستیک انباشته در سلول‌ها در سال‌های آتی می‌شوند (Derraik, J.G.B. *et al.*, 2002: 846-849).

### نتیجه‌گیری و راهکارها

لذا افزایش تولید و مصارف روز افزون این محصولات نفتی هیدروفوبیک منجر به تجمع غیر قابل تصور آنها در سطح و بستر و سواحل دریاها و اقیانوس‌ها و پر شدن اعماق و احشای بسیاری و بی‌شماری از موجودات دریایی منجمله ماهیان پرندگان، پستانداران دریایی، خزندگان و غیره می‌گردند و حتی عده‌ای از دانشمندان عقیده دارند که برخی از گونه‌های جانوری خصوصاً دریایی و اقیانوسی محتملاً فعالانه بعلت تشابه ظاهری این دبریس‌ها و پلیت‌ها ریزه پلاستیکی به تخم ماهیان اقدام به خوردن و بلعیدن این ریزه پلاستیک‌ها می‌نمایند که بتدریج باعث بروز سندرم گرسنگی مزمن در آنها می‌شوند و یا در صورت سمی بودن این ریزه پلاستیک‌ها با ترکیبات هیدروفوبیک، این سموم بتدریج از این ریزه‌های پلاستیکی به حالت محلول و یا معلق در مایعات هضمی اعماق و احشاء موجودات زنده دریایی- اقیانوسی و انسان در می‌آیند و سپس جذب جریان عمومی خون شده و نهایتاً در بافت‌های منجمله غدد ترشحی موجودات زنده و یا انسان تجمع می‌یابند و حتی محتملاً باعث ایجاد مسمومیت و عوارض برای موجودات زنده و در سطح سلولی می‌شوند. بنابر این ادامه روند کنونی از نظر گستردگی آلودگی‌ها و پسمانده پلاستیکی در آتی می‌تواند حیات موجودات زنده خصوصاً موجودات دریایی و اقیانوسی و در نهایت انسان را به خطر می‌اندازد لذا این ضرورت در سرتاسر دنیا احساس می‌گردد که مدیریت سیستماتیک و راهکارهایی بازدارنده توسط مراجع ذیصلاح مانند دول و سایر مراجع قانون گذاری جهت پایش و یا کاهش دفع پسمانده‌ها و دبریس‌های پلاستیکی در سرتاسر جهان اعمال گردد خصوصاً آنکه اغلب منشع آلودگی‌ها در خشکی می‌باشند همچنین با اطلاع‌رسانی مؤثر و عمومی در مورد پیامدهای مضر ناشی از گسترش بی‌رویه پسمانده پلاستیکی به محیط زیست پیرامون در وسایل ارتباط جمعی

می‌تواند با بالا بردن دانش اکثریت مردم و میزان مشارکت آنها در جهت پایش و ممانعت از مصرف افراطی از محصولات پلاستیکی در جامعه و کاهش میزان دفع این محصولات افزایش داد. در برخی از کشورها همانند ژاپن، هم‌اکنون دولت بدنبال اعمال و بازرسی مرتب و منظم سواحل و صنایع مربوطه جهت نظارت و کنترل بیشتر بر میزان تولید پسماندها و دبریس‌های دریایی می‌باشند.



## منابع

- 1- Derraik, J.G.B. (2002) The pollution of the marine environment by plastic debris : a review. *Marine Pollution Bulletin* 44, 842-852.
- 2- Endo, S., Takizawa, R., Okuda, K., Takada, H., Chiba, K., Kanehiro, H., Ogi, H., Yamashita, R., and Date, T. (2005) Concentration of Polychlorinated Biphenyls (PCBs) in Beached Resin Pellets: Variability among Individual Particles and Regional Differences. *Marine Pollution Bulletin*, 50(10):1103-14.
- 3- Farrington, J.W., Goldberg, E.D., Risebrough, R.W., Martin, J.H., and Bowen, V.T. (1983) U.S. "Mussel Watch" 1976-1978: An overview of the trace-metal, DDE, PCB, Hydrocarbons, and artificial radionuclide data. *Environ. Sci. Technol.* 17,
- 4- Mato, Y., Isobe, T., Takada, H., Kanehiro, H., Ohtake, C., and Kaminuma, T. (2001) Plastic Resin Pellets as a Transport Medium for Toxic Chemicals in the Marine Environment. *Environmental Science and Technology* 35, 318-324.
- 5- Mato, Y., Takada, H., Zakaria, M.P., Kuriyama, Y., and Kanehiro, H. (2002) toxic chemicals contained in plastic resin pellets in the marine environment-spatial difference in pollutant concentrations and the effects of resin type. *Kankyo kagakuishi* 15,415-423.
- 6- Moore, C.J., Moore, S. L., Leecaster, M.K., and Weisberg, S.B. (2001a) A comparison of plastic and Plankton in the North Pacific Central Gyre. *Marine Pollution Bulletin* 42,1297-1300.
- 7- Moore, S. L., Gregorio, D., Carreon, M., Weisberg, S.B. and Leecaster, M. K (2001b) Composition and distribution of beach debris in Orange County, California. *Mar. Pollut. Bull.* 42, 241-245
- 8- Murata, T. (1999) The Endocrine Disruptors Contained in the plastics. *Chemical Engineering* 63, 305-309.
- 9- Japan Coast Guard (2003) Report of marine pollution surveys No. 29, results of surveys in 2001., Hydrographic and Oceanographic Department, Japan Coast Guard: Tokyo
- 10- Saido *et al* (2009) presented March 23 at an American Chemical Society meeting in San Francisco. [http://www.consol.co.za/irj/go/km/docs/site/pages/useful\\_articles\\_13.html](http://www.consol.co.za/irj/go/km/docs/site/pages/useful_articles_13.html)
- 11- Thompson R.C., Olsen Y., Mitchell R.P., Davis A., Rowland S.J., John A.W.G., McGonigle D and Russell A.E. (2004). Lost at sea: where is all the plastic? *Science* 304: 838.
- 12- Thompson R.C., Moore C., Andrady A., Gregory M., Takada H. and Weisburg S. (2005) New directions in Plastic Debris. *Science* 310: 1117



## مناطق آزاد تجاری و صنعتی و تأثیر آن بر توسعه منطقه خلیج فارس

دکتر سید علی اکبر هاشمی راد<sup>۱</sup>

### چکیده

خلیج فارس در قرن‌های گذشته از مهم‌ترین مناطق جهان به‌شمار می‌آمده است و در دهه‌های اخیر همچنان در سیاست‌های جهانی نقش مهمی را داراست. یکی از الگوهایی که تکمیل‌کننده زنجیره توسعه صادرات در خلیج فارس و جذب سرمایه‌های خارجی، ایجاد مناطق آزاد تجاری است که ایران از نظر موقعیت جغرافیایی و وجود الزامات اجرایی این الگو حایز بهترین شرایط است با توجه به این که کشور ایران در آستانه تغییر اس سیاست اتکا از صدور نفت به توسعه صادرات غیرنفتی می‌باشد لازم است الگوهای مختلف و موفق دیگر کشورها را برای انجام این مقصود بررسی نموده تا با انتخاب بهترین گزینه وظیفه خطیر خود را در قبال نسل حاضر به نسل‌های آینده به خوبی ایفا نماید امروزه کشورهای متفاوتی اعم از توسعه یافته و در حال توسعه با توجه به ویژگی مناطق آزاد تجاری صنعتی برای دستیابی به هدف‌هایی نظیر توسعه اقتصاد ملی، جذب سرمایه‌های خارجی، استفاده از برتری‌های نسبی، ایجاد فرصت‌های شغلی، تربیت نیروی انسانی، افزایش درآمدهای ناشی از فعالیت‌های خدماتی، افزایش کارایی اقتصاد ملی، توسعه منطقه ای و تبدیل بخش‌های عقب مانده به قطب‌های توسعه، اقدام به ایجاد مناطق آزاد تجاری صنعتی نموده‌اند. منطقه آزاد، قلمرو معینی از سرزمین اصلی است که در آن، تجارت آزاد با سایر نقاط جهان با قوانین خاص و متفاوت از سرزمین اصلی مجاز شناخته شده است. این مناطق با ایجاد مشوق‌ها و معافیت‌های متنوع سعی دارند که سرمایه‌گذاری خارجی را جذب و آن را در تولید کالاهای صادراتی مورد استفاده قرار دهند. سپس با صادرات این کالاها کشور از آثار و مزایای مثبت صادرات و تجارت نظیر ایجاد اشتغال، رشد اقتصادی، توسعه منطقه ای و... برخوردار نمایند. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا مناطق آزاد توانسته‌اند آثار مثبت در توسعه کشورهای در حال توسعه داشته باشند؟ همچنین با توجه به ایجاد چندین منطقه آزاد تجاری صنعتی در کشور، عملکرد آنها در ایران چگونه بوده است؟ مطالعه حاضر به منظور پاسخگویی به سوالات مذکور به بررسی روند تاریخی تاسیس مناطق آزاد و ارزیابی عملکرد مناطق آزاد در کشورهای در حال توسعه و ایران اقدام نموده و سپس به تشریح نقش، آینده آن در پرتو اقتصاد دانایی محور و جهانی شدن اقتصاد پرداخته و سرانجام پیشنهادهای کاربردی برای بهبود عملکرد این مناطق ارائه نموده است.

**کلید واژگان:** منطقه آزاد تجاری و صنعتی، توسعه اقتصادی، منطقه خلیج فارس.

## مقدمه

خلیج فارس به‌عنوان منطقه‌ای ژئوپلتیک ایرانی-عربی و به دلیل حساسیت جغرافیایی در برداشتن ذخایر عظیم گاز و نفت همواره مورد توجه کشورهای مجاور و جهان بوده است. هشت کشور ایران، عراق، عربستان سعودی، عمان، کویت، قطر، بحرین، امارات متحده عربی خلیج فارس را احاطه کرده‌اند. یکی از مسائلی که باعث اهمیت بیش‌تر خلیج فارس شده است و به تبع نفت و گاز مطرح است وجود تنگه استراتژیک هرمز در خلیج فارس می‌باشد از زمان اکتشاف نفت در کشورهای خلیج فارس در اوایل قرن بیستم، رقابت خارجی همواره از مسایل اساسی این منطقه بوده است. قدرت‌های خارجی به ویژه نیروهای غربی همواره در صدد اعمال نظر در سیاست‌های داخلی کشورهای خلیج فارس بوده‌اند و تلاش داشته‌اند متحدان محلی موردنظر خویش را در جهت منافع خود به کار گیرند. جنگ نفت کش‌ها در ادامه جنگ تحمیلی ایران و بحرین کویت در سال ۹۱-۱۹۹۰ از بحران‌های سال‌های اخیر در خلیج فارس بوده است. اختلافات ایران و امارات متحده عربی بر سر مالکیت جزایر سه‌گانه و اختلافات قطر و بحرین بر سر تعدادی از جزایر و اختلافات کویت و عربستان و کویت و عراق در خصوص منطقه بی‌طرف از نقاط اختلاف برانگیز مالکیت در عرصه حکومتی این خلیج است و دعوایی دال بر مالکیت هر فضای جغرافیایی عمدتاً مبتنی بر مسایل تاریخی و شیوه مدیریت در تاریخ است در این مقاله ابتدا چالش‌های موجود در خلیج فارس را از نظر ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک بررسی می‌کنیم و سپس منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس را (به اختصار منطقه ویژه می‌نامیم) که جزئی از خلیج فارس می‌باشد بررسی می‌کنیم و در نتیجه فرایند تنش‌های واردشده از درون ساختار منطقه ویژه و تنش‌های بیرونی خلیج فارس بر مدیریت سیاسی منطقه ویژه بررسی می‌شود.

## خلیج فارس

درخت ایران ریشه در خلیج فارس دارد. مورخین عقیده دارند که خلیج فارس گاهواره تمدن عالم یا مبدا پیدایش انسان‌هاست و ساکنان باستانی آن نخستین انسان‌هایی بوده‌اند که دریانوردی را آموخته‌اند، کشتی ساخته‌اند و در امواج خروشان دریا نشسته‌اند تا خاور را به باختر پیوند زنند. بدیهی است خلیج فارس به علت راه داشتن به دریاهای آزاد در طول تاریخ کانون توجه باشد. ساکنان سواحل خلیج فارس یعنی اقوامی چون ایلامی‌ها، آشوری‌ها، سومری‌ها، آکدی‌ها، بابلی‌ها و پارسی‌ها در طی تاریخ بنیانگذار تمدن‌های درخشانی بوده‌اند. در این دریا اقوامی همچون مصری، یونانی، سومری، هندی، فینیقی، پارسی، مقدونی و عرب به دریانوردی پرداخته‌اند. وقتی به یاد بیاوریم که این دریا در قلب زیستگاه کهن‌ترین اقوام دوره‌های باستان از قبیل آکادی‌ها، ایلامی‌ها،

سومری‌ها، کلدانی‌ها، آشوری‌ها، بابلی‌ها، مصری‌ها، کنتانی‌ها و فینیقی‌ها و نوردیک‌ها بوده‌است، پی‌خواهیم برد که خلیج‌فارس قبل از ورود آریایی‌ها، راهی برای ارتباطات بازرگانی دنیای قدیم بوده‌است.

### ژئوپلتیک خلیج فارس

«حکومت بعد عمودی سازمان سیاسی است که بر پایه‌ی رضایت عموم و در لباس قانون اساسی در یک گروه انسانی ویژه فرم می‌گیرد و سرزمین بعد افقی این سازمان سیاسی است که صورت فیزیکی دارد به گفته دیگر سرزمین جایگاه جغرافیای حکومت است و درحالی که حکومت سازمان دهنده سرزمین است واحدهای سازمان یافته سیاسی در گذشته به مفهوم حکومت سرزمینی Territorial State شناخته می‌شدند که بعدها به صورت حکومت ملی (حکومت بر اساس مفهوم ملت Nation State) (غیر مفهوم دادند) «مفهوم حکومت، به گونه باستانی‌اش در ایران، بی‌تردید از زمان هخامنشیان وجود خارجی پیدا کرد، از هنگامی که مفهوم سرزمین با مفهوم حکومت پیوندی جدایی ناپذیر یافته و سرزمین با برخورداری از سرحداتی مشخص، مفهوم فیزیکی مجردی در ایران زمین پیدا کرد. در حالی که انسان روزگاران باستان با مفهوم سرحدات سرو کار داشت توجه انسان امروز در رابطه با پیرامون قلمرو خود، به تبعیت مرزها تعلق دارد. مرز، به مفهوم کنونی در روزگار باستان وجود نداشت. انسان باستانی انتهای قلمرو خود را سرحد می‌شناخت. به این ترتیب، سرحد قدیم و مرز جدید است. سرحد نگاه به بیرون دارد و مرز نگاه و محدود کردن در درون از این زاویه خلیج فارس سرحدو نقطه پرواز ایران محسوب می‌گردد. اهمیت مرزها و حدود در این منطقه یکی از مهمترین اولویتهای دستور کار سیاسی- اقتصادی دولت‌های حاشیه‌ای است، چرا که این خطوط مرزی از روی منابع غنی عبور می‌کنند و عمدتاً سطح این منابع با سطح افق موازی نیست و لذا بسته به شیب منابع طبیعی، بهره برداری یکسان دویا چند کشور از آن میسر نمی‌باشد» ژئوپلتیک به ساده‌ترین بیان به پراکندگی جغرافیای قدرت در جهان و مطالعه روابط ساختاری میان آن‌ها می‌پردازد.» از آن‌جا که درسمت دیگر جغرافیای خلیج فارس کشورهای عربی امروز قراردارند که اگر از کشور عراق در انتهای خلیج به سمت دریای مکران پیش‌روی کنیم کشورهای را خواهیم دید که غالب آنان حدود یک قرن است که با حمایت‌های دولت‌های استعمارگر در جهت تجزیه حکومت‌های منطقه و عدم وجود دولت قدرتمند در خلیج فارس سامان گرفته‌اند. غالب این حکومت‌ها یا خراج‌گذار حکومت‌های ایرانی بودند و مردمانشان چه عرب چه ایرانی شهروند ایرانی محسوب می‌شدند یا جزئی از امپراتوری عثمانی محسوب می‌شدند. استعمارگران انگلیسی پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی با تحت‌الحمایه کردن شیوخ سواحل جنوبی

خلیج فارس، کشورهایی را در ابتدا با مرزهای نامشخص ایجاد نمودند. آنان با فرستادن زبده‌ترین کارگزاران خویش به منطقه در تحکیم قدرت استعماری خویش کوشیدند. با توجه به این نکته در می‌یابیم که اکثر مشکلات مرزی امروز در منطقه و عدم توافق بر سر مرزهای میان دولت‌ها باعث شده است برخی کشورهای منطقه با همسایگان خود مشکل پیدا کنند. این امر بر مباحث مربوط به مرزهای ایران نیز تاثیر گذار بوده است کناره ساحلی جنوب ایران جهت رونق زندگی خویش ناگزیر به ارتباط با همسایگان خویش در این دریا بوده‌اند. در قدیم ایالت‌های خوزستان، فارس، کرمان و مکران از ایران با این دریا ارتباط داشته‌اند و در تقسیمات امروزی ایران: خوزستان، بوشهر، هرمزگان، سیستان و بلوچستان خلیج فارس را احاطه کرده‌اند.

### وضعیت ژئواستراتژیک و نظامی خلیج فارس

ژئواستراتژیک به بررسی روابط فیما بین استراتژی و عناصر جغرافیایی می‌پردازد. حوزه خلیج فارس به دلایل شرایط توپوگرافی و ویژگی‌های ژئواستراتژیکی خاصی را به برخی از کشورهای حوزه داده است که در رأس این کشورها ایران است. از نظر ژئواستراتژیکی و نظامی خلیج فارس منطقه‌ای بسیار حساس و ویژه است و موقعیت ممتازی دارد، از آن جایی که خلیج فارس و تنگه هرمز کشورهای حاشیه‌اش را با اقیانوس هند مرتبط می‌کند، باعث شده است به صورت یک منطقه عملیاتی در استراتژی نظامی مورد توجه قرار گیرد. خلیج فارس و تنگه هرمز از بعد نظامی برای دو منطقه فلات ایران و شبه جزیره عربستان اهمیت حیاتی دارد. در مورد ایران باید گفت که در صورتی که ایران نقشی در کنترل تنگه هرمز نداشته باشد عملاً کارایی نیروی دریایی خود را از دست می‌دهد و تنها می‌تواند به نیروی زمینی خود تکیه نماید و در این صورت در موازنه قدرت در منطقه دچار مشکل جدی خواهد شد. اهمیت ژئواستراتژیکی تنگه هرمز برای ایران بسیار با اهمیت‌تر از کشورهای شبه جزیره عربستان می‌باشد. و خلیج فارس و تنگه هرمز به دلیل قرار داشتن در مسیر انتقال نفت مورد نیاز جهان صنعتی به عنوان یک نقطه کنترلی و اعمال فشار بسیار مورد توجه است. لذا از تنگه هرمز به عنوان نقطه کنترل و اعمال فشار که اهمیت استراتژیکی خاصی نیز دارد، یاد می‌شود. زیرا قطع صدور نفت از این تنگه، جهان را با بحران سختی روبرو می‌کند و هر چند تهدید آمیز و کوتاه مدت هست اما اهرمی است که می‌توان به کمک آن به منافع استراتژیک آمریکا و قدرت‌های فرامنطقه‌ای آسیب وارد ساخت.

### جایگاه خلیج فارس در کشمکش‌های ژئواستراتژیک

مسئله تأمین امنیت آن هم در ابعاد گوناگون آن در مقیاس استراتژیک در ارتباط با نظام سیاسی بین الملل و مناطق ژئوپولیتیکی است و این نیاز همیشه بزرگترین و اساسی‌ترین هدف قدرت‌های جهانی بوده است، به‌ویژه این‌که در قرن بیست و یکم با توجه به تحولاتی که این مفهوم پیدا کرده است دیگر جنبه‌های ملی و منطقه‌ای مطرح نیست بلکه مقیاس جهانی است، به این معنی که در استراتژی ژئوپولیتیک آن‌ها یا به عبارت ساده‌تر شرح وظایف کشور مناطقی برای آن‌ها ارزش حیاتی دارد که با نفوذ و نظارت در آن‌ها بتوانند اهداف استراتژیک خود را جامه عمل بپوشانند. امروزه جهانی شدن، مفاهیم زمان و مکان در نتیجه روند جهانی شدن و توسعه سریع تکنولوژی ارتباطات که مفهوم مولفه‌هایی چون امنیت، ژئوپلیتیک، تدابیر نظامی، قومیت، هویت و ناسیونالیسم - که همگی در منطقه زرخیز خلیج فارس به نحوی دخیل هستند - را دگرگون نموده و بعد جدیدی به مناسبات اقتصادی کشورها بخشیده است ولی هرگز از اهمیت جهانی منطقه نکاسته است، بلکه جهانی شدن ابزاری است بالقوه برای تعامل و دوستی هرچه بیشتر میان ایران و کشورهای عربی منطقه خلیج فارس. همانگونه که به اثبات رسیده است تفاوت‌های نژادی و زبانی به ندرت دلیل اصلی اختلاف و مخاصمه هستند. بنابراین بیهوده و نابخردانه است که ادعا شود ایرانی بودن و عربی بودن مانع از گسترش مناسبات دوستانه در منطقه خلیج فارس است.

### نگاهی به امنیت خلیج فارس و نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای در آن

از زمان اکتشاف نفت در کشورهای خلیج فارس در اوایل قرن بیستم، رقابت خارجی همواره از مسایل اساسی این منطقه بوده است. قدرت‌های خارجی به ویژه نیروهای غربی همواره در صدد اعمال نظر در سیاست‌های داخلی کشورهای خلیج فارس بوده‌اند و تلاش داشته‌اند متحدان محلی مورد خویش را در جهت منافع خود به کار گیرند. به طوری که ملاحظات و نقطه نظرهای سیاسی کشورهای مذکور را مد نظر داشته باشند. «سیاست نفتی آمریکا در منطقه این است که قیمت نفت را در حدی نگاه دارد که منابع نفتی‌اش استخراج گردد و به صورت صد در صد وابسته نخواهد بود گرچه سطوح وابستگی اروپاییان به منابع نفت و گاز خلیج فارس بسیار متفاوت است و کشورهای اروپایی در شرایط بحرانی این منطقه ترجیح می‌دهند منابع تأمین انرژی خود را از حالت انحصاری خارج و آن را متنوع نمایند، در هر صورت نزدیکی جغرافیایی، حجم منابع و بازار بزرگ منطقه، صرف نظر نمودن اروپا از منابع نفت و گاز خلیج فارس را در آینده ناممکن کرده است سیاست گذاران ایرانی می‌کوشند استراتژی مشخصی را برای به حداکثر رساندن بازدهی امکانات جغرافیایی از راه ارتباط دادن دریای خزر به خلیج فارس به اجرا بگذارند. به این معنا که با مشارکت دادن

کشورهای شمال ایران در خلیج فارس بر حضور کشورهای غیر عرب ذینفع در خلیج فارس بیافزایند و امکان دسترسی و مشارکت مستقیم آنان در خلیج فارس را ایجاد نمایند.

### ژئواستراتژیک شیعیان خلیج فارس

نحوه‌ی توزیع و پراکندگی جمعیت‌های شیعی کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس، از جنبه‌های مختلف اهمیت دارد. در برخی از این کشورها همانند امارات متحده‌ی عربی، عربستان، عراق و عمان، حضور آن‌ها را به صورت متمرکز در برخی شهرها شاهدیم که این تمرکز، از جنبه‌های مختلف می‌تواند برای این کشورها خطرآفرین باشد. زندگی دسته‌جمعی شیعیان به حس مشترک محرومیت دامن زده و زندگی جمعی، جسارت و شهامت مبارزه را تقویت نموده، احتمال شورش و اغتشاش آنان بر ضد دولت‌های متحجر عربی را افزایش می‌دهد. و ترس کشورهای عربی را برانگیخته است. دلیل آن وجود کشوری قدرتمند مانند ایران می‌باشد که کانون همه شیعیان جهان محسوب می‌شود و نقشی اساسی در تامین امنیت و انرژی خلیج فارس برعهده دارد.

### ژئواکونومیک خلیج فارس

#### نقش ژئواکونومیک در دنیای سیاسی امروز

در نظام جدید جهانی مناطق ژئواکونومیک اهمیت بیشتری خواهند داشت، در حالی که در نظام دوقطبی، مناطق ژئوپلیتیک اهمیت زیادی داشتند. نظریه پردازهای آمریکایی به خوبی دریافته‌اند که در توازن قدرت‌های آینده، برتری از آن قدرتی خواهد بود که بر مناطق ژئواکونومیک و به ویژه دارای منابع غنی انرژی تسلط داشته باشد. از نظر آن‌ها هر کشوری که بر خلیج فارس تسلط داشته باشد، بر جهان مسلط خواهد بود.

### نفت و گاز در خلیج فارس

نفت و گاز یکی از منابع بسیار مهم تولید انرژی است و از بین ۷ ماده معدنی ۷۰ درصد انرژی از نفت تأمین می‌شود. مطابق برآوردهای علمی، ذخایر اثبات شده نفت خام جهان در حدود ۷۰۰ میلیارد بشکه است و پیش‌بینی می‌شود حدود ۲۵۰ میلیارد بشکه نیز در آینده کشف شود. کشورهای عضو اوپک بیش از ۷۰ درصد و ممالک حوزه خلیج فارس به تنهایی در حدود ۶۰ درصد ذخایر اثبات شده (نفت) جهان را در اختیار دارند. در حال حاضر بیش از ۶۰ درصد نفت منطقه خلیج فارس از تنگه هرمز صادر می‌شود. با قدری دقت در آمار و ارقام ذکر شده به این نتیجه



می‌رسیم که توجه قدرت‌های بزرگ جهان اعم از قدرت‌های غربی و شرقی نسبت به خلیج فارس بی‌جهت نیست و مسئله نفت اهمیت منطقه خلیج فارس را دو چندان نموده است. آینده نفت خلیج فارس و انرژی جایگزین اگر نفت مهم‌ترین کالایی نباشد که در عرصه تجارت بین‌الملل از مرز بسیاری از کشورها عبور می‌کند، دست کم یکی از مهم‌ترین آن‌هاست. در حال حاضر تولید جهانی نفت در حدود ۷۵ میلیون بشکه در روز است و به طور معمول هر سال تقاضای جهانی برای نفت، ۵ میلیون بشکه در روز افزایش می‌یابد و پیش‌بینی می‌شود که در سال ۲۰۱۰ در حدود ۳۰ میلیون بشکه در روز به تقاضای کنونی بازار افزوده شود و میانگین تولید نفت در سال ۲۰۲۰ به ۱۱۵ میلیون بشکه در روز افزایش یابد.

#### بازار مصرف منطقه خلیج فارس

جمعیت حدود ۱۵۰ میلیون نفری ساکن در منطقه خلیج فارس که دارای درآمدهای نفتی سرشاری هستند، بازار مصرف بسیار خوبی برای کشورهای صنعتی به شمار می‌روند. در بسیاری از کشورهای حوزه خلیج فارس به جز معادن و ذخایر هیدروکربوری (نفت و گاز) معادن قابل توجه دیگری وجود ندارد، از طرفی به دلیل مسئله کمبود آب زراعی و آشامیدنی و پائین بودن میزان بارندگی، فاقد زمین‌های وسیع قابل کشت می‌باشند و به همین دلیل گرایش اقتصادی آنان به سمت تجارت و امور بازرگانی است.

#### جایگزینی انرژی به جای نفت و گاز در خلیج فارس

دستیابی قدرت‌های صنعتی به منابع انرژی جایگزین نفت موفقیت قدرت‌های صنعتی در دستیابی به منابع انرژی جایگزین نفت با درس آموزی از سه حادثه بوده است (جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی در سال، ۱۹۷۳ پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در پایان دهه ۷۰ میلادی، اشغال کویت توسط عراق) که بازارهای بین‌المللی نفت را دچار شوک کرد. کشورهای صنعتی نیز برای حفظ ثبات اقتصادی خود تلاش کرده‌اند تا به منابع جایگزین انرژی نفت دسترسی پیداکنند و با آن که هنوز در طبیعت معادن زغال سنگ بسیاری یافت می‌شود و کشورهای هم‌چون چین و اروپای شرقی از زغال سنگ به عنوان منبع اصلی تأمین انرژی استفاده می‌کنند، ولی به دلیل آن که زغال سنگ باعث می‌شود تا گاز دی‌اکسید کربن که یکی از عوامل اصلی افزایش دمای حرارت کره زمین می‌باشد، متصاعد گردد و همچنین به دلیل آن که عملیات کندن تونل و استخراج زغال سنگ از معادن منجر به تخریب محیط زیست می‌گردد، کشورهای صنعتی درصدد برآمدند تا انرژی‌های دیگری را چون انرژی خورشیدی، موج، باد، آب و هسته‌ای جایگزین نمایند.

### آینده و اهمیت راهبردی انرژی در خلیج فارس

با دستیابی به انرژی‌های جایگزین نفت، انتظار می‌رود دیگر ابرقدرت‌های صنعتی نگران امنیت منطقه خلیج فارس و تداوم صادرات نفت از این منطقه نباشند، با این همه در طرف دیگر این رابطه سیاست کشورهای عربی خلیج فارس که از پایه و اساس روشنی برخوردار نیست و در بسیاری موارد تحت سلطه سیاست‌های استعماری غرب هستند اگر بخواهند به همین سطح بالای زندگی خود ادامه دهند، باید برای آینده‌ای بدون نفت برنامه‌ریزی کنند و منابع درآمد ملی خود را متنوع نمایند تا بتوانند در این نظام اقتصادی بین‌المللی که بر پایه تخصص و مهارت بنا شده است، ادامه حیات دهند. با وجود پایین بودن سطح تحول و توسعه فناوری در این کشورها و نگاه تحقیرآمیز ملت‌هایشان نسبت به کار و فعالیت بدنی، اجرای چنین امری بسیار دشوار می‌باشد، اما دولت‌ها باید خود را برای این مسئله آماده کنند و تلاش کنند تا این نکات منفی را از طریق اختصاص بخشی از درآمدهای فعلی نفت به تحقیق و پژوهش در فناوری، تشویق مردم به فعالیت تولیدی و سازندگی و اعطای پاداش‌های سخاوتمندانه به کارگران، به‌طور کامل محو نمایند. توسعه همه‌جانبه نیز امری بسیار ضروری است: اکنون کشورهای منطقه از سرمایه‌های بسیار بالایی در بازارهای خارجی برخوردارند که باید از این سرمایه‌ها در جهت توسعه داخلی کشورهای منطقه استفاده کرد. گرچه سرمایه‌گذاری در بازارهای بین‌المللی موجب کسب درآمد ملی از طریق سود سرمایه‌گذاری می‌شود، اما برای این کشورها فرصت شغلی پیش نمی‌آورد و هیچ بنیانی برای صنایع محلی ایجاد نمی‌کند تا بتوان از طریق صادرات کالاهای ساخته شده در داخل وارد بازارهای بین‌المللی شد. بنابراین، بازگرداندن بخشی از این سرمایه‌ها در کنار اختصاص بخشی از درآمدهای نفتی به توسعه صنایع داخلی امری ضروری می‌باشد.

### مفهوم و تعریف جهانگردی

شاید لفظ جهانگردی، گردش در جهان و گشتن در کشورهای دیگر را در اذهان متبادر سازد و جهانگردان بنامی چون مارکوپولو و ابن بطوطه و دیگران را بخاطر بیابورید که در گذشته برای کشف نادیده‌ها و سرزمین‌های ناشناخته و ثبت آنها در تاریخ به سیر و سفر می‌پرداختند. ولی امروزه از آن سفرهای طولانی مدت و طاقت فرسا با آن اهداف خبری نیست و در عصر ارتباطات پیشرفته و دهکده جهانی با وجود وسایل تردد سریع السیر با سرزمینها و اماکن شناخته شده، جهانگردی به آن معنی و مفهوم معنی ندارد و سیاحان و جهانگردان بیشتر برای تفریح و تفرج یا زیارت و استراحت و یا بازدید از اماکن و ابنیه تاریخی و آشنائی با فرهنگها و آداب و رسوم سایر اقوام و ملل

به مسافرت می‌پردازند و سیاحان یک گروه وعده خاص نیستند و اکثر مردم با اندک امکانات ممکن می‌توانند چند روزی را به سیرو سیاحت بپردازند. در عصر حاضر جهانگردی همگانی شده و نسبت به گذشته تعداد بیشتری از مردم قادر هستند به مسافرت بروند. در اعصار گذشته سیاح کسی بود که اختصاصاً جهانگردی را پیشه خود کرده و در خاتمه یک دوره سیر و سیاحت سفرنامه‌ای نیز حاصل کار او بود. ولی امروز جهانگردی جنبه عام یافته و هرکس که به سیر و سیاحت کوتاهی نیز اقدام کند جهانگرد محسوب می‌شود. در اینجا واژه جهانگردی را به معنای سیر و سفر و مسافرت‌های داخلی و خارجی استفاده می‌کنیم و صرف گشت و گذار در جهان و سیر آفاق مد نظر نیست. سیری در سفرنامه‌های پیشینیان بخوبی نشان می‌دهد که در گذشته سیر و سیاحت امری فردی و برخاسته از علایق و تلاش‌های شخصی بوده است. انگیزه سیاحان بدلیل محدودیتهای تکنولوژی اغلب محدود و در فضایی تنگ و بسته شکل می‌گرفته است. راهنمایان این سفرها از اهالی خیره هر منطقه که آشنایی و اطلاعات بیشتری داشته‌اند انتخاب می‌شدند بدون اینکه قبلاً برای این وظیفه مهم آموزشی هدفداری دیده باشند.

اما امروز در عصر ارتباطات، دانشمندان و متخصصان در هر حوزه از ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بسوی تدوین شیوه‌های جدید منطبق با ویژگیهای این عصر گام برمی‌دارند. همین تغییرات وسیع و عمیق است که شکل و سیمای سفرهای شخصی و بازدیدهای انفرادی جوامع و ملل را به صنعت تویسم و تبدیل کرده و برای هر یک از شاخه‌های آن به تربیت متخصصان برنامه‌ریزان کارآمد و لایق می‌پردازند.

### تعریف جهانگردی

جهانگردی به سفری موقت و کوتاه اطلاق می‌شود که ضمن آن جهانگرد به منطقه‌ای خارج از محل سکونت و کار خود به منظور سیر و سیاحت سفر می‌کند در فرهنگ لغت، جهانگردی را در اقطار عالم سفرکردن و مسافرت برای تفریح و سرگرمی و سفری که در آن مسافر به مقصدی رفته و سپس به محل سکونت خود باز می‌گردد، تعریف کرده‌اند. نکات مهمی که در تعاریف جهانگردی مشاهده می‌شود، جدا شدن فرد از محل کار و اقامت دائم خود، کوتاه و موقتی بودن سفر و انجام فعالیت‌هایی نظیر بازدید، سرگرمی و تفریح در مدت سفر است. از نظر اقتصادی نیز جهانگردی نشان دهنده انتقال قدرت خریدار یک منطقه به منطقه دیگر می‌باشد که برای تحلیلهای اقتصادی در این صنعت قابل توجه است. در تعریف دیگری جهانگرد داخلی به شرح زیر توصیف شده است: جهانگرد داخلی کسی است که از محل اقامت خود حداقل ۵۰ مایل دور شده و برای اهدافی از قبیل امور کاری، تفریح، امور

شخصی و استراحت در محلی اقامت گزیند. مدت اقامت او می‌تواند کمتر یا بیشتر از یک شب باشد. سفرهای بین محل کار و محل سکونت در این تعریف قرار نمی‌گیرد.

### مفهوم مناطق آزاد

اصطلاح یا مفهوم مبادله آزاد و منطقه مبادله آزاد، مفهومی قدیمی است اما گفتگو درباره شکل نوین آن تنها در چند دهه گذشته فراگیر شده است. نخستین منطقه‌های آزاد بازرگانی، به مفهوم ابتدائی آن، در دوران باستان با آغاز مبادلات بازرگانی وسیع ایجاد شد. به عنوان مثال می‌توان به «دلوس» (Delos) اشاره کرد، جزیره‌ای کوچک که از جمله جزیره‌های سیکلاد (Cyclades) است و دولت آتن در فاصله سالهای ۳۱۵ تا ۱۶۶ قبل از میلاد اولین مراکز اداره امور بازرگانی را در آن تأسیس کرد. در سده‌های میانی، در اروپا به مردم و شهرها آزادی‌هایی برای داد و ستد داده شد. این روستاها و یا شهرهایی که آزاد نامیده شده‌اند از سده یازدهم میلادی به بعد از حکام خود اسنادی دریافت می‌کردند که به موجب آن از نظر اقتصادی دارای حالتی خود مختار بودند و می‌توانستند به شکل آزاد داد و ستد کنند از این نمونه شهرها می‌توان بندر «هامبورگ» را نام برد. نخستین عامل محرک در پیشرفت بازرگانی بین‌المللی و رونق مناطق آزاد، تصویب قطعنامه سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۷ بود که نشان می‌داد کشورهای در حال توسعه برای رشد اقتصادی به جای جایگزینی واردات به گسترش صادرات روی آورده‌اند. بنا به تعاریف بین‌المللی، «منطقه آزاد» محدوده حراست شده بندری یا غیر بندری است که از شمول مقررات جاری عمومی کشور متبوع خارج است و با استفاده از مزایایی مانند بخشودگی مالیاتی و عوارض گمرکی و معافیت از مقررات ویژه صادرات و واردات، با جذب سرمایه خارجی و جذب تکنولوژی مدرن، امکانات کسب درآمدهای ارزی را فراهم می‌آورد. مناطق آزاد مناطقی هستند که بنا بر خصوصیات طبیعی خود (مانند قرارداشتن در شاهراه‌های تجاری، حوزه‌های ارتباطی - اقتصادی متراکم)، دارای قابلیت‌های بالقوه بالاهمیتی می‌باشند. در این مناطق دخالت پاره‌ای از نهادهای رسمی سرزمین اصلی (عمدتاً گمرک و نهادهای اقتصادی) به حداقل می‌رسد تا بتوان جذب سرمایه، اعم از سرمایه‌های بانکی، تجاری، توریستی یا صنعتی را به حداکثر ممکن رساند. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که این مناطق نخستین بار اغلب در کشورهایی نظیر هند و چین به وجود آمدند که دخالت نهادهای دولتی در کلیه عرصه‌های اجتماعی - اقتصادی سرزمین اصلی فراگیر بوده، یا دست کم شکل غالب داشته است. این دولت‌ها با ایجاد مناطق آزاد که همگی دروازه‌هایی دریایی به جهان خارج بودند، عمدتاً دو هدف را دنبال می‌کردند؛ نخستین هدف آن بود که امکانی عملی به وجود آوردند تا به دور از قوانین دست و پاگیر بوروکراتیک، با سیستم‌های اقتصادی - اجتماعی دیگر

مرتبط شوند، از دانش عملی آن سیستم‌ها بهره بگیرند و انتقال تکنولوژی و سرمایه را به آن منطقه و در نهایت به سرزمین اصلی منفرد مانده از بازارهای جهانی ممکن سازند. دومین هدف آن بود که در منطقه آزاد یک «سیستم خرد» (یا میکروسیستم) ایجاد نمایند که هرچند ارتباط خود را با «سیستم کلان» (یا ماکروسیستم) ادامه می‌داد، اما دارای کارکرد درونی ویژه‌ای باشد. این کارکرد اغلب نوعی پیوند میان الگوهای اجتماعی-اقتصادی سرزمین اصلی و الگوهای بیگانه بود. سیستم‌های خرد به این ترتیب می‌توانستند در تداوم خود نوعی آزمایشگاه بزرگ برای اصلاحات اجتماعی-اقتصادی ای باشند که اگر چه پیاده کردن آنها در سرزمین اصلی ضروری به نظر می‌رسد، اما می‌توانستند به دلیل پی آمدهایشان برای سیستم کلان خطرناک باشند.

#### تاریخچه تأسیس مناطق آزاد

مناطق آزاد جهان در چند مرحله تأسیس یافته‌اند: اول: مرحله رشد آرام تعداد مناطق آزاد در جهان تا اوایل سال ۱۹۷۰ & بیشتر در اروپا و امریکای لاتین، در این مرحله ضرورت‌های رشد نظام تجاری و حذف مقررات دست و پاگیر گمرکی انگیزه اصلی ایجاد این مناطق بود. شماری از مناطق آزاد این دوره اندکی پس از جنگ جهانی اول یا دوم ایجاد شده‌اند و تعدادی نیز مانند بندر هامبورگ، متعلق به قرن گذشته بوده‌اند. دوم: مرحله رشد متوسط که تا اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ را شامل می‌شود. در این دوره کشورهای جنوب شرقی آسیا و تا حدی آفریقا اقدام به تأسیس مناطق آزاد کردند. نخستین گسترش نظام تجارت جهانی موجب ایجاد و گسترش مناطق آزاد با سرعتی نسبتاً بیشتر در این دوره بود. سوم: مرحله رشد سریع، در دوره گسترش و تفکر و رهنمودهای بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و موج وسیع تفکر اقتصادی «نولیبرالی» که به دنبال آن در کشورهای جهان به حرکت افتاد. این مرحله که بیشتر به دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ تعلق دارد از ۲ زیر مرحله پیش از فروپاشی و پس از فروپاشی شوروی تشکیل یافته است. در مرحله پس از فروپاشی این فرایند شتاب گرفته و مناطق آزاد در روسیه و سایر جمهوریه‌های شوروی سابق نیز رو به ازدیاد می‌گذارند. چهارم: مرحله جابجائی و توقف نسبی که از اوایل دهه ۹۰ تا به امروز ادامه دارد. در این مرحله شماری از کشورها-مانند کره و برزیل- یا از مناطق آزاد ناامید می‌شوند و به تدریج از ایجاد آنها دست می‌کشند و یا به این نتیجه می‌رسند که این مناطق به حد اشباع رسیده‌اند. در این حال، نمی‌توان گفت که سرعت مرحله قبلی به طور جدی کاهش می‌یابد زیرا هنوز شمار زیادی از کشورها بدون بررسی واقعیت تاریخی، نتایج، موقعیت‌ها و امکانات واقعی امروز و مسائل درونی کشور خود اقدام به احداث مناطق آزاد می‌کنند.

### تاریخچه ایجاد مناطق آزاد در آسیا

هندوستان اولین کشوری بود که در بین کشورهای آسیای در سال ۱۹۶۵ مبادرت به ایجاد مناطق آزاد کرد (منطقه تجارت آزاد کاندلا) و سپس شش منطقه آزاد دیگر نیز تأسیس شد. سنگاپور دومین کشورهای آسیایی است که در سال ۱۹۶۸ منطقه آزاد ایجاد نمود. فیلیپین منطقه باتان را در سال ۱۹۶۹ ایجاد کرد و بعداً در همین کشور شش منطقه دیگر نیز تأسیس شد. مالزی در دهه ۱۹۷۰ ده منطقه آزاد ایجاد نمود و بالاخره کره، پنجمین کشور آسیایی است که در نیمه اول دهه ۱۹۷۰ دو منطقه ماسان و ابری را تأسیس کرد. تایلند در سال ۱۹۸۰ ششمین کشوری بود که به دنبال ایجاد منطقه آزاد رفت. در واقع کشورهای آسیایی از پیشگامان اصلی ایجاد منطقه آزاد در میان کشورهای در حال توسعه هستند و در عین حال موفق ترین مناطق آزاد جهان - که الگوی دیگر کشورها نیز شده‌اند - در آسیا قرار دارند. در جمهوری اسلامی ایران، از سال ۱۳۶۸ دو جزیره کیش و قشم در خلیج فارس و بندر چابهار کناره دریای عمان به عنوان «مناطق آزاد تجاری - صنعتی» برگزیده شدند تا با استفاده از تسهیلات اداری و گمرکی، به پایگاههایی برای گسترش صادرات غیر نفتی تبدیل شوند.

### اهداف مناطق آزاد

ایجاد منطقه آزاد از جمله ابزار توسعه اقتصادی است که می‌تواند موجب جلب سرمایه، انتقال تکنولوژی، آموزش نیروی انسانی، تحصیل مدیریت علمی، وصل به بازار جهانی و در نهایت در پیچهای به سوی توسعه اقتصادی گردد. به همین علت است که طی سالهای بعد از ۱۹۶۰ میلادی بسیاری از کشورهای در حال توسعه با بکارگیری این ابزار در کنار سایر ابزارهای توسعه، سعی در رهایی از «توسعه نیافتگی» خود داشته‌اند. از دیدگاه نظری و بین المللی، فلسفه اصلی روی آوری کشورهای در حال توسعه به ایجاد مناطق آزاد، دستیابی به توسعه اقتصادی از طریق استراتژی برون نگر است. کشورهای در حال توسعه برای دستیابی به توسعه اقتصادی، با کمبودها و محدودیت‌های متعددی مواجه‌اند و در عین حال از برتریها و امکاناتی نیز برخوردارند. منطقه آزاد ابزاری است که به طور نسبی می‌تواند کمبودها را جبران و امکانات و برتری‌های بالقوه را در سطح ملی به توانایی بالفعل تبدیل کند و پلی بین اقتصاد داخلی و اقتصاد خارجی شود. از این رو اهداف اصلی مناطق آزاد به شرح زیر قابل خلاصه است.

- تأمین کمبودهای توسعه اقتصاد ملی .
- بهره گیری از مزایا، پتانسیل‌ها، و بطور کلی برتری‌های نسبی اقتصاد ملی.
- برقراری ارتباط منظم بین اقتصاد ملی و اقتصاد جهانی.

- وصل تدریجی اقتصاد ملی به اقتصاد جهانی.
- کشورهای در حال توسعه در راه نیل به توسعه اقتصادی در چارچوب هدف‌های کلی فوق، هدف‌های تفصیلی تری را نیز برای مناطق آزاد دنبال می‌کنند و امید دارند با اعمال مطلوب آنها در منطقه آزاد به برآورد خواست‌های درونی اقتصاد ملی دست یابند. اهم اهداف تفصیلی به شرح زیر قابل طبقه بندی است: (۱)
- جذب سرمایه خارجی، بویژه در بخش‌های مولد.
- تأمین ارز بیشتر برای رفع نیازهای اقتصاد ملی.
- جذب و انتقال تکنولوژی به درون اقتصاد ملی.
- ایجاد فرصت‌های اشتغال جدید در منطقه آزاد و درون اقتصاد ملی.
- افزایش کارایی اقتصاد ملی
- افزایش و تنوع بخشی صادرات و گسترش تجارت خارجی.
- کمک به ورود کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای به درون اقتصاد ملی به قیمت مناسب تر.
- تربیت نیروی انسانی و کسب آموزش‌های فنی و افزایش درجه مهارت نیروی کار.
- افزایش درآمد ناشی از فعالیت‌های خدماتی (حمل و نقل، انبارداری، بارگیری و تخلیه، بیمه گری و جهانگردی)
- آشنایی عینی و عملی با تجارت جهانی.
- استفاده از برتریهای نسبی (نیروی کار ارزان، ذخایر معادنی، کالاهای کشاورزی و سایر مواد اولیه) اقتصاد ملی.
- توسعه منطقه‌ای و تبدیل بخشهای عقب مانده به قطب‌های توسعه.
- از دیگر اهداف اساسی تأسیس مناطق آزاد، رسیدن به آرمان دیرینه خروج از اقتصاد تک محصولی و دستیابی به اقتصاد بدون نفت می‌باشد. مناطق آزاد باید سکوه‌های پرتابی می‌شدند (و باشند) که سهم محصولات غیر نفتی را در کل صادرات به صورت فزاینده‌ای افزایش دهند. پس از تصویب قانون تشکیل این مناطق، علیرغم قدمهای موثری که در این زمینه برداشته شده، رشد واقعی و کارکرد مناسب آنها فاصله زیادی با پیش‌بینی‌های اولیه دارند.

#### خروج از اقتصاد تک محصولی و متنوع سازی اقتصاد مبتنی بر نفت

تک محصولی بودن صادرات ایران به خاطر اتکای شکننده به نفت، نوسانات شدید بهای نفت در بازارهای بین المللی که ناشی از سیاست‌های امپریالیستی کارتل‌های بین المللی است و نیز رکود و افت و خیز بازار صادرات فرش، صنایع دستی، پسته و دیگر صادرات ریز و درشت کشور و به طور

کلی رقم پایین ارز حاصل از صادرات غیر نفتی، واقعیت‌های ملموسی هستند که عزم جزم دولت در توجه هرچه بیشتر به این معضل اقتصادی را بطور جدی می‌طلبد. هدف از متنوع سازی اقتصاد این است که اتکاء به درآمدهای نفتی و ریسک حاصل از آن به حداقل ممکن کاهش یابد. بنابراین متنوع ساختن اقتصاد به فرایند توسعه کشور، خود اتکائی، قدرت چانه زنی و توانایی در کاهش ریسک تجاری بستگی دارد. در مورد مفهوم متنوع سازی باید گفت که گسترش دامنه محصولات تولیدی و کاهش وابستگی به یک منبع درآمدی را می‌توان متنوع سازی نامید. اما متنوع سازی به استراتژی توسعه اقتصادی کشور که باید ساختار کالاهای صادراتی را متنوع سازد نیز بستگی دارد. لذا متنوع سازی اقتصاد بدون نفت و خروج از اقتصاد تک محصولی، گسترش فعالیت‌های بخش‌های غیر نفتی است که وجود مناطق آزاد با اهدافی که برای آنان ذکر شد، می‌توانند در متنوع سازی اقتصادی نقش بس ارزشمندی را ایفا کنند. از طرف دیگر متنوع سازی و توسعه به یکدیگر مربوطند، زیر هدف نهایی از متنوع سازی اقتصادی دستیابی به توسعه است و متنوع سازی وسیله‌ای است برای رسیدن به این هدف. لذا متنوع سازی نباید به عنوان هدف نهایی به کار رود. با افزایش تولیدات غیر نفتی و گستر صادرات و انعطاف پذیر کردن ساختار تولید یک اقتصاد، توانایی آن اقتصاد برای کاهش خطرات ناشی از تجارت نفت و سایر کالاها که بهبود شرایط تجاری یک کشور را شامل می‌شود، بالا می‌رود و بنابراین وقتی متنوع سازی در اقتصاد صورت می‌گیرد میزان خطرات کاهش و بازدهی ناشی از سیستم تجاری کشور افزایش می‌یابد. ایضاً انعطاف پذیر شدن ساختار تولید باعث گسترش ظرفیت‌های تولیدی می‌شود که در پاسخ به تغییرات طرف تقاضا و عرضه اقتصاد در بازارهای جهانی برای افزایش تولید و درآمد لازم است. مشکلات اقتصادی فراوانی فراروی اقتصاد ایران وجود دارد که نیازمند بینشی عمیق در استراتژی بلند مدت جامعه است. مشکلات اساسی فوق را می‌توان پایین بودن قدرت صنعتی، تک محصولی بودن و اتکاء به درآمدهای نفتی، صادرات اندک محصولات صنعتی و ... دانست یکی دیگر از مشکلات اساسی کاهش بهره‌وری صنایع در ایران و عدم دسترسی به تکنولوژی (فن آوری) مناسب است که به روابط تجاری ایران در صحنه جهانی و کمبود ارز خارجی بستگی دارد. همانگونه که قبلاً ذکر شد یکی از اهداف ایجاد مناطق آزاد تبدیل مناطق آزاد به پایگاههایی برای گسترش صادرات غیر نفتی است و لذا در صورت فراهم آوردن امکانات لازم. مناطق آزاد می‌توانند همچون دریچه‌ای به جهان خارج آزادی مبادلات تجاری را تأمین کرده و به جذب تخصص‌های فنی، تکنولوژی و سرمایه مورد نیاز جریان توسعه اقتصادی ملی یاری رساند. یکی دیگر از صنایعی که در منطقه آزاد می‌تواند موفق بوده و موجب جذب ارز خارجی و نیز تعامل فرهنگی گردد، صنعت توریسم است. طبق پیش‌بینی و اعلام صاحب نظران، در سال ۲۰۰۵ وضع اقتصادی جهان دگرگون می‌شود و درآمدهای توریستی



جای نفت را می‌گیرد. در این حال می‌توان با ایجاد جاذبه‌های توریستی در کنار دیگر فعالیتهای اقتصادی و تجاری در مناطق آزاد، صنعت توریسم را رواج داده و به درآمدی حتی چندین برابر درآمد نفت دست یافت. البته باید اذعان نمود که در جای خود باید به مسائل فرهنگی صنعت توریسم توجه بیشتر داشت و تنها به بعد اقتصادی آن نپرداخت. ایرانی اسلامی با داشتن غناهای فرهنگی - اسلامی و ویژگیهای طبیعی و آب و هوایی می‌تواند و می‌باید جایگاه ویژه خود را در بین قطب‌های توریستی جهان باز یافته و مشتاقان دیدار از سرزمین مقدس مان را که به دنبال هزارها نکته نادیده و ناشنیده می‌گردند در خود پذیرا باشد.

### نقش مناطق آزاد در توسعه اقتصادی

در تقسیم بندی‌های بین المللی به طور کلی کشورها به دو دسته تقسیم می‌شوند، یک دسته کشورهایی که توسعه یافته‌اند و دسته دوم کشورهای در حال توسعه با درجات مختلفی از توسعه نیافتگی، تفاوت اساسی دو گروه یاد شده این است که کشورهای توسعه یافته، کشورهایی هستند که انقلاب صنعتی را با موفقیت پشت سر گذاشته‌اند و به تبع چنین تحولی ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آنان نیز متحول شده است. اما کشورهای در حال توسعه به علل و عوامل مختلف تاریخی و مشکلات جاری نتوانسته‌اند تحولات صنعتی به اصطلاح «انقلاب صنعتی» را با موفقیت پشت سر بگذارند. موضوع توسعه اقتصادی بعد از انقلاب سال ۱۹۱۷ اتحاد جماهیر شوروی سابق بیشتر از نظر فلسفی و کلی مورد بحث قرار می‌گرفت. حال آنکه بعد از جنگ جهانی دوم، بویژه در سالهای بعد از دهه ۱۹۶۰ جنبه حاد و سیاسی به خود گرفت و مسائل اقتصادی تنها مورد علاقه و توجه گروهی خاص که مسائل کلی و فلسفی را درک می‌کردند باقی نماند، بلکه عمومیت یافت و در هر گردهمایی از آن سخن به میان آمد بطوری که این مساله به صورت یک امر ضروری و حیاتی برای دولت‌ها درآمده و اصولاً دوام و تداوم حکومتها تابعی از موفقیت آنها در راه نیل به این مقصود به حساب آمد. به همین دلیل است که کشورهای در حال توسعه در راه دستیابی به توسعه اقتصادی به هر ابزاری روی می‌آورند که ایجاد «منطقه آزاد تجاری - صنعتی» یکی از این ابزارهاست. جمهوری اسلامی ایران نیز یکی از کشورهای در حال توسعه است که به رغم برخورداری از منابع عظیم انسانی و اقتصادی، خصوصیات متنوع آب و هوایی و منابع عظیم معدنی و نفتی و هم چنین جاذبه‌های توریستی بی‌همتا و آثار باستانی بی‌رقیب نتوانسته است مراحل دستیابی به توسعه مورد دلخواه و مطلوب دست یابد. تحولات اقتصادی جهان، تجربه کشورهای توسعه یافته امروزی در قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم و نیز کشورهای تازه صنعتی شده طی سه دهه اخیر، نشان داد که تجارت خارجی می‌تواند محرک و عامل توسعه باشد،

بخصوص در دنیای اقتصادی امروز که تغییرات و تحولات تکنولوژی به اندازه‌های سریع و چشمگیر است که هیچ کشوری به تنهایی قادر به تولید همه چیز برای همه نیست و توسعه بدون همیاری و بهره‌گیری و داد و ستد با دیگران ممکن نخواهد بود. از آنجا که یکی از راههای بسط تجارت خارجی، بکارگیری ابزار منطقه آزاد است، بسیاری از اقتصاد دانان، استفاده از این ابزار را مفید تلقی می‌کنند، بویژه آنکه بکارگیری این ابزار می‌تواند عاملی جهت جلوگیری از شوکهای ناشی از مراحل انتقالی اقتصاد باشد و سیاستهای داخلی را تا حد زیادی با تحولات اقتصاد جهانی هماهنگ ساخته و کارآیی اقتصادی را افزایش دهد. (۱)

مناطق آزاد از طرق زیر می‌توانند به توسعه اقتصاد ملی یاری رسانند.

تأمین سریع مواد اولیه و قطعات مورد نیاز کارخانه‌های داخلی؛ سهولت و سرعت عمل در تأمین سفارش‌های داخلی می‌تواند سبب صرفه‌جویی در هزینه تولید و در نتیجه کاهش قیمت تمام شده کالاهای ساخت داخل و افزایش امکان صادرات آن به خارج گردد. کاستن از میزان بیکاری در اقتصاد ملی؛ فعالیتهای و خدمات انجام شده در یک منطقه آزاد همچون انبارداری، بسته‌بندی، حمل و نقل و توزیع کالا، بانکداری، بیمه، تولید و مونتاژ کالا و انواع داد و ستدها و خدمات جانبی، مولد درآمدهایی هستند که در نهایت بخشی از آن به کشور میزبان و از جمله نواحی مجاور منطقه آزاد انتقال می‌یابد. ارتقاء کیفیت تولیدات داخلی به منظور صادرات؛ قیمت تمام شده کالاهای صنعتی و کیفیت و بسته‌بندی کالاها از روی نمونه‌های مرغوب و رایج در منطقه آزاد می‌تواند الگوبرداری شده و جهت صدور تولیدات داخلی مورد استفاده قرار گیرد. تأثیر جریان توسعه در مناطق محروم مجاور مناطق آزاد؛ توسعه اقتصادی در بلند مدت، همچون ظروف مرتبط سبب ایجاد فعالیتهای جدید بویژه در شهرهای اطراف منطقه آزاد می‌شود. ایجاد اشتغال و درآمدهای جدید با اثر تکثری خود می‌تواند اقتصاد را کد مناطق محروم تر را به تکاپوی تازه سوق دهد و سطح فعالیتهای اقتصادی این مناطق را بالا ببرد. در نتیجه اقتصاد ملی و منطقه‌ای چه بصورت مستقیم و چه غیر مستقیم از ایجاد منطقه آزاد و گسترش فعالیتهای صنعتی - تجاری در آن منتفع می‌گردد و به سطوح بالاتری از تولیدات و مبادلات خارجی گام می‌گذارد. ایجاد امکانات لازم برای رشد صنعت توریسم و جذب جهانگردان داخلی و خارجی؛ اکثر مسافرت‌ها به مناطق آزاد بخصوص کیش با مقاصد تجاری و ب خاطر ارزان بودن کالا نسبت به پایتخت و سایر شهرهای ایران انجام می‌گیرد ولی قطعاً جهانگردان خارجی بخاطر ارزانی اجناس در کیش به این جزیره مسافرت نخواهند کرد، بلکه باید استعداد جاذبه‌ای توریستی جزیره را متناسب با خواسته‌ها و سلائق گردشگران خارجی شکل داد (البته در چارچوب ارزشهای حاکم بر نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران) تا انگیزه مسافرت به کیش را در توریستهای خارجی بیشتر کرد و از این راه به درآمدهای ارزی (مشروع)

دست یافت. علاوه بر موارد یاد شده سوابق کشورهای دیگر نشان داده است که آنها مناطق آزاد را همچون آزمایشگاهی جهت کسب تجربه تولید و بازرگانی بر مبنای اصول و ضوابط اقتصاد آزاد تلقی کرده و سیاست‌های خود را در جهت آن اصلاح و تعدیل کرده‌اند.

### شرایط و عوامل موفقیت مناطق آزاد

در موفقیت یک منطقه آزاد عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، قوانین و مقررات داخلی و مقررات داخلی و موقعیت مکانی دخالت دارند که به چند عامل به طور اختصار اشاره می‌شود.

الف) سازگاری هدفهای منطقه آزاد با استراتژی اقتصادی ملی: هدف‌ها و راهبردهایی که برای ایجاد منطقه آزاد انتخاب می‌شوند باید کاملاً در راستای هدف‌ها و راهبردهای اقتصاد ملی قرار گیرند. چنانچه آمادگی لازم جهت پذیرش فلسفه وجودی منطقه آزاد در برنامه‌های ملی وجود نداشته باشد ایجاد این مناطق به تنهایی گره گشای مشکلات اقتصادی کشور نخواهد بود.

ب) صراحت‌های قانونی: قانون مناطق آزاد هر کشوری باید به طرز مشخص و صریح، ویژگی‌های نقش منطقه آزاد در توسعه ملی و منطقه‌ای و همچنین اهداف و وظایف و اختیارات آن را تبیین و روشن سازد و امتیازاتی را که برای تحقق اهداف تعیین شده و ایجاد انگیزه‌های تشویقی برای مؤسسات و شرکتهای سرمایه گذار داخلی و خارجی در نظر گرفته است، و شرایط ورود و خروج سرمایه و نیروی کار را به وضوح بیان کند. هرگونه ابهامی در این زمینه‌ها تحقق اهداف از پیش تعیین شده را غیر ممکن می‌سازد.

ج) دسترسی به تسهیلات زیربنایی و خدمات همگانی: دسترسی به تسهیلات زیربنایی از مهمترین عوامل است که سرمایه گذار را به سوی منطقه آزاد جلب می‌کند. امکانات اولیه نظیر آب، برق، سوخت، تلفن، تلکس، ارتباطات راه دور، تسهیلات حمل و نقل در خشکی و آب، بندرگاه و اسکله‌های مناسب، خطوط ارتباطی (راه‌ها و فرودگاهها) ساختمان اداری و مسکونی در استانداردهای پذیرفته شده از جمله شرایط ضروری جهت موفقیت منطقه آزاد به شمار می‌آیند.

علاوه بر تأسیسات فیزیکی مذکور، ارائه خدمات به موقع بانکی و بیمه‌ای، کشتیرانی و تجاری، تسهیلات مسافرت هوایی، خدمات آموزشی و بهداشتی مناسب و امکانات تفریحی می‌توانند به گونه‌ای مثبت برای جلب سرمایه گذاران، بازرگانان و گردشگران به منطقه آزاد تأثیر گذارند.

د) سازمان اجرایی مناسب: وجود نهادها و تشکیلات سازمانی با عملکرد منظم و منسجم از مهمترین شرایط پیشرفت امور بشمار می‌رود. بنابراین بکارگرفتن پرسنل آموزش دیده و آشنا به فرهنگ صنعتی- تجاری مدرن، وجود مدیران کارآمد همراه با ضوابط و مقررات صریح و روشن جهت اتخاذ تصمیمات سریع و روزمره نهایت اهمیت و اعتبار را دارد.

ه) ثبات سیاست‌های اقتصادی: سیاست‌های اقتصادی و تصمیماتی که جهت جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی و نیز جهانگردان و گردشگران به منطقه آزاد اتخاذ و رسماً اعلام می‌شود، باید پایدار و دراز مدت باشد. تغییرات پی در پی در سیاست‌ها موجب سلب اطمینان فعالان تجاری و سرمایه‌گذاران از این مناطق شده و هدف‌های مورد نظر را با شکست مواجه می‌سازد.

و) انتقال تکنولوژی و فرهنگ صنعتی: امروزه تخصص تولیدی بیش از ابزار در مغزها جمه شده است و تقاضا برای نیروی انسانی متخصص، همراه با ضرورت عرضه خدمات با کیفیت بالا در منطقه آزاد- که سرعت، دقت، سهولت، اطمینان و کارآیی از اجزای تفکیک‌ناپذیر آن بشمار می‌رود- به این گونه مغزها، تخصص‌ها و آموزش‌ها نیاز دارد. متقابلاً منطقه آزاد با نیروهای متخصصی که تربیت می‌کند به نیاز اقتصاد ملی پاسخ می‌دهد.

ز) هماهنگی مجریان و مردم: بروز اختلافات نظر بین مردم و مقامات دولتی یا مسئولین منطقه آزاد و وجود ناهماهنگی بین مسئولان اجرایی در انجام وظایف جاری، موجب توقف یا کندی کارها می‌شود. ک) حمایت پیگیرانه دولت: تقویت، پشتیبانی و حمایت مادی و معنوی از مناطق آزاد، به گونه‌ای پیوسته از سوی دولت و مسئولان اجرائی و کمک به پیشبرد اهداف اعلام شده، نقشی مهم در توسعه فعالیت‌های مناطق آزاد دارد.

ل) ت.م.ین فضای باز کار و زندگی اجتماعی: منطقه آزاد مکانی برای توسعه فعالیت‌های گوناگون اقتصادی در انطباق با شرایط مناسب طبیعی، اقلیمی و اجتماعی از طریق پیوند نیروهای داخل یا بازارهای بین‌المللی است.

در این صورت چگونگی برخورد و رفتار با اتباع بیگانه، به ویژه سرمایه‌گذارانی که مایل به فعالیت در این مناطق هستند و یا جهانگردانی که برای خرید یا تفریح به مناطق آزاد می‌آیند می‌تواند الگوی مناسب یا بازدارنده در جهت همکاری‌های بین‌المللی در مجموع کشور تلقی شود. آزادی فعالیت در این مناطق در سطح قابل پذیرش و منطبق بر باورها و فرهنگ حاکم بر مناطق آزاد برای اتباع بیگانه ویژگی اصلی این گونه مناطق به شمار می‌رود. بنابراین هرگونه دخالت یا ایجاد محدودیت ناشی از برنامه‌های اقتصادی دولت و تصمیم‌گیری‌های عوامل خارج از منطقه که بر وضعیت فعالیت‌های آزاد اتباع خارجی تأثیر منفی بگذارد، سبب تردید و احتیاط، سرمایه‌گذاران و جهانگردان شده و اساس طرح ریزی‌های منطقه آزاد را به زیر سؤال می‌برد. نکته مهم آن که اگر شرایط برای تأمین فضای یاد شده که شیوه زندگی اتباع خارجی را نیز شامل می‌شود، فراهم نباشد انتظار گسترش فعالیت‌های صنعتی- تجاری در منطقه آزاد معقول نخواهد بود. از شرایط فرهنگی لازم برای موفقیت مناطق آزاد در حوزه وفاق فرهنگی متبلور می‌شود. وجود سیستم خردی چون یک منطقه آزاد باید مورد توافق اجتماعی مردم سرزمین اصلی، چه نخبگان و چه توده آنها باشد.

برای رسیدن به چنین توافقی چندین شرط لازم است. بیش از هر چیز، باید نزد نخبگان درباره لزوم ایجاد چنین مقاطعی توافق وجود داشته باشد. رسیدن به این توافق از راه تشریح کارکرد و مکانیسم‌های چنین منطقه‌ای و هم چنین با تدوین دقیق اهداف آن میسر است، و زمانی که به یک تدوین قانونی دست بیابیم قاعدتاً باید به چنین توافقی نیز رسیده باشیم. در حوزه توده مردم، پیش از آنکه مسأله لزوم چنین مناطقی مطرح باشد چگونگی کارکرد و مکانیسم درونی آنها و همچنین ضرورت تفکیک میان سیستم کلان و سیستم خرد باید درک شود. در این مرحله عنصر فرهنگی و به ویژه تحقیق اجتماعی، می‌تواند نقشی مثبت و بسیار فعال ایفا کند و از طریق ارائه یک الگوی فرهنگی ویژه، بی آنکه این الگو لزوماً در تضاد با الگوی فرهنگی سیستم کلان قرار بگیرد در ایجاد توافق اجتماعی نسبت به درونی مناطق آزاد مؤثر بیفتد.

### ترکیب اجتماعی و فرایند تحول

گروه‌های اجتماعی تشکیل دهنده جمعیت در مناطق آزاد بطور کلی عبارتند از: جمعیت محلی، مهاجران، جهانگردان داخلی (ایرانگردان)، جهانگردان خارجی و بازرگانان. هریک از این گروه‌ها دارای روند تحول خاصی هستند. پرداختن به مسائل جمعیت بومی و مهاجران به منطقه آزاد از موضوع بحث این مقاله خارج است، لذا بطور اختصار به مسائل گروه‌های توریستی و جهانگردان داخلی و خارجی می‌پردازیم. جزیره کیش به دلیل سابقه بیشتر و رشد زیربناهای مناسب توریسم در چند دهه گذشته، بی شک با مناطق آزاد دیگر ایران فاصله بسیار زیادی دارد. مناطق دیگر نیز می‌توانند با ایجاد زیربناهای لازم و به دلیل هماهنگی فرهنگی با جهانگردان داخلی (ایرانگردان)، به مناطق جذب توریسم زمستانی تبدیل شوند. در مورد خاص کیش باید توجه داشت که رشد نوعی «توریسم تجاری» در مقیاس کوچک یعنی گروه‌های رو به افزایش کسانی که برای خرید کالاهای لوکس و نیمه لوکس به بهای ارزانتر و فروش آن در سرزمین اصلی، روانه این جزیره می‌شوند، گرایش منفی است که می‌تواند کارکرد مناطق آزاد را به سرعت از سکوه‌های پرتاب افزایش صادرات، به کانال‌های جدید ورود کالاهای لوکس به صورت مجاز و غیر مجاز تبدیل کند. گروه دیگری که در مناطق آزاد به آن برمی‌خوریم، جهانگردان خارجی هستند. درباره این گروه در مناطق آزاد تقریباً با همان مشکلات و مسائلی روبرو هستیم که در کل کشور. بطور کلی با توجه به مشکلات پس از دوران جنگ و لزوم بازسازی و همچنین به دلیل ویژگی‌های فرهنگی و ارزش‌های مقدس حاکم بر جامعه، در حال حاضر کشور آمادگی لازم برای پذیرایی از توریسم تفریحی را ندارد. آنچه اغلب مطرح می‌شود توریسم یا جهانگردی فرهنگی است، با توانایی جذب واقعی، اما محدود که موانع بوروکراتیک و سخت گیریه‌های غیر مسئولانه می‌تواند ضربه سختی به آن وارد کند. از این

گذشته جهانگردان فرهنگی بصورت طبیعی جذب نقاط سنتی، اماکن تاریخی و باستانی می‌شوند. در نتیجه مناطق آزاد از این لحاظ با موانع جدی روبرو هستند. با این همه منطقه آزاد کیش به دلیل قابلیت‌های طبیعی می‌تواند در صورت برنامه‌ریزی صحیح، از جمله ایجاد امکانات رفاهی مناسب، پذیرای گروه‌هایی از جهانگردان تفریحی نیز باشد. دگرگونی و توسعه امکانات رفاهی و پذیرایی که در سال‌های اخیر در جزیره کیش شاهد آن هستیم می‌تواند شرایط لازم را برای جذب جهانگردان پیرامون کشورمان را فراهم آورد. البته باید توجه داشت که در چند سال گذشته بیش از ۳۰ درصد از جهانگردان وارد شده به ایران از دو منطقه خاورمیانه و قفقاز و ۳۵ درصد از آسیای جنوب شرقی بوده‌اند. در حال حاضر جز در مورد کیش و تا اندازه‌ای قشم، اقدام مؤثر و چشمگیری در این زمینه انجام گرفته است. گروه دیگری که در ترکیب اجتماعی مناطق آزاد نقش نسبتاً زیادی در موفقیت آن مناطق دارند، بازرگانان اعم از ایرانی یا خارجی هستند. اگر تدابیری مانند تضمین‌های حقوقی و ثبات قانونی و همچنین زیربنای تسهیلات مالی، ارتباطی بتوانند مشکلات موجود را از سر راه امنیت سرمایه‌گذاری بردارند، موانع فرهنگی در این حوزه نسبت به سایر موارد نقش بسیار کمتری ایفا می‌کنند. گروه‌های زیر می‌توانند در اولویت جذب قرار گیرند:

- ۱- سرمایه‌گذاران ایرانی مقیم داخل کشور.
  - ۲- سرمایه‌گذاران ایرانی مقیم خارج از کشور.
  - ۳- سرمایه‌گذاران خارجی کشورهایی با قرابت فرهنگی نسبت به ایران.
  - ۴- سرمایه‌گذاران خارجی با فرهنگ‌های نامتجانس و دور از ایران.
- با اینکه از تصویب قانون چگونگی اداره مناطق آزاد (۷۲/۶/۲۱) بیش از چهار سال نمی‌گذرد و هنوز فرصت زیادی باقی است تا راه کارهای مناسب یافت و توسعه‌ی پایداری را برای این مناطق ممکن و یا لاقلاً محتمل گرداند. چند خط اصلی می‌توانند محورهای فرهنگی این راه کارها را مشخص کنند:
- ۱- شناساندن کارکرد و رسالت واقعی چنین مناطقی به مردم، از طریق آگاه ساختن آنها به وضعیت، چگونگی اداره و نتایج مثبت و ثمرات کوتاه، میان و دراز مدت فعالیت مناطق مشابه در سایر کشورها.
  - ۲- آگاه‌سازی مسئولان و مدیران کشور، بویژه در حوزه‌های درگیر با این مناطق نظیر گمرک، با مکانیسم طبیعی اداره چنین مناطقی از طریق شفاف ساختن هر چه بیشتر ساختارها و عملکرد مناطق به منظور تأثیر‌گذاری بر روند تثبیت قوانین و ضوابط و تضمین اجرای درست و پایدار آنها.
  - ۳- افزایش پیوندها و فرایند تأثیر‌گذاری مثبت بر پیرامون نزدیک، بکارگیری نیروی کار بومی و تقویت و آموزش نیرو برای ایجاد یک حوزه حمایت طبیعی از توسعه مناطق.

۴- ایجاد جاذبه‌های توریستی - بازرگانی با تأکید و اولویت دادن به فرهنگ‌های متجانس و نزدیک به فرهنگ کشور، و در عین حال تلاش برای ایجاد یک الگوی فرهنگی خاص این مناطق که با الگوی عمومی کشور تضادی نداشته باشد، بلکه نکات مثبت آن را به حداکثر و نکات احتمالاً منفی را به حداقل برساند.

### نیتجه گیری و پیشنهادات

امروز جهان پر از شگفتی‌ها و جاذبه‌هاست و کشورها با فرهنگ‌ها و آداب و رسوم متفاوت و ابنیه تاریخی و باستانی گوناگون و جاذبه‌های توریستی متنوع، مردم کشورهای دیگر و مناطق همجوار را به میهمانی و ایجاد رابطه فرا می‌خوانند. صنعت جهانگردی این رابطه را تسهیل و تحکیم می‌بخشد. به این جهت گفته می‌شود جهانگردی پلی است بین کشورها و فرهنگها و پیوند دهنده انسانها و ملتها با یکدیگر.

به بیانی دیگر جهانگردی موجب اشتغال زائی و رونق تجارت و درآمد زائی است. صنعت جهانگردی انسان را با فرهنگ، سیاست، تکنیک، و طبیعت‌های جدید و متنوع آشنا می‌سازد و دوستی و صلح بین اقوام و ملتها و به تبع آن کشورها را به ارمغان می‌آورد و موجب ارتقاء دانش و آگاهی جهانگردی می‌گردد. (احتمالاً یکی از دلایل تأکید دین مبین اسلام و قرآن مجید به سیر و سفر نیز همین امر است.)

اینک پیشنهاداتی که به نظر نویسنده مقاله متمر ثمر به نظر رسیده بشرح ذیل ارائه می‌گردند.

- ۱- دبیرکل سازمان جهانی توریسم (W.T.O) اعلام کرده است: «صنعت توریسم با تولید ۶۶۰ میلیون توریست در سال ۲۰۰۰ به عظیم ترین صنعت آغاز قرن ۲۱ تبدیل خواهد شد.» (۱)
- اگر بخواهیم سهم خود را از این صنعت عظیم افزایش دهیم باید با شناخت موانع رشد این صنعت در بخش‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی - اقتصادی، سیاسی و و احیاناً مسائل فقهی مربوط به جهانگردی از برنامه‌ریزی دقیق و اصولی غفلت نوزم. این مهم نیازمند اشتراک مساعی همه نهادها و دست اندرکاران اجرائی و سیاستگذاری امر جهانگردی و ایرانگردی را بیش از پیش طلب می‌کند.
- ۲- امروزه سرمایه گذاری برای تربیت و آموزش نیروی انسانی و داشتن پژوهشگران و محققان در تمامی رشته‌های مورد نیاز کشور به عنوان یکی از شاخص‌های عمده رشد و توسعه محسوب می‌گردد. این موضوع در باب آموزش نیروی انسانی در بخش جهانگردی نیز صادق است و اگر قصد داریم در سالهای آتی صنعت جهانگردی را در کشورمان فعالتر کنیم باید به تربیت نیروی انسانی مورد نیاز پردازیم.

۳- در طرح جامع کیش، بخش توریسم به عنوان کارکرد خاص منطقه آزاد کیش مورد توجه قرار گرفته است. (۲) از آنجائیکه از اهداف اصلی ایجاد مناطق آزاد، توسعه اقتصادی از طریق تولید و افزایش صادرات کالا ذکر می‌شود، نباید فعالیتهای جانبی به دستیابی این هدف مهم و اولیه لطمه وارد کرد و آنرا تحت الشعاع قرار دهد.

۴- تولید کالا و تجارت خود از عوامل مهم جذب جهانگرد است. به عنوان گواه این ادعا می‌توان از سنگاپور، هنگ کنگ، کره و ژاپن نام برد. لذا با اولویت دادن به بخش صنعت و تولید و با عنایت به پتانسیل‌های طبیعی، بخودی خود بخشی از جهانگردان جذب مناطق آزاد خواهند شد.

۵- تأثیرپذیری جهانگردان فقط از طریق مشاهده مناظر طبیعی و میراث فرهنگی کشور و منطقه میزبان میسر نیست، بلکه برخورد آحاد ملت اعم از افراد بومی و کسانی که با جهانگرد برخورد مستقیم دارند، تأثیر بسزایی در تعامل فرهنگی و معرفی ارزشهای حاکم بر کشور میزبان دارد. لذا پیشنهاد می‌شود به مردم مناطقی که جهانگردان از آنها دیدن می‌کنند اهمیت و چگونگی برخورد با میهمانان داخلی و خارجی را متذکر شد.

۶- به طور عمده گردشگران داخلی و بعضاً جهانگردان خارجی شهرهای شمالی کشور را برای استراحت بر می‌گزینند و یا از آثار تاریخی و فرهنگی استانهای نظیر اصفهان و شیراز دیدن می‌کنند و از جاذبه و امکانات موجود در جنوب کشور و مناطق آزاد، بخصوص جزیره کیش، بی اطلاع هستند (البته در مورد گردشگران داخلی، بعد مسافت و هزینه‌های ایاب و ذهاب و هتل‌ها مزید بر علت است). پیشنهاد می‌شود بروشور و جزوات معرفی مناطقی مثل کیش در خارج از کشور در دفاتر هواپیمائی و نمایندگیهای سیاسی و فرهنگی (سفارتخانه‌ها و خانه‌های فرهنگ) در معرض دید و دسترس خارجیان و ایرانیان مقیم خارج از کشور قرار داده شود. ایجاد بانک اطلاعات توریستی و انجام خدمات اطلاع‌رسانی نقش زیادی در جذب توریست دارد.

البته تبلیغات در خارج از کشور باید متناسب با خواسته‌ها و نیازهای جهانگردان طراحی و انجام پذیرد. برای ساکنان کشورهای سرسبز و با مناظر طبیعی غنی، تبلیغ اقامت در شهرهای شما ایران جذابیت زیادی نخواهد داشت.

۷- قطعاً جهانگردان داخلی و خارجی دارای وضعیت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی متفاوت هستند که تفریحات و برنامه‌های فرهنگی و بازدید اماکن دینی یکسان و یکنواخت نظر همه آنها را بخود جلب نخواهد کرد، تنوع در جاذبه‌ها و برنامه‌های تفریحی - فرهنگی باعث جذب جهانگردان بیشتر خواهد شد.

۸- برنامه‌ریزی فرهنگی در مناطق مورد بازدید جهانگردان اعم از داخلی و خارجی (بخصوص جزیره کیش و مناطق آزاد دیگر) باید به گونه‌ای باشد که آثار مثبت آن نمود و بروز بیشتری داشته باشد و



از طرفی از لحاظ برخورد با افراد خلافکار و خاطی بنوعی عمل کرد که مسافری و گردشگران بی بند و بار احساس امنیت نکنند و فرصتی برای اعمال خلاف خود پیدا نکنند. البته این به معنی سخت گیری و سلب آزادی و آسایش گردشگران نیست بلکه فراهم آوردن زمینه‌ای است که برای افراد نایاب و هززه محیط امنی ایجاد نشود و خانواده‌ها بتوانند در طول اقامت خود با خیال راحت و آرامش خاطر به گشت و گذار بپردازند.

۹- کشورهای مختلف دنیا به عنوان یک صنعت درآمد زا و توسعه آفرین به جهانگردی ارج نهاده و در ترویج و گسترش آن تلاش می‌کنند. کشورهای پیشرفته از جاذبه‌های صنعتی مصنوع بشر و کشورهای در حال توسعه با بهره گیری از جاذبه‌های طبیعی و میراث فرهنگی تلاش می‌کنند تا از این صنعت منتفع گردند. در این میان منطقه آزاد کیش می‌تواند با پیشینه‌ای تاریخی و ویژگی‌های طبیعی و امکانات تفریحی و سیاحتی نظیر قایقرانی، ماهیگیری، غواصی، دوچرخه سواری، پرواز با گلایدر، آکواریم و نظایر آن، با استفاده از تکنولوژی جدید موجود در کشورهای پیشرفته و با ایجاد امکانات تفریحی- ورزشی مثل شهرسازی با تجهیزات و لوازم جدید جهت استفاده گروه‌های سنی مختلف به جاذبه‌های توریستی تنوع بخشد.

۱۰- به نظر می‌رسد اقدام به موارد ذیل به رشد و گسترش جهانگردی چه در مناطق آزاد و چه در شهرهای دیگر کشور که جاذبه‌های توریستی دارند مفید به فایده خواهد بود. تشکیل کمیته‌ای جهت بررسی و یافتن موانع جهانگردی- کاهش تشریفات اخذ روادید در خارج از کشور- حمایت از بخش خصوصی و سود آور کردن صنعت جهانگردی- صدور مجوزهای لازم جهت وارد کردن تجهیزات از جمله وسایل مورد نیاز هتلها- توجه بیشتر به تبلیغات در داخل و خارج کشور- ایجاد مراکز آموزشی و تأسیس بانک اطلاعات و آمار جهانگردی برای گسترش فرهنگ گردشگری- تأمین امنیت و آسایش گردشگران در شهرها و اماکن توریستی.

## منابع

- سازمان برنامه و بودجه استان هرمزگان «سیمای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان هرمزگان»، آبانماه ۱۳۷۳.
- مجله صنعت حمل و نقل، شماره ۱۵۴، آذرماه ۱۳۷۵.
- مجله اقتصادی، نشریه داخلی معاونت امور اقتصادی و دارایی، ش ۶، دی ماه ۱۳۷۵.
- سازمان، نشریه داخلی سازمان سیاحتی و مراکز تفریحی بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، شماره ۱۱.
- مهدی الوانی و زهره دهدشتی شاهرخ، اصول و مبانی جهانگردی، معاونت اقتصادی و برنامه‌ریزی بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، بهمن ماه ۱۳۷۳.
- روزنامه همشهری، ۷۳/۶/۱۵.
- نگاهی به ایرانگردی و جهانگردی، نشریه بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، شماره ۲۲.
- مناطق آزاد، ماهنامه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نشریه مناطق آزاد تجاری - صنعتی، شماره ۸۰، بهمن ماه ۱۳۷۶.

## **Consequences of marine-oceanic plastic waste accumulation on cellular and/or organismal level(s)**

*Mehran Safaie<sup>1</sup>*

### **Abstract**

This paper is to determine of consequences of marine-oceanic plastic accumulation on cellular and organismal level(s). The land- based sources account for nearly 80 percent of the world's marine-oceanic pollution and 60 to 95 percent of the waste is made of plastic. Ultimately, the most of the plastic waste in the world ends up at sea. By the assistance of oceanic whirling currents, the plastic litter compiles over time at the middle of main ocean vortices forming named garbage patches. In the ocean and sea, some plastic pieces fill the stomach and cause suffocation of birds and turtles. It can also lead to starvation and potentially death of animals. Tiny plastic pieces absorb hydrophobic pollutants such as polychlorinated biphenyls (PCBs) and a degraded form of the pesticide DDT (DDE) with a concentration factor of almost 1 million times being compared to the overall concentration of the chemicals in seawater. Novel local legislations as well as international programs, with clear frames and enforcement measures, are currently being presented and suggested worldwide and some may need ratification by many countries to decline plastic pollution in sea and ocean. Media can also play a key role to enhance public awareness of the adverse effects of plastic pollution on marine life and human health.

**Key words:** Plastic waste, Accumulation, Ocean, Marine life, cellular level, Pollutants

---

1 -Assistant Professor of Iranian National Institute for Oceanography, Iranian National Institute for Oceanography, safa2mehr@yahoo.ca

**A New Approach to Climate Tourism Studies  
(Case Study: Beaches in Southern Iran)**

*Mohammad Saeed Najafi<sup>1</sup>, Parisa Sha'bani<sup>2</sup>*

**Abstract**

Knowing the climate conditions is one of the most important sources needed for tourism. On the other hand, recognizing the properties of every single of the regions from the climate-tourism conditions viewpoint is so difficult and time-consuming. Therefore, using the new classification methods is essential. One of the common methods of classification is clustering analysis, which has many applications in the climate studies. Another method used to interpolating is discriminate analysis. in order to present a new approach to tourism climate studies., this study used 5 indices including PET, PPD, TSENS, PMV and TCI and also monthly data from synoptic stations of beaches in Southern Iran during the statistical period between 1989 and 2008, as well as cluster and discriminate analysis. The results show that there have 4 climate-tourism regions in study area. As well as the results of discriminate analysis show that agreement with clustering analysis in 98 percent.

Key Words: Tourism, Climate, Clustering Analysis, Discriminate analysis.

---

1- Chief Author: Climatology (MA), Geography Department of Tehran University.  
M.s.najafi@ut.ac.ir

2- MA student in Tourism Planning, Mazandaran University.

**A Study on the Effects of Globalization on the Political Culture of the  
Persian Gulf Region's women  
(case study: Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia)**

*Elham Pahlavani<sup>1</sup>, Mahmud Golestani<sup>2</sup>,*

**Abstract**

Notion of women and men equality as a universal concept, have different effects in different areas of society, including issues have left certain political culture that globalization has a significant impact. Among communities and countries that have been affected by this phenomenon, Countries of the Persian Gulf. Given that the political culture is a major challenge in the field of politics, this article seeks to explain the impact of globalization on women's political culture in the Persian Gulf states, including Iran and Saudi Arabia, with regard to the claim that Western human rights paper, In this paper, we intend to women's political culture in the two countries to explore.

According to Peter Taylor, who believes that global patterns, patterns affecting local and regional causes and patterns, are consistent with global developments, This is shown by the impact of globalization on aspects of political culture, political culture, women have passive mode and only incidental to the conduct of participatory political culture However, depending on the changes in society and traditional Arabian slowed But that seems to affect global climate and access to communication tools in the world These changes occur more rapidly in the realm of politics and political culture in the formation of a partnership to be all women

**Key words:** globalization, global feminism, political culture, the idea of Peter Taylor.

---

1- Chief Author: Political Sciences (MA), Islamic Azad University of Mashhad, Teacher at Seman Sceintific Applied Comprehensive University & Payam-e-Nur university of Mahdishahr, pahlevani.e22@gmail.com

2- International Law (MA), Islamic Azad University of Damghan, Teacher at Seman Scientific Applied Comprehensive University & Payam-e-Nur University of Mahdishahr, Golestani.m22@gmail.com

## Surveying and determining marine tourism tours and routes in Persian Gulf islands

*H.oroji<sup>1</sup>, Dr. K. Ziyar<sup>2</sup>, F.Tavafti<sup>3</sup>, N.Shokravi<sup>4</sup>, M.Alizadeh<sup>5</sup>, Sh.Badiei<sup>6</sup>*

### Abstract

One of the most significant current discussions in tourism is marine tourism. A package of recreation and visiting marine attractions in marine environment called marine tourism. The past decade has seen rapid developments in marine tourism, however far too little attention has been paid to Persian gulf marine tourism despite its vast historical and natural attractions. The aim of this paper is to nominate the best marine route in the area among Hormozgan state islands on the bases of standard criteria for marine tourism. The criteria are length of the route, distance between attractions, economic capacity and touristic attractions in the islands, closeness of the route to the islands, scatterings of marine attractions, marine dangers, distance to biomass marine and viewshed. The information of the area has been prepared on the bases of 8 criteria by importing the data to ARCGIS software. Three routes including: three, one-day trip routes, one three-day trip route between islands and a three-day trip route in to the sea has been determined. Analysis showed that one-day tours origins and destinations are Qeshm, Kish and Hendorabi islands and Three-day tours origins and destinations are Qeshm and Kish. The result shows most of the islands are not taking part in marine tours because of not having enough economical power.

**Key words:** marine tourism, tourism routes, Persian gulf islands.

---

1- M.S planning tourism in Tehran university an Phd, student in Geography and Rural Planning, University of Kharazmi, Hassan.oroji@yahoo.com

2- Geography Professor of the Geography Department of Tehran University

3- MSc in planning tourism, University of Tehran

4- M.S, student planning tourism, University of KHarazmi.

5- MSe, student in Geography and Tourism Planning, University of Tehran

6- student of governmental management in Payam nour Khalkhal university

**The Role of Tourism in Economic Development, job creation and  
cleansing deprivation in the Coasts and Islands of the Persian Gulf  
(case study: Qeshm Free zone)**

*Nrgues Shalchian<sup>1</sup>*

**Abstract**

**Introduction:** In the article 1 of the Free zones law it is noted that the goals of foundations of these zones are economic development, job creation and increased public revenues.

**Research objectives:** Research goals include: understanding geographical diversification of natural, economic, cultural, historical, Qeshm Free Zone, identification the positive and negative points of the tourism industry, to determine putative relationship between tourism development and job creation, recognizing the importance of tourism resources and incentives to promote entrepreneurship in the tourism industry and the potential to deliver the resource and its potential.

**Materials and Methods:** This research method is mainly based on a library of articles, documents, applications development, expert authorities and relevant information and data sources are investigated.

**Findings and conclusions:** Qeshm Free Zone blessed with natural resources, tourism attractions, and strategic location has excellent infrastructure investments needed to achieve sustainable development and tourism development capacity. These capacities are mainly due to in the island's position in the attractive and unique ecosystems and ecological potential, impressive capabilities and talented human development, duty-free facilities, transit and transportation development, comprehensive social welfare, increasing transportation and transit capacities, crafts and modern development, a welfare service capacities, a commercial complex-recreation, development of centers of economic development and infrastructure projects, such as massive facility opportunities of Shahid Rajai port, underground reserves (oil and gas) and mines, located in the strategic Strait of Hormuz, having transited north-south corridor.

**Key words:** Qeshm Free Zone, Employment, poverty elimination.

---

1- Chief Author: PhD student of Islam History, Tehran University, shalchia2000n@yahoo.com

**Effect of typical areas of tourism on the eradication of poverty from  
the perspective of local communities  
(Case study: Myrmohana island in the Persian gulf)**

*Shervin Mostaghaci<sup>1</sup>, Hamid Nazari Sarmazeh<sup>2</sup>, Maryam Aji<sup>3</sup>*

**Abstract**

Tourism is one of the largest and most complex in the world industry. Variation in the size and complexity of the tourism industry, according to geographical areas, special areas for planning and management of tourism demand. Great potential for tourism development in areas that have potential, but have not a good trend, we will seek to elements that will accelerate the movement of tourist flow. On this basis, the paper reviews the status of regional tourism for local communities is deprivation of view, to develop a collaborative approach to tourism and increase local employment. Research methods, descriptive - analytical and based on documents and library and information studies field. The case study includes a sample area of tourist Myrmohana island. Data and information by different ways go to organizations and related facilities, and review and questionnaire survey were collected, using participatory appraisal techniques (PRA) functionality and capabilities in the areas of employment and consequently Myrmohana island deprivation measured and evaluated. Components of the seven main groups and 48 subgroups based on the expected tourism to the island Myrmohana gritty port area based deprivation score (importance), the CPM components, were assessed average capacity in the region and. The results show that, due to the geographical features and capacity assessment indicating CPM defeat in the tourism sector and supply chain orientation is based on the model.

**Key words:** tourism area, deprivation, Myrmohana island, PRA.

---

1- Msc geography and tourism planning Isfahan university, urbanplanning87@yahoo.com

2- Msc geography and rural planning Isfahan university, hamidns67@yahoo.com

3- Bsc geography and urban planning Yazd university, aji556@yahoo.com



## Contents

<b>Effect of typical areas of tourism on the eradication of poverty from the perspective of local communities(Case study: Myrmohanaisland in the Persian gulf)/ ShervinMostaghaci, Hamid NazariSarmazeh, Maryam Aji.....</b>	<b>1</b>
<b>The role of tourism in economic development, employment and Jzayrkhlyj Vmhrvmytzdayy Drsvahl Gulf(Case Study: Qeshm)/ Narges Shalchyan rabe.....</b>	<b>2</b>
<b>Surveying and determining marin tourism tours and routes in Persian Gulf islands/ H.oroji, K. Ziari, F.Tavafti, N.Shokravi, M.Alizadeh, Sh.Badiei .....</b>	<b>3</b>
<b>A Stydy on the Effects of Globalization on the Political Culture of the Persian Gulf Region's women (case study: Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia)/ Elham Pahlevani, Mahmud Golestani .....</b>	<b>4</b>
<b>A New Approach to Climate Tourism Studies (Case Study: Beaches in Southern Iran)/ Mohammad Saeed Najafi., Parisa Shabani. ....</b>	<b>5</b>
<b>Consequences of marine-oceanic plastic waste accumulation on cellular and/or organismal level(s)/ Mehran Safaie .....</b>	<b>6</b>

### **Chairs of this Volume**

- Dr. Saeed pourali
- Dr. Ali Ashraf Nazari
- Dr. yousef ashrafi
- Dr. Vahid Kiyani
- Dr. Hasanali Ahmadi Fesharaki
- Dr. Shahrod Amientekhabi
- Dr. Esmael Shirali
- Rahim Yaghoubzadeh
- Dr Hamid Saber Farzam
- Sadra Amooee
- Mohamad Hosein Janbabanejad

**In The Name Of God** *In The Name Of God*

**The Persian Gulf Political-Cultural Studies Journal**

No 8 . July – September 2016

ISSN 2423-3587

**Concessionaire:** Academic Center for Education, Culture and Research(ACECR)

**Managing Director:** Rahim Yaghoubzadeh

**Editor in Chief:** Dr. Saeed Pouri

**Executive Manager:** Mohamad Hosein Janbabanejad

**Editor:** Sadra Amooee

**English Editor:** Zohreh Zolfaqari

**Layout & Art Designing:** Zinab yousefi

**Editorial Board**

Dr. Hamid Ahmadi (University of Tehran)

Dr. Mohamadreza Rezvani (University of Tehran)

Dr. Seyed Saeed Hashemi (University of science and culture)

Dr. Seyed Reza Salehi Amiri (Islamic Azad University)

Dr. Ebrahim Hajiyani (University of Shahed)

Dr. Hamid Zargham Borujeni (Allameh Tabatab'ei University)

Dr. Gholam Heydar Ebrahimbay Salami (University of Tehran)

Dr. Mohamad Hosein Imani Khoshkhu (University of science and culture)

Dr. Nasrollah Pourmohamadi Amleshi (Imam Khomeini International University)

Dr. Saeed Pouri (ACECR)

Dr. Ali Akbar Hashemi Rad (University of science and culture)

Dr. Manouchehr Jahaniyan (University of science and culture)

Rahim Yaghoubzadeh (University of Tehran)

Dr. Mohammad Reza Pourabedi (ACECR)

Dr. Heydar Janalizadeh Chubasti (University of Mazandaran)

Dr. Shahrod Amientekhabi (Institute of Higher Education, Science - Applied Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization)

**Address:** No. 72, Second Floor, Shohaday e Zhandarmeri St.,

Fakhr e Razi Ave., Enghelab e Islami Ave., Tehran-Iran

Phone: +98 21 66491136, +98 21 66491222, Fax: +98 21 66491586

Web Site: WWW.ISTTA.IR E-Mail: persiangulf-journal@istta.ir



### خواننده گرامی

در صورت تمایل به مطالعه مداوم فصلنامه «مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس» فرم زیر را تکمیل و به نشانی دفتر فصلنامه واقع در تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۲، طبقه دوم، مرکز گردشگری علمی- فرهنگی دانشجویان ایران ارسال فرمائید.

اشتراک سالانه: ۲۴۰۰۰۰ ریال

تک شماره: ۶۰۰۰۰ ریال

---

### برگ درخواست اشتراک

لطفاً نام این سازمان / اینجانب..... را در فهرست مشترکان فصلنامه «مطالعات فرهنگی- سیاسی خلیج فارس» ثبت و از شماره..... تا..... سال..... تعداد..... نسخه فصلنامه به نشانی زیر ارسال فرمائید.  
نشانی و شماره تلفن:

.....  
.....  
.....  
.....  
.....

ضمناً مبلغ..... ریال حق اشتراک شماره‌های درخواستی به حساب جاری شماره ۰۱۰۴۸۳۰۸۲۰۰۰۳ بانک ملی شعبه فخر رازی واریز شده و رسید آن به پیوست ارسال می-شود.